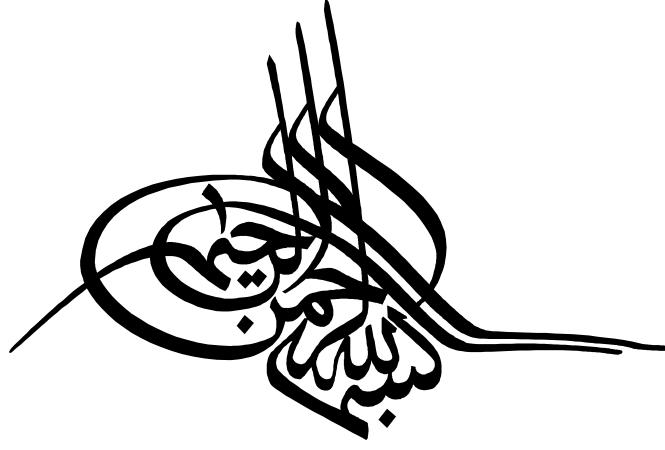




طرح منطقی کردن
نرخ سود تسهیلات بانکی
(مجموعه مقالات)

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

زمستان ۱۳۸۳

- عنوان: طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی (مجموعه مقالات)
- طراح جلد:
- ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳
- تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه	الف
۱. متن طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی	۱
۲. اختلاف بین سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی	۵
۳. دیدگاه‌های بانک مرکزی درباره طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی	۳۷
۴. پاسخ‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به منتقدان طرح	۵۱
۵. منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی	۶۱
۶. منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی بخش‌های	۷۱
۷. تحلیلی بر سیاست‌های پولی در ایران	۱۵۱
۸. مصاحبه با آقای دکتر داوود دانش جعفری رئیس کمیسیون اقتصادی	۲۱۱
۹. مصاحبه با جناب آقای دکتر غلامرضا مصباحی مقدم نماینده و عضو ناظر... ..	۲۱۵
۱۰. مصاحبه با دکتر احمد توکلی	۲۱۹
۱۱. بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره طرح‌های اقتصادی مجلس	۲۲۷

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده توسط شورای انقلاب، ملی شدن بانک‌ها و پس از آن اقدام مجلس در راستای تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا، تلاش برای دوری از عملیات ربوی تلقی می‌شود. مع‌ذلک در سال‌های اخیر یکی از دغدغه‌های مهم تولیدکنندگان و صنعتگران و کسانی که در این عرصه از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی بوده است. مقایسه بین سود بانکی در ایران و سایر کشورها، حکایت از فاصله بسیار زیاد و نوسانات شدید آن طی سال‌های گذشته دارد. نرخ رشد سپرده‌های مدت‌دار بعد از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا بیش از نرخ رشد نقدینگی بوده به نحوی که طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۲ حجم نقدینگی ۵۸ برابر و حجم سپرده‌های مدت‌دار ۸۶ برابر شده است. از سوی دیگر با توجه به میزان تورم و سود سپرده‌ها در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۲ به رغم افزایش ۴/۷ درصدی در میانگین وزنی میزان سود دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ نسبت به دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ و به‌دلیل افزایش

متوسط میزان تورم از ۱۸/۰۱ به ۲۲/۰۵ درصد، سپرده‌گذاران با زیان‌های بیش‌تری روبه‌رو شده‌اند.

این مسائل سبب شده تا تولیدکنندگان ایرانی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی از قدرت رقابت کم‌تری نسبت به رقبای خارجی خود برخوردار باشند. این امر در حالی است که سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای کاهش تعرفه‌های وارداتی و مواجهه تولیدکنندگان داخلی با ورود محصولات رقیب خارجی در کشور بوده است.

باتوجه به این‌که میزان سود واقعی بانک‌ها نسبت به سود سپرده‌های مدت‌دار (تفاوت نرخ سود پرداختی و نرخ تورم) طی ۲۰ سال گذشته تقریباً همیشه منفی بوده، ولی همه ساله میزان سپرده‌های مدت‌دار رشد کرده است. از سوی دیگر بانک‌ها امکان پاسخگویی به خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و... را دارا نیستند (البته شاید این ضعف بیش‌تر به ساختار تصمیم‌گیری و گردش کار باز گردد). به‌علاوه اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی، با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی به بیش از ده درصد می‌رسد که همین تفاوت باعث شده تا ناکارآمدی بانک‌ها از نظرها دور بماند. بر این اساس تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم، طرحی را به‌عنوان «منطقی کردن نرخ تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی)» طراحی و تقدیم مجلس نموده‌اند که یک فوریت آن هم به تصویب مجلس رسید.

اگرچه این طرح با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شده است و موافقان و مخالفان آن به طرح نقطه‌نظرات و نکات تحلیلی و استدلالی خود پرداخته‌اند ولی به‌نظر می‌رسد اصل مشکل کم‌تر محل اختلاف باشد؛ مشکلی که به سبب بالا بردن نرخ سود تسهیلات بانکی عمده‌تاً دامنگیر تولیدکنندگان و صنعتگران

کشور است.^۱ البته طراحان طرح بر این نکته تأکید داشته‌اند که کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی باید در یک پروسه زمانی رخ داده و در این فرصت هم دولت امکان افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های عملیات بانکی را با استفاده از شیوه‌های نوین بانکداری و اصلاح سیستم مدیریت و بهره‌وری فراهم سازد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پس از انتشار مجموعه مقالاتی پیرامون طرح مهار تورم، اینک دومین مجموعه خود را با عنوان «منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی» تقدیم می‌نماید.

امید است انتشار این مجموعه مقالات در جهت شفاف‌سازی فضای عمومی برای طرح نظرات کارشناسان، محققان و صاحب‌نظران مسائل اقتصادی و بانکی مفید واقع شود. مرکز پژوهش‌ها به هیچ وجه خود را مصون از خطا نمی‌داند؛ لذا از تمامی نظرات و انتقادات حول این مجموعه استقبال می‌نماید. امید است که با شهامت، شجاعت، تعهد صاحب‌نظران و ارائه نظرات آنان، مجلس شورای اسلامی در کمال شفافیت بتواند نسبت به هرگونه تصمیم‌گیری اقدام نموده و قدمی در جهت مصالح عمومی کشور و رفع مشکلات مردم بردارد.

از خدا خواهیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از لطف رب

۱. در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۵، ۴۰ نفر از رؤسای تشکلهای تولیدی و صنعتی از ۲۰ استان کشور به نمایندگی از اتحادیه‌ها، انجمن‌های تولیدی و خانه‌های صنعت و معدن سراسر کشور در یک نشست کارشناسی در مرکز پژوهش‌های مجلس شرکت نموده و نقطه نظرات خود را در این باره ارائه کردند. در این جلسه حاضران به نمایندگی از تولیدکنندگان و صنعتگران کشور حمایت قاطع خود را از طرح‌های مجلس شورای اسلامی برای حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری و به‌ویژه طرح کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی اعلام کرده و مصادیقی از غیراقتصادی شدن طرح‌های تولیدی با نرخ‌های موجود سود تسهیلات بانکی و نیز ورشکست شدن تعدادی از اعضای تشکلهای تولیدی کشور به اثر فشارهای وارده بر تولیدکنندگان را ارائه کردند.

متن طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی

مقدمه (دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد):

در سال‌های اخیر، یکی از عمده‌ترین گالیه‌های تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در ایران، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی بوده است. امروزه در اقتصاد جهانی عصر نرخ‌های بهره بانکی و تورم دو رقمی سپری شده و تولیدکنندگان در اغلب کشورهای جهان سوم و رقبای منطقه‌ای و جهانی کشورمان، با نرخ‌های سود تک رقمی وام می‌گیرند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. این مسأله باعث شده تا تولیدکنندگان ایرانی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی از قدرت رقابتی کم‌تری نسبت به رقبای خارجی خود برخوردار باشند.

شدت فشاری که تولیدکنندگان ایرانی از این بابت متحمل می‌شوند وقتی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم در سال‌های اخیر همه سیاست‌های اقتصادی کشور به سمت کاهش تعرفه‌های وارداتی و مواجهه تولیدکنندگان داخلی با ورود محصولات رقیب خارجی در بازار کشور بوده است.

مهم‌ترین استدلال مخالفان کاهش نرخ سود بانکی، بالا بودن نرخ تورم و نگرانی از فرار سپرده‌ها از بانک‌ها از یک سو و افزایش متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی و تشدید رانت دستیابی به تسهیلات به نسبت ارزان قیمت بانک‌ها بوده است.

این در حالی است که:

اولاً، تحقیقات موجود نشان می‌دهد با وجودی که میزان سود واقعی بانک‌ها به سپرده‌های مدت‌دار (تفاوت نرخ سود پرداختی و نرخ تورم)، طی ۲۰ سال گذشته، تقریباً همیشه منفی بوده است ولی هر سال میزان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها رشد کرده است و در نتیجه، میزان سپرده‌های بانکی در ایران، بیش‌تر تابعی از ریسک اندک و سود تضمین شده معاف از مالیات آن‌ها است تا نرخ سود بانکی.

ثانیاً، عدم توان بانک‌ها به پاسخگویی به خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، بیش‌تر به ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌های رسیده، پرداخت تسهیلات و نظارت بر مصرف صحیح آن‌ها در بانک‌های داخلی است که باید اصلاح شود و استدلال افزایش متقاضیان تسهیلات یا تشدید رانت برای دریافت‌کنندگان تسهیلات از بانک‌ها، برای مخالفت با کاهش نرخ سود بانکی، موجه و قابل قبول به نظر می‌رسد.

نکته دیگر در همین باره اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور است. این رقم که در ایران به بیش‌تر از ده درصد می‌رسد، باعث شده تا ناکارآمدی بانک‌ها از نظرها پنهان مانده و سود حاصله بانک‌ها از مابه‌التفاوت تسهیلات دریافتی و پرداختی صرف هزینه‌های نه چندان ضروری (مانند خرید ساختمان‌های متعدد یا لوکس‌سازی شعب ادارات بانک‌ها) شود.

به منظور اقتصادی شدن طرح‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از اجرای

طرح‌های تولیدی در کشور، طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی با قید یک فوریت تقدیم می‌شود.

موضوع طرح

ماده واحده - دولت موظف است طی دوره زمانی ۱۸ ماهه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی (اعم از بانک‌های دولتی یا خصوصی) اقدام کند به نحوی که در خاتمه مدت ۴/۵٪ از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود.

تبصره ۱ - به منظور متعادل نمودن نرخ تورم متناسب با نرخ سود تسهیلات با هدف حمایت از سیاست فوق دولت موظف است با اصلاح نظام بودجه‌ریزی طی دو سال هم‌زمان با اجرای ماده واحده مزبور مبلغ ۲۰۰۰۰ میلیارد ریال از کسری بودجه را با حذف ردیف‌های زائد از قانون بودجه سالانه بکاهد.

تبصره ۲ - دولت موظف است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام بانکی به نحوی اقدام کند که برای ۱۸ ماهه دوم پس از اجرای ماده واحده فوق امکان کاهش نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده به طور متوسط تا ۴٪ فراهم شود.

تبصره ۳ - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است هر سه ماه یک بار گزارش مربوط به نحوه اجرای این قانون را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند.

صفحه سفید

اختلاف بین سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی*

(پژوهش پشتوانه طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی)

بالا بودن Spread^۱ بانکی چالشی در مقابل سیستم بانکی

به رغم آن‌که میزان سود مؤثر واقعی طی سال‌های گذشته در کشور منفی بوده اما ملاحظه می‌شود که نرخ رشد سپرده‌های مدت‌دار بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا بیش‌تر از نرخ رشد نقدینگی بوده است به طوری‌که طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۴ حجم نقدینگی ۵۸ برابر و حجم سپرده‌های مدت‌دار ۸۶ برابر شده است که این نشانگر اقبال عموم مردم نسبت به سپرده‌های بانکی است که لزوماً متأثر از میزان سود پرداختی نبوده است. در واقع سایر عوامل از قبیل کاهش ریسک، برخورداری از معافیت مالیاتی، امنیت سرمایه‌گذاری و دریافت سود به صورت ماهانه نیز در رفتار سپرده‌گذاران مؤثر بوده است. (جداول ۱ و ۲).

*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اختلاف بین سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی، شهریور

۱۳۸۳، شماره مسلسل ۷۰۸۷.

۱. تفاوت بین سود سپرده‌ها و سود تسهیلات بانکی.

از سوی دیگر با توجه به میزان تورم و سود سپرده‌ها در طول سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۰ مشاهده می‌شود که به رغم افزایش ۴/۷ درصدی در میانگین وزنی میزان سود در دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۰ نسبت به دوره ۱۳۶۹-۱۳۶۰ به دلیل افزایش متوسط میزان تورم از ۱۸/۰۱ به ۲۲/۰۵ درصد، سپرده‌گذاران با زیان بیش‌تری مواجه شده‌اند. (جدول ۳).

تفاوت بین میزان سود دریافتی بابت تسهیلات اعطایی از یکسو و سود پرداختی به سپرده‌های بانکی از سوی دیگر که در اصطلاح Spread بانکی نامیده می‌شود به نوعی افزایش این تفاوت می‌تواند نشانگر عدم کارایی بانک‌ها در استفاده بهینه از منابع موجود باشد. به دیگر سخن هرچه تفاوت میان میزان دریافتی و پرداختی بیش‌تر باشد، سهم بانک‌ها از سود به دست آمده به بهای پرداخت سود کم‌تر به سپرده‌گذاران، بالاتر و هزینه‌های عملیاتی و تخصیص منابع بانکی غیربهینه خواهد بود.

میزان Spread بانکی فقط با احتساب سپرده‌های مدت‌دار در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۳ به طور متوسط معادل ۴/۶۷ درصد بوده است. اما واقعیت آن است که حجم قابل ملاحظه‌ای از کل سپرده‌های بخش خصوصی مربوط به سپرده‌های دیداری، قرض‌الحسنه و متفرقه است که بانک‌ها هیچ‌گونه سودی برای تجهیز آن‌ها نمی‌پردازند؛ این در حالی است که بانک‌ها از این سپرده‌ها استفاده می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد لحاظ این‌گونه سپرده‌ها جهت محاسبه Spread واقعی ضروری است اما از آنجایی که بانک‌ها معمولاً در قبال سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه تکالیفی برای پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه به عهده دارند لذا در حالت‌های دیگر میانگین وزنی میزان سود سپرده‌ها با احتساب سپرده‌های دیداری و متفرقه به صورت جداگانه مورد محاسبه قرار گرفته است. با احتساب سپرده‌های دیداری در محاسبه میانگین وزنی میزان سود با توجه به سهم بالای این سپرده‌ها در مجموع سپرده‌های بخش

خصوصی، نتایج محاسبات به کلی تغییر می‌کند و سبب می‌شود که متوسط Spread بانکی در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۳ از ۴/۶۷ درصد به ۱۰/۴۸ درصد و با احتساب سپرده‌های متفرقه به ۱۱/۰۴ درصد افزایش یابد (جداول ۴ الی ۸). جهت کاهش این تفاوت نرخ سود می‌باید عوامل مؤثر در بالا بردن آن را شناسایی کرد. به طور کلی در کشورهای در حال توسعه مهم‌ترین دلایل بالا بودن Spread عبارتند از:

- حجم بالای نقدینگی،
- بالا بودن سطح سپرده قانونی نزد بانک مرکزی،
- عدم وجود بیمه سپرده‌های بانکی،
- وجود هزینه‌های غیرمالی بالا،
- وجود نرخ‌های تورم بالا.

مهم‌ترین عوامل مؤثر در بالا بودن Spread در نظام بانکی ایران نیز به شرح ذیل است:

- هزینه‌های عملیاتی غیرضروری در بانک‌ها،
- ذخیره قانونی،
- سپرده‌های دولتی نزد بانک‌ها،
- اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی،
- نسبت سپرده‌های مدت‌دار به سپرده‌های دیداری،
- نرخ تورم،
- تسهیلات تکلیفی و اعتبارات بخش دولتی،
- اعمال محدودیت‌ها و سقف‌های اعتباری.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل بالا بودن Spread بانکی بالا بودن انتظارات بانک‌ها از سهم سود اکتسابی است که بر سپرده‌گذاران یا دریافت‌کنندگان تسهیلات اثر منفی می‌گذارد.

همین‌جا بر این نکته تأکید می‌شود که منظور به هیچ وجه کاهش میزان سود سپرده‌ها نیست، بلکه توصیه به کاهش Spread بانکی از طریق کاهش میزان سود تسهیلات است. اما حتی چنان‌چه تصمیم به کاهش میزان سود سپرده‌ها گرفته شود، هیچ دلیلی وجود ندارد که میزان سپرده‌گذاری مردمی کاهش یابد. چرا که عوامل دیگری غیر از سود سپرده در تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران نقش دارند. چنانکه چندین سال است در برخی کشورهای دیگر مانند مالزی و مکزیک نیز نرخ سود سپرده‌های پرداختی به سپرده‌گذاران کمتر از نرخ تورم است و سود واقعی منفی است (جدول ۹). در شرایط فعلی سپرده‌های بانکی (با احتساب سپرده‌های دیداری) بیش از ۹۰ درصد نقدینگی را تشکیل می‌دهد. تغییر میزان سود نمی‌تواند موجب افزایش «سهم اسکناس و مسکوک در نقدینگی» و عامل کاهش «سهم سپرده‌های دیداری و غیردیداری در نقدینگی» شود.

در نهایت ترکیب سپرده‌ها با حفظ مجموع آن دچار تغییر خواهد شد. رفتار سپرده‌گذاران در کنار میزان سود سپرده تابعی از ریسک پایین، معافیت مالیاتی، امنیت سرمایه‌گذاری، دریافت سود تضمین شده به صورت ماهانه و ... است.

در مورد اثر این سیاست بر افزایش تقاضای تسهیلات و ایجاد رانت و اختلال در تخصیص منابع متذکر می‌شود که حتی در حال حاضر نیز تخصیص تسهیلات بهینه و کارا نیست و در موارد بسیاری در مسیرهایی غیر از اهداف مورد نظر استفاده شده است.

به طور کلی زیان‌های بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. قرار داشتن میزان موزون سود تسهیلات بانکی در سطحی بالغ بر ۱۷ درصد عملاً هزینه واقعی تأمین منابع مالی را به شدت افزایش داده است. این

امر در کنار محدودیت‌های بسیار بخش واقعی اقتصاد به اختلال در فعالیت‌های صنایع کشور به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط که از بازدهی پایینی برخوردار هستند، انجامیده است. این مسأله‌ای است که در بلندمدت به تعطیلی برخی از بنگاه‌ها و افزایش هزینه‌های تولید برخی دیگر منجر خواهد شد. در حال حاضر بنگاه‌های کوچک و متوسط بخشی از منابع خود را با نرخ سود بخش رسمی و قسمتی دیگر را از طریق وام گرفتن از بازارهای غیررسمی تهیه می‌کنند، به همین جهت با بار مالی شدید تأمین منابع مالی دست به گریبان هستند. بنابراین کاهش میزان سود تسهیلات اعطایی سیستم بانکی که کاهش هزینه تأمین اعتبار در سایر بخش‌ها را به دنبال خواهد داشت کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

۲. از سوی دیگر بالا بودن میزان سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها موجب آن می‌شود که توجیه اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی که عموماً از بازده کم‌تری نسبت به بخش‌های بازرگانی و خدماتی برخوردارند، کاهش یابد.

۳. از سوی دیگر وجود سود بالای تسهیلات بانکی به معیاری برای پیش‌فروش کردن بسیاری از کالاها در کشور تبدیل شده است که سود آن متناسب با واقعیات اقتصاد نیست، ضمن این‌که نقدینگی بسیاری را در چرخه سفته‌بازی قرار می‌دهد و موجب افزایش قیمت کالاهای نهایی ارائه شده به مصرف‌کنندگان واقعی می‌شود.

۴. سود بالای تسهیلات بانکی خود معیاری جهت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران آزاد در بخش خصوصی شده است. بالا بودن این میزان سود موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌های واقعی صورت نپذیرد و افراد ترجیح دهند سرمایه نقدی خود را در بازارهای غیرمتشکل پولی که نرخ آن متأثر از میزان سود تسهیلات است، تخصیص دهند.

مقایسه بین تفاوت سود بانکی در ایران با سایر کشورها، حکایت از فاصله زیاد و نوسانات شدید طی سال‌های گذشته می‌کند (نمودار ۴). در مجموع در شرایط فعلی مهم‌ترین عامل اصلی بر تفاوت نرخ سود بانک‌های تجاری در ایران هزینه‌های بانک‌های تجاری به کل دارایی‌ها، نرخ تورم و نسبت مطالبات مشکوک‌الوصول به کل وام‌های پرداختی بانک‌های تجاری است.

در مجموع جهت کاهش Spread سیستم بانکی اقدامات ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. کنترل تورم،

۲. کاهش و تعیین تکلیف مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها،

۳. ادامه اصلاحات ساختاری در بانک‌ها.

نظرات پیشنهادی

تردیدی نیست که به منظور رونق بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، تجهیز منابع و دسترسی به منابع با نرخ‌های سود مناسب (منظور منابع ارزان قیمت نیست بلکه منظور منابعی است که نرخ سود آن‌ها در مقایسه با نرخ تورم و ساختار اقتصادی و تولیدی کشور از بازده اقتصادی قابل قبولی برخوردار باشد) امری ضروری است.

نرخ سود مناسب که در بند بالا به آن اشاره شد زمانی در شبکه بانکی کشور قابل حصول خواهد بود که اولاً بانک‌ها از کارایی لازم برخوردار شوند و ثانیاً فاصله بین سود سپرده‌ها و سود تسهیلات که همان Spread بانکی است کاهش یابد، که برای این منظور یا باید نرخ سود تسهیلات کاهش یابد یا نرخ سود سپرده‌ها افزایش پیدا کند. بدون تردید چون هدف دسترسی به منابع با نرخ سود مناسب است باید نرخ سود تسهیلات کاهش یابد. از طرفی با توجه به تحلیلی که درخصوص رفتار اقتصادی سپرده‌گذاران ارائه شد افزایش یا حتی کاهش در نرخ سود سپرده‌های بانکی اثر در خور توجهی در میزان و نوع

سپرده‌ها نخواهد داشت.

چنانچه بپذیریم که محاسبات صورت گرفته توسط بانک مرکزی^۱ درخصوص «هزینه‌های تأمین منابع بانکی» حدود ۴ درصد باشد (شامل هزینه‌های پرسنلی و اداری و کلیه هزینه‌های غیرعملیاتی بانکی) که این موضوع خود جای تأمل بسیار دارد (زیرا تفکیک هزینه‌های پرسنلی، اداری و سایر هزینه‌ها برحسب نوع سپرده و به تفکیک سپرده‌ها و سایر عملیات بانکی نظیر سرمایه‌گذاری‌های بانکی، خرید سهام و... کار آسانی نیست) با فرض این که میزان تسهیلات بانکی برابر با مجموع میزان سود سپرده‌های پرداختی با میزان هزینه‌های تأمین منبع بانکی باشد کاهش حداقل ۰/۶ واحد درصد (نرخ Spread بانکی منهای ۴ درصد ارزش تأمین منابع بانکی) از نرخ سود تسهیلات (در شرایطی که سپرده‌های دیداری و متفرقه در محاسبات منظور نشود) و با توجه به بالا بودن Spread واقعی بانکی و به منظور کنترل نسبی تورم و کاهش هزینه‌های تولید پیشنهاد می‌شود میزان وزنی نرخ‌های سود تسهیلات حداقل بین ۲ الی ۳ درصد با اولویت بخش‌های تولیدی کاهش یابد.

لازم به ذکر است کاهش نرخ سود تسهیلات با توجه به اختلاف موجود بین نرخ تسهیلات و سپرده‌ها که نشان‌دهنده وجود عدم کارایی در بانک‌ها است بار مالی برای دولت ایجاد نمی‌کند.

۱. گزارش شماره ۳/۳۱۷۹-ه مورخ ۱۳۸۰/۹/۳ بانک مرکزی در مورد بررسی و تعیین میزان حق‌الوکاله به کارگیری سپرده‌ها.

جدول ۱. مقایسه حجم سپرده‌های مدت‌دار و نقدینگی طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۲
(میلیارد ریال)

سال	سپرده	رشد سپرده‌ها	حجم نقدینگی	رشد نقدینگی
۱۳۶۴	۲۹۰۴/۷	۲۷/۸	۹۰۰۲/۱	۱۳
۱۳۶۵	۳۷۱۲/۷	۲۲/۵	۱۰۷۲۲/۶	۱۹/۱۲
۱۳۶۶	۴۵۴۷/۲	۴۰/۶	۱۲۶۶۸/۲	۱۸/۱
۱۳۶۷	۶۳۹۳/۴	۲۵/۲	۱۵۶۸۷/۶	۲۳/۸
۱۳۶۸	۸۰۰۶/۸	۲۱/۱	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵
۱۳۶۹	۹۶۹۴/۷	۲۱/۱	۲۲۹۶۹/۵	۲۲/۵
۱۳۷۰	۱۱۷۳۹/۶	۲۴/۸	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶
۱۳۷۱	۱۴۶۴۶/۷	۳۰/۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۳
۱۳۷۲	۱۹۰۵۲/۷	۱۸/۲	۴۸۱۳۵	۳۴/۲
۱۳۷۳	۲۲۵۱۶/۹	۲۶/۲	۶۱۸۴۳/۹	۲۸/۵
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۲۶/۱	۸۵۰۷۲/۲	۳۷/۵
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۳۱/۴	۱۱۶۵۵۲/۶	۳۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۳۲/۵	۱۳۴۲۸۶/۳	۱۵/۲
۱۳۷۷	۶۲۴۲۸/۸	۲۷/۴	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۹/۴
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲	۲۹/۹	۱۹۲۶۸۹/۲	۲۰/۱
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۳۰	۲۴۹۱۱۰/۷	۲۹/۳
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۳۶/۵	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۸/۸
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۱/۸	۴۱۷۵۲۴	۳۰/۱
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۳۵/۴	۵۲۶۵۹۶	۲۶/۱

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نماگرها.

جدول ۲. مقایسه میزان سود واقعی با میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار

طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۲

سال	میزان سود مؤثر	میزان تورم	میزان سود واقعی	میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار
۱۳۶۴	۶/۰۴	۷/۶	-۱/۵۶	—
۱۳۶۵	۶/۸۲	۲۳/۱	-۱۶/۲۸	۲۷/۸
۱۳۶۶	۶/۸	۲۴/۲	-۱۷/۴	۲۲/۵
۱۳۶۷	۶/۸۳	۲۵/۱	-۱۸/۲۷	۴۰/۶
۱۳۶۸	۶/۸۵	۱۶/۶	-۹/۷۵	۲۵/۲
۱۳۶۹	۷/۹	۸/۶	-۰/۷	۲۱/۱
۱۳۷۰	۸/۸۱	۲۰/۷	-۱۱/۸۹	۲۱/۱
۱۳۷۱	۱۰/۲۵	۲۴/۴	-۱۴/۱۵	۲۴/۸
۱۳۷۲	۱۱/۰۶	۲۲/۸	-۱۱/۷۴	۳۰/۱
۱۳۷۳	۱۱/۳	۳۵/۲	-۲۳/۹	۱۸/۲
۱۳۷۴	۱۲/۵	۴۹/۴	-۳۶/۹	۲۶/۲
۱۳۷۵	۱۲/۴	۲۳/۲	-۱۰/۸	۲۶/۱
۱۳۷۶	۱۲/۶	۱۷/۳	-۴/۷	۳۱/۴
۱۳۷۷	۱۲/۷	۱۸/۱	-۵/۴	۳۲/۵
۱۳۷۸	۱۲/۸۵	۲۰/۱	-۷/۲۵	۲۷/۴
۱۳۷۹	۱۲/۹۶	۱۲/۶	+۰/۳۶	۲۹/۹
۱۳۸۰	۱۱/۹	۱۱/۴	+۰/۵	۳۶/۵
۱۳۸۱	۱۱/۹	۱۵/۸	-۳/۹	۳۱/۸
۱۳۸۲	۱۱/۸	۱۵/۶	-۳/۸	۳۵/۴

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی.

جدول ۳. متوسط میزان سود مؤثر و مقایسه آن با میزان تورم

طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۲

عنوان	۱۳۶۰-۱۳۶۹	۱۳۷۰-۱۳۸۲
متوسط سود مؤثر	۷/۱	۱۱/۷۷
متوسط میزان تورم	۱۸/۰۱	۲۲/۰۵
متوسط سود مؤثر واقعی	-۱۰/۹۱	-۱۰/۲۸

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)
جدول ۴. محاسبه میزان وزنی سود با احتساب سیرده‌های مدت‌دار (سناریوی اول)

شرح	۱۳۹۳			۱۳۹۴			۱۳۹۵			۱۳۹۶		
	میزان	سهم میزان سود	میزان سود به سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود به سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود به سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود به سهم*
سیرده‌های کوتاه‌مدت	۵۳۷/۱۲۰۸۴۳	۸	۴/۲۹۶	۵۷۹/۱۵۰۳۳/۳	۸	۴/۲۳۲	۵۳/۱۱۹۰۵/۱	۸	۴/۳۴۸	۵۱/۶۲۲۸۸/۷	۸	۴/۱۲۸
سیرده‌های یک‌ساله	۱۳۹۱	۶/۵	۱۱/۵	۲۰۰۷/۵	۷	۰/۸	۷۸۷/۱	۸	۱/۱۲	۳۵۰۴	۷/۴	۱۴
سیرده‌های دو ساله	۶۸۸/۶	۲/۱	۱۲/۵	۹۳۶/۸	۲/۳	۰/۳۱۵	۱۰۰۷/۸	۷/۸	۰/۴۲	۱۱۷۶/۶	۲/۵	۱۵
سیرده‌های سه ساله	۵۲۱/۶	۲/۳	۱۴/۵	۶۱۵/۶	۲/۲	۰/۳۵۲	۶۷۱/۸	۱/۹	۰/۳۰۴	۸۶۲/۹	۱/۸	۱۶
سیرده‌های پنج‌ساله	۷۷۵/۴	۳۴/۴	۵/۵۰۴	۹۸۳/۶	۳۶/۶	۸/۵	۱۲۲۴/۳	۳۴/۲	۸/۵	۱۳۲۷/۶	۳۶/۷	۷۸/۵
جمع کل	۲۲۵۱/۹	۱۰۰	۱۱/۳	۲۸۴۱/۹	۱۰۰	۱۲/۵	۳۵۸۷/۱	۱۰۰	—	۴۲۱۰۳/۸	۱۰۰	—

ادامه جدول ۴

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹**			
	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*
سپرده‌های کوتاه‌مدت	۳۲۰۴۶	۵۱/۳۳	۸	۴/۱	۳۹۵۶۴	۴۹/۷	۸	۳/۹۸	۵۰۴۳۷/۸	۴۸/۸	۸	۳/۹
سپرده‌های یکساله	۴۳۰۳/۱	۷/۰۵	۱۴	۰/۹۹	۵۹۶۵	۷/۵	۱۴	۱/۰۵	۷۹۵۲/۲	۷/۶۹	۱۴	۱/۰۸
سپرده‌های دو ساله	۱۸۶۵	۲/۹۹	۱۵	۰/۴۵	۱۲۸۲	۱/۶	۱۵	۰/۲۴	۱۵۰۱/۷	۱/۴۵	۱۵	۰/۲۲
سپرده‌های سه ساله	۱۰۲۱	۱/۶۴	۱۶	۰/۲۵	۱۲۱۰	۱/۵۲	۱۶	۰/۲۴	۱۵۶۳	۱/۲۷	۱۶	۰/۲۴
سپرده‌های پنج‌ساله	۲۳۰۹۴	۳۶/۹۹	۱۸/۵	۶/۸۴	۳۱۵۱۱	۳۹/۶	۱۸/۵	۷/۳۳	۴۱۸۵۲/۹	۴۰/۵	۱۸/۵	۷/۵
جمع کل	۶۲۳۲۹/۱	۱۰۰	—	۱۲/۶۴	۷۹۵۳۳	۱۰۰	—	۱۲/۸۴	۱۰۳۳۶۳/۶	۱۰۰	—	۱۲/۹۴

ادامه جدول ۳

شرح	۱۳۸۰				۱۳۸۱				۱۳۸۲			
	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود/سهم	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود/سهم	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود/سهم
سپرده‌های کوتاه‌مدت	۶۶۹۸۳	۲۷/۳	۷	۲/۲۱	۸۸۴۵۲/۶	۳۷/۶	۷	۲/۳۳	۱۱۹۸۰۹	۳۷/۶	۷	۲/۳۳
سپرده‌های یک‌ساله	۹۸۱۴/۶	۶/۵	۱۳	-/۸۵	۱۱۳۷۲/۴	۶/۲	۱۳	-/۸۱	۱۳۶۷۰/۶	۵/۸	۱۳	-/۷۵
سپرده‌های دو ساله	۲۷۲۹/۴	۲/۶	۱۵	-/۳۹	۵۸۸۶/۳	۲/۲	۱۵	-/۸۸	۱۳۴۱۵/۸	۵/۷	۱۵	-/۸۶
سپرده‌های سه ساله	۲۶۴۵	۲/۲	۱۵	-/۳۳	۴۳۵۸/۷	۲/۳	۱۵	-/۲۵	۶۵۰۰/۵	۲/۶	۱۵	-/۳۹
سپرده‌های پنج‌ساله	۵۸۵۵۵/۱	۴۱/۴	۱۷	۷/۰۴	۷۵۱۲۷/۸	۴۰/۸	۱۷	۶/۹۴	۹۳۲۷۷/۳	۲۸/۳	۱۷	۶/۵۱
جمع کل	۱۴۰۷۳۷/۱	۱۰۰	—	۱۱/۹۲	۱۸۵۲۰۰	۱۰۰	—	۱۱/۹۱	۲۴۹۶۷۲/۲	۱۰۰	—	۱۱/۸۴

مانند: گزارش اقتصادی و توزیعات بانک مرکزی، گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

* این ستون در واقع متوسط وزنی نرخ‌های سود را به دست می‌دهد.

* در سال ۱۳۷۹ تقریباً به ایجاد سپرده‌های مدت‌دار چهار ساله، مبلغ ۹۱ میلیارد ریال از سپرده‌های مدت‌دار مربوط به این سپرده‌ها است که تقریباً به سهم ناچیز آن در کل سپرده‌های مدت‌دار، در محاسبه سود موزون سال ۱۳۷۹ لحاظ نشده است.

* میانگین حداقل و حداکثر نرخ برای سپرده‌های بیش از یکسال منظور شده است.

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

شرح	۱۳۷۳			۱۳۷۴			۱۳۷۵			۱۳۷۶		
	میزان	سهام‌های آن‌سو	میزان سهام‌های آن‌سو	میزان	سهام‌های آن‌سو	میزان سهام‌های آن‌سو	میزان	سهام‌های آن‌سو	میزان سهام‌های آن‌سو	میزان	سهام‌های آن‌سو	میزان سهام‌های آن‌سو
سپردهای دیداری	۲۱۷۳/۱	۴۹	۰	۰	۵۱/۶۳	۹۹۴/۳	۰	۵۲	۴۳	۵۵/۸	۰	۵۰/۴۳۹۷۳/۵
سپردهای مکتوبات	۱۲۰۸۴/۳	۱۲/۳۱	۸	۲۵/۶۱۵	۲۳/۳	۲/۰۹۸	۱۴	۳/۶	۱۰۰۷/۵	۲۸۳/۱	۳/۶	۲۵/۵۲۳۸۹/۷
سپردهای یکساله	۱۳۷۱	۳/۲	۱۱/۵	۰/۳۷۹	۰/۳۷۶	۰/۳۴۶	۱۴	۳/۶	۲۸۳/۱	۰/۵۰۴	۱۴	۳/۷
سپردهای دو ساله	۶۸۸/۶	۱/۵	۱۳/۵	۰/۲۰۲	۹۳۶/۸	۱/۶	۱۵	۱/۳۸	۱۰۰۷/۸	۰/۱۹۳	۱۵	۱/۳۳
سپردهای سه ساله	۵۲۱/۶	۱/۳	۱۴/۵	۰/۱۷۴	۶۱۵/۶	۱/۴	۱۶	۰/۱۵	۶۷۱/۸	۰/۱۳۶	۱۶	۰/۹۱
سپردهای پنجساله	۷۷۵/۴	۱۷/۵	۱۶	۲/۸	۹۸۳۳/۶	۱۶/۵	۱۸/۵	۱۵/۵	۱۲۳۴/۳	۲/۸۷	۱۸/۵	۱۸/۱۲
جمع کل	۴۳۳۸/۱	—	۵/۷	۱۰۰	۵۸۷۱/۱	—	۶/۱	۱۰۰	۷۸۹۰۲/۹	۵/۶۲۲	—	۱۰۰

ادامه جدول ۵

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹			
	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*
سپرده‌های دیناری	۵۶۰۱۱/۳	۴۷/۳	۰	۰	۶۴۳۱۷/۷	۴۴/۸	۰	۰	۸۹۲۶۲/۳	۴۶/۴	۰	۰
سپرده‌های کوتاه مدت	۳۲۰۴۶	۲۷/۱	۸	۲/۱۷	۳۹۵۶۴	۲۷/۴	۸	۲/۲	۵۰۴۳۲/۸	۲۶/۲	۸	۲/۱
سپرده‌های یکساله	۴۴۰۲/۱	۲/۷	۱۴	۰/۵۲	۵۹۶۵	۴/۱	۱۴	۰/۵۷	۷۹۵۲/۲	۴/۱	۱۴	۰/۵۷
سپرده‌های دو ساله	۱۸۶۵	۱/۵۷	۱۵	۰/۲۴	۱۲۸۲	۰/۹	۱۵	۰/۱۴	۱۵۰۱/۷	۰/۸	۱۵	۰/۱۲
سپرده‌های سه ساله	۱۰۲۱	۰/۸۶	۱۶	۰/۱۴	۱۲۱۰	۰/۸۴	۱۶	۰/۱۳	۱۵۲۳	۰/۸	۱۶	۰/۱۳
سپرده‌های پنج ساله	۲۲۰۹۴	۱۹/۵	۱۸/۵	۲/۶	۲۱۵۱۱	۲۱/۹	۱۸/۵	۴/۵	۴۱۸۵۲/۹	۲۱/۷	۱۸/۵	۴/۰۱
جمع کل	۱۱۸۴۴۰/۴	۱۰۰	—	۶/۶۷	۱۳۴۱۴۷/۷	۱۰۰	—	۷/۰۹	۱۹۲۵۳۳/۸	۱۰۰	—	۶/۹۳

ادامه جدول ۵

شرح	۱۳۸۰				۱۳۸۱				۱۳۸۲			
	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود × سهم	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود × سهم	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود × سهم
سپرده‌های دیداری	۱۱۳۷۶۸	۴۴/۷	۰	۰	۱۳۷۸۷۲/۶	۲۴/۴	۰	۰	۱۷۸۶۲۲/۳	۴۱/۷	۰	۰
سپرده‌های کوتاه مدت	۶۶۹۸۳	۲۶/۳	۷	۱/۸۴	۸۸۴۵۲/۶	۲۶/۶	۷	۱/۸۶	۱۱۹۸۰۹	۲۸	۷	۱/۹۶
سپرده‌های یکساله	۹۸۱۲/۶	۳/۹	۱۳	-۰/۵۱	۱۱۲۲۲/۶	۲/۳	۱۳	-۰/۴۴	۱۴۲۷۰/۶	۳/۳	۱۳	-۰/۴۴
سپرده‌های دو ساله	۲۲۳۹/۴	۱/۱	۱۵	-۰/۱۷	۵۸۸۶/۳	۱/۸	۱۵	-۰/۲۷	۱۳۲۱۵/۸	۳/۴	۱۵	-۰/۵۱
سپرده‌های سه ساله	۲۶۴۵	۱	۱۵	-۰/۱۵	۴۲۵۸/۷	۱/۳	۱۵	-۰/۲	۶۵۰۰/۵	۱/۵	۱۵	-۰/۲۳
سپرده‌های پنجساله	۵۸۵۵/۱	۲۳	۱۷	۳/۹۱	۷۵۱۲۷/۸	۲۲/۵	۱۷	۲/۸۳	۹۳۲۷۷/۳	۲۲	۱۷	۲/۷
جمع کل	۷۵۲۵۰۵/۱	۱۰۰	—	۶/۵۷	۳۳۳۰۷۲/۶	۱۰۰	—	۶/۵۹	۴۲۸۲۹۷/۵	۱۰۰	—	۶/۸۸

ملاحظه: گزارش اقتصادی و ترانزاکشن بانک مرکزی، گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

* این ستون در واقع متوسط وزنی نرخ‌های سود را به دست می‌دهد.

* از سال ۱۳۷۹ نظر به ایجاد سپرده‌های مدت‌دار چهارساله و نظر به سهم ناچیز آن در کل سپرده‌های مدت‌دار، در محاسبه سود موردنظر از سال ۱۳۷۹ به بعد لحاظ نشده است.

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

جدول ۶ محاسبه میزان نرخ) وزنی سود با احتساب سپرده‌های مدت‌دار، بیاباری و متفرقه (استان یوزی سود)

شرح	۱۳۷۳			۱۳۷۴			۱۳۷۵			۱۳۷۶		
	میزان *	سهم	میزان سود/میزان سود* سهم	میزان *	سهم	میزان سود/میزان سود* سهم	میزان	سهم	میزان سود/میزان سود* سهم	میزان	سهم	میزان سود/میزان سود* سهم
سپرده‌های	۲۱۱۲۱/۱	۲۹	۰	۲۳۳۳۰۰۹۴/۳	۰	۰	۳۳۲۵۳۰۵۵/۸	۰	۰	۳۲۲۸۰۶۷۹۲۳/۵	۰	۰
بیاباری												
سپرده‌های	۳۲۶۷/۵۳۰۰/۵	۳۲۶۷	۰	۱۵/۹۱۱۰۷۱/۷	۰	۰	۱۸/۹۱۱۸۳۹۴/۵	۰	۰	۱۳/۷۸۱۵۱۸۵/۶	۰	۰
متفرقه												
سپرده‌های	۱۰/۸۸۱۲۰۸۳/۳	۱۰/۸۸	۸	۲۱/۵۱۵۰۳۳/۳	۸	۱/۷۲	۱۹/۵۸۱۹۰۵۱/۱	۸	۱/۵۷	۳۲/۰۳۲۳۸۹/۷	۸	۱/۷۶
کوتاه مدت												
سپرده‌های	۲۴/۲۳۴	۱۳۷۱	۰/۳۴	۲/۸۸۲۰۰۷/۵	۱۴	۰/۴	۷/۸۷۲/۱	۱۴	۰/۴۱	۲۵۳۶/۲	۱۴	۰/۳۵
یکساله												
سپرده‌های	۷/۹۶	۶۸۸/۶	۰/۱۹	۱/۳۳	۹۳۶/۸	۰/۲	۱/۰۳۱۰۰۷/۸	۱۵	۰/۱۶	۱۱۶۳/۵	۱۵	۰/۱۶
دو ساله												
سپرده‌های	۱۳/۵	۱۳۷۵	۰/۱۵	۱/۸۸	۶۱۵/۶	۰/۱۴	۶۷۱/۸	۱۶	۰/۱۱	۸۶۶/۹	۱۶	۰/۱۳
سه ساله												
سپرده‌های	۷/۵	۷۵۵۱/۴	۰/۱۵	۱۳/۱	۹۸۳/۶	۰/۱۴	۱۲/۵۸۱۲۳۴/۳	۱۸/۵	۲/۳۳	۱۷۳۳/۵	۱۸/۵	۰/۱۹
پنج ساله												
جمع کل	۱۵/۶۱۳۹۶۲۸/۶	۱۰۰	۵/۱۳	۱۵/۶۱۳۹۷۸۲/۸	۱۰۰	۵/۱۳	۹۷۹۹۷/۳	—	۲/۵۸	۱۱۰۲۱۲/۹	۱۰۰	—

ادامه جدول ۶

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹**			
	میزان*	سهام	میزان سود	میزان سود×سهام*	میزان	سهام	میزان سود	میزان سود×سهام*	میزان	سهام	میزان سود	میزان سود×سهام*
سپرده های لیداری	۵۶۰۱۱/۳	۴۳/۳۵	۰	۰	۶۴۳۱۷	۴۱/۸۹	۰	۰	۸۹۲۶۷/۲	۴۴/۲۳	۰	۰
سپرده های مقرقه	۱۰۷۶۸	۸/۳۳	۰	۰	۱۰۱۱۰/۲	۶/۵۵	۰	۰	۹۲۱۷/۲	۴/۶	۰	۰
سپرده های کوتاه مدت	۳۲۰۴۶	۲۴/۸	۸	۱/۹۸	۳۹۵۶۴	۲۵/۶۵	۸	۲/۰۵	۵۰۴۳۷/۸	۲۳/۹۹	۸	۱/۹۹
سپرده های یکساله	۴۴۰۳/۱	۲/۴۱	۱۴	۰/۴۸	۵۹۶۵	۳/۸۷	۱۴	۰/۵۴	۷۹۵۷/۳	۲/۹۴	۱۴	۰/۵۵
سپرده های دو ساله	۱۸۶۵	۱/۴۴	۱۵	۰/۳۲	۱۲۸۳	۰/۸۳	۱۵	۰/۱۲	۱۵۰۱/۷	۰/۷۴	۱۵	۰/۱۱
سپرده های سه ساله	۱۰۳۱	۰/۷۹	۱۶	۰/۱۳	۱۲۱۰	۰/۷۸	۱۶	۰/۱۲	۱۵۲۳	۰/۷۵	۱۶	۰/۱۲
سپرده های پنج ساله	۳۳۰۹۴	۱۷/۸۷	۱۸/۵	۳/۳۱	۳۱۵۱۱	۲۰/۴۳	۱۸/۵	۲/۷۸	۴۱۵۵۷/۹	۲۰/۳۳	۱۸/۵	۳/۸۴
جمع کل	۱۲۹۲۰۸/۴	۱۰۰	—	۶/۱۲	۱۵۳۲۷۳/۹	۱۰۰	—	۶/۶۱	۲۰۱۸۹۷	۱۰۰	—	۶/۶۱

ادامه جدول ۴

۱۳۸۲				۱۳۸۱				۱۳۸۰				شرح
نرخ سود × سهم	نرخ سود	سهم	میزان	نرخ سود × سهم	نرخ سود	سهم	میزان	نرخ سود × سهم	نرخ سود	سهم	میزان	
۰	۰	۴۰/۶	۱۷۸۶۲۲/۳	۰	۰	۴۳	۱۳۷۸۷۲/۶	۰	۰	۴۳/۳	۱۱۳۲۶/۸	سپرده‌های دیداری
۰	۰	۲/۷	۱۱۷۹۵/۴	۰	۰	۳/۳	۱۰۹۰۰/۹	۰	۰	۷/۷	۷۰۸۶/۶	سپرده‌های متفرقه
۱/۹	۷	۲۷/۲	۱۱۹۸۰۹	۱/۸	۷	۲۵/۷	۸۸۲۵۲/۶	۱/۸	۷	۲۵/۶	۶۶۹۸۳	سپرده‌های کوتاه مدت
۰/۳۳	۱۳	۳/۳	۱۳۶۷۰/۶	۰/۳۳	۱۳	۳/۴	۱۱۳۲۲/۶	۰/۵	۱۳	۳/۸	۹۸۱۳/۶	سپرده‌های یکساله
۰/۵	۱۵	۲/۳	۱۳۳۱۵/۸	۰/۲۶	۱۵	۱/۷	۵۸۶/۳	۰/۱۵	۱۵	۱	۲۷۳۹/۴	سپرده‌های نرساله
۰/۲۳	۱۵	۱/۵	۶۵۰۰/۵	۰/۱۸	۱۵	۱/۲	۳۲۵۸/۷	۰/۱۵	۱۵	۱	۲۶۳۵	سپرده‌های سه‌ساله
۲/۶۴	۱۷	۲۱/۳	۹۳۲۷/۳	۳/۷۱	۱۷	۲۱/۸	۷۵۱۲۷/۸	۳/۸	۱۷	۲۲/۴	۵۵۵۵/۱	سپرده‌های پنج‌ساله
۶/۶۹	—	۱۰۰	۳۳۰۰۹۲/۹	۶/۳۸	—	۱۰۰	۳۳۲۹۱۳/۵	۶/۳۹	—	۱۰۰	۲۶۱۵۹۱/۷	جمع کل

مآخذ گزارش اقتصادی و ترانزاکشن بانکی مرکزی: گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

این ستون در واقع متوسط وزنی میزان سود را به دست می‌دهد.

• در ۱۳۷۹ نظر به ایجاد سپرده‌های مدت‌دار چهارساله، مبلغ ۹۱ میلیارد ریال از سپرده‌های مدت‌دار مربوط به این سپرده‌هاست که نظر به سهم تأخیر آن در کل سپرده‌های مدت‌دار بر محاسبه سود موزون سال ۱۳۷۹ لحاظ نشده است.

جدول ۷. تغییرات مانده تسهیلات اعطایی در بخش‌های مختلف در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۳ و محاسبه میزان (نرخ) وزنی سود (ارقام به میلیارد ریال و درصد)

شرح	۱۳۷۳				۱۳۷۴				۱۳۷۵			
	میزان تغییر در مانده*	سهم	میزان سود**	نرخ سود***	میزان تغییر در مانده*	سهم	میزان سود**	نرخ سود***	میزان تغییر در مانده*	سهم	نرخ سود	نرخ سود/سهم***
کشاورزی	۹۶۸/۲	۱۷	۱۳	۲/۳۸	۱۶۶۷/۹	۲۱	۱۳/۵	۳/۰۴۵	۲۳۵۵/۴	۱۹/۹	۱۳/۵	۲/۸۸
مسکن و ساختمان	۱۸۴۵۷/۳۴	۳۲/۴	۱۵	۴/۸۵	۱۶۲۸/۲	۲۰/۵	۱۵/۵	۲/۱۸	۲۵۲۹/۴	۲۰/۵	۱۵/۵	۲/۱۷۷
صنعت و معدن	۱۹۰۲/۲	۳۳/۴	۱۷	۵/۸	۲۸۰۳/۷	۲۵/۳	۱۸	۶/۳۵	۴۹۹۷/۵۸	۴۰/۵	۱۸	۷/۲۹
بازرگانی و خدمات	۹۷۹/۵۷	۱۷/۴	۲۱	۲/۶۱۲	۱۰۴۸/۴	۱۲/۲	۲۳/۵	۲/۱	۲۳۵۶/۸۸	۱۹/۱	۲۳/۵	۴/۴۸۸
جمع کل	۵۶۹۵/۴	۱۰۰	—	۱۶/۵۳	۷۹۴۲/۵	۱۰۰	—	۱۵/۶۷	۱۲۳۳۹/۷	۱۰۰	—	۱۷/۸۳۵

ادامه جدول ۷

شرح	۱۳۹۶				۱۳۹۷				۱۳۹۸			
	میزان تغییر در مانده	سهام	نرخ سود	نرخ سود سهام**	میزان تغییر در مانده*	سهام	نرخ سود*	نرخ سود سهام***	میزان تغییر در مانده	سهام	نرخ سود	نرخ سود سهام*
کل دولتی	۲۵۳۴/۱	۷۷/۴	۱۴/۵	۲/۹۷	۴۹۴۰/۳	۲۶	۱۴/۵	۲/۷۷	۷۹۳۱/۹	۲۵	۱۴/۵	۲/۶۲
مسکن، مساهمتان	۳۳۲۵/۶	۳۶/۱	۱۵/۵	۵/۶	۶۴۶۰/۴	۳۴	۱۵/۵	۵/۳۷	۹۱۱۲/۶	۲۹	۱۵/۵	۲/۲۹
صنعت و معدن	۱۴۳۷/۹	۱۵/۵	۱۸	۲/۸	۳۶۸۶/۳	۱۹/۳	۱۸/۵	۲/۵۹	۱۰۶۴۲/۲	۳۳/۵	۱۸	۶/۰۳
بازرگانی و خدمات	۱۹۳۴/۵	۲۱	۲۳/۵	۴/۹۴	۳۹۱۳/۳	۲۰/۶	۲۳/۵	۴/۷۲	۳۹۷۰/۹۴	۱۲/۵	۲۳/۵	۲/۹۳
جمع کل	۹۲۱۲/۱	۱۰۰	—	۱۷/۳	۱۹۰۰۱/۱	۱۰۰	—	۱۷/۲۵	۳۱۷۶۷/۷	۱۰۰	—	۱۷/۰۷

ادامه جدول ۷

شرح	۱۳۷۹			۱۳۸۰			۱۳۸۱			۱۳۸۲		
	میزان تغییر در مانده	سهام	نرخ سود	نرخ سود ^{***} سهام	سهام	نرخ سود	نرخ سود ^{***} سهام	سهام	نرخ سود ^{***} سهام	سهام	نرخ سود ^{***} سهام	نرخ سود ^{***} سهام
کشاورزی	۵۰۵۰/۴	۲۰/۲	۱۵	۳/۰۳	۱۸۷	۱۸۷	۱۸۷	۱۷	۲/۹۳	۱۷	۱۳/۵	۲/۳
مسکن و ساختمان	۷۴۰۰/۶	۲۹/۶	۱۵/۵	۲/۵۹	۲۶/۳	۲۶/۳	۲۶/۳	۲۹/۲	۱۴/۵	۲/۲۳	۲۰/۷	۲/۱۱
صنعت و معدن	۶۵۵۰/۵	۲۶/۲	۱۸	۲/۷۲	۳۹/۱	۳۹/۱	۳۹/۱	۲۸	۱۶	۶/۰۸	۲۶/۸	۵/۸۹
بازرگانی و خدمات	۶۰۰۰/۵	۲۴	۲۳/۵	۵/۶۴	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۱	۲۳	۲/۳۲	۲۵/۵	۵/۳۶
جمع کل	۲۵۰۰۲	۱۰۰	—	۱۷/۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵/۶۷	۱۵/۶۷	۱۰۰	۱۶/۶۶

ساخت: گزارش اقتصادی و ترانزاکشن بانک مرکزی.

* بدون سود در آمد سال های آتی و تنها جهت اطلاعات کمی طی سال های ۱۳۷۹ - ۱۳۷۳ آمده است.

** نرخ سود به صورت میانگین حداقل و حداکثر میزان سود مورد انتظار بخش ها محاسبه شده است.

*** این ستون در واقع میانگین وزنی میزان سود تسهیلات را به دست می دهد.

(ارقام به درصد)

جدول ۸. مقایسه میزان (نرخ) سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی در سناریوهای مختلف

شرح	میانگین وزنی میزان (نرخ)های سود سپرده‌ها			میانگین وزنی نرخ‌های سود تسهیلات	I Spread بانکی با احتساب سپرده‌های مدت‌دار	II Spread بانکی با احتساب سپرده‌های مدت‌دار و جاری	III Spread بانکی با احتساب سپرده‌های مدت‌دار، جاری و متفرقه
	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار و دیگری	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار				
سال	سپرده‌های مدت‌دار	سپرده‌های مدت‌دار و دیگری	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار	۵/۱	۱۶/۵	۵/۲	۱۰/۸
	۱۱/۳	۵/۷	۵/۱	۱۵/۷	۲/۲	۹/۶	۱۰/۶
	۱۲/۴	۵/۶	۴/۶	۱۷/۸	۵/۴	۱۲/۲	۱۲/۲
	۱۲/۶	۶/۳۰	۵/۴	۱۷/۳	۴/۸	۱۱	۱۱/۹
	۱۲/۶	۶/۷	۶	۱۷/۴	۴/۸	۱۰/۷	۱۱/۴
	۱۲/۸	۷/۱	۶/۶	۱۷/۱	۴/۳	۱۰	۱۰/۵
	۱۲/۹	۶/۹	۶/۶	۱۸	۵/۱	۱۱/۱	۱۱/۴
	۱۱/۹	۶/۶	۶/۳	۱۷/۱	۵/۲	۱۰/۵	۱۰/۷
	۱۱/۹	۶/۶	۶/۳	۱۵/۷	۲/۸	۹/۱	۹/۳
	۱۱/۸	۶/۹	۶/۷	۱۶/۷	۲/۹	۹/۸	۱۰
	۱۳۸۲						

منابع: نتایج محاسبات جدول

(ارقام به درصد)

جدول ۹. نرخ‌های سود بانکی و تورم در برخی کشورهای طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۹

کشور	۱۹۹۹				۲۰۰۰				۲۰۰۱				۲۰۰۲				۲۰۰۳			
	تسهیلات	سوددهها	تورم	سوددهها (واقعی)	تسهیلات	سوددهها (واقعی)	تورم	سوددهها (واقعی)	تسهیلات	سوددهها	تورم	سوددهها (واقعی)	تسهیلات	سوددهها	تورم	سوددهها (واقعی)	تسهیلات	سوددهها	تورم	سوددهها (واقعی)
آمریکا	۸	۵/۳۴	۷/۳	۲/۰۳	۹/۲	۲/۴	۲/۱	۲/۱	۷	۳/۷	۳/۸	۰/۹	۴/۷	۱/۷۳	۱/۵	۰/۳	۴/۱	۱/۳	۱/۳	۰/۱
انگلیس	۵/۳	—	۱/۶	—	۶	—	۲/۹	—	۵/۱	—	۱/۸	—	۴	—	۱/۶	—	۲/۷	—	۲/۹	—
فرانسه	۶/۴	۲/۷	۰/۵	۲/۲	۶/۷	۲/۶	۱/۷	۰/۹	۷	۳	۱/۷	۱/۳	۶/۶	۳	۱/۹	۱/۱	۶/۶	۲/۷	۲/۱	۰/۶
کره	۹/۴	۷/۹	۰/۸	۷/۱	۸/۵	۷/۹	۲/۳	۵/۶	۷/۷	۷/۷	۵/۸	۴/۰	۶/۸	۴/۹	۲/۸	۲/۱	۶/۲	۴/۳	۲/۵	۰/۸
چین	۵/۹	۲/۳	-۱/۴	۳/۷	۵/۹	۲/۳	۰/۳	۲	۵/۹	۵/۹	۲/۳	-۰/۵	۱/۸	۵/۳	۲/۰	۲/۸	۵/۳	۲	—	—
اندونزی	۳۷/۷	۲۵/۷	۲۰/۳	۵/۴	۱۸/۵	۱۲/۵	۲/۵	۸	۸/۶	۱۵/۵	۱۲/۰	۲/۵	۱۹/۰	۱۵/۵	۱۱/۴	۴/۱	۱۶/۹	۱۰/۶	۵/۹	۴/۷
مالزی	۸/۶	۴/۱	-۲/۳	۷/۴	۷/۷	۲/۴	۳/۱	۰/۳	۷/۱	۱۳/۹	۲/۷	-۵/۱	۸/۵	۳/۲	۴/۵	-۱/۳	۶/۳	۲/۱	۵/۷	-۲/۶
مکزیک	۲۵/۹	۹/۶	-۱/۰	۱۸/۲	۱۸/۲	۶/۳	۹/۵	-۲/۲	۱۲/۹	۱۳/۹	۲/۷	۶/۳	-۱/۶	۹/۴	۲/۹	۵/۱	۶/۹	۲/۱	۴/۶	-۱/۵
ونزوئلا	۳۷/۱	۲۱/۳	-۲/۳	۲۵/۲	۲۵/۲	۱۶/۳	۱۶/۳	۰/۱	۲۷/۵	۲۷/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲/۰	۲۶/۶	۲۹/۰	۲۲/۴	۲۵/۱	۱۷/۳	۴۱/۳	-۱۴
ترکیه	—	۷۸/۴	۶۴/۹	۱۳/۵	—	۳۷/۲	۵۴/۹	-۷/۷	—	—	۴۳/۷	۵۴/۴	۲۰/۳	—	۵۰/۵	۴۵/۰	۵/۵	۳۷/۷	۷۶/۹	-۳۹/۲
آرژانتین	۱۱/۰	۸/۱	-۱/۲	۹/۳	۱۱/۱	۸/۳	-۰/۹	۹/۲	۲۷/۷	۲۷/۷	۱۶/۲	-۱/۱	۱۷/۳	۵۱/۷	۳۹/۳	۲۵/۹	۱۲/۴	۱۰/۲	۱۲/۴	-۳/۲
برزیل	۸۰/۴	۷۶	۴/۹	۲۱/۱	۵۶/۸	۱۷/۲	۷/۱	۱۰/۱	۵/۶	۵/۶	۱۷/۹	۶/۸	۱۱/۱	۶۲/۹	۱۹/۴	۸/۴	۱۱/۰	۶/۱	۲۲	۱۳/۸
سنگاپور	۵/۸	۱۲/۶	۰/۰	۱/۷	۵/۸	۱/۷	۱/۴	۰/۳	۵/۷	۵/۷	۱۱/۹	۱/۵	۵/۴	۵/۴	۰/۹	۱/۳	۱/۳	۵/۳	۰/۵	۰/۰
شیلی	۱۲/۶	۸/۶	۳/۳۴	۵/۲۶	۱۴/۹	۹/۲	۳/۸	۰/۱	۱۱/۹	۱۱/۹	۶/۲	۲/۶	۲/۶	۷/۸	۳/۸	۱/۳	۶/۲	۲/۷	۲/۹	-۰/۳
میانمار	۱۶/۱	۱۱/۰	-۷/۴	۱۵/۳	۱۵/۳	۹/۸	۰/۱	۹/۷	۱۵/۰	۱۵/۰	۹/۵	-۱/۱/۶	۱۵/۰	۹/۵	۹/۵	-۳/۶	۱۵/۰	۹/۵	۹/۵	—
تانزانیا	۳۱/۹	۷/۸	۷/۹	-۰/۱	۲۱/۶	۷/۴	۵/۹	۱/۵	۲۰/۳	۲۰/۳	۴/۸	۵/۱	-۰/۳	۱۶/۴	۳/۳	۴/۶	۱۴/۵	۲/۱	۴/۵	-۱/۴
بحرین	۱۱/۹	۴/۸	-۱/۴	۶/۲	۱۱/۷	۵/۸	-۰/۷	۶/۵	۱۰/۸	۱۰/۸	۲/۷	۰/۲	۲/۵	۸/۵	۱/۳	۱/۲	—	—	—	—

منبع: International Financial statistics

جدول ۱۰. نرخ‌های Spread بانکی در ایران و برخی از کشورهای جهان
طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۲ (ارقام به درصد)

کشور	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
امریکا	۲/۶۶	۲/۷	۳/۳	۲/۹۷	۲/۹
فرانسه	۳/۷	۴/۱	۴	۳/۶	۳/۹
کره	۱/۵	۰/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۹
چین	۳/۶	۲/۶	۳/۶	۳/۳	۳/۳
اندونزی	۲/۰	۶	۳/۱	۳/۵	۶/۳
مالزی	۴/۵	۴/۳	۳/۷	۳/۳	۳/۲
مکزیک	۱۶/۳	۱۱/۹	۹/۲	۶/۵	۳/۸
ونزوئلا	۱۰/۸	۸/۹	۷	۷/۶	۷/۹
آرژانتین	۲/۹	۲/۸	۱۱/۵	۱۲/۴	۹
برزیل	۵۴/۴	۳۹/۶	۳۹/۷	۴۳/۵	۴۵/۱
سنگاپور	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۵	۴/۸
شیلی	۴	۵/۷	۵/۷	۴	۳/۵
میانمار	۵/۱	۵/۵	۵/۵	۵/۵	۵/۵
تانزانیا	۱۴/۱	۱۴/۲	۱۵/۵	۱۳/۱	۱۱/۴
بحرین	۷/۱	۵/۹	۸/۱	۷/۲	—

مأخذ: International Financial statistics

جدول ۱۱. نرخ‌های سود تسهیلات بانکی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۲

(درصد در سال)

صادرات	بازرگانی، خدمات و متفرقه	مسکن و ساختمان	صنعت و معادن	کشاورزی	سال
۱۳	۱۳	۸-۱۱	۸-۱۱	۵-۱۱	۱۳۵۲
۹	۱۳	۸-۱۱	۸-۱۱	۵-۱۱	۱۳۵۳ - ۱۱/۱
۹	۱۳	۸-۱۱	۸-۱۱	۵-۱۱	۱۳۵۴ - ۵/۲۵
۹	۱۳	۹-۱۱	۹-۱۱	۵-۱۱	۱۳۵۵ - ۲/۱۹
۹	۱۴	۹-۱۲	۹-۱۲	۵-۱۲	۱۳۵۶ - ۳/۲۵
۹	۱۴	۹-۱۲	۹-۱۲	۵-۱۲	۱۳۵۷
۸-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۵۸
۸-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۵۹
۸-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۰
۸-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۱
۸-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۲
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۳
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۴
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۵
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۶
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۷
۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲	۶-۱۰	۴-۸	۱۳۶۸
۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۲-۱۴	۱۱-۱۳	۶-۹	۱۳۶۹
حداقل ۱۸	حداقل ۱۸	۱۲-۱۶ ^(۱)	۱۱-۱۳	۶-۹	۱۳۷۰
حداقل ۱۸	حداقل ۱۸	۱۲-۱۶ ^(۱)	۱۳	۹	۱۳۷۱
۱۸	۱۸-۲۴	۱۲-۱۶ ^(۱)	۱۶-۱۸	۱۲-۱۶	۱۳۷۲
۱۸	۱۸-۲۴	۱۵ ^(۲)	۱۶-۱۸	۱۲-۱۶	۱۳۷۳

سال	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی، خدمات و متفرقه	صادرات
۱۳۷۴	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶ ^(۳)	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۵	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۶	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۷	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۸	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۹	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۸۰	۱۴-۱۵	۱۶-۱۸	۱۵-۱۶	(حداقل) ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۳-۱۴	۱۵-۱۷	۱۴-۱۵	(حداقل) ۲۲	۱۷
۱۳۸۲	۱۳/۵	۱۶	۱۵	(حداقل) ۲۱	۱۵ ^(۵)
۱۳۸۳	۱۳/۵	۱۵	۱۵ ^(۴)	(حداقل) ۲۱	۱۴

۱. براساس متراژ واحد مسکونی.

۲. از بهمن ماه ۱۳۷۲.

۳. از سال ۱۳۷۴ نرخ پایین مربوط به رعایت الگو و نرخ بالا مربوط به عدم رعایت الگوی مسکن است.

۴. نرخ سود تسهیلات مسکن بدون سپرده‌گذاری معادل ۱۸ درصد است.

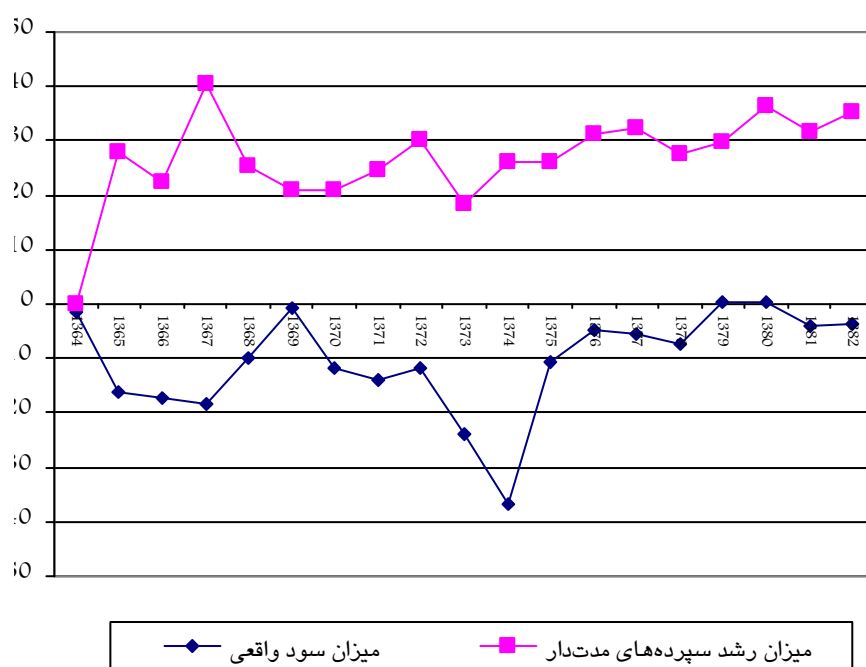
۵. نرخ سود بخش صادرات تا مهر ماه سال ۱۳۸۲ معادل ۱۶ درصد و سپس به ۱۵ درصد تقلیل یافت.

جدول ۱۲. نرخ‌های سود سپرده‌های بانکی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۲

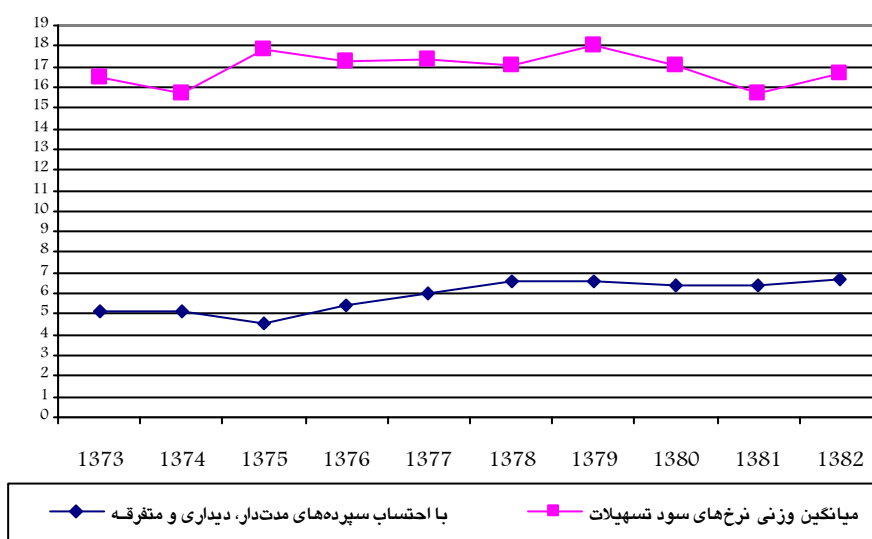
(درصد در سال)

سال	تورم	سپرده‌های مدت‌دار (سرمایه‌گذاری)			
		کوتاه مدت یکساله		دو ساله	سه ساله
۱۳۵۲		۸	۹		
۱۳۵۳		۸	۹		
۱۳۵۴		۸	۹		
۱۳۵۵		۸	۹		
۱۳۵۶		۹	۱۰		
۱۳۵۷	۹/۹۴	۹	۱۰		
۱۳۵۸	۱۱/۳	۷	۸/۵		
۱۳۵۹	۲۳/۶	۷	۸/۵		
۱۳۶۰	۲۳	۷	۸/۵		
۱۳۶۱	۱۹/۱	۷	۸/۵		
۱۳۶۲	۱۴/۸	۷	۸/۵		
۱۳۶۳	۱۰/۴	۷/۲	۹		
۱۳۶۴	۶/۸	۶	۸		
۱۳۶۵	۲۳/۸	۶	۸/۵		
۱۳۶۶	۲۷/۷	۶	۸/۵		
۱۳۶۷	۲۸/۹	۶	۸/۵		
۱۳۶۸	۱۷/۴	۶	۸/۵		
۱۳۶۹	۸/۹۸	۶/۵	۹	۱۰	۱۱
۱۳۷۰	۲۰/۷	۶/۵	۹	۱۰/۵	۱۱/۵
۱۳۷۱	۲۴/۴	۷/۵	۱۰	۱۱/۵	۱۳
۱۳۷۲	۲۲/۹	۸	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵
۱۳۷۳	۳۵/۲	۸	۱۱/۵	۱۳/۵	۱۴/۵

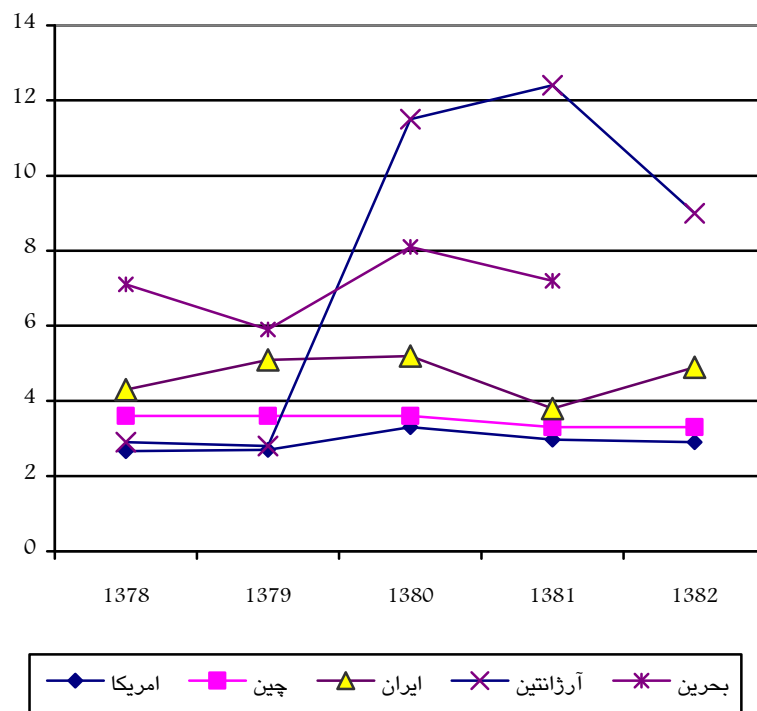
سپرده‌های مدت‌دار (سرمایه‌گذاری)					تورم	سال
پنج‌ساله	چهار ساله	سه ساله	دو ساله	کوتاه مدت یک‌ساله		
۱۸/۵		۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۴۹/۴	۱۳۷۴
۱۸/۵		۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۲۳/۲	۱۳۷۵
۱۸/۵		۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۱۷/۳	۱۳۷۶
۱۸/۵		۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۲۰	۱۳۷۷
۱۸/۵		۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۲۰/۱	۱۳۷۸
۱۸/۵	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴ ۸	۱۲/۶	۱۳۷۹
۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳ ۷	۱۱/۴	۱۳۸۰
۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳ ۷	۱۵/۸	۱۳۸۱
۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳ ۷	۱۵/۶	۱۳۸۲
۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳ ۷		۱۳۸۳



نمودار ۲. مقایسه میزان سود واقعی و میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار



نمودار ۳. مقایسه میانگین وزنی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی



نمودار ۴. مقایسه Spread در ایران و کشورهای منتخب جهان

صفحه سفید

دیدگاه‌های بانک مرکزی درباره

طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی*

اخیراً طرحی با عنوان «منطقی کردن نرخ‌های سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی» در مجلس شورای اسلامی، مطرح شده است. از نظر ارائه‌دهندگان طرح، نرخ سود تسهیلات بانکی یکی از عمده‌ترین مشکلات تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در ایران بوده و با کاهش نرخ‌های مذکور بخش تولیدی و سرمایه‌گذاری کشور رونق یافته و قدرت رقابتی تولیدکنندگان ایرانی در مقابل رقبای خارجی افزایش خواهد یافت. در قالب این طرح دولت موظف می‌شود طی دوره زمانی ۱۸ ماهه نسبت به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی دولتی و غیردولتی اقدام کند به نحوی که در خاتمه مدت ۴/۵ درصد [۴/۵ واحد درصد] از متوسط نرخ سود تسهیلات کاسته شود. همچنین دولت موظف می‌شود با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری

* منتشر در رسانه‌های مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۹.

نظام بانکی به نحوی اقدام کند که برای ۱۸ ماهه دوم، امکان کاهش نرخ سود تسهیلات و سپرده به طور متوسط تا ۴ درصد [۴ واحد درصد] فراهم شود.

الزام دولت و بانک مرکزی به تغییر نرخ‌های سود بانکی از طرف نهاد قانونگذار تاکنون مسبوق به سابقه نبوده و با قوانین جاری کشور در زمینه بانکداری و اجرای سیاست پولی در تضاد است. براساس قوانین جاری (از جمله ماده (۲۰) قانون عملیاتی بانکی بدون ربا و ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور) مداخله در امور پولی و بانکی در اختیار مقام پولی (شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی) بوده و دخالت سایر قوا نه تنها ناقض اختیارات و استقلال بانک مرکزی است، بلکه نیازمند اصلاح قوانین جاری کشور است.

گذشته از شبهه قانونی موجود و انتظار ایجاد اختلال در روند رو به بهبود اقتصاد کشور، اصولاً براساس مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا تعیین دستوری نرخ‌های سود بانکی بدون توجه به شاخص‌های اقتصادی و تحولات اقتصاد کلان مردود است. در ادامه ضمن بررسی مفاد قانون مزبور، به دلایل مخالفت بانک مرکزی با طرح کاهش دستوری نرخ‌های سود بانکی و ارزیابی این بانک از وضعیت فعلی نرخ اشاره می‌گردد:

جدول ۱. میانگین نرخ سود موزون سپرده‌ها و تسهیلات بانکی (ایران)

(درصد در سال)

دوره	نرخ موزون سپرده‌ها	نرخ موزون تسهیلات	نرخ سود واقعی سپرده‌ها	نرخ سود واقعی تسهیلات	نرخ تورم
۱۳۶۸-۱۳۷۲	۹/۰	۱۳/۴	-۹/۹	-۵/۵	۱۸/۹
۱۳۷۴-۱۳۷۸	۱۲/۶	۱۷/۲	-۱۳/۰	-۸/۲	۲۵/۶
۱۳۷۹-۱۳۸۲	۱۲/۲	۱۷/۱	-۱/۶	۳/۳	۱۳/۹
شش‌ماهه ۱۳۸۳	۱۱/۹	۱۶/۶	-۳/۸	۱/۹	۱۴/۷

۱. در حال حاضر بانک‌ها در قالب عقود مشارکتی و غیرمشارکتی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا به اعطای تسهیلات مبادرت می‌ورزند. در عقود غیرمشارکتی یا عقود با بازدهی ثابت، بانک می‌تواند حداقل یا حداکثر نرخ سود را تعیین نماید. در این‌گونه عقود به جهت انتقال مالکیت، رابطه وام‌دهنده با سرمایه قطع می‌گردد و لذا تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان، ارتباطی به سود و مطالبات بانک ندارد. در حالی که در عقود مشارکتی عاملین و مشارکین از سرمایه خود رفع ید ننموده، بلکه مالکیت آنان استمرار می‌یابد. لذا در شرایط متعارف، هیچ‌یک از طرفین در مقام بستانکار یا بدهکار نیست. به عبارت دیگر، بانک به‌عنوان تأمین‌کننده کل یا بخشی از سرمایه، نمی‌تواند خود را از نتیجه فعالیت موضوع مشارکت مجزا نماید. بررسی عملکرد بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از تسهیلات به صورت غیرمشارکتی اعطا می‌شود. در ۳۰ درصد باقیمانده نیز گرچه

نمی‌توان نرخ از قبل تعیین شده‌ای را تثبیت نمود، لکن باید نرخ یا دامنه‌ای از نرخ‌ها لحاظ گردد تا از منظر بانک، مبنایی برای قبول یا رد پروژه‌ها در اختیار باشد. لکن در هر دو مورد، نرخ‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که جبران کاهش ارزش پول سپرده‌گذاران را بنماید. در تعیین نرخ‌های سود در نظام بانکی بدون ربا، رابطه زیر باید بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات برقرار باشد:

هزینه‌های عملیاتی بانک - نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات = نرخ سود سپرده‌های بانکی

در تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات اعطایی نیز توجه و تأکید بر متوسط بازدهی و عملکرد بخش واقعی بوده و معمولاً به شاخص تورم و تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان و همچنین ملاحظات سیاسی در حمایت از برخی از بخش‌های اقتصادی تأکید ویژه می‌شود. در برآورد سود حاصل از تسهیلات بانک‌ها و تبدیل و تخصیص آن به سود سپرده‌ها، یکی از مسائل مهم، ملاحظات مربوط به تعیین حاشیه نرخ سود بانک‌ها می‌باشد. این حاشیه در سطحی تعیین می‌شود که نه تنها هزینه‌های عملیاتی و ریسک بانک‌ها را پوشش دهد، بلکه ملاحظات سیاستی قوی در زمینه بهبود ساختار مالکی بانک‌ها نیز در تعیین آن مراعات شود. به عبارت دیگر در این خصوص از یک طرف ملاحظات قانونی و حقوقی ناشی از الزامات قانون عملیات بانکی بدون ربا به همراه عملکرد بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و از طرف دیگر، کارایی عملیاتی بانک‌ها و برنامه‌های تنظیمی - مقرراتی در رابطه با حفظ نسبت‌ها و استانداردهای معمول در جهت تقویت بنیه مالی بانک‌ها اعمال می‌شود. بدیهی است لازمه هر گونه کاهش در نرخ سود تسهیلات، کاهش بیش‌تر در پرداخت سود به سپرده‌گذارانی است که صاحب اصلی منابع بانکی هستند.

جدول ۲. حاشیه سود بانکی (spread) در برخی کشورها طی دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۳)
(ارقام به درصد)

کشور	۲۰۰۲			۲۰۰۳		
	تسهیلات	سپرده‌ها	Spread	تسهیلات	سپرده‌ها	Spread
امریکا	۴/۷	۱/۷	۳/۰	۴/۱	۱/۲	۲/۹
فرانسه	۶/۶	۳/۰	۳/۶	۶/۶	۲/۷	۳/۹
اندونزی	۱۹/۰	۱۵/۵	۳/۵	۱۶/۹	۱۰/۶	۶/۳
مکزیک	۹/۴	۲/۹	۶/۵	۶/۹	۳/۱	۳/۸
ونزوئلا	۳۶/۶	۲۹/۰	۷/۶	۲۵/۱	۱۷/۲	۷/۹
آرژانتین	۵۱/۷	۳۹/۳	۱۲/۴	۱۹/۲	۱۰/۲	۹/۰
برزیل	۶۲/۹	۱۹/۴	۴۳/۵	۶۷/۱	۲۲/۰	۴۵/۱
سنگاپور	۵/۴	۰/۹	۴/۵	۵/۳	۰/۵	۴/۸
چین	۵/۳	۲/۰	۳/۳	۵/۳	۲/۰	۳/۳
میانمار	۱۵/۰	۹/۵	۵/۵	۱۵/۰	۹/۵	۵/۵
تانزانیا	۱۶/۴	۳/۳	۱۳/۱	۱۴/۵	۳/۱	۱۱/۴

۲. طرح مزبور در محاسبه حاشیه (Spread) بانکی با اشکال مواجه است که در این قسمت به اشکالات عمده و فاحش آن اشاره می‌گردد:

الف) در عملیات مربوط به محاسبه حاشیه بانکی، احتساب سپرده‌های دیداری، قرض‌الحسنه و متفرقه خلاف استانداردهای مرسوم در سایر کشورها بوده و از مبنای درستی برخوردار نمی‌باشد. چرا که سپرده‌های دیداری و متفرقه از موارد مصرف خاصی برخوردار بوده و همچنین سپرده‌های قرض‌الحسنه که مصارف قرض‌الحسنه‌ای دارند.

(از قبیل وام اشتغال، وام ازدواج، خوابگاه‌های دانشجویی، تبصره «۳» و...) از مصارف تسهیلاتی همانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری برخوردار نمی‌باشند. در نتیجه سپرده‌های مزبور در محاسبه میانگین نرخ سود تسهیلات وارد

نمی‌شوند. لازم به ذکر است که سپرده‌های دیداری جهت مدیریت نقدینگی بانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و بانک‌ها علاوه بر ارائه خدمات متنوع بانکی به این قبیل سپرده‌ها، همواره باید نسبت به پرداخت آن به مشتریان خود از آمادگی لازم برخوردار باشند. همچنین بانک‌ها از بابت مطالبات مشکوک‌الوصول و معوق خود نیز ملزم به ذخیره‌گیری هستند که لازم است در محاسبات فوق لحاظ شود.

ب) مطابق مصوبات شورای پول و اعتبار، همواره درصد معینی از سپرده‌های بانکی به‌عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی تودیع می‌شود. این نسبت در حال حاضر برای کلیه بانک‌ها به غیر از بانک‌های تخصصی دولتی معادل ۱۷ درصد می‌باشد. نکته قابل توجه این است که در محاسبه میانگین نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار، باید وجوه سپرده‌های قانونی بانک‌ها (نزد بانک مرکزی) که دارای نرخ کارمزد (سود) یک درصد می‌باشد، از وجوه قابل استقراض کسر شود. در محاسبات انجام گرفته در طرح نمایندگان محترم، نکته فوق مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه هزینه منابع سپرده‌ای بلندمدت بانک‌ها پایین‌تر نشان داده شده است.

ج) قراردادهای سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها به گونه‌ای است که در شرایط افزایش نرخ‌های سپرده، تقریباً تمام سپرده‌ها در مدت زمان بسیار کوتاهی مشمول افزایش نرخ می‌شوند. حتی اگر شرایطی فراهم شود که مزایای افزایش نرخ سپرده‌ها شامل بخشی از سپرده‌ها نگردد، معمولاً سپرده‌گذاران یا تجدید قرارداد نموده یا قراردادهای قبلی را لغو و سپرده‌گذاری جدید انجام می‌دهند. در حالی که در مورد تسهیلات بانکی تجدید قرارداد به صورت لحظه‌ای و مقطعی بر نرخ تسهیلات بانکی حاکم نیست. به‌عنوان مثال، هنوز هم تسهیلات مسکن با نرخ ۴ درصدی سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در پرتفوی بانک‌ها وجود دارد که در این محاسبات لحاظ نشده است.

جدول ۳. نرخ‌های سود بانکی در برخی کشورها طی دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۳)

(ارقام به درصد)

کشور	۲۰۰۲				۲۰۰۳			
	تسهیلات	سپرده‌ها	تورم	سپرده‌ها	تسهیلات	سپرده‌ها	تورم	سپرده‌ها
امریکا	۴/۷	۱/۷	۱/۵	۰/۲	۴/۱	۱/۲	۲/۳	-۱/۱
فرانسه	۶/۶	۳/۰	۱/۹	۱/۱	۶/۶	۲/۷	۲/۱	۰/۶
اندونزی	۱۹/۰	۱۵/۵	۱۱/۴	۴/۱	۱۶/۹	۱۰/۶	۵/۹	۴/۷
مکزیک	۱۹/۴	۲/۹	۵/۱	-۲/۲	۶/۹	۳/۱	۴/۶	-۱/۵
ونزوئلا	۳۶/۶	۲۹/۰	۲۲/۴	۶/۶	۲۵/۱	۱۷/۲	۳۱/۲	-۱۴/۰
آرژانتین	۵۱/۷	۳۹/۳	۲۵/۹	۱۳/۴	۱۹/۲	۱۰/۲	۱۳/۴	-۳/۲
برزیل	۶۲/۹	۱۹/۴	۸/۴	۱۱/۰	۶۷/۱	۲۲/۰	۱۴/۸	۷/۲
سنگاپور	۵/۴	۰/۹	-۰/۴	۱/۳	۵/۳	۰/۵	۰/۵	۰/۰
چین	۵/۳	۲/۰	-۰/۸	۲/۸	۵/۳	۲/۰	-	-
میانمار	۱۵/۰	۹/۵	۵۷/۱	-۴۷/۶	۱۵/۰	۹/۵	-	-
تانزانیا	۱۶/۴	۳/۳	۴/۶	-۱/۳	۱۴/۵	۳/۱	۴/۵	-۱/۴

در حال حاضر براساس استاندارد متعارف، یعنی با توجه به اختلاف بین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی (متوسط نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات در سال ۱۳۸۲ به ترتیب حدود ۱۲ و ۱۶ درصد)، حاشیه بانکی بر مبنای حسابداری نقدی - تعهدی در بانک‌های ایران حدود ۴ درصد است که در مقایسه با سایر کشورها و محدودیت‌های موجود در بازار مالی کشور، در حد معقول و قابل قبول ارزیابی می‌شود.

۳. منابع مورد نیاز جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی عمدتاً از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار اشخاص و اعطای تسهیلات از سوی بانک‌ها صورت می‌گیرد بنابراین با تأثیرپذیری نرخ‌های سود سپرده‌های بانک‌ها از این سیاست و برخورداری تدریجی منابع مزبور از نرخ سود واقعی منفی، منابع سپرده‌ای جذب بازارهای غیرمولد شده و سیستم بانکی کشور را با مشکل تجهیز منابع روبه‌رو می‌کند. واضح است که تغییرات قدرت خرید پول، می‌تواند ارزش واقعی سپرده افراد نزد بانک‌ها را تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب فردی که نزد بانک سپرده تودیع می‌کند، در صورت ترقی قیمت‌ها در سررسید، مبلغی کمتر از ارزش واقعی آن در زمان تودیع دریافت می‌نماید. پیش‌بینی این وضعیت، می‌تواند موجب نگرانی افراد شود و تمایل آنان را به جای تودیع سپرده در بانک، به سایر گزینه‌ها برانگیزد و در نتیجه، بانک‌ها از مهم‌ترین منابع تأمین مالی خود محروم گردند. در حالی که اگر بانک‌ها بتوانند نگرانی افراد از این بابت را رفع و آنان را به سپرده‌گذاری تشویق کنند، لزوماً بخشی از قدرت خرید خانوار پس‌انداز شده و کاهش تقاضا می‌تواند در کنترل تورم و تثبیت قدرت خرید پول مؤثر واقع شود و افراد با اطمینان از حفظ ارزش واقعی سپرده‌های خود به سپرده‌گذاری مبادرت نمایند. در عین حال، پس‌انداز انجام شده در بانک‌ها، توان بانک‌ها را در اعطای تسهیلات مدت‌دار به بخش‌های تولیدی اقتصاد تقویت می‌کند که نقش آن در افزایش سرمایه‌گذاری به مراتب مهم‌تر از کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است با کاهش تورم در ایران در طول سال‌های گذشته، سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌های بخش غیردولتی افزایش یافته است.

جدول ۴. سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌های بخش غیردولتی

پایان سال	سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار	کل سپرده‌ها (۲)	نسبت (۱) به (۲)
۱۳۷۳	۲۲۵۱۶/۹	۵۳۱۴۳/۳	۴۲/۴
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۷۴۳۹۹/۲	۳۸/۲
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۱۰۳۳۳۶/۵	۳۴/۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۱۱۸۹۰۶/۱	۳۹/۶
۱۳۷۷	۶۲۴۲۹/۱	۱۴۱۶۲۸/۴	۴۴/۱
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲/۰	۱۷۰۵۶۹/۹	۴۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۲۲۳۹۵۲/۴	۴۶/۲
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۲۹۱۷۶۸/۶	۴۸/۳
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۸۲۷۴۳/۹	۴۸/۶
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۴۸۷۸۶۳/۹	۵۱/۶
پایان شهریور ماه ۱۳۸۳	۳۰۳۶۸۲/۸	۵۶۸۸۶۱/۶	۵۳/۴

۴. عمده دلیل طرفداران کاهش نرخ‌های سود بانکی در شرایط تورمی فعلی، حمایت از بخش تولید عنوان شده است. در حالی که بسیاری از مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه و همچنین نظریات اقتصادی، صحت ادعای مزبور را مخدوش می‌نماید.

براساس مطالعات و برآوردهایی که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام شده، نشان می‌دهد که نرخ سود تسهیلات به‌عنوان یک معتبر تأثیرگذار بر رشد و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله تولید و

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صنعت و... مطرح نبوده و تأثیر چندانی بر تولید بخش‌های مذکور ندارد. علت این امر آن است که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به رغم انتظار برخی، به جای نرخ سود تسهیلات، بیش‌تر متأثر از متغیر ریسک اقتصادی است و تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد (در شرایط قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز) تعیین‌کننده اصلی هزینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر نرخ سود به‌عنوان یک فاکتور در تصمیم‌گیری بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، همواره تحت‌الشعاع ارزیابی سرمایه‌گذاری از فاکتور ریسک و نااطمینانی‌ها قرار دارد. لذا به‌منظور کاهش نرخ هزینه سرمایه‌گذاری در راستای تشویق سرمایه‌گذاری، لازم است ریسک اقتصادی پایین آورده شده و نرخ ارز حداقل از ثبات نسبی برخوردار شود.

خوشبختانه با اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۸۱ زمینه‌های ایجاد ثبات نسبی فراهم شده است. بدیهی است کاهش نرخ سود تسهیلات راه‌حل مؤثری جهت تشویق و تحریک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نخواهد بود.

۵. بررسی سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مبادلات در سیستم بانکی کشور نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر از کل تعداد حساب‌های سپرده‌ای نزد بانک‌ها، حدود ۸۶ درصد از موجودی کم‌تر از یک میلیون ریال و حدود ۶۵ درصد از موجودی کم‌تر از یکصد هزار ریال برخوردار بوده و اکثر این سپرده‌ها جهت کسب سودهای ناچیز به بانک‌ها سپرده شده‌اند. بنابراین در شرایط فعلی اقتصاد، کاهش سودهای ناچیز سپرده‌گذاران، به نفع معدودی گیرنده تسهیلات خواهد بود که این امر با رابطه وکالت بانک و سپرده‌گذار که براساس آن بانک موظف به تأمین منافع موکلین خود بوده و همچنین با مبانی عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت مغایر است.

۶. رونق بازار غیرمتشکل پولی و سطح نرخ‌های سود در این بازار، دلیلی بر پایین بودن نرخ‌های سود تسهیلات بانکی از سطح تعادلی و شاخصی در تبیین پدیده سرکوب مالی می‌باشد. مقایسه رایج‌ترین نرخ سود تسهیلات پرداخت شده در بازار غیرمتشکل پولی با میانگین موزون نرخ انواع تسهیلات بانکی (حدود ۱۶/۶ درصد) بیانگر اختلافی برابر ۴۳/۴ واحد درصد در نیمه اول سال جاری است. گرچه بخشی از این اختلاف مربوط به ریسک مستتر در بازار غیرمتشکل پولی است، لکن بخش عمده‌ای از آن منعکس‌کننده وجود تقاضای مازادی است که به رغم رشد سالانه ۳۵ درصد تسهیلات جدید توسط سیستم بانکی، پاسخ داده نشده و به طرف بازار غیرمتشکل منتقل شده است.

۷. توجه به نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌های غیردولتی که هم‌اکنون با رشد بسیار بالایی در حال فعالیت می‌باشند از دلایل پایین‌تر بودن نرخ‌های سود بانک‌های دولتی از نقطه تعادل می‌باشد. شایان ذکر است تعیین سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی توسط بانک‌های غیردولتی به عهده خود بانک‌ها گذارده شده و تنها به آن‌ها توصیه شده تا نرخ سود سپرده‌ها را حداکثر ۳ واحد درصد بالاتر از نرخ‌های سود مصوب شورای پول و اعتبار برای بانک‌های دولتی تعیین نمایند. بانک‌های غیردولتی براساس مصوبه مذکور، نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات خود را بالاتر از نرخ‌های سود بانک‌های دولتی تعیین نموده‌اند و به دلیل وجود تقاضا در نرخ‌های بالاتر از ۲۵ درصد، تسهیلات این بانک‌ها با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است. گرچه بانک‌های غیردولتی در آغاز فعالیت از نرخ‌های سود تسهیلات بالایی برخوردار بودند، لکن به مرور در اثر کاهش تورم و کاهش نرخ‌های سود بانکی در بانک‌های دولتی و به منظور گسترش رقابت میان بانک‌ها، در جهت تعدیل و کاهش نرخ‌های سود تسهیلات اقدام نموده‌اند. از دیگر آثار منفی طرح پیشنهادی مبنی بر الزام بانک‌های غیردولتی به کاهش

دستوری نرخ، کاهش در تداوم روند رقابت میان بانکها را در پی خواهد داشت.

۸. کاهش نرخهای سود سپردههای بانکی بدون توجه به شاخصهای کلان اقتصادی از جمله تورم، موجب تغییر در ترکیب سپردهها می شود. در صورتی که نرخهای سود سپردهها کاهش یابد، صاحبان سپردههای بلندمدت که با کاهش سود دریافتی مواجه شده اند، به سمت سپردههای دیداری روی آورده و از این سپردهها برای فعالیت در بازارهای موازی (همچون بازار سهام، مستغلات، طلا و...) استفاده می نمایند یا منابع خود را برای اخذ سود بیش تر در بازار غیرمتشکل پولی و سایر فرصت های سرمایه گذاری به کار می گیرند. نتیجه چنین روندی، رونق حباب گونه بازار سهام، مستغلات و طلا و... در نهایت ایجاد فشارهای تورمی می باشد. همچنین این تغییر در ترکیب سپردهها در جهت نقدتر شدن می تواند موجب افزایش سرعت گردش نقدینگی را فراهم آورد که به نوبه خود تورم را شدید می نماید.

۹. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات بانکی در سطح پایین تر از نرخ واقعی (پایین تر از نرخ تورم) قرار داشته باشد، تمایل افراد به استفاده از منابع بانکی افزایش می یابد، ضمن آن که رانت اقتصادی حاصل از تسهیلات اعطایی، می تواند زمینه ظهور ثروت های باد آورده را برای دریافت کنندگان آن پدید آورد. این امر در شرایطی که امکان استفاده از این تسهیلات به واسطه سقف های اعتباری و سایر موانع برای همه متقاضیان آن فراهم نباشد، می تواند مبانی عدالت اجتماعی را نیز خدشه دار نماید.

در پایان خاطر نشان می سازد که طی سال های اخیر شورای پول و اعتبار با توجه به مطالعات کارشناسی روند بهبود اوضاع اقتصادی و کاهش نسبی تورم، هر ساله اقدام به کاهش تدریجی نرخ های سود تسهیلات بانکی نموده است. در حال حاضر نیز در چارچوب ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه،

بانک مرکزی درصدد اصلاح نرخ‌های سود بانکی، یکسان‌سازی آن و فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت کاهش بیش‌تر نرخ‌های مذکور طی سال‌های برنامه همگام با کاهش نرخ تورم پیش‌بینی شده در برنامه می‌باشد. این تغییرات و اصلاحات باید به گونه‌ای اجرا شود که مجموعه سپرده‌گذاران، گیرندگان تسهیلات و نظام بانکی در یک ارتباط سازگار و منطقی، متضرر نشوند. به هر حال پیش شرط کاهش نرخ‌های سود بانکی، کاهش تورم است که در برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است.

صفحه سفید

پاسخ‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به منتقدان طرح منطقی ساختن نرخ سود تسهیلات بانکی*

طی هفته‌های گذشته، تعدادی از مقامات پولی - بانکی کشور در واکنش به طرح «منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی»، مکرراً با خبرنگاران رسانه‌ها مصاحبه کرده و درباره این طرح قانونی اشکالاتی را مطرح کرده‌اند، هر چند طرح اشکال‌های منطقی و مستدل برای نمایندگان و طراحان محترم ضروری و مفید است اما برخی انتقادهای و مصاحبه‌ها گاهی از شکل سازنده و خیرخواهانه فاصله گرفته و تبدیل به جوسازی، تهمت پراکنی و تخطئه اصل طرح و نمایندگان امضاکننده آن شده است.

از آنجا که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آرامش و ثبات را برای شرایط امروز اقتصاد ایران بسیار ضروری می‌داند، طی هفته‌های اخیر در برابر غوغاهای رسانه‌ای و طرح ادعاهای غیرعلمی و غیرمستند مخالفان

* این پاسخ در اسفند ماه ۱۳۸۳ برای رسانه‌های گروهی ارسال شده است.

طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی» سکوت پیشه کرده بود. اما اکنون که از شدت مصاحبه‌های احساسی و هیجان‌انگیز برخی مدیران نظام بانکی کاسته شده و فشار روانی مصنوعی ایجاد شده در بازارهای کشورمان تا حدودی فروکش کرده است، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جهت استحضار کارشناسان و علاقه‌مندان این موضوع، به تدریج انتقادهای مطرح شده را طرح و پاسخ می‌گوید:

انتقاد اول

«طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی»، طرحی دستوری است و می‌خواهد به نرخ‌ها دستور دهد.

پاسخ

جمله فوق مشهورترین انتقادی است که به این طرح وارد شده است. در پاسخ این ادعا تأکید می‌شود اولاً همان‌طور که منتقدین محترم نیز می‌دانند، براساس رویه موجود، محدوده نرخ‌های سود بانکی توسط «شورای پول و اعتبار» تعیین و به بانک‌ها ابلاغ می‌شود. البته اعضای محترم این شورا براساس معیارهایی نظیر نرخ تورم و نیز برآورد بازگشت سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصاد، محدوده نرخ‌های سود بانکی را تعیین می‌کنند اما به هر حال برای مدیران ارشد نظام بانکی شایسته نیست که انتقاد خود را طوری جلوه دهند که گویی این مجلس است که می‌خواهد نرخ سود تسهیلات را تعیین کند و تاکنون این نرخ با سازوکار عرضه و تقاضا تعیین می‌شده است. بنابر این بهتر است منتقدان محترم به جای «کاهش دستوری نرخ» سود تسهیلات بانکی، این طرح را «کاهش نرخ دستوری» سود تسهیلات بانکی بنامند. ثانیاً طراحان این طرح معتقدند شورای پول و اعتبار در تعیین نرخ‌های سود تسهیلات بانکی و جرائم

دیرکرد، همه مصالح اقتصاد ایران را در نظر نگرفته و این نرخ را طوری تعیین کرده است که سرمایه‌گذاری تولیدی در ایران در بسیاری از موارد غیراقتصادی شده و هزینه تمام شده کالاها توسط تولیدکننده ایرانی را بالاتر از تولیدکنندگان رقیب در سایر کشورها برده است. از سوی دیگر، اعمال سیاست تسهیل واردات کالاهای خارجی که با وام‌های بسیار ارزان قیمت تولید شده‌اند، تولیدکنندگان ایرانی را در معرض رقابتی نابرابر، ورشکستگی، تعطیلی خطوط تولید و بیکاری کارگران قرار داده است.

در واقع، دولت در سال‌های اخیر از تولیدکنندگان ایرانی خواسته است از نظر بهره‌وری، کیفیت و قیمت تمام شده، خود را با استانداردهای جهانی تطبیق دهند، اما نرخ سود تسهیلات بانکی را برخلاف نرخ‌های متعارف جهانی برای تشکیل سرمایه و راه‌اندازی واحدهای تولیدی، بالا نگه داشته است.

این معیار دوگانه در برخورد با تولیدکنندگان ایرانی، نمایندگان امضاکننده طرح را بر آن داشت با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی و اقتصادی کردن طرح‌های سرمایه‌گذاری در ایران، از دولت بخواهند نرخ سود تسهیلات بانکی را کاهش دهد.

به بیان دیگر، نمایندگان امضاکننده طرح معتقدند دولت نرخ سود تسهیلات بانکی را به اشتباه بالا نگه داشته و دستور اشتباهی به این نرخ می‌دهد لذا در پاسخ به خواست منطقی تولیدکنندگان ایرانی و موکلین خود با ارائه این طرح قانونی، از شورای پول و اعتبار خواسته‌اند اشتباه خود را تصحیح کرده و نرخ سود بانکی را به نفع سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی، کاهش دهد.

انتقاد دوم

کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، باعث کاهش سود سپرده‌گذاران می‌شود و در شرایط تورمی کشورمان، این سیاست یعنی تنبیه سپرده‌گذاران در نتیجه سپرده‌گذاران سپرده‌های خود را از بانک‌ها خارج می‌کنند.

پاسخ

اولاً طرح منطقی ساختن نرخ سود تسهیلات بانکی، برای ۱۸ ماه اول بعد از تصویب طرح، صراحتاً خواهان کاستن از نرخ سود «تسهیلات» بانکی است نه الزاماً نرخ سود سپرده‌ها. به عبارت دیگر، این طرح از نظام بانکی می‌خواهد با کاستن از دیوان‌سالاری پیچیده و غیرضروری و افزایش بهره‌وری، از هزینه‌های زاید بانک‌ها بکاهد تا نرخ Spread (تفاوت نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات) به نفع تسهیلات گیرندگان کاسته شود.

جدول (۱) نشان می‌دهد که برحسب سناریوهای مختلف، هم‌اکنون نرخ Spread در نظام بانکی ایران، بسیار بالاتر از نرخ‌های متعارف جهانی است و در نتیجه در صورت اصلاح رویه‌های بانکی و همت بیش‌تر مدیران و کارکنان سخت‌کوش بانک‌ها، کاستن از نرخ Spread به نفع دریافت‌کنندگان تسهیلات ممکن و شدنی است.

ثانیاً اگر مدیران ارشد نظام بانکی کاستن از دیوان‌سالاری پیچیده و غیرضروری و نیز افزایش بهره‌وری بانک‌ها را غیرممکن جلوه دهند و با کاهش اجباری نرخ سود تسهیلات، نرخ سپرده‌ها را هم کاهش دهند، فرار سپرده‌ها از بانک‌ها آنطور که منتقدان هشدار می‌دهند، بسیار بعید به نظر می‌رسد چرا که شواهد موجود نشان می‌دهد افرادی که وجوه نقد خود را نزد بانک‌ها سپرده‌اند، از جمله ریسک‌گریزترین اقشار جامعه هستند و در همه سال‌هایی که نرخ واقعی سود سپرده‌ها (نرخ اسمی سود سپرده‌ها منهای نرخ

تورم) منفی بوده است و به قولی سپرده‌گذاران در بانک‌ها تنبیه می‌شده‌اند هم، نه تنها سپرده‌های خود را از بانک خارج نکرده‌اند، بلکه هر سال به حجم سپرده‌های مدت‌دار نزد بانک‌ها افزوده شده است.

جداول (۲) و (۳) این نکته را به وضوح نشان می‌دهد.

در پایان یادآوری می‌شود همچنانی که برخی منتقدین خیرخواه نیز اشاره کرده‌اند، کاهش نرخ سود بانکی با اجرای سیاست‌های تکمیلی از جمله مهار تورم، رفع سایر موانع تولید و سرمایه‌گذاری در ایران و شاید از همه مهم‌تر، جلوگیری از رشد نقدینگی از طریق مهار هزینه‌های دولت منضبط کردن واقعی بودجه دولت، به اهداف خود خواهد رسید.

در واقع طرح «منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی» را در کنار طرح «مهار تورم و تثبیت قیمت‌ها» و نیز طرح‌های «رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری» و همچنین تلاش‌های کمیسیون تلفیق مجلس در منضبط کردن بودجه دولت باید به عنوان یک پکیج سیاست‌گذاری اقتصادی ارزیابی و تحلیل کرد.

سیاست‌هایی که در راستای خواسته‌های به حق ملت اعم از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار دارد و هدف ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، اقتصادی کردن تولید و سرمایه‌گذاری در ایران و در نتیجه افزایش اشتغال و بالاخره اداره کشور از محل دریافت مالیات از سود تولید را دنبال می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ضمن قدردانی از منتقدان خیرخواه و میهن‌دوست، از همه کارشناسان و صاحب‌نظران دعوت می‌کند با راهنمایی‌ها و انتقادهای سازنده خود، نمایندگان ملت را در تحقق این اهداف بزرگ یاری رسانند.

جدول ۱. مقایسه میزان (نرخ) سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی در سناریوهای مختلف

سال	۳	میانگین وزنی میزان (نرخ)های سود سپرده‌ها			میانگین وزنی نرخ‌های سود تسهیلات	I Spread بانکی بالحساب سپرده‌های مدتدار	II Spread بانکی بالحساب سپرده‌های مدتدار و جاری	III Spread بانکی بالحساب سپرده‌های مدتدار، جاری و متفرقه
		با احتساب سپرده‌های مدتدار	با احتساب سپرده‌های مدتدار و دیداری	با احتساب سپرده‌های مدتدار، دیداری و متفرقه				
۱۳۷۳		۱۱/۳	۵/۷	۵/۱	۱۶/۵	۵/۲	۱۰/۸	۱۱/۴
۱۳۷۳		۱۲/۵	۶/۱	۵/۱	۱۵/۷	۳/۲	۹/۶	۱۰/۶
۱۳۷۵		۱۲/۴	۵/۶	۴/۶	۱۷/۸	۵/۴	۱۲/۲	۱۳/۲
۱۳۷۶		۱۲/۶	۶/۳۰	۵/۴	۱۷/۳	۴/۸	۱۱	۱۱/۹
۱۳۷۷		۱۲/۶	۶/۷	۶	۱۷/۴	۴/۸	۱۰/۷	۱۱/۴
۱۳۷۸		۱۲/۸	۷/۱	۶/۶	۱۷/۱	۴/۳	۱۰	۱۰/۵
۱۳۷۹		۱۲/۹	۶/۹	۶/۶	۱۸	۵/۱	۱۱/۱	۱۱/۴
۱۳۸۰		۱۱/۹	۶/۶	۶/۴	۱۷/۱	۵/۲	۱۰/۵	۱۰/۷
۱۳۸۱		۱۱/۹	۶/۶	۶/۴	۱۵/۷	۳/۸	۹/۱	۹/۳
۱۳۸۲		۱۱/۸	۶/۹	۶/۷	۱۶/۷	۴/۹	۹/۸	۱۰

گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی و گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲ با پردازش.

جدول ۲. مقایسه میزان سود واقعی با میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار

طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۴

سال	میزان سود مؤثر	میزان تورم	میزان سود واقعی	میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار
۱۳۶۴	۶/۰۴	۷/۶	-۱/۵۶	—
۱۳۶۵	۶/۸۲	۲۳/۱	-۱۶/۲۸	۲۷/۸
۱۳۶۶	۶/۸	۲۴/۲	-۱۷/۴	۲۲/۵
۱۳۶۷	۶/۸۳	۲۵/۱	-۱۸/۲۷	۴۰/۶
۱۳۶۸	۶/۸۵	۱۶/۶	-۹/۷۵	۲۵/۲
۱۳۶۹	۷/۹	۸/۶	-۰/۷	۲۱/۱
۱۳۷۰	۸/۸۱	۲۰/۷	-۱۱/۸۹	۲۱/۱
۱۳۷۱	۱۰/۲۵	۲۴/۴	-۱۴/۱۵	۲۴/۸
۱۳۷۲	۱۱/۰۶	۲۲/۸	-۱۱/۷۴	۳۰/۱
۱۳۷۳	۱۱/۳	۳۵/۲	-۲۳/۹	۱۸/۲
۱۳۷۴	۱۲/۵	۴۸/۴	-۳۶/۹	۲۶/۲
۱۳۷۵	۱۲/۴	۲۳/۲	-۱۰/۸	۲۶/۱
۱۳۷۶	۱۲/۶	۱۷/۳	-۴/۷	۳۱/۴
۱۳۷۷	۱۲/۷	۱۸/۱	-۵/۴	۳۲/۵
۱۳۷۸	۱۲/۸۵	۱۰/۱	۷/۲۵	۲۷/۲
۱۳۷۹	۱۲/۹۶	۱۲/۶	+۰/۳۶	۲۹/۹
۱۳۸۰	۱۱/۹	۱۱/۴	+۰/۵	۳۶/۵
۱۳۸۱	۱۱/۹	۱۵/۸	-۳/۹	۳۱/۸
۱۳۸۲	۱۱/۸	۱۵/۶	-۳/۸	۳۵/۴

جدول ۳. متوسط میزان سود مؤثر و مقایسه آن با میزان تورم طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۰

عنوان	۱۳۶۹	۱۳۷۰-۱۳۸۲
متوسط سود مؤثر	۷/۱	۱۱/۷۷
متوسط میزان تورم	۱۸/۰۱	۲۲/۰۵
متوسط سود مؤثر واقعی	-۱۰/۹۱	-۱۰/۲۸

انتقاد سوم

طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی باعث رونق گرفتن بازار غیررسمی و سیاه پول می‌شود

پاسخ

این انتقاد و در واقع ادعا، یکی از عجیب‌ترین و غیرعلمی‌ترین نکاتی است که در مصاحبه‌ها و بیانات منتقدان طرح منطقی ساختن نرخ سود تسهیلات بانکی دیده می‌شود.

از جانب سپرده‌های بانکی، حتی اگر مدیران ارشد نظام بانکی به خواست نمایندگان مجلس برای کاهش دیوان‌سالاری و هزینه‌های غیرضروری نظام بانکی عمل نکنند و به جای کاهش نرخ Spread، با کاهش نرخ سود تسهیلات، به همان میزان نرخ سود سپرده‌ها را هم کاهش دهند، بسیار بعید است که سپرده‌گذاران نظام بانکی وجوه خود را به بازار غیررسمی پول منتقل کنند چرا که شواهد و آمارها نشان می‌دهد صاحبان سپرده‌های مدت‌دار بانک‌ها جزو ریسک‌گریزترین اقشار جامعه هستند به طوری که حتی در سال‌هایی که نرخ واقعی سود سپرده‌ها (نرخ اسمی سود منهای نرخ تورم) منفی بوده است هم، این عده سپرده‌های خود را از بانک خارج نکرده‌اند چه رسد به این‌که سپرده خود را در محل بسیار مخاطره‌آمیز و خطرناکی مانند بازار غیررسمی و ربوی پول منتقل کنند.

به عبارت دیگر حتی اگر با کاهش نرخ سود سپرده‌ها، بخشی از این افراد بخواهند واقعاً سپرده‌های خود را از بانک خارج کنند، به لحاظ روحیه ریسک‌گریز خود، انتخاب‌های کم‌خطرتری مانند خرید اوراق مشارکت دولتی یا حداقل خرید سهام در بورس اوراق بهادار را پیش روی خود دارند و عملاً غیرقابل تصور است که این افراد، وجوه نقد خود را ناگهان از امن‌ترین محل سپرده‌گذاری (بانک

دولتی) به ناامن‌ترین محل (بازار غیررسمی و سیاه پول) منتقل کنند.

از زاویه نگاه متقاضیان تسهیلات نیز ادعای رونق گرفتن بازار غیررسمی پول در صورت کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، کاملاً مردود است چرا که با کاهش نرخ سود تسهیلات بانک‌ها، احتمالاً عده‌ای از متقاضیان وجوه نقد از بازار غیررسمی پول به امید دستیابی به تسهیلات ارزان قیمت بانکی، به بانک‌ها مراجعه و در صف متقاضیان تسهیلات قرار می‌گیرند. این که تسهیلات محدود بانک‌ها آیا به همه این عده خواهد رسید یا خیر یا این که بدین ترتیب عمق رانت موجود برای دستیابی به تسهیلات بانکی تشدید می‌شود بحث‌های دیگری هستند اما آنچه مسلم است، اجرای این طرح مجلس در عمل و به احتمال قوی نه تنها عرضه وجوه در بازار غیررسمی پول را افزایش نخواهد داد بلکه از تقاضای وجوه هم در این بازار خواهد کاست. بنابراین ادعای تأثیر طرح منطقی ساختن نرخ سود تسهیلات بانکی در رونق گرفتن بازار غیررسمی و ربوی پول از اساس مردود و فاقد توجیه کارشناسی است.

انتقاد چهارم

طرح منطقی ساختن نرخ سود تسهیلات بانکی باعث از رونق افتادن بورس اوراق بهادار خواهد شد. افت قابل ملاحظه شاخص‌های بورس تهران در اواخر دی‌ماه و اوایل بهمن ماه ۱۳۸۳، شاهد روشنی بر این مدعاست.*

پاسخ

این انتقاد بیش‌تر به یک شانتاژ و جوسازی سیاسی شبیه است تا انتقاد علمی. چرا که دانشجویان مبتدی اقتصاد نیز رابطه معکوس «نرخ بهره» و «قیمت

* این ادعا از قول برخی از مقامات ارشد اقتصادی بانکی کشور در مطبوعات بیست و هفتم و هشتم دی‌ماه ۱۳۸۳ انعکاس یافت و متأسفانه هیچگاه هم تکذیب نشد.

اوراق بهادار» را در کتاب‌های درسی اقتصاد کلان ملاحظه کرده‌اند. حتی کسانی که کتب درسی اقتصاد کلان را نیز مطالعه نکرده باشند به راحتی می‌توانند تحلیل کنند که در صورت کاهش نرخ بهره بانکی، بخشی از سپرده‌گذاران که در درجه ریسک‌پذیری بیش‌تری دارند، سپرده‌های خود را از بانک خارج کرده و به دنبال محل بهتری برای کسب درآمد از وجوه نقد خود خواهند بود.

بدیهی است که یکی از انتخاب‌های این افراد، ورود به بازار بورس سهام و خرید سهام و سایر اوراق بهادار خواهد بود. بنابراین در تئوری‌های اقتصاد کلان، کاهش نرخ بهره بانکی، افزایش تقاضا و مآلاً قیمت اوراق بهادار و سهام را به دنبال می‌آورد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با ملاحظه شأن و جایگاه علمی خود، قصد ندارد به شانتاژها و جوسازی‌های سیاسی پاسخ گوید اما برای استحضار آن دسته از ناظران و فعالان بازار سهام که تحت تأثیر ادعای غیرعلمی فوق قرار گرفتند یادآوری می‌کند که کاهش شاخص‌های بورس اوراق بهادار در اواخر دی‌ماه و اوایل بهمن ماه ۱۳۸۳، ناشی از عوامل متعددی از جمله رشد حساب‌گونه قیمت سهام در ماه‌های قبل از آن، تهدیدهای رئیس‌جمهور و وزیر خارجه امریکا، مسأله پیش‌آمده در قیمتگذاری سیمان، جروانی و تحولات ناشی از واردات خودرو و ... بوده است.

باعث تأسف است که در شرایط سقوط شاخص‌های قیمت سهام، برخی از دولتمردان و مقام‌های بانکی به جای ایجاد آرامش در بازار سهام، با مصاحبه‌های احساسی و هیجان‌انگیز از موقعیت پیش‌آمده در بورس اوراق بهادار تهران علیه طرح مجلس برای «منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی»، بهره‌برداری سیاسی کردند.

منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی*

(بررسی دیدگاه‌های بانک مرکزی)

مقدمه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای که در برخی روزنامه‌های مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۹ چاپ رسیده است به تشریح دیدگاه‌های مسئولان این بانک در مورد طرح مجلس شورای اسلامی برای منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و همچنین به دلیل این‌که برخی از مباحث مطرح شده در این بیانیه برخلاف واقعیت‌های موجود ارائه شده، گزارش حاضر به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های بانک مرکزی پرداخته است.

رشد و توسعه پایدار عمده‌ترین هدف اقتصادی هر جامعه است؛ که مهم‌ترین معیار برای تعیین و اندازه‌گیری رفاه اقتصادی، رشد اشتغال مولد و محرک اصلی تولید و سرمایه‌گذاری نیز می‌باشد. منبع مهم تشکیل سرمایه

*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی (بررسی دیدگاه‌های بانک مرکزی)، اسفند ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۷۲۹۹.

برای سرمایه‌گذاری پس‌انداز است که وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم کرده و معمولاً از سه روش زیر تأمین می‌شود:^۱

۱. پس‌انداز شخصی،

۲. پس‌انداز تجاری،

۳. پس‌انداز عمومی.

همچنین به کارگیری منابع پس‌انداز شده نیز به سه طریق انجام می‌شود که عبارتند از:

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم به وسیله فرد پس‌انداز کننده،

۲. سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری،

۳. خرید سهام و اوراق قرضه دولتی و شرکت‌ها.

یکی از روش‌های به کارگیری منابع پس‌انداز، سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با سازماندهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادله‌های تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و باعث گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شوند. از سوی دیگر بانک‌ها، با پرداخت تسهیلات از محل سپرده‌های افراد به متقاضیان سرمایه‌گذاری و مصرف را توسعه داده و در نهایت رشد اقتصادی را تسهیل می‌کنند.

اما باید اهداف سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات نیز مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود منطقی کردن نرخ تسهیلات نظام بانکی چه تأثیراتی می‌تواند در روند رشد و توسعه داشته باشد. هدف سپرده‌گذاران به طور عمده حفظ و نگهداری وجوه، تسهیل در مبادله‌های پولی، کسب سود سپرده، مشارکت در اعطای قرض‌الحسنه، کمک به عمران و آبادانی کشور و ... است، از طرفی گیرندگان تسهیلات با هدف تأمین نیازهای مصرفی هم چون خرید

۱. سلیمی فر، مصطفی؛ قوی، مسعود؛ «تسهیلات بانک‌ها و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۲۵-۱۷۰.

کالاهای اساسی یا تأمین و تکمیل سرمایه بنگاه اقتصادی خویش تقاضای تسهیلات می‌نمایند.

با توجه به آنچه در بالا آمد، از آن‌جا که کسب سود سپرده یکی از اهداف سپرده‌گذاران است، بنابراین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به عنوان واسطه‌های مالی باید وجوه لازم برای پرداخت این سود را از محلی تأمین کنند، لذا دریافت سود از تسهیلات پرداختی در شرایط کنونی کشور ما با توجه به تعریف بانک و اهداف آن منطقی است. از سوی دیگر علاوه بر پرداخت سود سپرده، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باید هزینه‌های جاری و کارمزدهای مربوطه را نیز به عنوان یک بنگاه واسطه تأمین نمایند. حال سؤال این‌جاست که نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها چگونه باید تعیین شود و میزان آن چقدر باید باشد؟

۱. منطق تعیین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها (دستوری یا عدم دستوری بودن آن)

آنچه باید در تعیین نرخ سود تسهیلات یا سپرده‌ها مدنظر قرار گیرد، توجه به وضعیت و عملکرد اقتصادی کشور است. در این میان توجه به متغیرهای متوسط بازدهی سرمایه‌گذاری، عملکرد بخش واقعی اقتصاد، شاخص‌هایی چون تورم و نیز سایر شاخص‌های کلان اقتصادی در تعیین نرخ سود تسهیلات یا سپرده‌ها باید مدنظر قرار گیرد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه خود به صورتی کاملاً مبهم به این موضوع پرداخته و در واقع به نحوی عملکرد ۲۰ ساله نظام بانکداری غیر ربوی کشور و عملکرد خود را زیر سؤال برده است که در این گزارش به آن پرداخته می‌شود.

از سوی دیگر در مورد این‌که نرخ سود، باید دستوری یا براساس سازوکار عرضه و تقاضای وجوه تعیین شود نیز اختلاف نظرهای بسیار است که در این‌جا مجال بحث درباره آن نیست و فقط سعی می‌شود در ارتباط با

دیدگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بحث و تحلیل صورت گیرد.

در دیدگاه بانک مرکزی^۱ اشاره شده است که دستوری کردن تعیین نرخ سود تسهیلات سرشار از اشکال است. در این مورد باید گفت شاید اگر در کشوری بودیم که سازوکارهای بازار به درستی وظایف خود را انجام می‌دادند این دیدگاه منطقی به نظر می‌رسید. ولی باید پذیرفت در اقتصاد ایران هنوز سازوکارهای بازار روند توسعه را طی نکرده‌اند و دخالت‌های به موقع می‌تواند بسیار راه گشا باشد. در عین حال باید گفت آیا مقامات بانک مرکزی تصور می‌کنند از ابتدای تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نرخ سود غیردستوری و براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین شده است؟

در مورد دستوری بودن تعیین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها باید گفت تاکنون و از ابتدای تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا وضعیت به همین منوال بوده و این نرخ‌ها دستوری تعیین می‌شده است، پس تعیین دستوری نرخ سود سابقه تاریخی داشته است.^۲ نحوه تعیین دستوری نرخ سود مورد انتظار تسهیلات که یکی از متغیرهای اساسی است، به گونه‌ای بوده که عملاً در سال‌های متمادی به سودی قابل پیش‌بینی (به خصوص در مورد تسهیلات) تبدیل شده است.

در بخشی دیگر از دیدگاه بانک مرکزی، بدون نگاه به گذشته خود، عنوان کرده که تعیین نرخ سود با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، بازده متوسط، عملکرد شاخص‌های کلان اقتصادی و شاخص تورم انجام گرفته است. اما با توجه به ارقام نرخ سود تسهیلات و مقایسه آن‌ها با شاخص‌های فوق‌الذکر به هیچ وجه چنین ادعایی صحیح به نظر نمی‌رسد.

در این ارتباط بهتر است به آمار و ارقام بانک مرکزی که در نماگرهای

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۹.

۲. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۱-۵۳.

اقتصادی و به صورت سه ماهه منتشر می شود توجه گردد. همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود نرخ تورم طی سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۹ از ۴۹/۴ درصد به ۱۲/۶ درصد کاهش یافته است. با توجه به دیدگاه بانک مرکزی انتظار معقول این است که در این دوران که در واقع به نحوی ادامه دوران برنامه اول توسعه بوده باید تغییراتی در نرخ سود تسهیلات حاصل می شد، زیرا ادعای بانک مرکزی این است که تعیین این نرخ با توجه به شاخص تورم و ... صورت گرفته است. در عین حال ملاحظه می شود ارقام نرخ سود تسهیلات طی این سال ها به هیچ وجه تغییری نداشته و هر ساله توسط شورای پول و اعتبار به صورت دستوری و بدون هیچ گونه توجیهی به سیستم بانکی ابلاغ می شده است.

جدول ۱. نرخ تورم و نرخ سود مورد انتظار تسهیلات طی سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۹

(ارقام به درصد)

سال	نرخ تورم	نرخ سود تسهیلات مورد انتظار بخش بازرگانی و خدمات *
۱۳۷۴	۴۹/۴	۲۲-۲۵
۱۳۷۵	۲۳	۲۲-۲۵
۱۳۷۶	۱۷/۳	۲۲-۲۵
۱۳۷۷	۲۰	۲۲-۲۵
۱۳۷۸	۲۰/۴	۲۲-۲۵
۱۳۷۹	۱۲/۶	۲۲-۲۵

* لازم به توضیح است ارقام سایر بخش ها در این سال ها به هیچ وجه تغییری نداشته؛ لذا بخش بازرگانی به عنوان نمونه آورده شده است.

مأخذ: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره های مختلف.

پس چگونه می‌توان تعیین این نرخ‌های ثابت را با توجه به شاخص‌های عملکرد و متغیرها یا شاخص‌های کلان اقتصادی توجیه کرد. اضافه بر آن در این بیانیه به شاخص متوسط بازدهی اشاره شده که به هیچ وجه معلوم نیست که منظور از این شاخص چیست و چگونه محاسبه می‌شود. اگر منظور بازدهی سرمایه است این نکته را باید مدنظر قرار داد که با توجه به ناکارایی بازارهای مالی و پولی و نیز بازار سرمایه در ایران محاسبه این شاخص بسیار سخت و شاید در شرایط کنونی کشور غیرممکن باشد.

در هر حال با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت بیانیه بانک مرکزی با عملکرد این بانک مغایرت‌های اساسی دارد. به طور کلی مشاهده آمار و ارقام حاکی از آن است که تعیین نرخ سود در عین دستوری بودن، در عمر ۲۰ ساله نظام بانکداری بدون ربا از منطق اقتصادی خاصی برخوردار نبوده است. در این رابطه بد نیست به این نکته توجه شود که موضوع تعیین نرخ‌ها به صورت دستوری و جدا از منطق اقتصادی تنها به بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا خلاصه نمی‌شود، بلکه قبل از سال ۱۳۶۳ و پیش از انقلاب نیز، زمانی که بانکداری ایران ربوی بود، همین وضعیت بر نظام پولی و بانکی کشور حاکم بوده است. به طوری که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۳ سپرده‌گذاران کوتاه‌مدت به طور متوسط سالانه ۷/۷ درصد و سپرده‌گذاران بلندمدت ۶ درصد بهره واقعی منفی دریافت کرده‌اند که نشان از این موضوع دارد.^۱

۲. کاهش نرخ سود تسهیلات منجر به کاهش بیش‌تر نرخ سود سپرده‌ها و کاهش انگیزه مردم برای سپرده‌گذاری می‌شود

در جایی دیگر از بیانیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عنوان شده هرگونه

۱. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۳، صص ۵۲-۳۱.

کاهش در نرخ سود تسهیلات، کاهش بیش‌تر در پرداخت سود به سپرده‌گذاران را به دنبال دارد. این نکته با توجه به میزان spread بانکی در کشور ما به‌هیچ‌وجه صحیح نیست و بانک‌ها قادرند با مدیریت بهتر وجوه، صرفه‌جویی در هزینه‌های غیرضروری، کاهش یا حذف جوایز قرعه‌کشی و اضافه پرداخت‌ها به عنوان سود قطعی و عنداللزوم کاهش نرخ ذخیره قانونی از طرف بانک مرکزی کاهش سود تسهیلات در حد مورد انتظار مجلس شورای اسلامی را جبران کنند.

اضافه بر آن در مقدمه بحث عنوان شد اهداف سپرده‌گذاران از سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تنها به کسب سود ختم نمی‌شود، بلکه اهداف دیگری که بعضاً جنبه‌های معنوی دارد نیز دنبال می‌شود. براساس آمار و ارقام ارائه شده در بیانیه بانک مرکزی، طی سال‌های اخیر حدود ۸۶ درصد از سپرده‌گذاران کم‌تر از یک میلیون ریال موجودی و حدود ۶۵ درصد از آن‌ها کم‌تر از یکصد هزار ریال موجودی داشته‌اند. این مطلب حاکی از آن است که بخش اعظم سپرده‌ها نه به منظور کسب سود، بلکه به سایر دلایل به بانک‌ها منتقل شده است. از سویی دیگر، براساس آمارهای رسمی بانک مرکزی که در متن بیانیه مذکور آمده است، حدود ۴۷ درصد حجم کل سپرده‌ها در انواع جاری و قرض‌الحسنه است که به آن‌ها اصلاً سودی تعلق نمی‌گیرد و انگیزه اصلی سپرده‌گذار تنها حفظ و نگهداری موجودی و استفاده از خدمات بانکی است. بنابراین حتی اگر سود پرداختی به سپرده‌گذاران نیز کاهش یابد نمی‌توان تصور کرد مبالغ قابل توجهی از سپرده‌گذاری مردم در بانک‌ها کاهش یابد.

نکته دیگر قابل توجه این است که سیستم بانکی کشور با تشویق مردم به سپرده‌گذاری به‌خصوص از نوع قرض‌الحسنه در تلاش برای افزایش منابع مالی خود بوده تا بتواند در قبال این وجوه بدون هزینه، تسهیلات کوتاه‌مدت (یا بعضاً بلندمدت) اعطا نموده و سود کسب کند. در حالی که براساس روح حاکم بر قانون بانکداری بدون ربا استفاده از منابع قرض‌الحسنه برای کسب

سود مجاز نمی‌باشد و روش بانک‌ها از طریق انواع تبلیغات به صورت قرعه‌کشی چهره نامطلوبی به نظام بانکی کشور می‌دهد.

تجربه ۲۰ ساله بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که بانک‌ها و مؤسسات مالی، سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را پس از کسر ذخایر قانونی و ذخیره احتیاطی، در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری کرده و سود حاصل را به صورت منابع بانک، تملک کرده‌اند. در صورتی که در واقعیت مالکیت منابع متعلق به سپرده‌گذاران بوده است و نه بانک.

اعطای بخش کوچکی از سود حاصله آن هم از طریق قرعه‌کشی به گروه بسیار اندکی از صاحبان حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، غیرعادلانه‌ترین شکل توزیع درآمد است. ضمن این‌که، تقسیم سود حاصل از پس‌اندازها به صورت قرعه‌کشی و اعطای جوایز بسیار فریبنده و تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌های گروهی افزون بر تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین تبلیغات، بانک‌ها را به ردیف مؤسسات اعانه ملی و بخت‌آزمایی تنزل می‌دهد که با تعریف و جایگاه بانک به عنوان یک مؤسسه مهم اقتصادی منافات دارد. در ضمن لازم به ذکر است که اعطای این‌گونه جوایز و تبلیغات گسترده، باعث می‌شود تا سپرده‌های پس‌انداز ثبات خود را از دست بدهند. مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از سپرده‌گذاران، به دنبال هر قرعه‌کشی، منابع خود را از بانکی به بانک دیگر انتقال داده و منتظر قرعه‌کشی بعدی می‌مانند. در چنین وضعیتی روشن است با از بین رفتن ثبات سپرده‌ها، برنامه‌ریزی برای استفاده‌های بهینه از این منبع مهم مالی نیز با اشکال مواجه می‌شود.^۱

۱. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۰.

۳. حاشیه سود بانکی (۴ درصد یا بیش‌تر)

در دیدگاه بانک مرکزی عنوان شده است که حاشیه سود بانک‌ها از محل سپرده‌های تسهیلات به طور متوسط (۴) درصد است و مبنای علمی این محاسبات ارائه نشده است. در حالی که برخی از برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۱ spread بانکی حداقل حدود ۱۰ درصد بوده است.^۱ نتایج این مطالعات با توجه به این‌که سهم مهمی از سپرده‌ها بدون انتظار دریافت سود در اختیار نظام بانکی قرار می‌گیرد خیلی دور از منطق نیست، جواززی هم که به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه پرداخت می‌شود، گرچه ظاهر فریبنده دارند، اما در مقابل سود دریافتی بانک‌ها رقم قابل توجهی به حساب نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که تصویب طرح قانونی مورد نظر مجلس شورای اسلامی برای کاهش نرخ سود تسهیلات ضمن این‌که علامت امیدوارکننده‌ای برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران آشکار می‌سازد هیچ نوع فاجعه‌ای برای نظام بانکی به دنبال نخواهد داشت و نظام بانکی قادر خواهد بود با کمک بانک مرکزی بدون کاستن از سود سپرده‌های بانکی در ۱۸ ماهه اول موجبات اجرای این قانون را فراهم کند و در ۱۸ ماهه دوم با افزایش کارایی و کاهش نرخ تورم موجبات کاهش منطقی و بیش‌تر نرخ تسهیلات و سود سپرده‌ها نیز فراهم شود.

۱. محاسبه میزان تفاوت سود بانکی در ایران، قاسم صمیمی‌فر و یحیی ابطحی، مجله بررسی‌های بازرگانی، ش ۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۱۸.

صفحه سفید

منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی بخش‌های مختلف با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی* (نظرات و انتقادات سازمان‌ها و کارشناسان)

پیشگفتار

گزارش پیش‌رو نظرات کارشناسان بانک‌ها و دستگاه‌ها را درخصوص کلیات و تبصره‌های طرح مذکور، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی ارائه داده است. همچنین نظرات کارشناسی نیز در جوابیه مخالفان طرح عنوان شده است. گزارش حاضر به گونه‌ای تنظیم شده است که پس از ذکر هر مورد کلیه نظرهای کارشناسی درخصوص آن با ذکر نام کارشناس (شخصیت حقیقی و حقوقی) آورده می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس بنا به رسالت خود تلاش می‌کند تا از تمام

*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش کارشناسی درباره طرح: منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی بخش‌های مختلف با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی (نظرات و انتقادات سازمان‌ها و کارشناسان)، اسفند ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۷۳۰۴.

ظرفیت‌های کارشناسی کشور برای تهیه، اصلاح و تکمیل مواد قانونی، در فرایند قانونگذاری بهره‌برداری کند. امید آن می‌رود که نظرات کارشناسی ارائه شده در این گزارش‌ها در راستای منافع ملی، ثبات اقتصادی و حفظ کرامت انسانی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری به نحو شایسته مورد استفاده قرار گیرد. اسامی کارشناسان و نهادهای ذی‌ربط که نظرات خود را درخصوص طرح به‌صورت مکتوب به این مرکز ارسال داشته‌اند و در این گزارش انعکاس یافته عبارتند از:

- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز.

- انجمن خودروسازان ایران.

- انجمن مدیران صنایع.

- بانک توسعه صادرات ایران.

- بانک سامان.

- بانک سپه.

- بانک صنعت و معدن.

- بانک ملی.

- پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

- حسن خسروی (کارشناس)^۱.

- حیدر پوریان (کارشناس)^۲.

- خانه صنعت و معدن استان تهران.

- خانه کشاورز.

- دادستانی کل کشور.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۱. کارشناسان سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت‌ها.

۲. معاون اقتصادی و امور بین‌المللی سازمان کارگران بورس فلزات تهران.

- سید عباس موسویان (محقق)^۱.
- مجمع کنفدراسیون صنعت ایران.

مقدمه

به رغم آن که میزان سود مؤثر واقعی طی سال‌های گذشته در کشور منفی بوده اما ملاحظه می‌شود که نرخ رشد سپرده‌های مدت‌دار بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا بیش‌تر از نرخ رشد نقدینگی بوده به طوری که طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۲ حجم نقدینگی ۵۸ برابر و حجم سپرده‌های مدت‌دار ۸۶ برابر شده است که این نشانگر اقبال عمومی مردم نسبت به سپرده‌های بانکی است که لزوماً متأثر از میزان سود پرداختی نبوده است. در واقع سایر عوامل از قبیل کاهش ریسک، برخورداری از معافیت مالیاتی، امنیت سرمایه‌گذاری و دریافت سود به صورت ماهانه نیز در رفتار سپرده‌گذاران مؤثر بوده است.

از سوی دیگر با توجه به میزان تورم و سود سپرده‌ها در طول سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۲ مشاهده می‌شود که به رغم افزایش ۴/۷ درصدی در میانگین وزنی میزان سود در دوره ۱۳۷۰-۱۳۸۲ نسبت به دوره ۱۳۶۰-۱۳۶۹ به دلیل افزایش متوسط میزان تورم از ۱۸/۰۱ به ۲۲/۰۵ درصد، سپرده‌گذاران با زیان بیش‌تری مواجه شده‌اند.^۲

تفاوت بین میزان سود دریافتی بابت تسهیلات اعطایی از یکسو و سود پرداختی به سپرده‌های بانکی از سوی دیگر که در اصطلاح spread بانکی نامیده می‌شود نشانگر عدم کارایی بانک‌ها در استفاده بهینه از منابع موجود است. به دیگر سخن هر چه تفاوت میان میزان سود دریافتی و پرداختی بیش‌تر باشد، سهم بانک‌ها از سود به دست آمده به بهای پرداخت سود کم‌تر به

۱. ریاست پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، سال‌های مختلف.

سپرده‌گذاران، بالاتر و هزینه‌های عملیاتی و تخصیص منابع بانکی غیربهرینه خواهد بود. میزان spread بانکی فقط با احتساب سپرده‌های مدت‌دار در سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۲ به طور متوسط معادل ۴/۶۷ درصد بوده است که با احتساب سپرده‌های دیداری و متفرقه به ۱۱/۰۴ درصد افزایش یافته است. مقایسه بین تفاوت سود بانکی در ایران با سایر کشورها، حکایت از فاصله زیاد و نوسانات شدید طی سال‌های گذشته می‌کند. در مجموع در شرایط فعلی مهم‌ترین عامل اصلی بر تفاوت نرخ سود بانک‌های تجاری در ایران هزینه‌های بانک‌های تجاری به کل دارایی‌ها، نرخ تورم و نسبت مطالبات مشکوک‌الوصول به کل وام‌های پرداختی بانک‌های تجاری است که مجلس شورای اسلامی با یک کار کارشناسی شده نسبت به آن برخورد کرده و امید است که گرهی از مشکلات تولید و سرمایه‌گذاری جامعه را بگشاید.

بیان مسأله

در سال‌های اخیر، یکی از عمده‌ترین گلایه‌های تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در ایران بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی بوده است. امروزه در اقتصاد جهانی عصر نرخ‌های بهره بانکی و تورم دو رقمی سپری شده و تولیدکنندگان در اغلب کشورهای جهان سوم و رقبای منطقه‌ای و جهانی کشورمان، با نرخ‌های سود تک رقمی وام می‌گیرند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. این مسأله باعث شده تا تولیدکنندگان ایرانی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی از قدرت رقابتی کمتری نسبت به رقبای خارجی خود برخوردار باشند. شدت فشاری که تولیدکنندگان ایرانی از این بابت متحمل می‌شوند وقتی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم در سال‌های اخیر هم سیاست‌های اقتصادی کشور به سمت کاهش تعرفه‌های وارداتی و مواجهه تولیدکنندگان داخلی با ورود محصولات رقیب خارجی در بازار کشور بوده است.

مهم‌ترین استدلال مخالفان کاهش نرخ سود بانکی، بالا بودن نرخ تورم و نگرانی از فرار سپرده‌ها از بانک‌ها از یکسو و افزایش متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی و تشدید رانت دستیابی به تسهیلات به نسبت ارزان قیمت بانک‌ها بوده است.

این در حالی است که:

اولاً تحقیقات موجود نشان می‌دهد با وجودی که میزان سود واقعی بانک‌ها به سود سپرده‌های مدت‌دار (تفاوت نرخ سود پرداختی و نرخ تورم)، طی ۲۰ سال گذشته، تقریباً همیشه منفی بوده است ولی هر سال میزان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها رشد کرده است و در نتیجه، میزان سپرده‌های بانکی در ایران، بیش‌تر تابعی از ریسک اندک و سود تضمین شده معاف از مالیات آن‌هاست تا نرخ سود بانکی.

ثانیاً عدم توان بانک‌ها به پاسخگویی به خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، بیش‌تر به ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌های رسیده، پرداخت تسهیلات و نظارت بر مصرف صحیح آن‌ها در بانک‌های داخلی است که باید اصلاح شود و استدلال افزایش متقاضیان تسهیلات یا تشدید رانت برای دریافت‌کنندگان تسهیلات از بانک‌ها، برای مخالفت با کاهش نرخ سود بانکی، موجه و قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

نکته دیگر در همین‌باره اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور است. این رقم که در ایران به بیش‌تر از ده درصد می‌رسد، باعث شده تا ناکارآمدی بانک‌ها از نظرها پنهان مانده و سود حاصله بانک‌ها از مابه‌التفاوت تسهیلات دریافتی و پرداختی صرف هزینه‌های نه چندان ضروری (مانند خرید ساختمان‌های متعدد یا لوکس‌سازی شعب و ادارات بانک‌ها) شود. به‌منظور اقتصادی شدن طرح‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از اجرای

طرح‌های تولیدی در کشور، طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی با قید یک فوریت به صورت ذیل تقدیم مجلس شورای اسلامی شد:

اهداف طرح

۱. منطقی کردن نرخ سود تسهیلات اعطایی مطابق با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی مطابق با معیارهای قانون بانکداری بدون ربا.
۲. کاهش هزینه‌های تأمین مالی پروژه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در جامعه.
۳. کاهش spread بانکی در راستای حمایت از سپرده‌گذاران و همچنین تشویق تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران.

ضرورت ارائه طرح

با توجه به این که نظام بانکی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بازار پول است و با عنایت به این نکته که بالا بودن نرخ سود تسهیلات اعطایی مانعی در مقابل تولید انبوه و رشد روزافزون تولید ناخالص داخلی است، مجلس شورای اسلامی با اشراف به این موضوع، ضرورت و اهمیت آن را دریافته و لازم دانسته است تا طرحی را در خصوص رفع معضل بالا بودن spread بانکی در راستای تشویق به تولید انبوه و سرمایه‌گذاری بیش‌تر با قید یک فوریت در دستور کار خود قرار دهد و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز بر خود واجب دانسته تا نظرات دستگاه‌ها و کارشناسان را در این خصوص جمع‌آوری و بعد از تهیه و تدوین، تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

۱. عنوان طرح

منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی)

۲. موضوع طرح

ماده واحده - دولت موظف است طی دوره زمانی ۱۸ ماهه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی (اعم از بانک‌های دولتی یا خصوصی) اقدام کند به نحوی که در خاتمه مدت ۴/۵ درصد از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود.

تبصره «۱» - به منظور متعادل کردن نرخ تورم متناسب با نرخ سود تسهیلات با هدف حمایت از سیاست فوق دولت موظف است با اصلاح نظام بودجه‌ریزی طی دو سال هم‌زمان با اجرای ماده واحده مزبور مبلغ ۲۰۰۰۰ میلیارد ریال از کسری بودجه را با حذف ردیف‌های زائد از قانون بودجه سالانه بکاهد.

تبصره «۲» - دولت موظف است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام بانکی به نحوی اقدام کند که برای ۱۸ ماهه دوم پس از اجرای ماده واحده فوق امکان کاهش نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده به‌طور متوسط تا ۴ درصد فراهم شود.

تبصره «۳» - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است هر سه ماه یک بار گزارش مربوط به نحوه اجرای این قانون را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند. در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۳ یک فوریتی بودن طرح فوق‌الذکر به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که متعاقب آن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بلافاصله اقدام به جمع‌آوری نظرات نهادها و کارشناسان نموده که در صفحات بعدی به رشته تحریر درآمده است.

۳. نظرات دستگاه‌ها و کارشناسان

۳-۱. مجمع کنفدراسیون صنعت ایران

نظر مجمع مورد اشاره در قالب چند نکته ذیل آمده است. لازم به ذکر است که مجمع کنفدراسیون صنعت ایران ترجیح داده تا تئوری‌های مرتبط با مسائل

پولی و بانکی که اساس آن را نرخ بهره تشکیل می‌دهد و عملاً با تصویب قانون بانکی بدون ربا اصول حاکم بر سیستم پولی و بانکی کشور به شکلی دیگر به این تئوری‌ها نظر دارد را وارد بحث نکند.

۱. اذعان دارد که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس و ریاست محترم آن با احساس دلسوزی و مسئولیت به همه مسائل کشور از جمله مسائل اقتصادی و به‌خصوص مسائل تولید نظر دارند و مایلند تصمیم‌گیری‌های خود را در جهت گشایش اقتصاد ملی و پیشبرد امور تولید کشور انجام دهند، بنابراین مطالب مطرح شده در این نامه به هیچ وجه نافی دیدگاه فوق نیست و سعی در نشان دادن ابعاد این تصمیم‌گیری دارد.

۲. فلسفه‌های اقتصادی حاکم بر جهان امروز که اقتصاددانان زیادی را تربیت کرده و مکاتب تئوری متفاوتی را بنیاد نهاده است براساس علم‌گرایی تنظیم شده که اگر این‌گونه فلسفه‌ها نادیده گرفته شوند خواه ناخواه مکاتب جدید اقتصادی به وجود می‌آید که در این مکاتب باید همه عوامل مرتبط با علم اقتصاد و حقوق مردم و حاکمیت به یکسان مورد توجه قرار گیرند. نقش حاکمیت، چگونگی نگرش به موضوع مالکیت و حق اعمال آن، میزان آزادی افراد در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، نهادهای تنظیم کننده روابط پولی و مالی، وجود انحصار و برخورد با آن، نوع حمایت‌ها، مکانیسم‌های تعیین قیمت و ده‌ها عامل تعیین کننده دیگر (که برای جلوگیری از اطاله بحث به آن‌ها نمی‌پردازد) بخش‌هایی از اصول یک مکتب اقتصادی به حساب می‌آید که به‌صورت تأثیرگذار در یکدیگر باید دیده شوند و از آزمون‌های گذشته به‌صورت علمی سربلند بیرون آمده باشند. برخورد با نرخ سود بانکی به‌صورت یک عامل مستقل تعیین کننده بدون توجه به تأثیری که در سایر عوامل دارد یا دیگر عوامل در تغییر آن تا چه حد دخالت خواهند داشت بدون

تعریف همه عوامل مشکل ساز است.

۳. مسلماً تولیدکنندگان ایرانی در برابر ورود کالاهای خارجی و کشورهای تولیدکننده دیگر برای صدور کالاهای خود با انواع مسائل و مشکلات روبه‌رو هستند که یکی از آن‌ها گران بودن تأمین نقدینگی و سود پول است. همه مسائل مزبور نیز در اثر تصمیم‌گیری‌های غیراصولی در طی سال‌های گذشته که همه آن‌ها با نهایت دلسوزی ولی بدون پشتوانه علمی اتخاذ شده یا به‌صورت منفرد به یک عامل اقتصادی بدون دخالت دادن سایر عوامل اتخاذ شد برمی‌گردد. وقتی صراحتاً بیان می‌شود که بین ۵ تا ۱۵ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود و مسلماً برای ورود چنین حجم عظیمی از کالا باید کالاهایی که دارای قیمت یارانه‌ای است به‌صورت قاچاق نیز خارج شود تا منابع مالی لازم برای چنین داد و ستدی فراهم آید، برای کمک به تولیدکننده داخلی تنها به نرخ سود بانکی اتکا کردن - ضمن آن‌که مجدداً اذعان دارد یکی از عوامل مؤثر در تولید است - ما را به نتایج مطلوبی که انتظار داریم نمی‌رساند.

۴. در فلسفه اقتصادی که می‌خواهیم تنظیم کنیم باید مشخص سازیم که تصمیم‌گیری درباره نرخ سود بانکی به عهده چه بخشی از حاکمیت است. آیا همواره مجلس شورای اسلامی عهده‌دار آن خواهد بود و به‌صورت لایحه یا طرح به آن خواهد پرداخت یا سود بانکی یک عامل کنترل‌کننده سایر عوامل است که تصمیم‌گیری درباره آن براساس موازین شناخته شده و محاسبات اقتصادی در موقعیت‌های مختلف کم و زیاد می‌شود و سازمان تصمیم‌گیرنده درباره آن قادر است با مکانیسم‌های ساده‌تر از مکانیسم تصویب قانون، که اصولاً طولانی است، به این اقدام بپردازد.

۵. نکته مهم دیگر در ارائه این طرح شناخت نقش قوه مجریه و نقش قوه قانونگذار و سپس شناخت نوع دخالت قوه قضائیه است. در یک سیستم اقتصادی تعریف شده اگر مردم رئیس قوه مجریه را انتخاب می‌کنند و به او

وظایفی را محول می‌کنند که سامان‌دهی اوضاع اقتصادی از مهم‌ترین آن است. چنین مداخله‌ای تجاوز به حقوق قوه مجریه است، اگر قرار است در آینده نیز چنین باشد، باید در قانون اساسی و قانون تعیین اختیار رئیس‌جمهور تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. به علاوه نکته مهم‌تر آن‌که اگر مجری قانون، مانند بسیاری دیگر از مواقع در اجرای قانون مصوب تعلل ورزد چه نتیجه‌ای از تصویب قانون حاصل می‌شود؟ آیا جز این خواهد بود که سرمایه‌گذار را به امید دریافت وام با سود کم‌تر در آینده از سرمایه‌گذاری امروز منصرف می‌کند و بی‌اعتمادی به قانون را به‌خصوص اگر در جریان اجرا با تعلل روبه‌رو شد، به وجود می‌آورد.

۶. در گذشته وقتی قوه قانونگذاری بودجه کشور را مورد بررسی قرار می‌داد، اگر براساس چارچوب‌های تعریف شده مشخص می‌کرد که حق دخالت در اموری را ندارد که به منابع سیستم بانکی یا نهادهای اقتصادی برمی‌گردد، در آن صورت نیازی به دخالت در تعیین میزان سود توسط قوه قانونگذاری نبود، زمانی که در تبصره‌های بودجه، مجلس محترم تصویب می‌کند که از منابع بانکی که علی‌الاصول باید صرف سرمایه‌گذاری‌های مولد شود، بخش عظیمی از آن به پروژه‌های خاص دولتی که اغلب بدون بازده یا کم بازده هستند اختصاص یابد یا از منابع صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی که دولت هیچ نقشی در آن‌ها علی‌الاصول نباید داشته باشد (جز حمایت) به‌صورت وام صرف هزینه‌های دولت شود یا از طریق تبصره‌های تکلیفی منابع بانکی به اموری اختصاص یابد که خارج از تصمیم‌گیری‌های بانکی است و عملاً منابع لازم برای کمک به تولیدکننده جهت تأمین نقدینگی او را حذف می‌کند در این صورت دخالت در تعیین نرخ سود بانکی کمک مؤثر نخواهد بود. اگر عرضه منابع بانکی مستقیماً در اختیار تولیدکننده قرار گیرد، عرضه وام بیش از تقاضا می‌شود که در آن صورت سیستم بانکی خود ناچار از کاهش

نرخ سود می‌گردد.

۷. در مورد «تفاوت منفی میزان سود سپرده‌های مدت‌دار با تورم» که در طرح به‌عنوان یک استدلال مطرح شده است، به معافیت سود بانکی اشاره شده است بدون آن‌که تأثیر آن اندازه‌گیری شده باشد، توجه به این مسأله ضروری است که با نرخ تصاعدی مالیات در گذشته، تأثیر آن برای سپرده‌گذار بسیار چشمگیر بوده است، به طوری که حتی در زمان تورم ۵۰ درصدی نیز سپرده‌گذاری در بانک سودآور می‌بود، علی‌الخصوص که کشور بازار سرمایه مطمئن در اختیار نداشت تا مردم از طریق آن بتوانند سپرده‌های خود را به صورت دیگر به‌کار گیرند.

تجربه ایجاد شرکت‌های مشارکت‌جو که بدون ضابطه در دهه شصت و هفتاد تشکیل شد و میلیاردها تومان به سپرده‌گذاران خود ضرر وارد کرد عامل مؤثر دیگری برای شناخت نوع نگرش سپرده‌گذاران به بازار سرمایه است که اگر تحت ضوابط درستی این بازار فعالیت کند، این تئوری شناخته شده را که «همواره سود سپرده‌های مدت‌دار باید بیش از میزان تورم» جامعه باشد تا سپرده‌ها به سوی بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری مجدد کشیده شود، به اثبات می‌رسید.

۸. یکی از عوامل شناخت سود سپرده در بانک‌ها، بازار آزاد پول است که تولیدکنندگان در مواقع ضروری که بانک‌ها نمی‌توانند به فوریت نقدینگی لازم را در اختیار او قرار دهند، تولیدکننده ناچار به مراجعه به این بازار است. در این بازار که ریسک بالایی هم دارد نرخ سود به ۳۶ درصد و بالاتر می‌رسد. در مورد اجاره محل‌های مسکونی و تجاری ودیعه سپرده برای اجاره محل به‌صورت عام آن ۲۴ درصد و ۳۶ درصد تعیین می‌شود، در چنین وضعی آیا بانک‌ها را موظف به کاهش نرخ سود کردن به صلاح اقتصاد ملی است؟ و سپرده‌ها به طرف بورس بازی زمین، ارز، طلا، بازار سهام، ساختمان و ...

کشیده نمی‌شود که آثار تورمی شدیدتر به جامعه تحمیل می‌کند؟

۹. پایین بودن سود بانکی وقتی سود پول در بازار آزاد بالا است، عملاً وسیله‌ای برای وام گرفتن گروه‌هایی می‌شود که می‌توانند با ایجاد روابط، وام دریافت کنند و آن را صرف در امور دیگری کنند. معمولاً این‌گونه جابه‌جایی‌ها که به سود بیش‌تر در کوتاه‌مدت یا بلندمدت می‌انجامد به بالا رفتن قیمت‌ها می‌انجامد. تجربه گذشته نشان می‌دهد که بخشی از این‌گونه وام‌ها که نوعی رانت است به بازار آزاد پول برمی‌گردد و با سود بالاتر در اختیار کسانی گذاشته می‌شود که دسترسی به منابع بانکی برایشان مقدور نیست.

۱۰. بررسی ارقام بودجه نشان می‌دهد اگر کوشش‌ها را صرف کاستن هزینه‌های دولت کنیم، عوامل ایجاد اقتصاد زیرزمینی را از میان برداریم، سوبسیدها را تبدیل به یاری رساندن به طبقات نیازمند کنیم، بخش خصوصی را تقویت کنیم و اخلاق دینی را در قوانین اجتماعی متجلی سازیم تا همه به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کنند و مالیات‌ها را براساس اظهارنامه‌های مالیاتی اشخاص حقیقی وصول کنیم و با انواع فسادهای اقتصادی مبارزه کنیم اقتصاد به روال منطقی خود هدایت می‌شود که مکانیسم تعیین سود نیز بستر ملایم خود را می‌یابد و در نتیجه تولیدکننده ایرانی می‌تواند براساس اصول حاکم بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی روابط خود را با بازارهای داخلی و خارجی برقرار سازد.

۱۱. با مطالعه اسناد ارسالی از سوی مرکز محترم پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

الف) پیشگیری از جهش تورم در برنامه چهارم.

ب) پاسخ مرکز پژوهش‌های مجلس به ده انتقاد مخالفان طرح تثبیت قیمت‌ها.

ج) بررسی آثار تورمی افزایش قیمت بنزین براساس حکم برنامه چهارم

توسعه.

همراه با طرح منطقی کردن نرخ سود بانکی، می‌توان به این واقعیت اذعان کرد که کلیه مسائل اقتصادی از دیدگاه تهیه‌کنندگان طرح ملحوظ نظر است و تغییر عوامل تأثیرگذار که اغلب نیاز به زمان‌های به نسبت قابل توجه برای اصلاح دارد، زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که کلیه عوامل اجرایی به‌صورت یکپارچه خود را مسئول اجرای آن بشناسند و مرضی که از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب در دولت‌های ما رواج داشته و متأسفانه بعداً این مرض مرتباً تشدید شده این است که هر وزیر یا مسئولی در جهت حیطه تسلط خود قصد افزایش قدرت، گرفتن بودجه بیشتر و گسترش نفوذ دولت در امور مربوط به مردم داشته و به این تفکر گردن نهاده که دولت (به معنای سه قوه) و قوه مجریه به‌طور اخص برای بهروزی کشور و پیشبرد اقتصاد و تولید ملی مسئولیت یکپارچه دارد و در جهت صرفه‌جویی‌های بیش‌تر باید همه بکوشند و از اقدامات موازی دست بدارند.

۲-۳. خانه صنعت و معدن تهران

مطلبی که به‌عنوان مهم‌ترین استدلال مخالفان کاهش نرخ سود بانکی مطرح شده است بالا بودن نرخ تورم، نگرانی از فرار سپرده‌ها، افزایش متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی، تشدید رانت دستیابی به تسهیلات به نسبت ارزان قیمت!! بانک‌ها می‌باشد؛ قابل ذکر است که دلایل بالا بودن نرخ تورم عبارتند از:

۱. نرخ غیرمنطقی ارز - همان‌طوری که سازمان‌های پولی - بانکی بین‌المللی اعلام کرده‌اند نرخ دلار در کشور ما باید تا حدود ۲۳۰ الی ۲۵۰ تومان باشد، وقتی یک چهارم از تولید ناخالص ملی با دلار ۸۹۰ تومان که بهای آن توسط بانک مرکزی و دولت بالا نگه‌داشته شده تهیه می‌شود،

$$\frac{۸۹۰۰ - ۲۳۰۰}{۴} = \frac{۶۶۰۰}{۴} = ۱۶۵۰$$

ناچار در جمع هر واحد بهای تولید ناخالص ملی ۱۶۵۰ ریال گران‌تر تمام می‌شود، یعنی:

$$\frac{۸۹۰۰}{۱۶۵۰} \times ۱۰۰ = \frac{۱۶۵۰}{۸۹} = ۱۸/۵۴$$

مفهوم این مسأله آن است که یک تورم ۱۸/۵۴ درصدی از گرانی ارز به قیمت‌ها تحمیل شده است.

۲. بالا بودن نقدینگی در دست مردم باعث خریدهای غیرضروری و بالا رفتن قیمت‌ها می‌شود، که این امر در دورانی که تولید و کالای کافی در اختیار مردم باشد و کمبودی در بازار وجود نداشته باشد احساس نخواهد شد. ولی این مطلب تنها برای جمع‌آوری نقدینگی از جامعه و بالا نگه‌داشتن نرخ پول یعنی بهره همیشه مطرح شده است، دلیل آن‌که وجود نقدینگی در دست مردم زیاد به نظر می‌رسد عدم سرمایه‌گذاری در امور تولیدی است که سرمایه قابل توجهی را جذب می‌کند، به دلیل عدم جاذبه کافی سرمایه‌گذاری در تولید در مقایسه با سود سپرده‌گذاری و سود اوراق مشارکت و امثال آن، سرمایه در دست مردم بیش‌تر به مجراهای مزبور ریخته می‌شود و نبودن پول نقد کافی برای تولید و سخت بودن به دست آوردن تسهیلات بانکی باعث شده است نرخ پول در بازار آزاد (سیاه) پول بالا نگه داشته شود.

۳. یکی از دلایل تورم قیمت کالاها خود بالا بودن سود پول خام که توسط بانک‌های دولتی به‌عنوان سود سپرده‌ها و تسهیلات اعلام می‌شود، است زیرا اگر قیمت کالاها را مجموع عوامل نرخ سرمایه + کار + هزینه‌های بالاسری و مالیات بدانیم معلوم می‌شود هر یک از این عوامل که بالا باشد باعث گرانی و تورم قیمت کالا می‌شود و در این مورد نرخ سرمایه که عمومیت دارد، در تمام

کالاها باعث تورم شده است و هر چه از میزان آن کسر شود با نسبت مستقیم از قیمت کالاها کاسته خواهد شد، نگرانی از فرار سپرده‌ها از بانک کاملاً بی‌مورد و غیرمنطقی است زیرا گذشته از دلایل بسیار منطقی و فنی که در مرقومه آن مرکز آمده:

۱. همان‌طور که تحقیقات آن مرکز نشان داده است در طی چهار سال گذشته که چهار بار هر بار یک درصد از سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی کسر شد میزان سپرده‌گذاری کسر که نشده هیچ، افزایش چشمگیر هم داشته است.

۲. پولی را که سپرده‌گذار از بانک خارج کند (پول ایرانی) کجا می‌خواهد ببرند، آن را به هر کجا که ببرند و به خرج هر کاری که برسانند دارنده پول ناچار باز پول را به بانک ایرانی خواهد آورد، لذا ممکن است از حساب و پس‌انداز یک فرد خارج شود ولی به حساب دیگری در بانک منظور می‌شود، این امر حتی اگر پول صرف خرید کالایی هم بشود باز توسط فروشنده کالا به بانک می‌آید، لذا آنچه که اتفاق افتد مطلوب است یعنی اگر که این پول به مصرف سرمایه‌گذاری یا خرید کالا برسد در هر دو مورد باعث رونق اقتصادی و اشتغال خواهد شد سرمایه‌گذاری که روشن است و در مورد خرید محصولات نیز باعث فروش تولیدات کارخانه‌ها و تولید و اشتغال بیشتر می‌شود و به هر حال به بانک باز خواهد گشت.

۳-۳. انجمن خودروسازان ایران

انجمن خودروسازان ایران ضمن تشکر از مرکز پژوهش‌ها در ارتباط با کاهش نرخ سود بانکی مورد نظر موارد ذیل را خاطر نشان کرده است:

۱. همان‌طور که به درستی اشاره شده بالا بودن نرخ تسهیلات بانکی (و از جمله نرخ تورم) در مقایسه با نرخ تسهیلات در سایر کشورها یکی از عوامل

بسیار مهم افزایش قیمت تمام شده تولید (اعم از کشاورزی یا صنعتی و حتی خدماتی) می‌شود. (۲٪ در مقابل ۲۰٪).

۲. همان‌طور که اشاره شده، ناکارآمدی سیستم بانکی و عقب‌ماندگی بیش از ۲۰ ساله نظام بانکی از حد متعارف جهانی، از یک طرف و تحمیل اعطای تسهیلات بانکی به پروژه‌های عمرانی و^۱..... توسط مجلس شورای اسلامی با نرخ اندک که اغلب هم بی بازگشت هستند از طرف دیگر باعث تفاوت نرخ متوسط سپرده‌ها و متوسط نرخ تسهیلات تا حد ۱۰٪ شده است.

۳-۴. حسن خسروی (کارشناس)

یکی از موضوعات اساسی که در مباحث رشد و توسعه اقتصادی مطرح می‌باشد و کلیه اقتصاددانان توسعه به نحوی بر آن تأکید کرده‌اند، مسأله سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه است. نقش و اهمیت تشکیل سرمایه در جریان رشد و توسعه اقتصادی تا اندازه‌ای است که تقریباً تمامی اقتصاددانان در خصوص کلیات آن اتفاق نظر دارند و همگی لزوم افزایش نرخ تشکیل سرمایه را جهت دستیابی به نرخ‌های رشد بالاتر امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. اهمیت این موضوع در تمامی مدل‌های رشد اقتصادی مطرح شده از سوی اقتصاددانان مختلف نیز به خوبی نمایان است. به طور کلی می‌توان گفت که لازمه رشد و توسعه هر اقتصاد پویایی، جریان دائمی سرمایه‌گذاری است. با توجه به این‌که نرخ رشد بالغ بر ۸ درصد در برنامه چهارم توسعه کشور هدفگذاری شده است و از آنجا که قرار است اقتصاد ایران در برنامه بیست ساله توسعه پایدار ملی تحولات چشمگیری را از لحاظ رشد و توسعه اقتصادی تجربه کند لذا نقش و اهمیت سرمایه‌گذاری در ابتدای مسیر توسعه

۱. تسهیلات تکلیفی.

بیست ساله کشور بیش از پیش نمایان است. از سوی دیگر می‌دانیم که یکی از دغدغه‌های اساسی اقتصاد کشور در حال حاضر مشکل پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری است. بنابراین برای دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی در برنامه‌های آتی می‌باید در صدد رفع موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری برآییم.

امروزه یکی از موانع اساسی که بر سر راه سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه وجود دارد مشکل کمبود منابع مالی است. بر همین اساس ضرورت حفظ استقلال اقتصادی و وجود موانع و مشکلات در مسیر تحرک سرمایه به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاب می‌کند که در تأمین منابع مالی لازم جهت انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، اتکای اصلی بر منابع داخلی متمرکز گردد. در این قبیل کشورها جذب و تجهیز پس‌اندازهای کوچک و بزرگ از طریق شبکه‌های بانکی در تأمین سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیر بسزایی خواهد داشت. از طرف دیگر بنا بر اعتقاد برخی از اقتصاددانان یکی از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در کشورهای در حال توسعه، مسأله پایین بودن نرخ سود بانکها در مقایسه با شاخص تورم است، به طوری که طی سالیان متمادی در این کشورها تورم از رشدی فراتر از نرخ سود سپرده‌های بانکی برخوردار بوده است و عملاً سود منفی به این سپرده‌ها تعلق گرفته است. این در حالی است که تا قبل از سال ۱۹۷۰ عموماً اعتقاد بر این بود که نرخ‌های بهره پایین‌تر روی وام‌های بانکی (و در نتیجه روی سپرده‌های بانکی) باعث کاهش هزینه تقاضای سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش مخارج سرمایه‌گذاری خواهد شد. مکیون و شاو اولین اقتصاددانانی بودند که با این عقاید مخالفت کردند. آن‌ها معتقدند که افزایش نرخ‌های سود بانکی در کشورهای در حال توسعه از طریق افزایش سپرده‌های بانکی و در نتیجه افزایش منابع مالی جهت

تجهیز پروژه‌های سرمایه‌گذاری باعث افزایش سرمایه‌گذاری در این کشورها می‌شود چرا که محدودیت اساسی در فرایند سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه کمبود منابع مالی است نه هزینه تقاضای سرمایه. پس از ارائه چنین نظریاتی از سوی این اقتصاددانان بسیاری از کشورهای در حال توسعه در صدد انجام مطالعات گسترده‌ای برآمدند و در بسیاری از موارد با تأیید این نظریات و انجام اصلاحات لازم در سیاست‌های مالی، موفقیت‌های چشمگیری در تجهیز پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری حاصل شد و در برخی از کشورها هم این نظریات از لحاظ علمی مورد تأیید واقع نشد.

در کشور ما نیز به جهت شرایط کنونی اقتصاد و مشکلات موجود در گسترش زمینه‌های تولیدی، تجهیز کارآمد پس‌اندازهای خصوصی و هدایت آن در مسیر فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا می‌تواند به گسترش ظرفیت‌های تولیدی منجر گردیده و در نهایت ضمن تأمین رشد اقتصادی، از تشدید فشارهای تورمی جلوگیری کند. لذا لازم است که با به‌کارگیری ابزارهای پولی مناسب، موانع موجود در مسیر سپرده‌گذاری افراد حتی‌المقدور مرتفع گردیده و زمینه‌های تشویق آنان بیش از پیش فراهم گردد. در حال حاضر در کشور ما نیز یک دوگانگی بین کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر سر بالا یا پایین بودن نرخ‌های سود بانکی وجود دارد به طوری که عده‌ای از کارشناسان با اشاره به نرخ‌های تورمی بالا و در نتیجه وجود نرخ‌های سود حقیقی منفی بر روی سپرده‌های بانکی معتقد به افزایش آن و در طرف مقابل برخی دیگر از کارشناسان با استناد به نظریات نئوساختارگرایان در زمینه رابطه بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری معتقدند که افزایش نرخ‌های سود بانکی اثر منفی بر روی سرمایه‌گذاری خواهد داشت. بنابراین با توجه به لزوم ایجاد جهش قابل توجه در میزان سرمایه‌گذاری در برنامه توسعه پایدار ملی در افق بیست ساله، اتخاذ

سیاست مالی صحیح و متناسب با اهداف پیش‌بینی شده امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و این خود مستلزم انجام مطالعات گسترده درخصوص آزمون نظریات متعدد مالی در اقتصاد ایران می‌باشد تا با کمک آن بتوان سیاست‌هایی درست و منطبق با الزامات خاص اقتصادی جامعه اتخاذ نمود.

به طور کلی باید گفت که تنها در کشورهایی که از نرخ‌های تورم پایین برخوردار هستند، یک برنامه تدریجی آزادسازی بهره که میزان واقعی مثبت را حفظ می‌کند می‌تواند مثمر‌تر واقع شود البته به شرط آن‌که نظارت بانکی قوی و مؤثر اعمال شود و مدیریت تقاضا و سیاست‌های دیگر برای حفظ ثبات اقتصادی مناسب باشد، در حالی که در کشورهای با میزان تورم بالا یک برنامه تثبیت معتبر و یک مجموعه مقررات احتیاطی قوی عموماً بهترین اقدام‌های سیاستی اولیه محسوب می‌شود. در چنین شرایطی به تعویق انداختن حذف مقررات مربوط به تعیین نرخ بهره تا موقعی که وضع پولی تثبیت شده و نظارت بانکی تقویت شود می‌تواند مناسب باشد. با توجه به این‌که در اقتصاد ایران در طول دو دهه اخیر نرخ‌های تورم دو رقمی بالا حاکم بوده است لذا کشور ما جزء این دسته از کشورهاست. بنابراین اتخاذ سیاست آزادسازی نرخ سود بانکی در شرایط تورمی، مورد تأیید نیست چرا که شکست در ادغام و اجرای کامل این سیاست در برنامه آزادسازی می‌تواند به بی‌ثباتی مالی بیانجامد و این امر نیز به نوبه خود بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید می‌کند. از طرف دیگر کنترل شدید نرخ‌های سود بانکی و اتخاذ سیاست سرکوبی مالی شدید نیز در اقتصاد ایران تجربه چندان موفقی را نشان نمی‌دهد و به نظر می‌رسد سرکوبی مالی شدید در طی سال‌های گذشته در اقتصاد ایران معضلاتی را در بروز ناکارآمدی سیستم بانکی کشور جهت تجهیز منابع به بار آورده است. بنابراین از این دیدگاه نه آزادسازی نرخ سود بانکی و نه سرکوبی مالی شدید مورد تأیید واقع می‌شود بلکه در شرایط فعلی اقتصاد

ایران بهترین سیاست مالی اتخاذ سیاست سرکوبی مالی ملایم و کنترل شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در اقتصاد ایران اتخاذ سیاست‌های کنترل نرخ تورم و تثبیت قیمت‌ها به همراه کنترل نرخ‌های سود بانکی به گونه‌ای ترکیب شوند که نرخ سود حقیقی بانکی در حد صفر یا اندکی مثبت نزدیک به صفر (حدوداً بین صفر تا دو درصد) کنترل شود. بنابراین می‌توان گفت که در این جا افزایش یا کاهش نرخ سود اسمی چندان مهم نیست بلکه کنترل نرخ سود حقیقی در حد مثبت نزدیک به صفر مدنظر می‌باشد چه بسا این که ممکن است در شرایط افزایش نرخ تورم نیاز به تعدیل نرخ سود اسمی مطابق تورم باشد یا این که در شرایط کاهش نرخ تورم نیاز به کاهش نرخ سود اسمی باشد تا نرخ سود حقیقی در حد موردنظر کنترل شود.

۳-۵. خانه کشاورز

خانه کشاورز نیز در جوابیه مرکز پژوهش‌های مجلس موارد ذیل را ذکر کرده است:

۱. بر پایه قواعد نظری علم اقتصاد، نرخ سود بانکی به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار بر تخصیص بهینه منابع، تجهیز و هدایت منابع مالی به سمت فعالیت‌های مولد، تعیین هزینه تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و... قلمداد می‌شود. از این رو قاعده‌مند شدن تعیین نرخ سود بانکی با توجه به سازوکارهای اقتصادی مربوط امری کاملاً پذیرفتنی و توجیه‌پذیر است.

۲. منطق طرح پیشنهادی حاضر، بر بالا بودن نرخ سود بانکی و تأثیر منفی آن بر فعالیت‌های اقتصادی فرض شده است. به رغم این که در این طرح بر بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی و متعاقب آن افزایش هزینه‌های بخش تولیدی تأکید شده لکن شاخص مناسبی برای نشان دادن این ارزیابی ارائه نشده است. در یک بررسی ساده با مقایسه نرخ تورم و نرخ سود تسهیلات بانکی می‌توان

ملاحظه کرد نرخ سود واقعی تسهیلات به ویژه در طی چهار سال گذشته روند نزولی داشته و در بعضی بخش‌ها حتی این نرخ منفی نیز بوده است. بدین ترتیب بالا انگاشتن نرخ سود تسهیلات بانکی بدون استفاده از شاخص مناسب برای مقایسه قابل تأمل است.

۳. در حالی که در طرح پیشنهادی تأکید و تصریح شده که در طی یک دوره ۱۸ ماهه، ۴/۵ درصد از نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ سود سپرده‌های بانکی و نیز در طی دو سال مبلغی به میزان ۲۰ هزار میلیارد ریال از ردیف‌های زاید بودجه کاسته می‌شود، اشاره‌ای به مبانی و چگونگی استخراج اعداد فوق نشده است. در واقع اگر یافته‌های فوق دست یافتنی است این سؤال پیش می‌آید که آیا ممکن است به منظور رفع سریع‌تر مشکلات تولیدکنندگان در طی یک دوره ۱۸ ماهه به جای ۴/۵ درصد، ۹ درصد از نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی کاست و متعاقب آن نیز به جای ۲۰ هزار میلیارد ریال، ۴۰ هزار میلیارد ریال از ردیف‌های زاید بودجه کاسته شود؟ در واقع این نکته مطرح است که منطق ریاضی اعداد فوق چیست؟

۴. در یک نگرش کلان، کلیه متغیرهای اقتصادی بر یکدیگر تأثیر متقابل - هر چند ناچیز - دارند. به عبارت دقیق‌تر چنانچه اقتصاد را به دو بخش واقعی و پولی تفکیک نماییم، تغییر یک مؤلفه نه تنها بخش پولی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه آثار قابل ملاحظه‌ای نیز بر بخش واقعی اقتصاد دارد. در واقع، هر مؤلفه می‌باید ابتدا در چارچوب بازار مربوط و با سازوکارهای اقتصادی و روابط متقابل میان متغیرها تعیین شود. بدیهی است که تعیین نرخ سود بانکی نیز از این امر مستثنی نیست. به عبارت دیگر تعیین نرخ سود بانکی بدون در نظر گرفتن پایه پولی، ضریب فزاینده پولی، حجم پول، حجم شبه پول، نقدینگی، درآمد ملی، نرخ تورم، نرخ بازدهی سایر دارایی‌ها و... که به‌عنوان متغیرهای تعیین کننده بخش پولی اقتصاد هستند قابل تأمل است. بدیهی است کشف و

تعیین نرخ سود بانکی در یک بازار رقابتی کلیه متغیرهای فوق را پوشش خواهد داد.

۵. بر پایه نگرش حاکم بر طرح فوق، تورم پدیده‌ای است که ریشه در کسری بودجه دولت دارد در حالی که در ادبیات اقتصادی تورم ریشه در بسیاری از عوامل من جمله مشکلات ساختاری اقتصاد، تورم پولی، تورم وارداتی، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ناشی از فشار تقاضا دارد. افزون بر این بر اساس آزمون‌ها و نتایج تحقیقات تجربی که در خصوص پدیده تورم در کشور صورت گرفته همگی نشانگر این واقعیت است که برای تعیین تورم، دلایل متعددی از جمله کسری بودجه می‌توان بر شمرد. بدین ترتیب، اکتفا به یک دلیل برای توضیح تورم و در نتیجه ارائه راه حل برای مهار آن، آن هم از طریق نرخ سود تسهیلات قابل بحث است.

۶. اگر کاهش دستوری نرخ سود بانکی بدون توجه به سمت عرضه تسهیلات بانکی اعمال شود سبب افزایش شدید تقاضا برای تسهیلات بانکی می‌شود و این امر تقاضای محقق نشده را به سمت بازار غیررسمی سوق می‌دهد که به نوبه خود منجر به دامن زدن به گسترش اقتصاد غیررسمی و غیرشفاف خواهد شد که برای تسهیلات نرخ‌های سود خود را دارد.

۷. این استدلال که سپرده‌گذاران به نرخ سود بانکی توجه ندارند و بدون در نظر گرفتن نرخ سود بانکی مبادرت به سپرده‌گذاری مدت‌دار می‌کنند، قرین به واقعیت به نظر نمی‌رسد زیرا اول این که براساس شاخص نسبت سپرده‌های بلندمدت به تولید ناخالص داخلی ملاحظه می‌شود که این نسبت طی پانزده سال گذشته در اغلب سال‌ها روند نزولی داشته و حتی بعضاً در سال‌هایی که این نسبت تا اندازه‌ای روند صعودی به خود گرفته در آن سال نرخ تورم روند نزولی داشته و در نتیجه سود واقعی بیش‌تری به سپرده‌گذاران پرداخت شده است. دوم این که بررسی روند ترکیب سپرده‌های مدت‌دار بانکی حاکی از آن

است که سپرده‌گذاران نسبت به سپرده‌های بلندمدت اقبال بیش‌تری نشان داده‌اند به‌گونه‌ای که سهم سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله در ترکیب سپرده‌ها از حدود ۵۰ درصد در طی یک دهه اخیر به حدود ۸۰ درصد رسیده است. این روند نشان‌دهنده آن است که سپرده‌گذاران نسبت به نرخ سود بانکی حساس هستند.

۸. بدون تردید در شرایط موجود به دلیل عدم کارایی در بخش پولی اقتصاد کشور نرخ سود نیز ناکارآمد تعیین می‌شود به گونه‌ای که بیانگر واقعیت‌های اقتصادی کشور نیست. این امر می‌طلبد که بسترسازی مناسب برای تعیین نرخ سود به شکل کارآمد براساس سازوکارهای اقتصادی تعیین شود که از جمله مهم‌ترین زمینه‌ها یا بسترهای لازم برای تحقق این امر ایجاد شرایط رقابتی میان بانک‌ها است. در این صورت هزینه عملیاتی بانک‌ها کاهش خواهد یافت که خود متعاقباً باعث کاهش فاصله میان سود پرداختی به سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات خواهد شد. تجربه ایجاد بانک‌های خصوصی در طی دو سال اخیر مؤید نظر فوق است.

۳-۶. سید عباس موسویان (محقق)

الف) نرخ‌های بالای سود بانکی علاوه بر آثار زیانباری که در مقدمه طرح آمده، آثار نامطلوب دیگری نیز دارد.

۱. نرخ بالای سود تسهیلات، هزینه یکی از نهاده‌های تولید و به دنبال آن سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد.

۲. نرخ بالای سود تسهیلات به‌عنوان یک معیار، نرخ‌های سود همه عوامل تولید و نرخ همه معاملات مدت‌دار را بالا می‌برد مانند نرخ نسبی، نرخ سلف، اجاره، پیمانکاری و...

۳. امروزه اندازه نرخ تورم و نرخ سود بانکی و ثبات آن‌ها معیار قضاوت

برای ثبات و پیشرفت اقتصادهاست.

ب) مهم‌ترین دلایل مخالفان کاهش نرخ سود بانکی در شرایط کنونی کشور عبارتند از:

۱. در شرایط تورمی کاهش سود تسهیلات موجب کاهش سود سپرده‌ها و در نتیجه منتهی به تضییع حقوق سپرده‌گذاران می‌شود. چون سود واقعی صفر حتی منفی می‌شود.

۲. در شرایط تورمی کاهش سود سپرده‌ها موجب خروج سپرده‌ها از بانک می‌شود.

۳. کاهش سود تسهیلات موجب افزایش تقاضای تسهیلات می‌شود و بانک‌ها توان پاسخگویی ندارند.

۴. افزایش تقاضای تسهیلات به بیش از توان بانک‌ها موجب تشدید رانت دستیابی به تسهیلات می‌شود.

ج) جواب‌هایی که در مقدمه طرح به‌عنوان اولاً و ثانیاً در پاسخ استدلال‌های مخالفان آمده کافی و دقیق نیست.

۱. رشد سپرده‌های بانکی در شرایط تورمی به‌خاطر سلیقه استثنایی سپرده‌گذاران ایران نیست بلکه به این خاطر است که حجم پول جامعه افزایش یافته و از طرفی جایگزین بهتری وجود ندارد. به همین جهت می‌بینیم در مواقع خاصی چون ثبت نام تلفن همراه بخش قابل‌توجهی از سپرده‌ها خارج می‌شود یا مشاهده می‌کنیم جریان سرمایه که تا سال ۱۳۸۰ از ایران به سمت ترکیه و امارات بود از سال ۱۳۸۰ به بعد به جهت بهبود نسبی وضعیت معکوس شده است.

۲. گرچه طولانی شدن فرایند گرفتن تسهیلات از بانک‌ها تا حدودی به ضعف عملکرد و مدیریت آن‌ها مربوط است لکن عامل اصلی کمبود منابع است.

۳-۷. بانک صنعت و معدن

بانک مربوطه درخصوص منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی نکات ذیل را عنوان کرده است:

۱. نرخ سود تسهیلات بانکی تابعی است از نرخ تورم هدفگذاری شده، نرخ ریسک اعتباری و نرخ هزینه تجهیز منابع مالی به عبارت دیگر: (نرخ هزینه تجهیز منابع مالی، نرخ ریسک اعتباری، نرخ تورم هدفگذاری شده) $F = \text{نرخ سود تسهیلات بانکی}$.

۲. اصولاً نرخ تورم هدفگذاری شده در برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی دولت که توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد تعیین می‌شود. ۳. نرخ ریسک اعتباری خود تابعی است از میزان اعتبار، نرخ بازگشت سرمایه طرح، مدت اجرای طرح، مدیریت طرح و سایر فاکتورهای مهم مندرج در طرح توجیهی که با ارزیابی علمی طرح توجیهی و توسط بانک تعیین می‌شود.

۴. نرخ هزینه تجهیز منابع مالی تابعی است از نوع منابع، فرایندهای نرم‌افزاری مورد استفاده، کارایی نیروی انسانی، اثربخش بودن فعالیت‌های اعتبار دهنده و مدیریت منابع که توسط بانک تعیین می‌شود.

۵. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که دامنه رقابت مؤسسات مالی و اعتباری در دو بخش پذیرش طرح‌های توجیهی مناسب و همچنین پایین آوردن نرخ هزینه تجهیز منابع است. به عبارت دیگر هر مؤسسه مالی که بتواند این دو فاکتور را به کم‌ترین میزان ممکن نزدیک کند می‌تواند نرخ سود تسهیلات اعطایی را به حداقل برساند. هر چند این حداقل نمی‌تواند کمتر از نرخ تورم هدفگذاری شده باشد.

۶. به‌عنوان مثال اگر نرخ تورم هدفگذاری شده در سال ۱۳۸۴ معادل ۱۰ درصد، نرخ ریسک و نرخ هزینه تجهیز منابع مالی طرح موردنظر در بانک «الف» به ترتیب معادل (۱ درصد) و (نیم درصد) و نرخ ریسک و هزینه تجهیز

منابع مالی طرح موردنظر در بانک «ب» به ترتیب معادل ($1/5$ درصد) و (1 درصد) باشد در این صورت نرخ اعطای تسهیلات توسط بانک‌های «الف» و «ب» به ترتیب معادل ($10 + 1 + 0/5$) و ($10 + 1/5 + 1$) $12/5$ درصد خواهد شد. در این صورت بدیهی است که بانک «ب» نمی‌تواند با بانک «الف» رقابت کند و مجبور می‌شود نظام عملیاتی خود را بهبود دهد.

۸-۳. بانک سامان

۱. منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی بخش‌های مختلف اقتصادی با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی با استقلال بانک مرکزی منافات دارد؛ چرا که نمی‌توان از یک طرف به دنبال استقلال بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی بود و از طرف دیگری سیاست‌های پولی را بر بانک مرکزی و نظام بانکی دیکته کرد. از سوی دیگر طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی، گرچه تأکید بر نظام بانکداری اسلامی دارد، نقض آشکار ماده (۳)، (۵)، (۱۹) و (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون رباست. در ماده (۳) بانک‌ها وکیل سپرده‌گذاران برای به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار آنها در اموری همچون مشارکت، مضاربه و ... هستند که براساس ماده (۵) منافع حاصل از این امور طبق قرارداد منعقد بین بانک (وکیل) و سپرده‌گذار (موکل) براساس سهم منابع بانک و سپرده‌گذاران در کل منابع تخصیصی و پس از کسر حق‌الوکاله بانک تقسیم خواهد شد. بدیهی است هیچ نهادی حق دخالت در رابطه وکیل و موکل را ندارد به نحوی که اگرچه خود این قانون بر تنظیم سیاست‌های پولی و اعتباری توسط بانک مرکزی تأکید دارد (ماده (۱۹) و (۲۰))، اما آن را تنها مجاز به تعیین حداقل و حداکثر سود نموده است. ماده (۱۹) تصریح دارد که سیاست‌های اعتباری و تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت (یک ساله) به پیشنهاد مجمع عمومی بانک مرکزی و تصویب هیأت دولت تعیین

شده و سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی پنج‌ساله و درازمدت در ضمن لوایح برنامه‌های عمرانی پنج ساله و درازمدت کشور جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ماده (۲۰) بانک مرکزی را مجاز شمرده که در امور پولی و بانکی در مواردی همچون تعیین حداقل و حداکثر سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه بسته به نوع فعالیت، تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت و حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌ها، تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک و تعیین حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی و حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری، دخالت و نظارت کند و لذا، تصویب هر نوع سیاست پولی و اعتباری حتی توسط مجلس را منوط به پیشنهاد بانک مرکزی نموده است. از این لحاظ می‌توان گفت در درجه اول طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی با روح قانون عملیات بانکی بدون ربا در تضاد قرار دارد.

۲. طرح مربوط به سود تسهیلات بانکی منطقی نیست. چرا که براساس پیش‌نویس طرح مذکور ادعا شده است که عمده‌ترین گلایه تولیدکنندگان بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی است اما در مقابل استدلال مخالفان نیز آورده شده که علی‌رغم این نرخ بالا تقاضا برای تسهیلات بانکی هنوز بالاست. یعنی گرچه گلایه وجود دارد اما این گلایه بر تقاضای مؤثر آن‌ها اثر ندارد!

به احتمال بسیار زیاد تولیدکنندگان مورد اشاره طرح از میزان مالیات، عوارض مختلف و نظارت‌های متعدد نیز گلایه خواهند داشت. از سوی دیگر شواهد موجود در عملکرد بانک‌های خصوص در سال‌های اخیر مؤید ادعای مخالفان کاهش سود بانکی است. چرا که همان‌گونه که ارقام نشان می‌دهد از سال ۱۳۷۹ به این طرف همواره رشد تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی به بخش غیردولتی از رشد تسهیلات اعطایی بانک‌های

دولتی بیش‌تر بوده و موجب شده تا سهم تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی از کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی از ۰/۲ درصد در پایان سال ۱۳۷۹ به ۵/۲ درصد در شهریور ۱۳۸۳ برسد. این در حالی است که نرخ سود دریافتی توسط بانک‌های خصوصی و مؤسسات اعتباری بین ۲۶ تا ۳۰ درصد بوده و نرخ سود بانک‌های دولتی به خصوص برای بخش‌های تولیدی که مدنظر طرح است زیر ۲۰ درصد است.^۱

بنابراین اگر صرف نرخ سود بانکی مانع تقاضای تسهیلات باشد و تولیدکنندگان از نرخ سود ناراضی باشند این رشد به‌خصوص با نرخ‌های بسیار بالاتر از بانک‌های غیردولتی غیرقابل توجیه است. بنابراین نه نرخ سود بلکه همان‌گونه که طرح مذکور نیز تصریح نموده این زمان دریافت اعتبار است که مهم‌ترین مشکل متقاضیان تسهیلات است که درمان آن از طریق راهکارهای دیگری که منجر به اصلاح پروسه اعطای تسهیلات شود قابل حصول است و نه کاهش نرخ سود.

۳. ادعای دیگر طرح این است که میزان سپرده تابعی از میزان ریسک اندک و سود تضمین شده معاف از مالیات آن است تا نرخ سود بانکی که این به لحاظ منطقی دچار تناقض آشکار است چرا که این ادعا هم به لحاظ نظری و هم از نظر شواهد موجود در اقتصاد ایران رد می‌شود. همان‌گونه که مشخص است ریسک و بازدهی دو روی یک سکه هستند بنابراین علی‌رغم آن‌که سود واقعی سپرده‌ها در بسیاری از این سال‌ها منفی بوده است اما به دلیل ریسک صفر آن سپرده‌های مدت‌دار بانکی بخشی از دارایی‌های دارای بازده جامعه را به خود اختصاص داده است. بدیهی است با وجود همین نرخ ریسک اگر نرخ سود آن کاهش یابد بر نقطه تعادلی ریسک و بازده در سبد دارایی‌های افراد تأثیر

۱. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های مختلف.

گذارده و سبب کاهش سهم سپرده‌های بانکی در سبد دارایی‌های آن‌ها می‌شود و به دارایی‌هایی که قابلیت نقدینگی همچون سپرده داشته اما بازده و ریسک بالاتری را هم دارند منتقل می‌شود. شواهد اقتصادی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بازار غیرمتشکل پولی، بازار سهام، مسکن، اتومبیل، تلفن همراه، طلا، ارز و خارج از کشور بازارهایی هستند که ممکن است این نقدینگی را به خود جذب کنند که مطمئناً آن را در جهت تأمین مالی طرح‌های تولیدی استفاده نمی‌کنند و اگر هم بکنند هزینه‌هایی را به مراتب بیش‌تر از نرخ سود بانکی موجود بر تولیدکنندگان تحمیل می‌کنند. لذا این طرح هدف اصلی حامیان آن یعنی حمایت از تولیدکنندگان را تأمین نمی‌کند. در ضمن کاهش نرخ سود بانکی که تنها مشمول بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی می‌شود بازار مؤسساتی را که خارج از نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کنند، رونق بخشیده و منجر به وقوع بحران‌های مالی خواهد شد زیرا این مؤسسات الزامی به کاهش نرخ سود نداشته و با ارائه سود بالا به سپرده‌ها آن‌ها را به سمت خود جذب نموده و با نرخی بالاتر از نرخ بازار رسمی به متقاضیان وام خواهند داد.

۴. با دو مقایسه منطقی دیگر نیز می‌توان نشان داد که این فرضیه که نرخ سود تأثیری بر جذب سپرده ندارد رد می‌شود. یکی مقایسه عملکرد بانک‌های خصوصی با بانک‌ها دولتی و دیگری مقایسه بانک‌های خصوصی با یکدیگر است. با استناد به داده‌های مربوط به سپرده‌های دیداری، سپرده‌های مدت‌دار و مجموعه آن‌ها در دو بخش مربوط به بانک‌های دولتی و خصوصی می‌توان چنین عنوان کرد که رشد سپرده‌های غیردولتی نزد بانک‌های خصوصی (شامل بانک‌های سامان، اقتصاد نوین، کارآفرین و پارسیان) ۲۶۱/۷ درصد است که به مراتب بیش‌تر از رشد سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های دولتی (ملی، ملت، صادرات، سپه، تجارت، کشاورزی، توسعه صادرات، صنعت

و معدن، مسکن و رفاه کارگران) و مؤسسات اعتباری غیربانکی که معادل ۲۵/۷ است، می‌باشد.^۱

اما نکته قابل توجه این است که این رشد بیش‌تر ناشی از سپرده‌های مدت‌دار بوده تا سپرده‌های دیداری. به طوری که رشد سپرده‌های دیداری چهار بانک خصوصی مورد بحث تنها ۶۷/۱ درصد اما رشد سپرده‌های مدت‌دار آن‌ها ۳۵۲/۵ درصد بوده است. این مسأله را می‌توان ناشی از نرخ بالاتر سود پرداختی به سپرده‌های مدت‌دار توسط بانک‌های خصوصی دانست که موجب شده اقبال سپرده‌گذاران نسبت به این بانک‌ها بیشتر باشد. همچنین می‌توان چنین ادعا کرد که رشد سپرده‌های مدت‌دار این بانک‌ها بیش از پنج برابر رشد سپرده‌های دیداری‌شان و بیش از ۱۲ برابر رشد سپرده‌های مدت‌دار بانک‌های دولتی است. گزارشات سالانه این بانک‌ها نیز نشان می‌دهد که تعداد شعب بانک‌های خصوصی از ۴۳ شعبه در سال ۱۳۸۱ به ۷۷ شعبه در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است که رشدی معادل ۷۹ درصد بوده و کمتر از رشد کل سپرده‌ها و سپرده‌های مدت‌دار آنهاست یعنی اثر نرخ سود از اثر افزایش تعداد شعب نیز بیشتر بوده است. اگر تعداد شعب بانک‌های دولتی را در نظر گرفته (۱۵۹۲۲ شعبه)^۲ و میزان سپرده آنها به ازای هر شعبه را به دست آوریم که این رقم در سال ۱۳۸۲ برابر جذب سپرده‌ای به میزان ۲۹/۹ میلیارد ریال در هر شعبه به طور متوسط است. در حالی که همین رقم برای بانک‌های خصوصی در همین سال برابر ۱۷۷ میلیارد ریال است که چنین ارقامی حکایت از تأثیر مهم و معنادار نرخ سود سپرده بر جذب آن دارد. همچنین می‌توان اظهار نمود که در بین بانک‌های خصوصی بیش‌ترین رشد کل سپرده و رشد سپرده‌های مدت‌دار به ترتیب از آن بانک پارسیان و سپس بانک

۱. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی و گزارشات سالانه بانک‌های خصوصی.

۲. مجله بانک و اقتصاد، شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۹، ص ۵۰.

اقتصاد نوین است. رشد کل سپرده‌های بانک پارسیان ۴/۴۱۵ درصد و رشد سپرده‌های مدت‌دار آن برابر ۹۵۴ درصد بوده، در حالی که تعداد شعب آن تنها دارای رشدی معادل ۲۴۴ درصد بوده است. رشد همین مقادیر برای بانک اقتصاد نوین به ترتیب ۵/۲۷۹ درصد در کل سپرده‌ها و ۲۸۵ درصد در سپرده‌های مدت‌دار بوده است که بیش از دو بانک خصوصی دیگر (سامان و کارآفرین) است این امر به خاطر بالا بودن سود علی‌الحساب این دو بانک می‌باشد.

یکی دیگر از شواهدی که نشان‌دهنده عدم وجود توجیه اقتصادی برای کاهش نرخ سود تسهیلات است از مقایسه نرخ رشد تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی با نرخ رشد سپرده‌های آن‌ها در سال ۱۳۸۲ حاصل می‌شود. ارقام موجود^۱ بیانگر این واقعیت هستند که رشد تسهیلات در سال ۱۳۸۲ بیش‌تر از ۳۳۱ درصد و رشد سپرده‌ها نزدیک به ۲۶۲ درصد بوده است یعنی تسهیلات بانک‌های خصوصی از رشدی به مراتب بیش‌تر از سپرده‌های آن‌ها برخوردار بوده است یعنی تقاضا برای تسهیلات به مراتب بیش‌تر از عرضه و جویی است که توسط سپرده‌گذاران صورت می‌گیرد. این در حالی است که نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی به مراتب بیش‌تر از بانک‌های دولتی است. بنابراین نمی‌توان گفت که نرخ‌های سود تسهیلات در شرایط موجود زیاد است چرا که تقاضا در همین نرخ بیش‌تر از عرضه رشد یافته است.

۹-۳. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی

کاهش ۵/۴ درصد نرخ سود سپرده‌های بانکی به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های تولیدی و تشویق سرمایه‌گذار در کشور در شرایط حاضر می‌تواند

۱. گزارشات سالانه بانک‌های خصوصی برای سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲.

اثرات نامطلوب اقتصادی را به دنبال داشته باشد و در نهایت عدم توجه به ارائه یک راهکار منطقی و عملی در اجرای این سیاست آثار نامطلوب اقتصادی را برای کشور به خصوص بخش پولی به دنبال داشته باشد.

از مهم‌ترین مشکلات این طرح پیشنهادی که می‌توان به آن اشاره نمود، این است که این طرح هیچ سازوکار منطقی و علمی را جهت کاهش نرخ سود تسهیلات ارائه نمی‌کند و فقط به طور دستوری به کاهش آن تأکید می‌کند. در یک نظام بانکداری اسلامی که محاسبه نرخ سود بر مبنای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و عملکرد اقتصادی پروژه‌ها است، این سازوکار تعیین نرخ یعنی از پیش‌بینی کردن آن به طور کلی مغایر با مبانی شرعی و اسلامی است.

اما باید اشاره کرد در صورتی که حتی سازوکار روش هم برای توجیه این کاهش نرخ ارائه شود. در شرایط حاضر اجرای این سیاست می‌تواند پیامدها و عوارض نامطلوبی را بر اقتصاد کشور داشته باشد که به طور مختصر به شرح آن می‌پردازیم:

۱. در حال حاضر بخش پولی با مازاد تقاضا برای دریافت تسهیلات و اعتبارات روبه‌رو است. به عبارت ساده‌تر منابع اعتباری و مالی بانک‌ها اعم از بانک‌های خصوصی و دولتی، پاسخگوی نیاز متقاضیان استفاده از تسهیلات نیست. این خود به معنای ایجاد شرایطی مناسب برای گسترش بازارهای پولی غیرمتشکل با نرخ‌های بسیار بالاتر حتی ۲ الی ۳ برابر نرخ سود تسهیلات در بخش بانکی است. کاهش نرخ تسهیلات بانکی منجر به تشدید این فشار تقاضا، و در نهایت انتقال تقاضا به بازارهای غیررسمی و گسترش آن‌ها می‌شود. این مسأله همراه با افزایش تفاوت نرخ میان دو بازار زمینه‌های ایجاد رانت‌جویی و حتی فساد اداری در بخش پولی کشور را فراهم و تشدید می‌کند.

۲. کاهش نرخ سود تسهیلات باعث کاهش قدرت درآمدی بانک‌ها می‌شود

که بانکها برای جبران آن دو راه را در پیش رو دارند:

الف) تحمیل بخشی از این زیان به بودجه دولت، چرا که بخش اعظم سیستم بانکی کشور دولتی بوده است. عدم تحقق درآمدهای آنها در قالب زیان، در نهایت به بودجه دولت منعکس می‌شود و این مسأله آثار تورمی خود را در سالهای آتی به دنبال دارد.

ب) کاهش نرخ سود پرداختی به سپرده‌ها: در اینجا بانکها به منظور جلوگیری از زیان ناشی از کاهش درآمدها، بخش قابل قبولی از هزینه‌های خود را از طریق کاهش نرخ سود سپرده‌های پرداختی به مشتریان جبران خواهد کرد. این مسأله با عنایت به نرخ ۱۵/۸ درصدی تورم در کشور خود باعث کاهش شدید انگیزه سپرده‌گذاری در بانکها، کاهش قدرت مالی بانکها و تشدید بحران فوق‌الذکر خواهد بود: در اینجا باید به این موضوع اشاره کرد که جمعیت سپرده‌گذاران اغلب گروه‌های کم‌درآمد جامعه بوده‌اند که منابع پس‌اندازی اندک و در مقیاس‌های کوچک خود را در اختیار بانکها قرار داده‌اند، لذا کاهش نرخ سود سپرده‌ها آثار منفی بر درآمدهای ایشان از این محل به دنبال خواهد داشت، از طرف دیگر دریافت‌کنندگان تسهیلات تولیدکنندگان و تجار و صاحبان سرمایه‌های کلان هستند که از این کاهش نرخ‌ها سودهای قابل قبولی را کسب خواهند کرد و به بیان دیگر هزینه‌های ناشی از عدم کارایی خود را در فعالیتهای تولیدی از طریق دستیابی به اعتبارات ارزان‌تر به گروه‌های سپرده‌گذار و آسیب‌پذیر انتقال می‌دهند.

۳. در اقتصاد ایران نتایج مطالعات نشان داده است که منشأ اصلی تورم فشار ناشی از تقاضا بوده است. لذا، بر این اساس کاهش نرخ تسهیلات می‌تواند منجر به افزایش تقاضا در کشور و تشدید این فشارهای تورمی شود.

در مقدمه طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد چنین طرحی، به نکاتی اشاره شده که در زیر به بررسی و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

۱. در پاراگراف اول مقدمه طرح، نرخ سود دو رقمی بهره بانکی دلیل کاهش قدرت رقابتی تولیدکنندگان ایران در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برشمرده شده است. در پاسخ باید گفت، واقعاً نقش عامل سرمایه و هزینه‌های تأمین مالی در کیفیت و بهای تمام شده کالاهای تولید داخلی چقدر است که می‌خواهیم نتیجه بگیریم در عرصه‌های رقابت، محصولات تولیدکنندگان داخلی با محصولات خارجی دچار مشکل شده‌اند. عواملی مانند ضعف مدیریت، عقب‌ماندگی دانش و تکنولوژی‌ها، قاچاق کالاها و اخذ عوارض مختلف از تولیدکنندگان، تغییرات مداوم و مکرر در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و ... هرکدام به تنهایی و در مجموع برای توجیه مشکلات و فشارهای وارد بر تولیدکنندگان داخلی باید مدنظر قرار گیرد. به بیان دیگر با وجود موانع و معضلات فوق‌الذکر می‌توان ادعا کرد که حتی با نازل‌ترین هزینه‌های تأمین مالی نیز، مشکلات تولیدکنندگان داخلی مرتفع نخواهد شد.

۲. در جای دیگری از مقدمه طرح در توجیه بی‌مورد بودن نگرانی مخالفان کاهش نرخ سود بانکی نسبت به فرار سپرده‌ها آمده است که «تحقیقات موجود نشان می‌دهد با وجودی که میزان سود واقعی بانک‌ها به سپرده‌های مدت‌دار، طی ۲۰ سال گذشته تقریباً همیشه منفی بوده است ولی هر سال میزان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها رشد کرده است». این تحلیل از دو نظر صحیح به نظر نمی‌رسد. آیا محدودیت‌های انتخاب بهترین کالاها و خدمات برای مردم ایران و شرایط تحمیل شده براثر انحصارات در سال‌های گذشته را باید به عنوان یک اصل برای تداوم سیاست‌های گذشته بپذیریم؟ آمار

موجود^۱ مؤید این واقعیت است که با شروع به کار بانکهای خصوصی و پرداخت سودهای بیش‌تر به سپرده‌های سرمایه‌گذاری و همچنین محاسبه سود قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری و پرداخت مابه‌التفاوت سهم سود سپرده‌گذاران توسط بسیاری از بانکهای دولتی در سال‌های اخیر، سهم سپرده‌های غیردیداری (سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار مردم نزد بانکها) از مجموع نقدینگی بخش خصوصی به صورت مداوم افزایش یافته است. افزایش سهم چنین سپرده‌هایی از یکسو موجب کاهش سهم سپرده‌های دیداری بانکها شده و از سوی دیگر با کاهش سهم اسکناس و مسکوکات در دست اشخاص، بخش قابل توجهی از منابع نقدینگی سرگردان در دست مردم را به سوی نظام بانکی کشور هدایت کرده است. با در نظر گرفتن واقعیت دیگر موجود در اقتصاد ایران در این خصوص که طی سال‌های مذکور نرخ تورم روند کاهنده داشته و درواقع میزان سود واقعی سپرده‌گذاران روند افزایشی داشته است، روشن می‌شود که روند گرایش مردم به سپرده‌های مدت‌دار با روند افزایش نرخ سود واقعی، ارتباط معناداری دارد و تحلیل ارائه شده در متن طرح منطبق با واقعیات نیست.

۳. در ادامه بحث فوق، در بند ثانیاً، استناد مخالفان طرح به تشدید رانت برای دریافت‌کنندگان تسهیلات از بانکها، از نگاه طراحان طرح، موجه و قابل قبول به نظر نرسیده است. در پاسخ باید گفت، مدارک و مستندات موجود در واحدهای نظارتی برخی از بانکها درخصوص پیگیری تخلفات و موارد سوء استفاده‌ها نشان می‌دهد که هم اکنون بسیاری از تولیدکنندگان تسهیلات اعطایی بانکها را با نرخ سود این بخش (۱۵٪) دریافت و عیناً تسهیلات دریافتی را بدون مصرف در بخش واقعی، در مجاری دلالی، واسطه‌گری و حتی سپرده‌گذاری در بانکهای

۱. آمار ارائه شده توسط بانک سپه که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی موجود است.

خصوصی (با نرخ‌های بیش از ۲۰٪) به جریان می‌اندازند.

در شرایطی که بانک‌ها حدود ۹۲٪ از منابع خود را در قالب تسهیلات اعطایی به مشتریان پرداخت کرده‌اند و باقیمانده منابع آنان نیز قاعده‌تاً به دلیل پوشش الزامات قانونی و ذخایر احتیاطی قابلیت استفاده برای اعطای تسهیلات را ندارند، ذکر این ادعا که عدم پاسخگویی بانک‌ها به خیل متقاضیان به دلیل ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌ها و موارد اداری مربوط به اعطای تسهیلات است، واقعاً توجیه ندارد. بانک‌ها به هر میزان که با استفاده از خدمات، تمهیدات و ابزارهای انگیزشی (بالاخص پرداخت سود واقعی به سپرده‌گذاران) بتوانند منابع جمع‌آوری کنند، امکانات آن‌ها برای تأمین مالی طرح و پروژه‌های اقتصادی و اعطایی تسهیلات بیش‌تر خواهد شد. در این رابطه واقعیت انکارناپذیر این است که همپای کمبود منابع موجود در سطح اقتصاد کلان کشور، که بعضاً بحث استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را نیز به شدت مطرح می‌کند، تقاضای تسهیلات از نظام بانکی کشور بسیار بیش‌تر از میزان امکانات عرضه تسهیلات توسط بانک‌ها است.

نکته دیگر این که در طرح پیشنهادی به اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ سود سپرده‌ها با نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی اشاره شد است. و این رقم را در ایران ده درصد ذکر کرده است. به نظر می‌رسد در محاسبه این میزان فاصله (spread) بر فراز ضوابط و معیارهای فنی و همچنین واقعیت‌های موجود در بانک‌ها در نظر گرفته شده است. آمار مربوط به محاسبه قیمت تمام شده منابع نشان می‌دهد که قیمت تمام شده منابع در بانک‌ها در کم‌ترین حالت ۸/۷ درصد است.

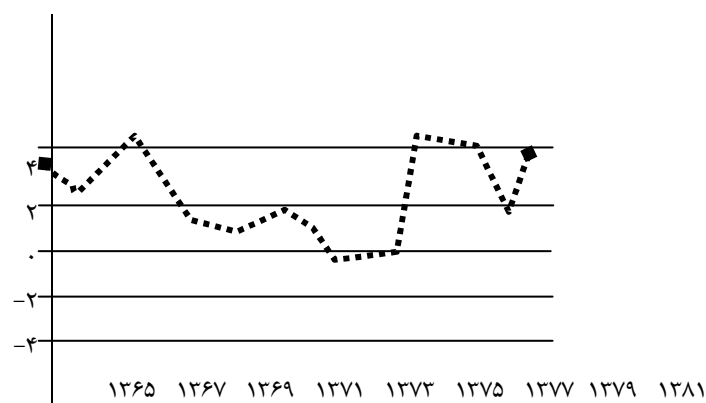
کما این که با پرداخت سود واقعی و مابه‌التفاوت سودهای پرداختی به سپرده‌گذاران این قیمت بسیار بالاتر از این خواهد بود، با در نظر گرفتن میانگین نرخ بازدهی تسهیلات اعطایی بانک‌ها که در خوش‌بینانه‌ترین حالت

کمتر از ۱۶ درصد است، بنابراین میزان فاصله (spread) حدود ۷ درصد خواهد بود. همچنین با استناد به ارقام مندرج در صورت‌های مالی بانک‌ها، ۵۹ درصد از هزینه‌های نظام بانکی دولت مربوط به هزینه‌های عملیاتی (به‌ویژه پرداخت سود به سپرده‌های سرمایه‌گذاری) ۲۲ درصد مربوط به هزینه‌های پرسنلی، ۳ درصد مربوط به هزینه‌های استهلاک و ۱۶ درصد مربوط به هزینه‌های اداری و تشکیلاتی است. بنابراین مشاهده می‌شود که سهم عمده‌ای از فاصله ۷ درصدی مذکور صرف هزینه‌های پرسنلی (حدود ۵۴ درصد) و هزینه‌های استهلاک (حدود ۷/۵ درصد) می‌شود و کمتر از ۴۰ درصد از هزینه‌های غیرعملیاتی بانک‌ها مربوط به هزینه‌های اداری و تشکیلاتی و به ویژه سود نهایی ناشی از نتایج عملیات است که در خوشبینانه‌ترین حالت کمتر از ۳ درصد نرخ (spread)^۱ را به خود اختصاص می‌دهد. کما این که سهم عمده‌ای از این هزینه‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده و نمی‌توان از آن‌ها صرف‌نظر کرد.

۱۱-۳. بانک ملی

۱. در ارتباط با بند یک طرح، که در آن ادعا شده است تغییرات نرخ سپرده‌گذاری لزوماً با تغییرات نرخ سود رابطه‌ای ندارد، باید اذعان کرد که بدون شک با رشد نقدینگی، این نقدینگی به نحوی جذب بانک می‌شود. ولی آنچه که در این میان مهم است این است که ترکیب نقدینگی (با جذب سهم بالاتری از آن توسط انواع سپرده‌های مدت‌دار) به سمت شبه‌پول حرکت کرده است یا (با جذب سهم بالاتری از آن توسط سپرده دیداری) به سمت پول. همان‌طور که در نمودار یک نشان داده شده است.

۱. آمار مربوط به جداول ارسالی توسط بانک سپه است که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی موجود است.



نمودار ۱. درصد تغییرات نسبت سپرده‌های مدت‌دار به نقدینگی

تغییرات نسبت سپرده‌های مدت‌دار به نقدینگی از رشد ثابتی برخوردار نبوده است، بلکه در طول سال‌های گذشته با تغییرات گسترده‌ای روبه‌رو بوده است، به طوری‌که در طول سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۵، تغییرات نسبت مزبور کاملاً منفی بوده است. در حال حاضر ۴۵ درصد از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها سپرده‌های دیداری است، که درصد بالایی از سپرده‌ها را شامل می‌شود. با این وجود طرح مزبور اعتقاد به عدم تأثیر نرخ سود بر میزان سپرده‌گذاری بلندمدت دارد، که مورد ایراد است.

براساس تجربه سال‌های گذشته در صورت کاهش نرخ سود، نسبت سپرده‌های دیداری به سپرده‌های مدت‌دار افزایش یافته و مردم ترجیح می‌دهند تا همانند سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ منابع خود را به جای سپرده‌گذاری، در خرید خانه، ماشین و سهام سرمایه‌گذاری نمایند، که این امر با توجه به ظرفیت‌های محدود کشور در این بخش‌ها، باعث افزایش شدید قیمت‌ها خواهد شد. به همین دلیل در کشورهای توسعه یافته هرگونه تغییر در نرخ‌های سود مبنای هر مرحله از ۰/۵ درصد تجاوز نمی‌کند.

۲. در ارتباط با بند دوم پیشنهاد که در آن عنوان گردیده است: «عدم توان بانک‌ها به پاسخگویی به خیل متقاضیان بیش‌تر به ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌ها در بانک‌ها مربوط می‌شود»، لازم به ذکر است که بانک‌ها هر ساله در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد منابع خود را تسهیلات ارائه می‌نمایند و اکثر موارد تأخیر در بررسی تقاضاها به دلیل عدم آرایه به موقع اسناد مورد نیاز بانک برای بررسی تقاضاها می‌باشد.

در هر صورت ادعای مزبور از نظر این بانک مورد قبول نمی‌باشد.

۳. در ارتباط با اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی، نرخ ده‌درصد کاملاً رد است، چرا که اولاً محاسبه‌کننده این نرخ، در گزارش خود سپرده قانونی و ذخیره نقدینگی را از انواع سپرده‌های مشتریان در نزد بانک‌ها کسر ننموده و محاسبات را براساس منابع آزاد بانک‌ها، انجام نداده است، لذا سود بانک‌ها را بیش از واقع محاسبه کرده است. همان‌طور که مستحضر می‌باشید، در حدود ۱۶ درصد (و در ارتباط با سپرده‌های دیداری و قرض‌الحسنه ۲۰ درصد) از سپرده‌های مردم هر ساله به عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌شود. ثانیاً به نظر می‌رسد نویسنده گزارش دو شاخص بانکی را با یکدیگر اشتباه گرفته است. این دو شاخص عبارتند از:

Spread^۱: که در واقع نشانگر سود حاصل از بهره‌های دریافتی و

پرداختی است. این نسبت فقط دارایی‌ها و بدهی‌هایی را شامل می‌شود که نرخ بهره به آن‌ها تعلق می‌گیرد. لذا شامل سپرده‌های دیداری و دیگر سپرده‌هایی که به آن‌ها سود تعلق نمی‌گیرد نمی‌گردد. شاخص مزبور در واقع جزء

۱. بارلترپ، کریس. جی. مک‌نافتن، دایانا، «تفسیر گزارش‌ها و صورت‌های مالی بانک‌ها»، ترجمه: اداره سازمان‌ها و مطالعات بین‌المللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۷۷، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ص ۱۵.

معیارهای سنجش کارایی عملیاتی بانک محسوب می‌گردد. براساس این شاخص حتی بنا بر گزارش تهیه شده توسط خود مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ حاشیه سود بانک‌ها در حدود ۴/۵ درصد است و نه ده درصد.

Net Interest Margin^۱: یا سوددهی حاصل از نرخ بهره، در محاسبه این شاخص که یکی از معیارهای اندازه‌گیری سودآوری بانک می‌باشد، سپرده‌های دیداری، حساب سرمایه و وام دریافتی از سایر بانک‌ها نیز منظور می‌گردد.

با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد کاهش نرخ سود به همراه خود تورم بالایی را به همراه خواهد داشت، تورمی که ناشی از ضعف زیربنای اقتصادی کشور و عدم توانایی در پاسخ‌گویی به تقاضاهای موجود خواهد بود. پیش‌بینی می‌گردد در ادامه این تورم، کشور وارد یک سیکل باطل گردد، به این صورت که به دلیل فشار بالای تورمی بر مردم، بانک مرکزی مجبور می‌گردد با افزایش نرخ سود سعی در جمع‌آوری نقدینگی از سطح جامعه نماید.

۱۲-۳. انجمن مدیران صنایع

آنچه که در مقدمه طرح تحت این عنوان ذکر شده است که «یکی از عمده‌ترین گلایه تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در ایران بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی است و حال آن‌که نرخ بهره دو رقمی در دنیا از بین رفته و کشورهای جهان سوم با نرخ سود تک رقمی وام می‌گیرند»، مطلب درستی است ولی سؤال آن است که آیا کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و کشورهای جهان سوم از طریق وضع قانون و دخالت مستقیم دولت در کاهش نرخ سود به خصوص در بانک‌های خصوصی و زیر سؤال بردن مالکیت خصوصی افراد به نرخ سود بانکی یک رقمی رسیده‌اند یا عوامل اثرگذار در افزایش نرخ سود بانکی را از طریق راه‌های علمی اقتصادی و شیوه‌های

۱. همان منبع، ص ۱۱.

ارشادی و عدم دخالت مستقیم در بازار کاهش داده‌اند و زمینه لازم را برای کاهش سود بانکی فراهم ساخته‌اند.

سؤال این است که آیا تا به حال بانک‌ها دولتی نبوده‌اند و ابراز لازم در اختیار دولت و بانک مرکزی برای کاهش سود بانکی از طریق دستوری وجود نداشته است؟ و آیا کاهش سود تسهیلات به وام‌گیرندگان در حال حاضر هم نیازمند قانون است و آیا بانک مرکزی طبق وظایف و اختیارات با توجه به شرایط و نیاز اقتصادی توان کاهش نرخ سود تسهیلات را ندارد؟

نرخ سود تسهیلات اعطایی به عوامل متعددی بستگی دارد که ناهمخوانی سیاست‌های اقتصادی و احتمالاً کاهش تعرفه‌های بازرگانی که به آن اشاره کرده‌اید و تولیدکنندگان واقعی را در رقابت با محصولات وارداتی مواجه کرده است یکی از آن‌ها است. البته عدم رقابت‌پذیری نیز تحمیل کالای نامرغوب با قیمتی گران‌تر و کیفیتی نامطلوب‌تر را به مصرف‌کننده به همراه دارد و در درازمدت به دلیل حمایت‌های تعرفه‌ای، ناکارایی، رقابت‌ناپذیری، تولید براساس تکنولوژی نابهنگام و محدودیت تولید برای بازار داخلی را در پی خواهد داشت و به وابستگی کشور به خارج خواهد افزود.

در توجیه کاهش سود تسهیلات مورد نظر مخالفان چند نکته را بیان کرده‌اید که به ترتیب به آن‌ها اشاره می‌شود:

بیان شده که افزایش سپرده‌های بانکی مدت‌دار ناشی از ریسک اندک و سود تضمین شده معاف از مالیات است که البته نمی‌توان منکر تأثیر دو عامل فوق شد ولی چند نکته در این بیان نادیده گرفته شده است. اولاً جمعیت کشور طی این مدت ۲ برابر شده است. لذا طبیعی است که مثلاً سپرده‌مدت‌دار به قیمت ثابت لااقل دو برابر شده باشد. ثانیاً ساختار اجتماعی، سنی و درآمدی سپرده‌گذاران مهم است نه قدر مطلق پس‌انداز آنان. با اطمینان می‌توان گفت اکثریت قریب به اتفاق پس‌اندازکنندگان افرادی هستند که توان بهره‌گیری از

پس‌انداز خود را جز از طریق پس‌انداز در بانک‌ها ندارند و بازارهای سرمایه‌گذاری و مالی دیگر برای آنان ناشناخته و ناآشنا است. ضمناً تجربه تلخ بسیاری از سپرده‌گذاران در صندوق‌ها و شرکت‌هایی که سپرده‌های این‌گونه افراد را به باد داد ناچاراً آنان را به سوی بانک‌ها سوق داده است. لذا سپرده‌گذاری آنان در بانک‌ها نه یک اختیار بلکه یک اجبار بوده است. به‌علاوه طبقاتی که قبل از انقلاب سود بانکی را مشروع نمی‌دانستند و پس‌انداز خود را در منزل نگاهداری می‌کردند بعد از انقلاب پس‌انداز آنان به سوی بانک‌ها سوق یافته است. ولی می‌توان گفت این سپرده‌گذاران که عموماً از طبقات کم درآمد بوده‌اند با توجه به نرخ تورم و نرخ سود دریافتی بازنده اصلی‌اند چون سود دریافتی آنان از نرخ تورم به‌طور متوسط کمتر است. گذشته از آن همان‌طوری که اشاره کرده‌اید وقتی در جامعه و بازار نرخ ریسک بالاست و طبیعتاً درآمدهای غیرطبیعی نیز خواهد بود نرخ پول در بازار بالا می‌رود و لذا با کاهش نرخ پول در بازار رسمی (بانک‌ها) مشکل حل نمی‌شود بلکه موج جدیدی از رانت ساختگی برپا می‌شود که نتیجه‌ای جز افزایش فساد اداری در بانک‌ها، سوء استفاده از خیل متقاضیان و رانت‌خواری به دنبال نخواهد داشت.

بیان شده که خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری تولیدی بیش‌تر به ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌ها و نظارت بر مصرف صحیح آن‌ها در بانک‌ها مربوط است که باید اصلاح شود. آن‌چه موجب خیل متقاضیان به بانک‌ها شده ناشی از چند عامل است. اول تفاوت سود تسهیلات بانکی با نرخ بازار آزاد است. هر وامی که از بانک دولتی دریافت شود سود آن در مواردی کمتر از نصف نرخ بازار است و طی ۱۵ سال اخیر به‌طور متوسط زیرنرخ تورم بوده است. دوم آنکه ساختار فکری و آشنایی وام‌گیرنده با پس‌اندازکننده کاملاً متفاوت است. وام‌گیرنده کاملاً به بازار آشناست و می‌داند که دریافت وام از سیستم بانکی با توجه به نرخ تورم حاکم بر اقتصاد به نفع اوست.

بی‌تردید باتوجه به بازدهی واحدهای تولیدی که ناشی از عوامل متعددی است، نرخ تسهیلات بانکی از لحاظ ظاهر عددی بالاست ولی از نرخ حاکم در بازار به مراتب کمتر است اما به دلیل پرداخت‌های متعدد بخش صنعت به خصوص واحدهای بزرگ صنعتی که آدرس و مکان مشخصی دارند به دولت و نهادهای دولتی و دخالت متعدد نهادهای دولتی و شبه‌دولتی در آن‌ها فراوان است و نسبت به بخش بازرگانی و فعالیتهای زیرزمینی و زیرپله‌ای حساب و کتاب مرتب‌تری دارند و مالیات و حقوق دولت را واقعی پرداخت می‌کنند و در نتیجه سوددهی آنان نسبت به سایر بخش‌ها کمتر است. نرخ تسهیلات دریافتی از بانک‌ها برای آنان بالاست. سوم آنکه باید دید عموم وام‌گیرندگان از بانک‌ها چه بخش از تولیدکنندگان. آیا عمده وام‌های سیستم بانکی از طریق تبصره‌های تحمیلی و یا فشار دولت به بنگاه‌های دولتی پرداخت شده یا به بنگاه‌های خصوصی؟

بیان شده اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور بالاست و بیش از ۱۰ درصد است که موجب شده ناکارایی بانک‌ها پنهان بماند. البته این مطلب کاملاً صحیح است. ولی تفاوت دو نرخ به صورت مطلق عدد ۱۰ است و به صورت نسبت از ۱۰۰ درصد هم بیشتر است. اما ناکارامدی بانک‌ها به دلیل دولتی بودن، رقابتی نبودن و دستوری عمل کردن است تا به صورت یک بنگاه اقتصادی و مسئولیت‌پذیر بودن در مقابل مردم، سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان، به همین دلیل است که تفاوت سود پرداختی به سپرده‌گذاران و سود دریافتی از وام‌گیرندگان بین ۱۰ تا ۱۸ درصد است یعنی بین ۱۰۰ تا ۱۸۰ درصد سودی که به سپرده‌گذار (البته به طور وزنی) پرداخت می‌شود. در واقع مشکل اصلی ناشی از وجود تورم و هزینه بسیار بالای بانکهاست که موجب شده نرخ سود تسهیلات بالا باشد و سپرده‌گذار هم عملاً قدرت خرید خود را

از دست بدهد. از دیدگاه صرف بانکی راه حل رقابتی کردن و کارآمد کردن بانکها از طریق خصوصی سازی است. بانکها نیز باید به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگریسته شوند و نه یک مؤسسه دولتی دستورگیر از بالا یا یک مؤسسه خیریه. بانکها باید از انحصار دولت خارج شوند تا در شرایط رقابتی بتوانند از هزینه های خود بکاهند و در مورد سپرده گذاران نیز مسئول و پاسخگو باشند و نرخ تسهیلات را نیز در شرایط رقابتی با کاهش هزینه های خود بکاهند.

ضمناً نرخ تسهیلات تنها به بانکها ارتباط پیدا نمی کند و تماماً در اختیار بانکها نیست، بلکه مربوط به نرخ تورم دورقمی در کشور است که این نرخ نیز به مجموعه سیاست های حاکم بر اقتصاد برمی گردد. سؤال این است که آیا کاهش نرخ تورم در کشورهای آمریکای لاتین که حتی بالای ۵۰۰ درصد بود و یا در ترکیه که بالای ۶۰ درصد بود با دستور و قانونگذاری کاهش پیدا کرد؟ به نظر می رسد برای کاهش نرخ تورم باید ریشه یابی کرد. در ایران تورم ریشه سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی و بالاخره ناسازگاری قوانین و مقررات حاکم با اصول مسلم اقتصادی دارد. احترام به مالکیت، برقراری امنیت سرمایه گذاری، عدم مداخله مستقیم دولت در فعالیتهای اقتصادی، جلوگیری از فشار و دخالت دستگاههای دولتی سازگار با تولید و سرمایه گذاری، جلوگیری از فشار و دخالت دستگاههای دولتی و شبه دولتی در امر تولید، تصویب قوانین و مقررات سازگار با سرمایه گذاری و تولید، کاستن از حجم نقدینگی و ... عواملی هستند که توجه به آنها می تواند تورم را یک رقمی کند و به دنبال آن نرخ تسهیلات بانکی نیز یک رقمی خواهد شد.

۱۳-۳. دادستانی کل کشور

نسبت به طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی ضمن تأکید بر اصل موضوع و حسن و مطلوبیت این قبیل اقدامات بر نکات ذیل

تأکید می‌نماید.

۱. این قبیل اقدامات نیاز به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، سازوکارهای مناسب و شرایط و تکلیف قانونی برای تحقق هدف و اجرایی کردن کار و تدوین ضوابط مربوط و ابلاغ جهت اجرا به دولت دارد. والا در برنامه پنج‌ساله نیز تکالیف فراوانی متوجه دولت می‌شود ولی در عمل به‌طور کامل و دقیق پیاده نمی‌شود.

۲. پیش‌شرط‌هایی دارد که اگر عمل شود می‌تواند موفق و عملیاتی شود و از همه مهم‌تر عزم و اراده در کشور و نظام بانکی و پولی و سیاسی و اقتصادی کشور، برای تحقق آن است و باید همه همکاری کنند. تورم مهار شود و عزم‌ها بر مهار تورم و هدایت و مدیریت نقدینگی در امور تولیدی و فعالیت‌های سالم و مفید باشد. نه در امور دلالی و بورس و واسطه‌گری.

۳. موضوع کاهش کسری بودجه دولت و کنترل و مهار و مدیریت نقدینگی و کنترل نرخ تورم از مسائل مهمی است که باید نسبت به آن تدبیر کرد.

۴. ساختارهای هزینه‌بر و بی‌فایده یا کم‌فایده باید حذف یا اصلاح شوند.

۵. نظم و انضباط پولی و مالی و سرمایه‌ای بر کلیه فعالیت‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط باید حاکم باشد. تا از اتلاف منابع و تضییع سرمایه‌ها و امکانات جلوگیری شود.

۶. موضوع سرمایه‌گذاری و حمایت و تشویق و نرخ بازدهی سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و سرعت و زمانبندی در اجرای طرح‌ها و منطقی کردن هزینه‌های مربوط و هدایت نقدینگی در مورد سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در امور واقعی و راه‌اندازی و فعال کردن بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها هم اموری است که می‌تواند گره‌گشای مشکل باشد.

۷. نکات اساسی دیگر عبارتند از:

الف) افزایش و ارتقای بهره‌وری.

- (ب) کاهش هزینه‌های جاری و سرباری.
- (ج) تشویق جدی به سرمایه‌گذاری.
- (د) اصلاح ساختار بانک‌ها.
- (هـ) کاهش هزینه‌های ساختمان‌سازی و شعب و هزینه‌های گوناگون جاری و عمرانی و
- (و) تشویق و حمایت همه جانبه از قرض‌الحسنه و تجهیز منابع بانکی به هزینه‌های کم‌تر.
- (ز) منطقی کردن پرسنل بانک‌ها و شعب مربوط و مراکز ستادی بانک‌ها.
- (ح) تدبیر برای ادغام بانک‌های تخصصی و خدماتی و تجاری.
۸. نظارت جدی بر کیسه بانک‌ها و شعب مربوط و نظارت بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها و به‌ویژه تسهیلات تکلیفی.
۹. نظارت بر نوع سرمایه‌گذاری‌ها و جلوگیری از حیف و میل و تاراج منابع عمومی و ملی و بانکی.
۱۰. اصلاح قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها.
۱۱. فعال‌تر کردن شوراهای گوناگون بانکی و هیأت عامل‌ها و هیأت مدیره‌ها و شورای پول و اعتبار و شورای عالی بانک‌ها و مجامع عمومی و شورای اقتصاد و ستاد اقتصادی دولت.
۱۲. مبارزه با فساد و سوء استفاده در شبکه بانکی و بورس و
۱۳. اجرای واقعی نظام بانکداری اسلامی و پرداخت سود واقعی حاصله از سرمایه‌گذاری در رشته‌های واقعی.
۱۴. پرهیز از ورود در بورس بازی و دلالی و واسطه‌گری و تبانی در افزایش قیمت‌ها توسط شرکت‌های وابسته به بانک‌ها.
۱۵. کاهش حجم نقدینگی و کسری بودجه بدهی دولت به شبکه بانکی و در

نتیجه کاهش تورم.

۱۶. بررسی کاهش مالیات از سود سپرده‌ها نیز می‌تواند کمک کند.

۱۷. باید توجه داشت که اساس رشد و توسعه، سرمایه‌گذاری و تحول در بخش واقعی اقتصاد کشور است و نرخ سود بانکی باید تابعی از نرخ رشد بخش واقعی باشد و نه خود موضوعیت و اصالت داشته باشد و چنانچه این موضوع و استراتژی یعنی تابعیت نرخ سود بانکی از نرخ رشد بخش واقعی اقتصادی کشور مورد توجه جدی قرار گیرد امکان اقدامات اصولی و تحول در ساختار اقتصادی بانک‌ها و کشور فراهم خواهد شد.

۱۸. در هر صورت تحقق هدف مورد نظر نیاز به عزم و اراده و ایمان و باور عمیق دینی، علمی و فنی و تخصصی و اعتقاد به این‌که خواستن توانستن است و نیز بستگی به نظم و انضباط مالی، پولی، بانکی، اداری، سرمایه‌گذاری و تسهیلات اعطایی و پرهیز از اتلاف و تضییع منابع و سرمایه‌ها و امکانات دارد.

امید است با تدبیر مسئولان ذی‌ربط شرایط و بستر لازم برای اقتصادی سالم و کارآمد و پویا فراهم شود و فرصت در خدمت ارباب همت و تلاش و مجاهدت قرار گیرد.

۱۴-۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی با این استدلال که نرخ سود تسهیلات بانکی در سطح موجود، موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی می‌گردد توسط جمعی از نمایندگان محترم مجلس ارائه شده است. درخصوص این طرح موارد زیر قابل توجه می‌باشد:

- جدول زیر میزان سپرده‌های مدت‌دار و تغییر بدهی‌های بخش غیردولتی به سیستم بانکی (به عنوان تسهیلات اعطایی به این بخش) و نرخ رشد مربوط به

هریک از آن‌ها را طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۲ نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود طی دوره یاد شده هرچند که سپرده‌های مدت‌دار از نرخ رشد افزایشی برخوردار بوده اما از سوی دیگر نرخ رشد تغییر در بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی نیز به‌عنوان تسهیلات اعطایی به این بخش از نرخ رشد بالاتری در مقایسه با نرخ رشد سپرده‌های مدت‌دار برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که هرچند پایین بودن ریسک و معافیت مالیاتی سپرده‌های بانکی باعث گرایش به این سپرده‌ها شده است اما افزایش جمعیت نیز عامل دیگری در افزایش میزان این سپرده‌ها می‌باشد.

جدول ۱. سپرده مدت‌دار و تغییر بدهی بخش غیردولتی (میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
سپرده مدت‌دار	۶۲۲۸۹/۴	۷۳۱۷۹/۱	۸۹۶۴۲/۲	۱۱۲۶۷۵/۸	۱۴۸۱۵۳/۱	۱۹۶۷۶۳/۳	۲۶۳۵۳۳/۶
نرخ رشد (درصد)	۱۴/۸	۱۷/۵	۲۲/۵	۲۵/۷	۳۱/۵	۳۲/۸	۳۳/۹
تغییر در بدهی بخش غیردولتی	۷۵۷۴۰/۱	۹۸۲۲۰	۱۳۷۹۱۲/۹	۱۸۰۸۷۰/۷	۲۴۲۵۴۲/۶	۳۲۷۰۷۲/۹	۴۵۴۷۹۹/۸
نرخ رشد (درصد)	۳۳/۳	۲۹/۷	۴۰/۴	۳۱/۱	۳۴/۱	۳۴/۹	۳۹/۱

● اگرچه بین نرخ سود موزون سپرده‌ها و تسهیلات بانکی اختلاف وجود دارد اما مقدار تفاوت بین این دو نرخ یا (Spread) بانکی چنانچه در مقدمه طرح پیشنهادی مجلس آورده شده ۱۰ درصد نمی‌باشد. در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ میزان (Spread) بانکی از سال ۱۳۷۶-۱۳۸۰ حدود ۶ درصد بوده که این مقدار با توجه به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و ثابت ماندن نرخ سود

سپرده‌ها به حدود ۴ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است.^۱

• همچنین آنچه در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد نرخ سود واقعی (سپرده‌ها و تسهیلات) می‌باشد. براساس مطالعات انجام شده، با توجه به بالا بودن نرخ تورم، نرخ سود حقیقی در بخش‌های اقتصادی کشور منفی بوده است. منفی بودن نرخ سود واقعی تسهیلات اعطایی بانک‌ها موجب می‌شود تا هر فرد حقیقی و حقوقی با دریافت اعتبارات بانکی بدون هیچ‌گونه سعی و تلاش، مواجه شدن با خطرات احتمالی و عدم موفقیت سرمایه‌گذاری از دریافت تسهیلات منتفع گردد. دستیابی به تسهیلات بانکی با نرخ سود منفی در بلندمدت موجب می‌شود تا تولیدکنندگان به جای تلاش برای یافتن کارآمدترین و پربازده‌ترین طرح‌های سرمایه‌گذاری به جستجوی تسهیلات بانکی با بیش‌ترین رانت ممکن باشند که این فرایند تنزل در نوآوری و خلاقیت نظام تولیدکنندگان و کاهش کارایی نظام اقتصادی را به دنبال دارد. طراحان این طرح معتقدند که با کاستن از هزینه استقراض، سودآوری سرمایه‌گذاری و تولید افزایش یافته و در نتیجه از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد به توسعه فعالیت‌های اقتصادی کمک خواهد شد. اما متأسفانه این موضوع در کشور ما مصداق پیدا نکرده است علت این امر موانع تولید و تنگناهای طرف عرضه در اقتصاد ایران است. هنگامی که موانع اداری، حقوقی و نهادی بر سر راه تولید وجود داشته باشد طبعاً کاهش نرخ‌های سود بانکی به جای گسترش تولید به فعالیت‌های رانت‌جویانه دامن می‌زنند، منظور از موانع اداری، حقوقی و نهادی بر سر راه تولید عوامل متعددی نظیر ساختار انحصاری بازارها، قوانین و مقررات ناظر بر بازارهای کالاها و خدمات، بازار کار و سرمایه است که انعطاف‌پذیری و تخصیص بهینه نهاده‌ها را مشکل و

۱. آمار ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که در مرکز پژوهش‌های مجلس موجود می‌باشد.

غیرممکن می‌سازد.

• همان‌طور که روشن است بازار مالی ایران از دو بخش رسمی و غیررسمی تشکیل شده است که در بخش غیررسمی نرخ سود از طریق مکانیسم عرضه و تقاضای وجوه تعیین می‌شود. سیاست اعمال کاهش نرخ سود با هدف منطقی نمودن آن، شکاف بین دو بازار را بیش از گذشته افزایش خواهد داد و در چنین شرایطی از یک طرف میزان تقاضا برای تسهیلات بانکی (بخش رسمی) افزایش می‌یابد و از سوی دیگر زمینه برای رانت در بازار مالی را گسترش خواهد داد که این وضعیت بر خلاف روند جاری اقتصاد و برنامه چهارم توسعه کشور خواهد بود. ضمن این‌که در بازار غیررسمی به دلیل فقدان سیستم نظارتی مناسب اعمال سیاست‌های اصلاحی در بخش پولی و اعتباری ممکن است خنثی گردد. لذا اصلاح بازار مالی ایران در جهت افزایش کارایی نظام بانکی و انعطاف‌پذیری این بازار نسبت به نرخ سود بانکی از اولویت بیش‌تری برخوردار است.

• اطمینان از برگشت وام‌ها و سوددهی بالاتر در پروژه‌های بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله شرایطی است که بانک‌ها برای اعطای تسهیلات مدنظر قرار می‌دهند. لذا کاهش نرخ سود تسهیلات با توجه به وضعیت تورم کشور، منجر به این خواهد شد که بانک‌ها (دولتی، خصوصی) منابع خود را بیش‌تر در بخش‌ها یا پروژه‌هایی تخصیص دهند که از بازدهی بالاتر و برگشت سریع‌تر منابع برخوردارند. لذا در چنین شرایطی از میان سه بخش اساسی اقتصاد، بخش خدمات با توجه به ویژگی آن، بیش‌تر از این بابت منتفع خواهد شد و دو بخش دیگر صنعت و کشاورزی دچار ضرر و زیان جبران‌ناپذیری می‌گردد و متقاضیان این دو بخش همراه با کاهش نرخ سود بانکی با عدم اعطای تسهیلات بانک‌ها مواجه خواهند شد و گرایش آن‌ها به سمت بازارهای غیررسمی و غیرمتشکل پول گسترش خواهد یافت در نتیجه با توجه به بالا

بودن هزینه تسهیلات در این بازار، هزینه عوامل تولید در بخش‌های صنعت و کشاورزی نسبت به شرایط اولیه بالاتر خواهد رفت.

• باید توجه داشت که نرخ سود یکی از ابزارهای سیاستگذاری است که تعیین سطح آن به بسیاری از عوامل واقعی بستگی دارد. به عبارت دیگر کاهش نرخ سود جزئی از برنامه گستره مالی است که در این میان خصوصی‌سازی بانک‌ها، مقررات‌زدایی، اصلاح رابطه دولت با بازارهای مالی و پولی، خلق ابزارهای غیرمستقیم پولی و توسعه بازار سرمایه، از پیش‌شرط‌های اصلی و لازم این مسأله است. به بیان دیگر بدون وجود پیش‌زمینه‌های فوق کاهش صرف نرخ سود مشکل خاصی را حل نخواهد کرد گرچه تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری نیز خود به عوامل بسیار متعددی بستگی دارد که نرخ سود تنها یکی از آنهاست. وجود وضعیت اقتصادی و سیاسی، اصلاح قوانین بسیار مبهم و پیچیده مالیاتی، از مهم‌ترین عوامل در این زمینه است که به نظر می‌رسد اصلاح آن‌ها مقدم بر نرخ سود می‌باشد. مضاف بر این‌که بانک مرکزی در سال‌های اخیر روند کاهشی شکاف موجود بین سپرده‌ها و تسهیلات بانکی را دنبال نموده است.

۱۵-۳. حیدر پوریان

منطق و بی‌منطقی مشاجره نرخ بهره

بدون اغراق، نرخ بهره (سود) مهم‌ترین متغیر اقتصادی است. بازار پول، بازار سرمایه، درآمد سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران، هزینه تأمین مالی واحدهای اقتصادی، بهره‌وری، تخصیص منابع، سیاست‌های پولی، نرخ ارز و ... تنها چند مثال از متغیرهایی هستند که تحت تأثیر نرخ بهره قرار داشته یا از نرخ بهره به‌عنوان ابزار اصلی این پدیده‌ها استفاده می‌شود. به علاوه، مباحث مربوط به متغیر نرخ بهره از مهم‌ترین مباحث تفکیک‌کننده مکاتب اقتصادی می‌باشند. این

متغیر آنقدر مهم است که حتی اسلام و مسیحیت قوانین مشخصی بر آن وضع کرده‌اند؛ مع هذا، اتفاق نظر بر تعریف ربا بین علمای دین در جهان و حتی در کشورمان وجود ندارد. جنگ بهره نیز بین کشورها (عمدتاً در ارتباط با نرخ ارزها) به صورتی ملایم ولی دائمی در جریان است. این روزها مجدداً مشاجره نرخ بهره در کشورمان هم آغاز شده است. این مشاجرات در حقیقت مؤید اهمیت این نرخ و تمام مباحث و جنگ‌های عملی و تئوریک مربوط به آن است و لذا اصلاً تعجب‌آور نیست.

در دو سوی مناقشه

با کمی اغراق و ساده‌سازی می‌توان گفت، مشاجره فعلی نرخ بهره در کشورمان عمدتاً بین استادان اقتصاددان از یکسو و استادان امور مالی و مدیران واحدها از سوی دیگر، در حال انجام است. ولی یکی درد و یکی درمان پسندد. البته هر دو حق دارند و نگرانی خود را ابراز می‌کنند. اقتصاددانان نگران تجمع پس‌اندازها (طرف عرضه) هستند که در کشورهای در حال توسعه - به هزاران دلیل - قلت دارد. آن‌ها همچنین نگران رانتی هستند که ممکن است در کاهش نرخ بهره به وجود آید. در مقابل، استادان امور مالی و مدیران واحدها و تشکل‌های صنعتی، نگران سرمایه‌گذاری (طرف تقاضا) هستند. براساس تئوری غالب موجود، نرخ بهره تنزیل‌کننده وجوه آتی سرمایه‌گذاری‌هاست و افزایش آن توجیه اقتصادی بسیاری از طرح‌ها را کاهش می‌دهد.

اگرچه نگرانی‌های هر دو گروه یاد شده به‌جاست، ولی هر دو - لااقل تا قسمتی - اشتباه می‌کنند. اولاً براساس یکی دیگر از تئوری‌های مطرح در اقتصاد، پس‌انداز تابعی از نرخ بهره نیست (بلکه بیش‌تر به درآمد وابسته است). از طرف تقاضا نیز اغلب مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری کلان

تابع نرخ بهره نیست. لذا نگرانی هر دو طرف مناقشه تاحدی بی‌جاست! اما نقش نرخ بهره در برخی سیاست‌های اجرایی را نمی‌توان از نظر دور داشت. برای مثال، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، اکثر بانک‌های مرکزی دنیا به‌ویژه در امریکا و اروپا، به شدت نرخ‌های بهره را کاهش دادند. دلیل این سیاست پولی بر هر دو گروه اقتصاددانان و مدیران واضح است: کاهش نرخ بهره از یکسو موجب تشویق سرمایه‌گذاری و از سوی دیگر باعث خرید کالاهای بادوام (ساختمان و مسکن، خودرو، یخچال و ...) توسط مصرف‌کنندگان می‌شود و لذا، رکود ناشی از حملات تروریسم را از بین برده و چرخه اقتصادی را به رونق می‌کشاند.

خانه از پای بست ویران است

ولی تعیین دستوری نرخ بهره (سود) قبل از این‌که بحث افزایش یا کاهش آن مطرح شود، یک گناه اقتصادی بزرگ است. نرخ بهره باید توسط بازار و با اجماع بازار تعیین شود، نه با تصمیم شورا. به عبارت دیگر، شورای پول و اعتبار که در کشورمان تصمیم‌نهایی میزان سطح نرخ‌های بهره را اتخاذ می‌کند، واقعاً نمی‌داند چه می‌کند. شورای پول و اعتبار بیش‌تر برای اقتصادمان ضرر دارد تا منفعت. به علاوه، شورای پول و اعتبار باید تلاش اصلی خود را در راستای حفظ ارزش پول ملی بگذارد. از سوی دیگر، نرخ‌های دستوری - که غیرتعادلی هستند - هزار درد و بلا به همراه می‌آورند. سهمیه‌بندی و جیره‌بندی، اختلال در مدیریت اجرایی بانک‌ها، مازاد تقاضا (یا عرضه)، ایجاد بازار غیررسمی و به شدت ربوی با ریسک بالا، مشکل تخصیص منابع، عدم اطمینان از تأمین مالی بهترین طرح‌ها (با بازده‌های بالا)، رفیق‌مداری، پارتی‌بازی، رشوه، رانت، عدم بازگشت منابع و تسهیلات مشکوک‌الوصول و حتی لاوصول و... از جمله آن بلاها و دردها هستند.

۱۶-۳. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز

تبعات جنگ تحمیلی و کاهش قیمت نفت و در نتیجه درآمد حاصل از صادرات آن تورم بالایی را بر اقتصاد کشور تحمیل نمود که از نتایج منفی آن افزایش نرخ سود تسهیلات بود؛ در دو سه سال اخیر با افزایش درآمد نفت و کاهش تورم، اقتصاد کشور در شرایطی قرار گرفت که برای کاهش بیش‌تر تورم و رسیدن به شرایطی به نسبت متعادل یکی از اهرم‌های اصلی کاهش نرخ بهره یا سود تسهیلات به خصوص با توجه به کاهش نرخ بهره در تمامی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بود؛ منتها گروه معدودی از جامعه ما که از این نرخ بالای سود به ظاهر منتفع می‌گردند با توسل به انواع استدلال‌های غیرواقعی و غیر علمی فشار فراوانی به دولت محترم وارد کرده و سعی فراوان در حفظ نرخ بالای سود تسهیلات داشته و دارند.

اکنون که مجلس محترم برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور طرح کاهش سود تسهیلات را مطرح فرموده‌اند بدین وسیله سپاس جامعه تولیدی استان آذربایجان شرقی را که مجموعه آن‌ها با ۸۶۴۹ عضو و ۱۷۸۰ عضو فعال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی سعی بلیغ خود را در راه تولید و ایجاد اشتغال مصروف می‌نمایند و در سال‌های اخیر یکی از ترمزهای اصلی در راه فعالیت ایشان نرخ بالای سود تسهیلات و تورم بوده، از این همت والای مجلس محترم در راه کاهش نرخ سود تسهیلات که مسلماً برای اکثریت قریب به اتفاق جامعه تولیدکنندگان اعم از صنعتی، معدنی و کشاورزی و در نهایت کارگران و کارمندان از نظر رشد و توسعه تولید، اشتغال و کاهش هزینه‌های زندگی مؤثر خواهد بود رؤس مطالبی را که روی بررسی کارشناسی برای انجام این امر مهم مورد لزوم می‌باشد به عرض می‌رساند.

۱. در عرف بین‌الملل بانک‌ها معمولاً ۵-۴ برابر سپرده جذب شده (سپرده‌مدت‌دار) توان پول‌سازی دارند یعنی با گردش بیش‌تر پول یک نوبت به

سپرده‌گذار سود پرداخت می‌نماید ولی ۵-۴ نوبت برای همان مقدار سپرده سود دریافت می‌نماید لذا می‌توانند حتی بدون کاهش نرخ سود سپرده‌گذار (که به نظر بعضی از آقایان ممکن است باعث خروج سپرده‌ها از بانک و کاهش حجم آن شود) نرخ سود تسهیلات را کاهش دهند که این هنر و علت تشکیل سیستم بانکداری می‌باشد.

۲. در طول سنوات ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۲ همواره سپرده‌بخش خصوصی در سیستم بانکی (دیداری و غیردیداری) همیشه کمتر از بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی بوده به‌طور مثال در پایان سال ۱۳۸۲ حجم سپرده‌های غیردیداری ۳۰۹۲۳۹/۶ میلیارد ریال، کل سپرده بخش غیردولتی ۴۸۷۸۶۳/۴ میلیارد ریال، بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها ۴۵۴۷۹۹/۸ میلیارد ریال و مطالبات سیستم بانکی از بخش‌های دولتی و غیردولتی ۶۷۲۸۴۰/۷ میلیارد ریال بوده که این امر نشانگر موارد ذیل می‌باشد:

۲-۱. نسبت حجم تسهیلات اعطایی به حجم سپرده‌های مدت‌دار که باید تقریباً پنج برابر یعنی حدود ۱,۵۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال باشد مبلغ ۶۷۲۸۴۰/۷ ریال بوده یعنی حدود ۸۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات کمتر به بخش تولید تزریق شده که نتایج منفی آن به شرح ذیل می‌باشد:

۲-۱-۱. به دلیل عرضه تسهیلات کمتر هزینه تأمین منابع پولی که همان سود یا بهره می‌باشد افزایش یافته که با افزایش عرضه آن به‌طور اتوماتیک نرخ سود با بهره قابل کاهش می‌باشد^۱ (در منابع بانکی و غیربانکی).

۲-۱-۲. واحدهای قدیمی به دلیل تورم احتیاج به نقدینگی بیش‌تری برای گردش کار خود داشته‌اند که در نتیجه کمبود تزریق منابع مالی با ظرفیت کمتر و هزینه بیش‌تر تولید کرده‌اند، این امر باعث عدم موفقیت و تعطیل کارخانجات

۱. داده‌های بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۱ و نماگرهای آماری شماره ۳۵ سه ماهه چهارم ۱۳۸۲.

و بیکاری شده که در صورت تزریق منابع مالی این اتفاق نمی‌افتاد.

۲-۱-۳. واحدهای جدید معمولاً با افزایش نرخ ارز برای احداث واحد روبه رو بوده‌اند و کل توان خود را برای تکمیل خط تولید مصرف ولی به‌دلیل کمبود نقدینگی برای تنخواه تولید خود با ظرفیت کمتر و هزینه بیش‌تر تولید نموده‌اند که یکی از علل عدم موفقیت طرح‌های جدید معمولاً کمبود نقدینگی بوده که با این روش قابل اصلاح بوده و هست.

۲-۱-۴. همان‌طوری که در ردیف‌های ۲-۱-۲ و ۲-۱-۳ به‌عرض رسید تعداد زیادی از واحدهای تولیدی به‌دلیل محدودیت تسهیلات اعطایی و نرخ بالای سود تسهیلات تبدیل به واحدهای ضررده شده‌اند که معنای آن صرف منابع مالی بیش‌تر (رشد تقاضا) برای تولیدی با ارزش کم‌تر (کاهش عرضه) از منابع مالی تزریق شده می‌باشند که نتیجه آن به اندازه زیان هر واحد، باعث افزایش تورم می‌گردد که جمع ضرر این واحدها که روی هم رقم قابل توجهی می‌گردد مانند هزینه‌های اضافی دولت (از محل استقراض) تورم ساز می‌باشد با کاهش سود تسهیلات و تزریق منابع مالی با این واحدها آن‌ها سودده شده و به‌جای تورم‌زایی ضد تورمی عمل خواهند نمود. با عنایت به مراتب فوق اثر ضد تورمی کاهش سود تسهیلات به‌غیر از کاهش قیمت که خود کاهنده تورم می‌باشد به‌صورت مستمر به‌عنوان یک عامل ضد تورم در ساختار اقتصادی عمل خواهد کرد.

۲-۱-۵. چنان‌چه در ابتدای حرکت کاهش نرخ سود، کاهشی در حجم سپرده‌ها حاصل شود (اگرچه کوتاه‌مدت خواهد بود) با این روش علاوه بر آن‌که بانک‌ها تحت فشار قرار نخواهند گرفت توان بیش‌تری نیز به دست خواهند آورد.

۲-۱-۶. این شیوه سیستمی است برای وادار کردن بانک‌ها به فعالیت بیش‌تر برای دستیابی به پول ارزان‌تر که نتیجه آن سرویس‌دهی بهتر به

مشتریان بانک و سیستم اقتصادی خواهد بود وگرنه تا وقتی که بانکها با سیستم فعلی از سود بالایی برخوردار بوده و مشغول سبقت گرفتن از یکدیگر برای پرداخت سود بیش‌تر باشند و این به معنای دریافت سود بیش‌تر از بدهکاران بخش تولید و افزایش قیمت تمام شده کالاهای تولید داخلی می‌باشد، اصلاح ساختار میسر نخواهد بود.

بانکها ظاهراً نرخ سود خود را کاهش داده و از ۱۸ درصد به ۱۵ و ۱۴ درصد از بخش تولید و صادرات رسانده‌اند ولی از آنجایی که اکثر واحدهای تولیدی بدهی معوق دارند تجدید تسهیلات را ادامه قرارداد قبلی محسوب یا برای بدهی‌های عقب افتاده همان نرخ ۱۸ درصد قبلی به علاوه ۶ درصد جریمه را محسوب می‌نمایند که در نتیجه هزینه سود به ۲۴ درصد بالغ می‌گردد.

یا بهتر بگوییم: $24 \div 14 = 1/714$

۷۱/۴ درصد سود بیش‌تر از واحدی دریافت می‌گردد که مشکل نقدینگی و پرداخت عامل تأخیر تأدیه دین بوده البته شکی نیست جریمه‌ای باید منظور شود ولی جریمه به فرض ۲۰ درصد نرخ سود جاری باشد نه ۷۱/۴ درصد سود جاری لذا در اصلاح قانون مستدعیست هر نرخ معین می‌گردد از زمان تصویب شامل کلیه قراردادهای شده و جریمه دیرکرد آن نیز به صورت درصدی از نرخ جدید باشد تا توسل به سیستم‌هایی برای دور زدن قوانین مصوب موقوف و محاسبات روشن و شفاف باشند، بدیهی است توافق در کاهش سود وقتی بدهکار ۱۰۰ درصد به آن رضایت دارد از جانب طلبکار یا شریک معامله هیچ‌گونه منع قانونی و شرعی نخواهد داشت.

۱۷-۳. بانک توسعه صادرات ایران

نقش اصلی بانکها در سیستم اقتصادی به‌عنوان واسطه و جوه ایجاب می‌نماید که برای تأمین منابع لازم جهت اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی

منابع مازاد سپرده‌گذاران را به کار گیرند. بر این اساس یکی از مهم‌ترین شاخص تصمیم‌گیری برای سپرده‌گذاری نرخ سود مورد انتظار اعلام شده از سوی بانک می‌باشد. هر چند در حال حاضر سیستم بانکی کشور براساس قوانین بانکداری اسلامی فعالیت می‌نماید و عدم وجود بهره و عملیات ربوی آن را از نظام بانکی کشورهای غربی متمایز می‌سازد، لکن نقش واسطه‌ای هنوز به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های بانک‌ها پابرجاست. در این راستا و براساس قانون عملیات بانکداری بدون ربا بانک‌ها به‌عنوان امین و وکیل سپرده‌گذاران موظف هستند منابع سپرده‌ای آن‌ها را در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که بالاترین بازده ممکن را داشته باشد. براساس تئوری‌های اقتصادی، نرخ سود بانکی نشان‌دهنده بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی است که براساس آن سپرده‌گذار تمایل می‌یابد که منابع خود را در اختیار بانک قرار دهد تا توسط بانک در فعالیت‌های اقتصادی مربوطه سرمایه‌گذاری گردد. بر این مبنا عملاً فعالیت‌هایی در اولویت برای اعطای تسهیلات قرار می‌گیرند که بازده آن‌ها حداقل به میزان نرخ سود مربوطه باشد. شایان توجه است که نرخ سود مورد نظر نرخ سود واقعی یعنی نرخ سود حاصل از کسر نرخ تورم از نرخ سود اسمی می‌باشد.

اگر هیچ‌گونه فشاری برای تعیین دستوری نرخ سود بانکی اعمال نشود نرخ سود سپرده‌های بانکی براساس نرخ بازده فعالیت‌های اقتصادی در بازار و ریسک مورد انتظار سپرده‌گذاران شکل خواهد گرفت. بدین ترتیب بانک‌ها برای جذب سپرده‌ها باید بتوانند سود مورد انتظار سپرده‌گذار را از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف اقتصادی که با اعطای تسهیلات شکل می‌گیرد تأسیس نمایند. بر این اساس، پروژه‌های اقتصادی یا متقاضیانی می‌توانند از تسهیلات بانک‌ها استفاده نمایند که قادر به تأمین بازده مورد انتظار با توجه به شاخص‌های بازار هستند و این امر در نهایت به توسعه

فعالیت‌های پربازده و در نهایت رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی که دارای کارایی بالا در زمینه کسب سود و درآمد هستند منجر می‌گردد. به واقع فرای این‌که نظام بانکی براساس مفروضات بانکداری غربی یا بانکداری اسلامی فعالیت نماید، سازوکار فوق‌الذکر علت وجودی و هدف اصلی بانک‌ها در یک نظام اقتصادی است. لذا هرگونه اختلالی در فرایند مزبور در اثر تعیین دستوری نرخ‌های سپرده‌ها یا تسهیلات بانکی، در نهایت به تخصیص غیربهبهینه منابع منجر شده و موجب عدم کارایی اقتصادی خواهد شد.

با توجه به مطالب فوق نتیجه حاصل از کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی را در چارچوب دو حالت ممکن برای کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

- کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی همراه با کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی.

- کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بدون کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی.

حالت اول - کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی همراه با کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی

در این حالت با توجه به این‌که نرخ سود سپرده‌های بانکی کاهش می‌یابد با توجه به رشد و توسعه سرمایه‌گذاری‌های جایگزین سپرده‌گذاری در بانک‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در بازار بورس، کالاهایی از جمله اتومبیل و موبایل و ... انتظار می‌رود که تعداد قابل توجهی از افراد سپرده‌های خود را از بانک‌ها خارج نموده در بخش‌های دیگر سرمایه‌گذاری نمایند و چه بسا فعالیت‌های سپرده‌پذیری در بازار غیررسمی نیز بیش از پیش رونق یابد. این امر از یکسو توان اعطای تسهیلات بانک‌ها را کاهش داده و از سوی دیگر آن‌ها را تحت

فشار افزایش تقاضای دریافت تسهیلات که به دلیل کاهش نرخ سود اجتناب‌ناپذیر است قرار می‌دهد. بدین ترتیب تعداد زیادی از متقاضیان که با رانت اختلاف قابل توجه در نرخ‌های سود بانکی و نرخ‌های بازار غیررسمی و نیز کمبود حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها روبه‌رو می‌گردند حاضر خواهند بود برای اخذ تسهیلات از تمهیدات و سازوکارهای غیرقانونی و نامشروع همچون پرداخت رشوه و سایر اهرم‌های ممکن استفاده نمایند که این امر خود می‌تواند به گسترش فساد مالی در سیستم بانکی کشور دامن بزند.

البته در گزارش پیوست نامه مورد نظر به این نکته اشاره شده که علی‌رغم سود منفی سپرده‌ها (با توجه به نرخ تورم) در سال‌های اخیر با افزایش سپرده‌گذاری در بانک‌ها روبه‌رو بوده‌ایم. در این ارتباط می‌توان از رشد نقدینگی ناشی از افزایش حجم پول و همچنین نبود سپرده‌گذاری‌های جایگزین و به عبارت بهتر انحصاری بودن بانکداری در کشور به عنوان دلایل اصلی این امر یاد نمود. در سال‌های اخیر توسعه بازار بورس و نیز تأسیس بانک‌های خصوصی جایگزین‌های بالقوه‌ای را برای سپرده‌گذاری در بانک‌های دولتی مطرح نموده و همین امر باعث گردیده که با افزایش رقابت در جذب سپرده‌ها، برخی از بانک‌های دولتی نیز برای جذب بیش‌تر سپرده‌ها سود قطعی پرداختی را افزایش دهند. شایان ذکر است که بنا بر تئوری‌های اقتصاد خرد افزایش کالاهای جانشین برای یک کالا، موجب افزایش کشش‌پذیری قیمتی آن می‌گردد. بر این اساس هرچند به سبب عدم وجود جانشین برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها طی سال‌های گذشته حساسیت یا کشش‌پذیری آن‌ها نسبت به نرخ سود قابل توجه نبوده، لکن این امر با ظهور جایگزین‌های جدید لزوماً برقرار نخواهد بود و نمی‌توان به آن اتکا نمود.

در این ارتباط باید به نرخ سود سپرده‌ها اشاره داشت که در عمده سال‌های اخیر از نرخ تورم کم‌تر بوده است. همان‌طوری که ذکر شد در این

سال‌ها با ظهور و گسترش بازار بورس به عنوان نهاد اصلی بازار سرمایه یک گزینه رقیب در امر جذب منابع مالی مطرح گردیده است. به همین دلیل است که روند رشد سپرده‌گذاری در بانک‌ها نسبت به رشد بازار بورس کمتر بوده و در صورت تشدید این امر (به‌طور مثال با کاهش دستوری نرخ سود سپرده‌ها به‌جای تنظیم آن با نرخ تورم)، محدودیت منابع مالی بانک‌ها تشدید خواهد شد و این امر می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأمین مالی طرح‌های اقتصادی را با مشکل مواجه نماید. از سوی دیگر نمی‌توان این واقعیت را از نظر دور داشت که بجز بازار بورس به عنوان بازار رسمی سرمایه، گزینه دیگری برای جذب سپرده‌های بانک‌ها وجود دارد و آن بازار غیررسمی است. طبق نتایج یک طرح تحقیقاتی^۱ در شرایط فعلی به دلیل وجود بازارهای غیررسمی و موازی توأم با نرخ‌های سود بالا^۲ (حداقل ۳۶ درصد در سال که مربوط به بازار رهن و اجاره مسکن می‌باشد) با کاهش نرخ سود رسمی، بخشی از منابع مالی بازار رسمی به دنبال کسب سود بیش‌تر و استفاده از مابه‌التفاوت موجود، به بازار غیررسمی منتقل خواهد شد. از آنجایی که مازاد تقاضا برای منابع مالی در اقتصاد ایران قابل توجه می‌باشد لذا کاهش نرخ سود بازار غیررسمی نسبت به حجم منابع منتقل شده به آن ناچیز بوده و در نهایت این جابه‌جایی، نرخ موزون سود یا نرخ موزون هزینه استفاده از منابع مالی را افزایش داده و در نهایت باعث کاهش سطح سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌گردد. از سوی دیگر با

۱. تحقیق انجام شده در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «رابطه نرخ سود رسمی پیش‌بینی شده و نرخ سود غیررسمی در بازار مالی ایران» که در آبان ماه سال جاری در هفتمین سمینار ماهانه پولی و بانکی ارائه شده است.

۲. باید توجه داشت که در بازار غیررسمی به دلیل ماهیت ذاتی آن مبنی بر عدم شفافیت، معاملات تجاری - مالی از ریسک بالایی برخوردار بوده و لذا هزینه ریسک تحمیل شده بر نرخ‌های سود اثر خود را به‌صورت افزایشی نشان می‌دهد.

وجود خیل عظیم متقاضیان تسهیلات بانکی، بدیهی است کاهش نرخ سود بدون توجه به تورم موجود، منابع مالی بانکها را تحلیل داده و انتظار می‌رود بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری پربازده، به دلیل فشار ناشی از رانت موجود، جای خود را به طرح‌های کم‌بازده و پر ریسک دهد. یکی از تبعات عمده این امر افزایش نرخ تسهیلات معوق و تضعیف شدید قدرت وام‌دهی بانکها می‌باشد.

حالت دوم - کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بدون کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی

این سیاست ضمن این‌که تمام معضلات ناشی از ایجاد رانت ذکر شده در حالت اول را در بر دارد مشکل دیگر را نیز برای بانکها پدید می‌آورد و آن کاهش حاشیه سود دریافتی و سود پرداختی است. این حاشیه ضمن پوشش هزینه‌های بانکها، یکی از منابع اصلی درآمد آنهاست. هر چند براساس نظر برخی از کارشناسان حاشیه مزبور در بانکهای کشور نسبت به سایر کشورهای جهان بالاتر است لکن باید توجه داشت اولاً حاشیه سود مزبور طی سال‌های اخیر روندی نزولی را تجربه نموده و این بدان معنا است که کارایی نظام بانکی در حال افزایش است و امید است روند نزولی اخیر همچنان ادامه یابد. ثانیاً در سایر کشورها موضوع انواع تسهیلات تکلیفی و معضلات ناشی از آن و همچنین بسیاری از مشکلاتی که هم اکنون بانکهای کشور در زمینه تسویه تسهیلات معوق و تملیک وثایق با آن روبه‌رو بوده و هزینه‌های قابل توجهی را برای آنها در بر دارد مطرح نیست. به هر تقدیر این سیاست نیز معضلات و مشکلات جدی را برای بانکها پدید خواهد آورد که به سادگی نمی‌توان از کنار آنها گذشت.

با توجه به موارد فوق به منظور حمایت از صنایع و افزایش رقابت‌پذیری

نباید صرفاً بر کاهش هزینه‌های مالی آن‌ها متمرکز شد و لازم است به این واقعیت اساسی توجه نمود که کاهش نرخ تورم باید مقدم بر کاهش نرخ سود بانکی انجام پذیرد وگرنه نتایج معکوس حاصل خواهد شد. کاهش نرخ تورم در درجه نخست نیازمند کاهش رشد نقدینگی و استفاده بهینه از نقدینگی فعلی در اقتصاد بوده و صرفاً با تزریق منابع ارزان‌قیمت در صنایع کشور، نمی‌توان به کارایی لازم جهت حضور در بازارهای جهانی و ایجاد قدرت رقابت‌پذیری دست یافت و این امر نیازمند تجدید ساختار در فناوری و مدیریت به منظور کاهش هزینه‌های زاید می‌باشد.

ذکر این نکته لازم است که اگر مسئولین همچنان برای کاهش هزینه‌های مالی از طریق کاهش نرخ‌های سود بانکی با هدف افزایش رقابت‌پذیری و حمایت از صنایع میسر می‌باشند باید تمهیداتی برای جبران هزینه‌های ناشی از این کاهش برای بانک‌ها در نظر گرفته شود و همچنان‌که در قانون برنامه چهارم توسعه نیز به آن اشاره گردید باید مابه‌التفاوت ناشی از نرخ‌های سوبسیدی توسط دولت از طریق در اختیار قرار دادن منابع اداره شده به بانک‌ها یا به هر صورت ممکن جبران شود که البته این امر علاوه بر هزینه‌های ناشی از معضلات و مشکلات رانت ایجاد شده نیز هزینه‌های اقتصادی (هزینه فرصت) بالغ بر حاصل‌ضرب حجم ریالی افزایش تقاضای تسهیلات در مقدار کاهش سود را برای دولت در بر خواهد داشت.

۴. پیشنهادهای مطرح شده از طرف دستگاه‌ها و کارشناسان در خصوص طرح مذکور

۴-۱. مجمع کنفدراسیون صنعت ایران

پیشنهاد می‌شود، ثبات فعلی را با برنامه‌هایی که پیگیری مداوم لازم دارد به هم نریزیم و کاهش نرخ سود اعتبارات بانکی، همراه با کنترل نرخ تورم که موردنظر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی است و می‌تواند رونق تولید را به همراه داشته باشد، در اختیار رئیس قوه مجریه بعدی قرار دهیم تا ایشان با انتخاب اعضای کابینه‌ای که مجلس محترم با رأی اعتماد خود درباره صلاحیت آن‌ها قضاوت خواهند کرد شاهد اقدامات یکپارچه دولت در تمام زمینه‌های اقتصادی باشیم.

۴-۲. خانه صنعت و معدن تهران

در مورد طرح:

۱. چنانکه ممکن باشد زمان تعدیل نرخ به نحوی باشد که هر سه ماه دو درصد (۲٪) از نرخ جاری کسر شود و جمعاً این روند برای پنج دوره سه ماهه ادامه داشته باشد تا این که نرخ سود در حد $\frac{3}{5}$ تا ۵ درصد قرار گیرد و به‌طور عموم برای تدوین اعتباراتی که معاملات را شبه ربوی نکند مقتضی است با چند مشاور حقوقی که به فقه اسلامی نیز اشراف داشته باشند مشاوره شود بهتر است.

۴-۳. انجمن خودروسازان ایران

۱. پیشنهاد می‌شود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در مقطع موردنظر ۱۸ ماهه، در دو مرحله:

الف) سود مشارکت اوراق مشارکت دولتی را به ۱۵ درصد کاهش دهند.
 ب) سود تسهیلات خدمات / بازرگانی را مساوی سود تسهیلات صنعتی / تولیدی نمایند.

ج) سود تسهیلات بانکی را به ۱۵٪ (یکساله) کاهش دهند.
 د) حجم تسهیلات تکلیفی بانکها را در سال ۱۳۸۴ به ۵۰ درصد میزان فعلی رسانده و تصویب هر نوع تسهیلات تکلیفی را در سال ۱۳۸۴ ممنوع نمایند.
 هـ) بانکها را موظف به برداشتن از حسابهای پس انداز، سپرده، جاری مشتریان خود برای پرداخت قبوض آب، برق، تلفن، گاز و سایر پرداختهای دولتی از طریق شبکه کامپیوتری نمایند.
 و) حجم سپرده بانکها نزد بانک مرکزی را حداقل ۴ درصد کاهش دهند تا حجم تسهیلات بالا رود.

۲. به نظر می رسد اجرای چند حرکت همزمان و متناسب با یکدیگر قابلیت اجرایی داشته باشد و اگر نه کاهش ۴/۵ درصدی ظرف ۱۸ ماه بدون اجرای سایر اقدامات غیرعملی است.

۴-۴. حسن خسروی (کارشناس)

به طور کلی توصیه می شود جهت بهبود عملکرد سیستم بانکی در تجهیز منابع پس انداز به سمت سرمایه گذاری اقداماتی به شرح ذیل انجام شود:

۱. یکی از شرایطی که برای کاهش نرخ سود بانکی لازم است فراهم شود، کنترل نرخ تورم در سطوحی پایین می باشد. بنابراین در اقتصاد ایران برای آماده سازی زمینه اتخاذ سیاست کاهش نرخ سود بانکی، باید در یک دوره میان مدت اتخاذ سیاست کنترل تورم و هدفگذاری تورمی مورد توجه واقع شود و پس از آماده شدن شرایط لازم به تدریج سمت و سوی سیاستها به سمت کاهش نرخ سود بانکی متناسب با نرخ تورم جهت دهی شود.

۲. یکی از مشکلات عدیده‌ای که اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته به ویژه سال‌های پس از انقلاب در جهت تجهیز منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری در کنار سیاست‌های نادرست نرخ سود بانکی با آن روبه‌رو بوده است، عدم وجود ساختار مناسب بازار پول و سرمایه است به گونه‌ای که نقش بانک‌های دولتی به قدری در بازارهای مالی وسیع است که عملاً سیستم بانکی دولتی نقش نظام مالی را در کشور ایفا می‌کند. بنابراین عدم توسعه نهادهای مالی غیربانکی و عدم فعالیت بخش خصوصی در این زمینه و همچنین محدود شدن نظام مالی کشور به سیستم بانکی دولتی و ناکارآمد باعث شده است علی‌رغم این‌که اقتصاد کشور از رشد افسار گسیخته نقدینگی در جامعه رنج می‌برد ولی واحدها و بنگاه‌های تولیدی و صنعتی و کارآفرینان جامعه با کمبود نقدینگی جهت انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مواجه هستند که علت اصلی این معضل ضعف نظام مالی کشور در تجهیز منابع است. بنابراین فراهم نمودن شرایط لازم جهت توسعه نهادهای مالی غیربانکی و گسترش بخش خصوصی در نظام مالی کشور و در نتیجه برقراری شرایط رقابتی امری ضروری است چرا که وجود یک سیستم رقابتی برای انجام اصلاحات مالی امری اجتناب‌ناپذیر است در حالی که ماهیت انحصاری سیستم بانکی در کشور، اجرای مقررات و کنترل‌های اساسی را الزامی می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت با تدوین برنامه‌ای منسجم، پیش‌نیازهای اساسی برقراری شرایط رقابتی در نظام مالی کشور را فراهم آورد.

۳. همان‌طور که می‌دانیم سیستم بانکی وظیفه واسطه‌گری مالی را بر عهده دارد، یعنی تعهدات کوتاه‌مدت (سپرده‌ها) را به دارایی‌های بلندمدت (وام‌ها) تغییر شکل می‌دهد. این وظیفه در شرایطی که محدودیت اساسی سرمایه‌گذاری در کشور کمبود منابع اعتبار است در غیاب مقررات و نظارت دقیق معضلاتی را در تخصیص بهینه منابع به بار خواهد آورد. این امر بر ضرورت تقویت

ابزارهای نظارتی به نحوی که بانکها در تجهیز عملیات سپرده و وام تحت انضباط و کنترل درآیند، تأکید می‌کند.

۴. ضعف کارایی و رقابت در نظام بانکی در تفاوت بین سود تسهیلات و سود پرداختی به سپرده‌ها که بانکها دریافت می‌کنند (Spread) تجلی می‌یابد. بررسی‌های انجام شده در اقتصاد ایران حاکی از آن است که Spread بانکها بسیار بالاست. بنابراین پیشنهاد می‌شود با افزایش کارایی و بهره‌وری نظام بانکی کشور زمینه کاهش این مابه‌التفاوت فراهم شود یا این‌که در شرایط تغییرات نرخ تورم، به منظور کنترل نرخ سود بانکی حقیقی در حد مثبت نزدیک به صفر، با انعطاف‌پذیری Spread بانکی به گونه‌ای عمل شود که گویی نرخ سود تسهیلات به سمت افزایش و نرخ سود سپرده‌ها به سمت کاهش چسبیده است.

۴-۵. خانه کشاورز

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که تجهیز منابع مالی به‌ویژه برای فعالیت‌های تولیدی عمده‌تأ باید متکی به بازار سرمایه باشد. در واقع تأمین مالی بلندمدت از طریق شبکه بانکی به دلیل ماهیت پرهزینه آن توجیه اقتصادی چندانی ندارد و به‌عنوان آخرین گزینه برای سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در کشور ما به دلیل فقدان بازار سرمایه منسجم و کارآمد بخش عمده‌ای از فشار تأمین مالی برای فعالیت‌های تولیدی به عهده نظام بانکی کشور است که بدیهی است نمی‌تواند همه متقاضیان تسهیلات را پاسخگو باشد. لذا توصیه می‌شود با ایجاد زیرساخت‌های لازم در بازار سرمایه و پیش‌بینی نهادهای مورد نیاز (بانک‌های سرمایه‌گذاری و...) بازارهای دست اول، دست دوم و... طراحی ابزارهای مالی کارآمد ... و در نتیجه تشکیل نظام مالی مبتنی بر «پایه اوراق بهادار»، انتظارات از نظام «پایه بانک» را به حد متناسب رساند.

۴-۶. سید عباس موسویان (محقق)

به نظر می‌رسد اگر طرح را به صورت زیر تغییر دهیم، جواب مخالفان کاهش سود در خود طرح داده می‌شود.

عنوان طرح

منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر نظام بانکداری بدون ربا)

موضوع طرح

ماده واحد - دولت موظف است طی دوره زمانی چهار ساله از تاریخ تصویب این قانون، هر شش ماه یک بار، نسبت به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی (بانک‌های دولتی و خصوصی) به اندازه ۱ درصد اقدام کند به نحوی که در خاتمه مدت ۸ درصد از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود.

تبصره «۱» - به منظور متعادل کردن نرخ تورم متناسب با نرخ تسهیلات با هدف حمایت از سیاست فوق دولت موظف است با اصلاح نظام بودجه‌ریزی طی دو سال هم‌زمان با اجرای ماده واحد مزبور مبلغ ۲۰,۰۰۰ میلیارد ریال از کسری بودجه با حذف ردیف‌های زائد از قانون بودجه سالانه بکاهد.

تبصره «۲» - دولت موظف است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام و کاهش تدریجی نرخ تورم از شش ماهه سوم تصویب این قانون، هر شش ماه یک بار ۱ درصد نرخ سود سپرده‌های بانکی را کاهش دهد به نحوی که در خاتمه ۶ درصد از نرخ سود متوسط سپرده‌ها کاسته شود.

تبصره «۳» - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است هر سه ماه یک بار گزارش مربوط به نحوه اجرای این قانون را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند.

اگر طرح به شکل فوق تغییر یابد تمامی نگرانی‌های مطرح شده به عنوان نواقص طرح به بیان زیر برطرف می‌شود.

۱. از آنجا که کاهش نرخ سود سپرده‌ها از شش ماهه سوم و بعد از کاهش تدریجی نرخ تورم خواهد بود در نتیجه سود واقعی سپرده‌ها نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه چه بسا افزایش هم پیدا کند بنابراین حقی از سپرده‌گذاران تضییع نشده و زمینه‌ای برای خروج سپرده‌ها از بانک فراهم نمی‌شود.

۲. انتظار کاهش یک درصدی نرخ سود تسهیلات در هر شش ماه به صورت مرتب، این زمینه را فراهم می‌کند که خیلی از متقاضیان برای برخورداری از کاهش نرخ سود تسهیلات، تقاضای خود را به تأخیر انداخته یا تقاضای خود را به چند قسمت تقسیم کرده به تدریج تقاضا کند در نتیجه، تقاضای تسهیلات بانکی نه تنها زیاد نمی‌شود بلکه انتظار می‌رود فشار تقاضا کاهش هم پیدا کند. بنابراین نه از طولانی شدن صف تقاضا و نه از رانت دستیابی به تسهیلات نگرانی نخواهد بود.

۴-۷. بانک صنعت و معدن

مجلس شورای اسلامی و دولت در چارچوب برنامه‌های اقتصادی و مالی خود می‌تواند با در اختیار گذاشتن منابع ارزان قیمت به بانک‌های تخصصی کمک کنند تا نرخ تسهیلات را به میزان محاسبه شده کاهش دهند.

۴-۸. بانک سامان

ضمن آنکه کاهش سود تسهیلات لزوماً به افزایش کارایی سیستم بانکی

نمی‌انجامد. دو متغیر مهم اقتصادی که نشان‌دهنده کارایی نظام مالی است، عبارت است از پایین بودن نرخ تورم و تفاوت بین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی. کاهش نرخ تورم از طریق استقلال بانک مرکزی قابل حصول است و کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات و سپرده از طریق افزایش رقابت، افزایش رقابت نیز به معنی کاهش موانع ورود به بازار مالی از یک سو و اصلاح ساختارهای بانک‌های دولتی از سوی دیگر است. در واقع تنها راه قابل حصول به اهداف نهایی طرح افزایش بازیگران در بازارهای مالی و خارج کردن وضعیت آن از حالت شبه انحصاری/ دولتی است.

۹-۴. بانک سپه

ضمن تأکید بر این واقعیت که مجموعه کارگزاران صادق و خدوم نظام بانکی و بالاخص مدیریت و کارکنان بانک سپه، به لزوم بذل عنایت بیش‌تری برای وضعیت اقتصادی کلان کشور و از جمله مساعدت و کمک بیش‌تر برای بهبود وضعیت و توان رقابتی بخش تولید اعتقاد راسخ دارند، تأکید می‌کند که در این زمینه لزوم منطقی کردن هزینه‌های تأمین مالی پروژه‌ها و کاهش منطقی نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز مورد وثوق و تأکید کامل است لذا در این رابطه توجه مقامات ذی‌ربط را به موارد زیر معطوف می‌دارد:

۱. استفاده از راهکارها، مفاهیم و واژه‌های بنیادین قانون عملیات بانکی بدون ربا و روابط حقوقی مندرج در این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی مانند مشارکت، بیع، نسبت سهم سود، وکالت، ثمن معامله و ... برای اصلاح و کاهش هزینه‌های تأمین مالی، علاوه بر تثبیت اصالت و کارایی این نظام متری، اهداف اشخاص حقیقی و حقوقی موافق با کاهش نرخ‌های سود را نیز تأمین خواهد کرد.

۲. پیچیدگی قوانین ناظر بر فعالیت‌های نظام بانکی و تعدد دستگاه‌های نظارتی در شرایط کنونی، تسریع در ساماندهی وضعیت اداره بانک‌های دولتی

و تدوین قوانین و اساسنامه‌هایی که ضمن شفاف‌سازی وظایف و تکالیف بانک‌ها، حقوق و اختیارات آن‌ها را نیز به صورت جامع و فراگیر تعریف کند، ایجاب می‌کند.

۳. اتخاذ تمهیدات جدی برای بازپرداخت بدهی‌های دولت به نظام بانکی و حذف تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ای، بی‌تردید امکانات و توانایی‌های بانک‌ها را برای ارائه خدمات و اعطای تسهیلات بیش‌تر و بهره‌ورانه به بخش‌های مولد اقتصادی فراهم خواهد کرد.

۴. در شرایط کنونی بسیاری از هزینه‌های غیرعملیاتی بانک‌های دولتی مربوط به هزینه‌های سربار ناشی از وظایف و تکالیف و محدودیت‌های پیرامونی است. در این زمینه می‌توان به هزینه‌های بسیار زیاد بانک‌ها برای انجام خدمات آب‌ونمان (قبوض آب، برق، تلفن و گاز)، ارائه چک‌های مسافرتی و در گردش به متقاضیان بدون توجه به هزینه‌های تمام شده آن‌ها که سهم قابل توجهی از درآمدهای بانک‌ها را در دنیا به خود اختصاص می‌دهد، هزینه‌های ناشی از دستور مقامات قضایی برای ابلاغ عدم پرداخت چک‌های مسافرتی مفقود شده به تمامی شعب و واحدهای بانک و ... اشاره کرد. براین اساس تا زمانی که اجبار بانک‌ها در تحمل هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مرتفع نشده است، بخش قابل توجهی از فاصله بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات اعطایی را باید به این‌گونه موارد اختصاص داد.

با توجه به موارد ذکر شده بانک‌های تجاری باید سپرده‌های جذب شده را که میانگین زمانی آن‌ها کم‌تر از ۳ سال است به مصارف کوتاه‌مدت خود تخصیص دهند. در صورت عدم توجه به این امر خطیر پرتفوی منابع و مصارف این‌گونه بانک‌ها با اخلال و عدم توازن زمانی مواجه خواهد شد. در مقابل بانک‌های تخصصی باید منابع خود را در راستای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌ها و اعطای تسهیلات بلندمدت برنامه‌ریزی کنند و برای اجرای

بهره‌ورانه این وظیفه مهم و دستیابی به توازن معقول در پرتفوی منابع و مصارف نمی‌توانند بر تجهیز منابع سپرده‌ای اتکا کنند بلکه منابع مورد نیاز این این‌گونه بانک‌ها باید از محل منابع اعتباری بلندمدت نظیر تأمین منابع استقراضی از بودجه‌های عمرانی سنواتی کشور، استفاده از منابع صندوق‌های بیمه و بازنشستگی، تأمین مالی از بانک‌های سرمایه‌گذاری خارجی و ... فراهم و در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

متأسفانه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، اختلاط در حوزه وظایف و عملکرد بانک‌های تجاری و تخصصی، منجر به بروز عدم شفافیت در تکالیف و اختیارات این بانک‌ها شده و بسیاری از مشکلات و ناکارآمدی در نتایج فعالیت‌ها را به دنبال داشته است.

۱۰-۴. حیدر پوریان (کارشناس)

- با جمع‌بندی مطالب یاد شده، می‌توان پیشنهادهای ذیل را ارائه نمود:
- بازاری نمودن تعیین نرخ بهره و اجتناب از سرکوب مالی - که تعریف آن همزمان شدن کنترل نرخ‌های بهره در زمان‌های تورمی است.
 - انضباط مالی دولت، حذف کسری بودجه، کاهش بدهی دولت و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی، قطع حیف و میل مدیران دولتی و ... که همه این‌ها رشد اعتبارات و نقدینگی را کنترل نموده و هدف کاهش تورم را محقق کرده و نرخ بهره را با اجماع بازار به حداقل خواهد رساند. در این حالت، هم نظر اقتصاددانان و هم مالی‌چی‌ها و مدیران تأمین و جلب خواهد شد.
 - انتشار اسناد خزانه (بدون بهره و از طریق حراج) توسط دولت. بدین ترتیب یک نرخ پایه بدون ریسک در اقتصاد به صورتی شرعی معین می‌شود که می‌تواند پایه‌ای برای سایر نرخ‌ها و ریسک‌ها باشد. گفتنی است، دو سال قبل نیز ریاست محترم جمهور، بررسی انتشار مجدد اوراق خزانه را در دستور

کار قرار دادند - اما موضوع به فراموشی سپرده شد.

• ایجاد و توسعه یک بازار بین بانکی که بانک مرکزی - مثل سایر بازارهای دنیا - بتواند با سیاست‌های پولی و بر مبنای یک نظام مزیتی، نرخ بهره را به صورتی بازاری مدیریت کند.

• بررسی سیاست‌های چرخه‌ای نرخ بهره براساس درآمد نفت: از آنجا که تولید و واردات ما به نفت متکی هستند و افزایش قیمت نفت موجب تورم می‌شود - چون «مصون‌سازی» اعمال نمی‌شود - لذا می‌توان نرخ‌های بهره را در همان جهت قیمت و درآمدهای نفتی حرکت داد. در واقع، در زمان‌های با درآمد نفتی بالا، نرخ بهره را افزایش و در زمان‌های با درآمد نفتی پایین، آن را کاهش داد.

• بنا نهادن نرخ‌های بانکی براساس ریسک متقاضیان تسهیلات و پروژه‌ها.
• تشویق صادرات و استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی (پس‌اندازهای خارجی) علاوه بر تکیه نمودن به پس‌اندازهای داخلی.

• انضباط مالی دولت و هدفگذاری تورم در حد صفر. این روش هم نظر اقتصاددانان را جلب خواهد کرد و هم مدیران را، زیرا با این عمل، هم «صرف تورم» و هم نرخ‌ها کاهش خواهند یافت. نگاهی به ژاپن پس از جنگ بیندازید: دولت این کشور هم تورم و هم نرخ‌های بهره را در حد صفر نگهداشت و ضمن تجمیع گسترده پس‌اندازهای مردم، با نگاهی برون‌گرا و صادراتی، منابع مالی جهان را به خود جذب و با مازاد حساب جاری، رشد اقتصادی خود را تأمین نمود.

• استفاده از اوراق بهادار برای طرح‌های میان‌مدت و بلندمدت. این روش ضمن اجتناب از رشد بی‌رویه منابع پولی بانک‌ها که تورم‌زا می‌باشد، تأمین مالی شرکت‌ها در طرح‌ها و کالاهای بادوام را با هزینه‌های سرمایه پایین به انجام می‌رساند. تصویب و اجرای لایحه اوراق بهادار که هم‌اکنون در مجلس است،

می‌تواند به تحقق این اهداف کمک نماید.

- بازنگری قانون بانکداری بدون ربا، از جمله تعریف کردن ربا در این قانون، ممکن است برای علما و بانکداران جالب باشد که در برخی از ایالات کشور امریکا نرخ ۲۵ درصد و بالاتر ربا (به معنای گزاف بودن) تعریف می‌شود.
- عدم دخالت دولت و مجلس در تخصیص منابع بانکی. بانک خزانه دولت نیست و پول مردم در بانک به امانت سپرده شده است و دولت و مجلس حق دخالت در منابع مردم و تخصیص آن به صورت غیراقتصادی را ندارند.
- اجازه بروز ابداعات و خلاقیت‌ها و مدیریت‌ها در بانک‌ها و بانک مرکزی برای تجمیع بیش‌تر پس‌اندازها و کاهش نرخ بهره / سود اگر تورم قیمت‌ها را از تورم پس‌اندازها (که به صورت پول و شبه پول می‌باشند) حذف کنیم، مشاهده می‌کنیم که نظام بانکی ما تاکنون روند مطلوبی نداشته است. کارهای زیادی در امور مالی و بانکی داریم.

۱۱-۴. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز

۱. طرح فوق به شرطی موفق خواهد بود که تسهیلات اعطایی به سمت تولید و خدمات منجر به تولید هدایت شده و ارزش کالا و خدمات عرضه شده بیش‌تر از تسهیلات اعطایی بوده و در نتیجه به دلیل عرضه بیش‌تر (عرضه کل) نسبت به افزایش قدرت خرید (تقاضای کل) قیمت‌ها کاهش یافته و نتیجه این عملکرد ضد تورمی باشد وگرنه چنانچه تسهیلات اعطایی برای هزینه‌های جاری دولت مصرف گردند مسلماً باعث افزایش تورم خواهند شد.
۲. دولت‌ها با همکاری بانک مرکزی معمولاً از محل ذخایر قانونی، تسهیلات اعطایی بانک‌ها را مطابق سیاست‌های مورد نظر برای توسعه صنعت، کشاورزی و ... با نرخ‌های ارزان خریداری می‌نمایند چون بانک مرکزی بابت ذخایر قانونی سودی پرداخت نمی‌کند و هزینه تأمین پول برای ایشان صفر

می‌باشد. لذا می‌توانند آن را با هر نرخ ارزانی در بخش‌هایی که رشد و توسعه آن‌ها مورد نظر می‌باشد تزریق نمایند لذا بانک‌ها نیز چون برای آن بخش پول ارزان به دست می‌آورند آن را با نرخ ارزان تزریق و زمینه رشد و توسعه آن بخش را فراهم می‌کنند که این عمل در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به نام تنزیل مجدد معروف است منتها اجرای آن در ایران به ترتیبی که با شرع اسلام نیز مغایر نباشد میسر می‌باشد.

۵. با اجرای طرح کاهش سود تسهیلات به شرح فوق چون سود منابع غیربانکی نیز به تبع کاهش سود تسهیلات بانکی کاهش خواهد یافت و به دلیل عرضه تسهیلات بیش‌تر توسط بانک‌ها (با سود ارزان‌تر) استفاده از منابع غیربانکی نیز به دلیل عاطل و باطل ماندن منابع ایشان به سمت سپرده‌گذاری در بانک‌ها یا سرمایه‌گذاری در بورس یا کارهای تولیدی هدایت و از سیستم فعلی که سود بردن بدون زحمت می‌باشند خارج خواهد شد.

۵. پیوست

جدول ۲. نرخ‌های سود تسهیلات بانکی طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۳

سال	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی، خدمات و متفرقه	صادرات
۱۳۶۳	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۴	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۵	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۶	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۷	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۸	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۹	۶-۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۴	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹
۱۳۷۰	۶-۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۶	حداقل ۱۸	حداقل ۱۸
۱۳۷۱	۹	۱۳	۱۲-۱۶	حداقل ۱۸	حداقل ۱۸
۱۳۷۲	۱۲-۱۶	۱۶-۱۸	۱۲-۱۶	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۳	۱۲-۱۶	۱۶-۱۸	۱۵	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۴	۱۲-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۵	۱۲-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۶	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۷	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۸	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۹	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۸۰	۱۴-۱۵	۱۶-۱۸	۱۵-۱۶	(حداقل) ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۳-۱۴	۱۵-۱۷	۱۴-۱۵	(حداقل) ۲۲	۱۷
۱۳۸۲	۱۳/۵	۱۶	۱۵	(حداقل) ۲۱	۱۵
۱۳۸۳	۱۳/۵	۱۵	۱۵	(حداقل) ۲۱	۱۴

مأخذ: آمار ارائه شده توسط بانک سپه.

جدول ۳. قیمت تمام شده منابع در بانکها (براساس نرخهای سود علی الحساب پرداختی)

(مبالغ به میلیارد ریال)

سال ۱۳۸۲

شرح	جمع کل مبلغ	سهم درصد	الزامات قانونی و ذخایر احتیاطی			منابع آزاد	درصد سهم از کل منابع	نرخ سود (هزینه) علی الحساب	درصد هزینه تعدیل شده بر اساس منابع آزاد	درصد هزینه توزین شده
			الزامات قانونی	وجه نقد	جمع					
سپرده قرض الحسنه جاری	۱۲۶۶۹۴	۰/۳۰	۲۱۵۳۸	۱۲۶۷	۲۲۸۰۵	۱۰۳۸۸۹	۳۰/۲	-	-	-
سپرده قرض الحسنه پس انداز	۴۷۴۱۸	۰/۱۱	۸۰۶۱	۴۷۴	۸۵۳۵	۳۸۸۸۳	۱۱/۳	۲	۲/۴۴	۰/۲۸
سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت	۱۲۰۵۰۴	۰/۲۹	۲۰۴۸۶	۱۲۰۵	۲۱۶۹۱	۹۸۸۱۳	۲۸/۷	۷	۸/۵۴	۲/۴۵
سپرده های سرمایه گذاری یکساله	۱۳۰۰۶	۰/۰۳	۲۲۱۲	۱۳۰	۲۳۴۲	۱۰۶۶۴	۳/۱	۱۳	۱۵/۸۶	۰/۴۹
سپرده های سرمایه گذاری دوساله	۱۳۸۶۱	۰/۰۳	۲۳۵۶	۱۳۹	۲۴۹۵	۱۱۳۶۶	۳/۳	۱۶	۱۹/۵۱	۰/۶۴
سپرده های سرمایه گذاری سه ساله	۶۳۴۷	۰/۰۲	۱۰۷۸	۶۳	۱۱۴۱	۵۲۰۶	۱/۵	۱۶/۶	۲۰/۲۴	۰/۳۰
سپرده های سرمایه گذاری چهار ساله	۱۰۲۶	-	۱۷۵	۱۰	۱۸۵	۸۴۱	۰/۲	۱۶/۸	۲۰/۵۰	۰/۰۴
سپرده های سرمایه گذاری پنج ساله	۹۰۸۷۸	۰/۲۲	۱۵۴۴۹	۹۰۹	۱۶۳۵۸	۷۴۵۲۰	۲۱/۷	۱۷	۲۰/۷۳	۴/۵
جمع	۴۱۹۷۳۴	۱	۷۱۳۵۵	۴۱۹۷	۷۵۵۵۲	۳۴۴۱۸۲	۱۰۰	۸۸/۴	۱۰۷/۸۱	۸/۷۰

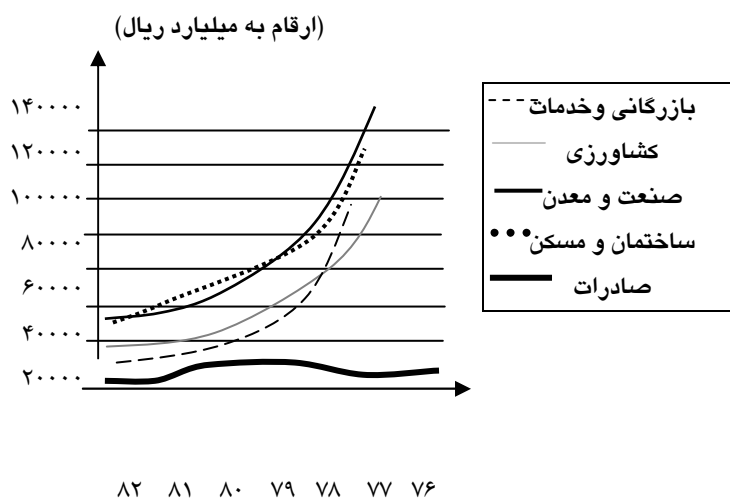
مأخذ: آمار ارائه شده توسط بانک سپه.

جدول ۴. تفکیک مانده تسهیلات اعطایی بانکها و مؤسسات اعتباری به بخش

غیردولتی بر حسب بخشهای مختلف اقتصادی (ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
بازرگانی، خدمات، متفرقه	۹۴۳۴	۱۲۷۴۱	۱۶۵۷۲/۲	۲۳۵۴۵	۳۳۱۴۹	۵۳۷۶۶/۷	۷۹۹۵۰/۱
کشاورزی	۱۲۰۶۶	۱۵۱۵۷	۲۲۶۲۱/۹	۲۸۷۰۵/۴	۳۷۴۶۸	۵۰۲۴۳/۴	۶۶۰۶۵/۷
صنعت و معدن	۱۹۱۲۵	۲۳۲۸۵	۳۰۲۵۹/۲	۳۹۹۱۳/۲	۵۸۱۹۱/۸	۸۱۴۷۰/۶	۱۲۳۲۰۸
ساختمان و مسکن	۱۷۳۳۲	۲۳۵۳۵	۳۲۸۱۹/۴	۴۲۲۶۶/۹	۵۴۶۱۲/۹	۷۲۴۶۲/۴	۹۵۰۹۹/۴
صادرات	۱۴۰۵/۶	۱۶۳۴/۹	۵۸۵۱/۲	۸۴۷۹/۴	۹۲۸۹	۷۱۲۷/۲	۸۶۵۰/۶
جمع	۵۹۳۶۲	۷۶۳۵۳	۱۰۸۱۲۴	۱۴۲۹۱۰	۱۹۲۷۱۱	۲۶۵۰۷۰	۳۷۲۹۷۴

مأخذ: آمار ارائه شده توسط بانک سپه.



نمودار ۲. تفکیک مانده تسهیلات اعطایی بانکها و مؤسسات اعتباری به بخش غیردولتی

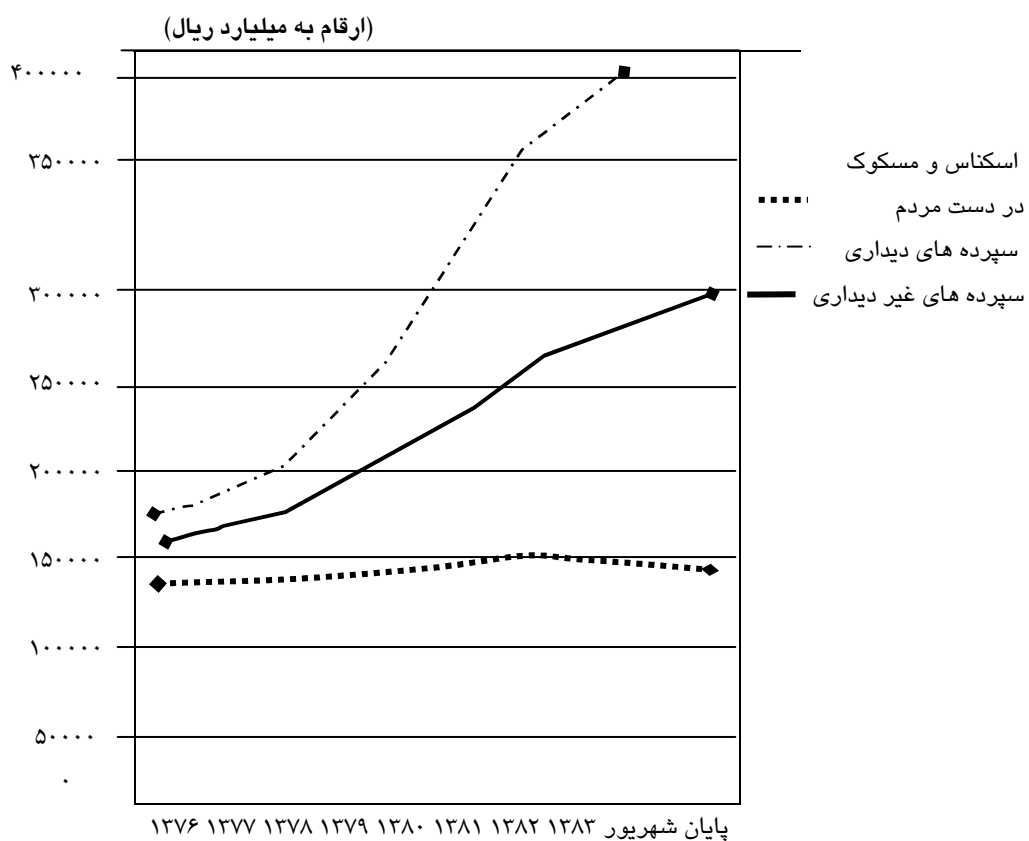
جدول ۵. وضعیت نقدینگی بخش خصوصی از سال ۱۳۷۶ تا پایان شهریور ماه

(ارقام به میلیارد ریال)

۱۳۸۳

عنوان	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	پایان شهریور ماه ۱۳۸۳
اسکناس و مسکوک و دست اشخاص	۱۵۳۸۰/۲ (٪۱۱/۵)	۱۸۷۷۳/۱ (٪۱۱/۷)	۲۲۱۱۹/۳ (٪۱۱/۵)	۲۵۱۵۸/۳ (٪۱۰/۱)	۲۹۱۸۸/۷ (٪۹/۱)	۳۴۷۸۰/۱ (٪۸/۳)	۳۸۷۳۲/۵ (٪۷/۴)	۳۳۳۶۳/۱ (٪۵/۵)
سپرده های دیباری	۴۷۹۲۳/۵ (٪۳۵/۷)	۵۶۰۱۱/۳ (٪۳۴/۹)	۶۴۶۳۱/۷ (٪۳۳/۵)	۸۹۲۶۲/۲ (٪۳۵/۸)	۱۱۳۷۶۸/۰ (٪۳۵/۴)	۱۴۷۸۷۲/۶ (٪۳۵/۴)	۱۷۸۶۲۴/۳ (٪۳۲/۹)	۱۹۴۴۱۰/۳ (٪۲۳/۳)
سپرده های غیردیباری	۷۰۹۸۲/۶ (٪۵۲/۹)	۸۵۶۱۷/۱ (٪۵۳/۳)	۱۰۵۹۳۸/۲ (٪۵۵)	۱۳۴۶۹۰/۲ (٪۵۴/۱)	۱۷۸۰۰۰/۶ (٪۵۵/۴)	۲۳۴۸۷۱/۳ (٪۵۶/۲)	۳۰۹۲۳۹/۶ (٪۵۸/۷)	۳۷۴۴۵۱/۳ (٪۶۲/۲)
نقدینگی بخش خصوصی	۱۳۴۲۸۶/۳	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۹۲۶۸۹/۳	۲۴۹۱۱۰/۷	۳۲۰۹۵۷/۳	۴۱۷۵۲۴/۰	۵۲۶۵۹۶/۴	۶۰۲۲۲۴/۷

مأخذ: آمار ارائه شده توسط بانک سپه.



نمودار ۳. وضعیت نقدینگی بخش خصوصی

تحلیلی بر سیاست‌های پولی در ایران*

مقدمه

یکی از طرح‌هایی که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دستور کار مجلس هفتم قرار گرفته «طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی» است. براساس این طرح که مشتمل بر ماده واحده و ۳ تبصره است دولت موظف گردیده است طی دوره زمانی ۱۸ ماهه نسبت به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی (اعم از بانک‌های دولتی یا خصوصی) اقدام کند به نحوی که در خاتمه ۲/۵ درصد از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود. در تبصره این طرح دولت موظف گردیده است به منظور متعادل نمودن نرخ تورم متناسب با نرخ سود تسهیلات با هدف حمایت از سیاست مذکور با اصلاح نظام بودجه‌ریزی طی دو سال هم‌زمان با اجرای ماده واحده مزبور مبلغ ۲۰,۰۰۰ میلیارد ریال از کسری بودجه را با

*. این گزارش تحت عنوان منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی (۳) «گزارش توجیهی» با شماره مسلسل ۷۳۰۶ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

حذف ردیف‌های زاید از قانون بودجه سالانه بکاهد. در تبصره «۲» نیز دولت موظف گردیده است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام بانکی به نحوی اقدام کند که برای ۱۸ ماهه دوم پس از اجرای ماده واحده فوق امکان کاهش نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده به طور متوسط تا ۴ درصد فراهم شود. براساس تبصره «۳» نیز وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف گردیده است هر سه ماه یک بار گزارش مربوط به نحوه اجرای این قانون را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند. طرح این پیشنهاد موجب واکنش‌های متفاوت از سوی مقامات اقتصادی کشور و نیز صاحب‌نظران گردیده و از جنبه‌های مختلف مورد کنذوکاو واقع گردیده است.

پیشنهاددهندگان طرح در مقدمه توجیهی طرح یادآور شده‌اند:

در سال‌های اخیر، یکی از عمده‌ترین گلايه‌های تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در ایران، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی بوده است. امروزه در اقتصاد جهانی عصر نرخ‌های بهره بانکی و تورم دو رقمی سپری شده و تولیدکنندگان در اغلب کشورهای جهان سوم و رقبای منطقه‌ای و جهانی کشورمان با نرخ‌های سود تک رقمی وام می‌گیرند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. این مسأله باعث شده تا تولیدکنندگان ایرانی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی از قدرت رقابتی کم‌تری نسبت به رقبای خارجی خود برخوردار باشند. شدت فشاری که تولیدکنندگان ایرانی از این بابت متحمل می‌شوند وقتی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم در سال‌های اخیر سیاست‌های اقتصادی کشور به سمت کاهش تعرفه‌های وارداتی و مواجهه تولیدکنندگان داخلی با ورود محصولات رقیب خارجی در بازار کشور بوده است. مهم‌ترین استدلال مخالفان کاهش نرخ سود بانکی، بالا بودن نرخ تورم و نگرانی از فرار سپرده‌ها از بانک‌ها از یکسو و افزایش متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی و تشدید رانت دستیابی به تسهیلات به نسبت ارزان قیمت بانک‌ها از سوی دیگر بوده است.

این در حالی است که: اولاً تحقیقات موجود نشان می‌دهد با وجودی که میزان سود واقعی بانک‌ها به سپرده‌های مدت دار (تفاوت نرخ سود پرداختی و نرخ تورم)، طی ۲۰ سال گذشته، تقریباً همیشه منفی بوده است ولی هر سال میزان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها رشد کرده است^۱ و در نتیجه، میزان سپرده‌های بانکی در ایران، بیش‌تر تابعی از ریسک اندک و سود تضمین شده معاف از مالیات آن‌هاست تا نرخ سود بانکی. ثانیاً عدم توان بانک‌ها به پاسخگویی به خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، بیش‌تر به ضعف سازوکارهای بررسی طرح‌های رسیده، پرداخت تسهیلات و نظارت بر مصرف صحیح آن‌ها در بانک‌های داخلی است که باید اصلاح شود و استدلال افزایش متقاضیان تسهیلات یا تشدید رانت برای دریافت‌کنندگان تسهیلات از بانک‌ها، برای مخالفت با کاهش نرخ سود بانکی، موجه و قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

نکته دیگر در همین باره اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور است. این رقم که در ایران به بیش‌تر از ده درصد می‌رسد^۲، باعث شده تا ناکارآمدی بانک‌ها از نظرها پنهان مانده و سود حاصله بانک‌ها از مابه‌التفاوت تسهیلات دریافتی و پرداختی صرف هزینه‌های نه چندان ضروری (مانند خرید ساختمان‌های متعدد یا لوکس‌سازی شعب و ادارات بانک‌ها) شود. در ارتباط با این طرح و آثار و نتایج مثبت حاصل از آن ملاحظات چند باید مدنظر قرار گیرد. نخست آن‌که علی‌رغم تأکید فراوان مخالفان طرح مبنی بر تفکیک قائل شدن بین نرخ اسمی و نرخ واقعی بهره در کشور، علی‌رغم آن‌که نرخ اسمی بهره در سطح کشور بالا بوده ولی در مقایسه با شاخص تورم و

۱. گزارش ارائه شده توسط ارائه‌دهندگان طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی، ص ۱.

۲. همان منبع ص ۲.

سطح عمومی قیمت‌ها این نرخ به مراتب پایین و در بعضی از سال‌ها منفی نیز بوده است و ملاک تعیین نرخ سود بانکی می‌باید نرخ تورم باشد (نه نرخ اسمی سود بانکی تا قدرت خرید پول سپرده‌گذار کاهش نیافته و انگیزه برای سپرده‌گذاری وجود داشته باشد) مع‌هذا تجربه سال‌های اخیر نشان داده است سپرده‌گذاری مردم نزد بانک‌ها کمتر تحت تأثیر رابطه بین سود بانکی و سطح تورم موجود در جامعه قرار داشته به نحوی که حتی در بعضی از سال‌ها با وجود منفی بودن نرخ واقعی سود بانکی باز هم شاهد افزایش سپرده‌گذاری مردم نزد بانک‌ها بوده‌ایم. تقریباً در تمام این سال‌ها بانک‌ها از نظر منابع در دسترس دچار مشکل یا کمبود نگردیده‌اند. حقیقت این است که رفتار سپرده‌گذاری مردم نزد بانک‌ها کمتر بستگی به تورم داشته و سپرده‌گذاران بانکی عمدتاً از قشری هستند که کمتر تحت تأثیر نرخ سودهای کاذب که در بازار غیرمتمثل پولی و مالی موجود است قرار می‌گیرند تا در صورت کاهش نسبی سود بانکی، به سوی سایر بازارهای غیرمتمثل پولی کشانده شوند.

جدول ۱. آمار مربوط به نرخ تورم و سود سپرده‌ها

سال	نرخ تورم (شاخص قیمت مصرف‌کننده)	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (پنج‌ساله)	سپرده‌های مدت‌دار (میلیارد ریال)
۱۳۶۹	۸/۹۳	۱۳	۱۰۳۸۲
۱۳۷۰	۲۰/۷۰	۱۴	۱۳۱۱۹
۱۳۷۱	۲۴/۳۶	۱۵	۱۷۰۵۶/۴
۱۳۷۲	۲۲/۸۵	۱۶	۲۳۰۳۹/۲
۱۳۷۳	۲۵/۲۰	۱۶	۲۷۹۱۷/۴
۱۳۷۴	۴۹/۳۸	۱۸/۵	۳۹۴۸۸/۶
۱۳۷۵	۲۳/۲۰	۱۸/۵	۵۴۲۴۱/۶
۱۳۷۶	۱۷/۲۸	۱۸/۵	۶۲۲۸۹/۴
۱۳۷۷	۱۸/۱۰	۱۸/۵	۷۳۱۹۷/۱
۱۳۷۸	۲۰/۰۹	۱۸/۵	۷۹۵۳۲/۲
۱۳۷۹	۱۲/۶۰	۱۸/۵	۱۰۳۳۶۳/۶
۱۳۸۰	۱۱/۴۰	۱۷	۱۴۱۰۶۶/۵
۱۳۸۱	۱۵/۸۰	۱۷	۱۸۵۸۶۲/۴

مأخذ: نماگرهای آماری بانک مرکزی سال ۱۳۸۱.

مطلب دیگر حائز اهمیت در ارتباط با نرخ سود بانکی، مسائل مربوط به بخش تولید و سرمایه‌گذاری در کشور است. تولید در کشور با مشکلات فراوان مواجه است که مهم‌ترین آن دسترسی به منابع مالی (عمدتاً از منابع بانکی) جهت سرمایه‌گذاری می‌باشد. مهم‌ترین منبع جهت سرمایه‌گذاری در تولید از منابع بانکی تأمین می‌شود. نرخ سود متوسط تسهیلات بانکی که در

واقع هزینه سرمایه‌گذاری است به‌طور متوسط ۱۸ درصد است که در بانک‌های غیردولتی گاه به حدود ۲۸ درصد هم می‌رسد. این نرخ برای بخش تولید به شدت گران است و با توجه به نرخ بازگشت سرمایه پایین به دلیل مشکلات ساختاری بخش تولید، بهره‌وری پایین، تکنولوژی نامناسب، مشکلات و قوانین دست و پاگیر از جمله قوانین مالیاتی، قانون کار و ... همه این موارد باعث می‌شود نرخ بازده سرمایه پایین باشد. جدای از مشکلات داخلی کشور در بخش تولید، تولیدکنندگان ما با رقبای بین‌المللی هم در بازار داخلی و هم در بازار خارجی روبه‌رو هستند که از توان بالایی برخوردارند. محصولات اکثر رقبای خارجی تولیدکنندگان ما به دلیل دسترسی به منابع ارزان (سرمایه، نیروی کار، مدیریت، تکنولوژی و ...) دارای قیمت تمام شده پایین و با کیفیت مناسب هستند. کالاهای تولید داخل جهت حفظ توان رقابتی حتی‌المقدور باید با قیمت پایین‌تر و با کیفیت بهتر تولید گردند تا بتوانند به بقای خود در صحنه رقابت ادامه دهند. در تمام دنیا نرخ‌های اعطایی تسهیلات به بخش تولید در حد ۱ تا ۲ درصد + لایبور^۱ و ریسک است که حدود ۸ تا ۹ درصد می‌باشد.^۲ تولیدکننده ما باید حداقل ۱۸ درصد بدهد در حالی که یک تولیدکننده خارجی در اکثر کشورهای توسعه یافته حداکثر ۹ درصد می‌دهد. نتیجه آن افزایش بهای تمام شده تولید کالاها در داخل کشور است. بنابراین قدرت رقابت در سطح بین‌المللی کاملاً از دست می‌رود. یعنی تولیدکننده ما قدرت رقابت ندارد. مشکل عمده اکثر تولیدکنندگان بالا بودن نرخ تسهیلات بانکی در مقایسه با نرخ بازده سرمایه پایین در کشور است که در مواردی منجر به انصراف تولیدکنندگان از فرایند تولید و ورود به سایر فعالیت‌های اقتصادی شده است. ملاحظه دیگر در ارتباط با موضوع نرخ سود تسهیلات بانکی، بالا بودن

1. Libor = London interbank offer rate. (نرخ بهره بین بانکی در لندن)

2. International Financial Statistics.

این نرخ به دلیل عدم کارایی و بالا بودن هزینه‌های عملیات بانکی در بانک‌های دولتی است، با استفاده از شیوه‌های نوین بانکداری و به کارگیری تجهیزات و امکانات ارتباطی برتر و با کاهش هزینه‌های جانبی و زائد عملیات بانکی، می‌توان همواره خدمات مناسب با کیفیت موردنظر را به مشتریان عرضه کرد و هم‌زمان هزینه‌ها را نیز کاهش داد، حقیقت این است که بانک‌های دولتی نیز همانند سایر شرکت‌های بخش دولتی به دلایلی که خارج از حوصله این گفتار است باید به مدیریت و بهره‌وری بیشتر توجه نمایند. به عبارتی هزینه‌های این بانک‌ها بالاست و به نوعی هزینه‌های بهره‌وری پایین و عدم کارایی خود را از دریافت‌کنندگان تسهیلات اخذ می‌کنند در حالی که می‌توانند با بالا بردن بهره‌وری و کارایی شبکه بانکی هزینه اعطای تسهیلات را کاهش داده و در جهت منافع دریافت‌کنندگان تسهیلات گام بردارند.

بیان مسأله

الف) وضعیت بهره در نظام بانکداری کنونی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین و تصویب قانون اساسی کشور منبعت از جهان بینی اسلامی، مسئولان نظام بانکی کشور بر آن شدند تا هر چه سریع‌تر پدیده بهره را که براساس تعالیم اسلامی نوعی ربا تلقی شده است، از مناسبات و روابط اعتباری نظام بانکی با اشخاص غیربانکی حذف کنند و بر این اساس نظام بانکداری اسلامی بدون ربا طراحی شد.

در ابتدای برقرار شدن نظام بانکی بدون ربا دولت این نظریه را دنبال می‌کرد که می‌توان با ایجاد تغییرات قانونی و سازمانی بهره را از مبادلات مردم و بانک‌ها حذف کرد و براساس قانون بانکداری بدون ربا نظام بانکی گذشته را به نظام بانکی متناسب با این قانون تغییر داد. در قانون بانکداری

بدون ربا دو نوع امکان برای پذیرش منابع مالی مردم پیش‌بینی شده است، یکی منابع قرض‌الحسنه و دیگری منابع سرمایه‌گذاری.

در نوع اول باید سپرده‌گذاران انتظار دریافت سود نداشته باشند و فقط برای استفاده از خدمات بانکی یا نیت خیر اعطای وام بدون بهره به افراد نیازمند، اقدام به سپرده‌گذاری کنند و در نوع دوم باید سپرده‌گذاران، بانک را وکیل کرده تا با منابع آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده و در سود حاصله شریک شوند. بانک‌ها نیز باید سپرده‌های نوع اول را با دریافت کارمزد فقط به اعطای وام‌های قرض‌الحسنه اختصاص دهند و سپرده‌های نوع دوم را از طریق عقود شرعی تعریف شده، مانند مضاربه، مشارکت و غیره به‌کار گرفته و سودی را که کسب می‌کنند پس از کسر کارمزد و حق‌الوکاله به سپرده‌گذاران پرداخت کنند. اما در عمل هیچ کدام از این موارد در حد مطلوب و مورد انتظار اتفاق نیفتاد، زیرا می‌توان گفت که ماهیت بهره حذف نشده و فقط نام آن به سود تغییر یافته است. در واقع نه سپرده‌گذاران آن‌گونه عمل کردند که در قانون بانکداری بدون ربا فرض شده بود و نه بانک‌ها توانستند انتظار این قانون را برآورده سازند. به همین دلیل برای جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه قرعه‌کشی و اعطای جوایز بسیار پرقیمت و تبلیغات مربوط به آن متداول شد و برای جذب سپرده‌های سرمایه‌گذاری میزان سود تضمین شده بانکی (یا به عبارت دیگر بهره) روندی افزایشی به خود گرفت. مسأله مهم دیگر این است که در کنار بازار پول و اعتبارات رسمی، بازار غیررسمی پول در کشور که در گذشته نیز وجود داشت تقویت شده است و میزان بهره در آن بسیار بالاتر از میزان بهره‌ای است که بانک‌ها به سپرده‌گذاران خود می‌پردازند. وجود این نوع بازارهای پولی دارای دو نوع نرخ متفاوت برای استقراض پول، زمینه‌ای را برای کسب رانت از این طریق فراهم کرده است که افراد و مؤسسات بتوانند پول را با نرخ بهره کم‌تر از بانک‌های دولتی قرض گرفته و در بازار غیررسمی

با نرخ بهره بالاتر وام دهند. به وجود آمدن این وضعیت باعث شده است که تقاضای کاذب برای دریافت وام از نظام بانکی رسمی بالا رود و به همین دلیل نظام بانکی برای اعطای وام شرایط سخت‌گیرانه‌ای را اعمال می‌کنند. در نتیجه ضمن فراوانی نقدینگی در بازار غیررسمی، کسب نقدینگی از بازار رسمی با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو شده و در ساختار نقدینگی نوعی دوگانگی و بن‌بست پدید آمده است.

نظام بانکی که در حال حاضر ترکیبی از چندین بانک دولتی بزرگ و چند بانک خصوصی کوچک است دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد^۱:

۱. براساس نظریه اسلامی بودن نظام بانکی و معاملات استقراری و به خصوص، ضروریات مرتبط با حفظ جنبه‌های ظاهری این نظر، بانک‌ها ناچارند از دستورات و روش‌های صادره از طرف بانک مرکزی اطاعت کنند.

۲. با توجه به ساختار متمرکز، غیررقابتی، بوروکراتیک و غیرمنعطف نظام بانکی و همچنین اجبار بانک‌ها برای رعایت دستورالعمل‌ها و توصیه‌های متعدد و گاهی متناقض دولت، هزینه گردش پول در نظام بانکی کشور ما بسیار زیاد است و به این دلیل نرخ بهره‌ای که با عنوان سود دریافت و پرداخت می‌شود در مقایسه با کشورهای جهان و حتی در مقایسه با شرایط قبل از انقلاب بالاست.

۳. چون نظام بانکی انگیزه و امکانات کافی برای گسترش فعالیت‌های خود ندارد بسیاری از نیازهای واقعی جامعه برای کسب اعتبار برآورده نمی‌شود، به همین دلیل نوعی نظام غیررسمی گسترده و قوی در کنار نظام رسمی برای اعطای اعتبار به وجود آمده است که میزان بهره آن بسیار بالاتر از میزان بهره نظام بانکی رسمی است و این میزان بهره بالا برای بخش خصوصی به‌عنوان

۱. بیضایی، سیدابراهیم. کاستی‌های نظری در اصلاحات اقتصادی ایران (بن‌بست نقدینگی)، مجله اقتصادی،

شماره ۱۲، مهر ۱۳۸۱، ص ۳.

سنجش هزینه و منفعت طرح‌های سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، به همین دلیل سرمایه‌گذاری در حد نیاز جامعه و جذب نیروی کار انجام نمی‌گیرد. شرایط مذکور، نظام پولی و اعتباری کشور مانع بزرگی بر سر راه اصلاحات اقتصادی به وجود آورده است، زیرا در شرایطی که حجم نقدینگی در کشور بالاست، نقدینگی موجود راه خود را به سوی بازدهی بیش‌تر از نرخ بهره بازار غیررسمی جستجو می‌کند و این میزان بازدهی از طریق فعالیت‌های تولیدی تحت نظارت دولت و در شرایط رقابت با خارج از کشور، نمی‌تواند حاصل شود.

ب) بازتاب سود بالای بانکی

هرچند ظاهراً تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات به عهده شورای پول و اعتبار است و ریاست شورای مزبور با وزیر محترم اقتصاد و دارایی است، ولی تلقی همگان این بوده که شورای مزبور تاکنون آنچه را که تصویب کرده بانک مرکزی در آن نقش اساسی داشته است و یکی از نمونه‌های آن سود بالای سپرده‌ها و تسهیلات بانکی بوده که تا به حال به دلیل پافشاری بانک مذکور تعدیل قابل ملاحظه‌ای در سود سپرده‌ها به عمل نیامده است. آثار سود بالای تحمیلی در تمام عرصه‌های زندگی مردم تگناهایی ایجاد کرده و نقش مخرب آن کاملاً مشهود است ولی تاکنون کسی جرأت دست زدن به آن را نداشته است. آثار چنین نرخ‌های بالای سود در چند مورد از این قرارند:

۱. **بهای مسکن:** ساخت یک واحد مسکونی برای خانواده‌های کم درآمد، در هر شرایطی که بخواهند سرپناهی بسازند به‌طور متوسط یک سال سرمایه‌ای را که باید برای ساخت آن به کار رود معطل نگه می‌دارد تا واحد مزبور قابل بهره‌برداری شود. لذا در مرحله اول و در هنگام بهره‌برداری این واحد حداقل

۲۰ درصد نسبت به هزینه‌ای که برای آن انجام شده گران‌تر خواهد بود. زیرا یا یک نفر وجوه خودش را از بانک بیرون آورده و از دریافت سود هنگفت بانکی محروم می‌شود، یا این‌که سرمایه لازم را از بانک قرض کرده و باید حداقل همان مقدار به بانک بهره بپردازد. در چنین شرایطی خانه‌ای که ارزش آن حدود سی میلیون تومان باشد باید سالانه شش میلیون تومان درآمد داشته باشد تا سالانه معادل ۲۰ درصد بهره آن تأمین گردد. این است که هزینه اجاره مسکن در کشور ما سر به فلک کشیده است و معلوم نیست بانک‌های پاسخگو برای این‌گونه بازتاب سود بالای بانکی چه پاسخی دارند؟

۲. **بهای کالاهای دیگر مصرفی (تولیدی) مردم:** اگر سود تولیدکننده‌ها نسبت به سرمایه‌ای که برای تولیدشان به کار رفته حداقل معادل - بالاترین سود بانکی متداول + هزینه‌های جنبی (مانند مالیات، بیمه، عوارض) + میزان مخاطره سرمایه‌گذاری + بهای دروسرها و مسئولیت‌های سرمایه‌گذاری - نباشد، کالا تولید و ارائه نخواهد شد و کمبود آن باعث گرانی کالا و در نتیجه واردات و وسیع‌تر کردن دامنه بیکاری خواهد شد. لذا به خوبی مشاهده می‌شود تورمی که مرتب از آن شکایت می‌شود چگونه توسط بهره بالای بانکی به قیمت کالاهای مصرفی تحمیل می‌شود. به‌خاطر همین موضوع است که باید در سال جاری حتماً و سریعاً فکری به حال سود بالای بانکی بشود.

۳. **علت عدم اعتنای بخش خصوصی واقعی (غیر از مؤسسات سرمایه‌گذاری وابسته به دولت و نهادهای دولتی) به برنامه خصوصی‌سازی دولت چیست؟** آیا همین سودهای بادآورده که تا ده برابر سود متداول در نقاط دیگر جهان است، توجه سرمایه‌گذاران را از تولید، بازرگانی و هرگونه فعالیت دیگری به سوی کسب درآمد از پول خام جلب نکرده است؟

اهداف و ضروریات طرح

عمده‌ترین عامل محدودکننده تولید در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عامل سرمایه است و یک سیستم مالی سرکوب کننده در کنار عدم یکپارچگی بازارها در عمل بیش‌ترین مانع برای تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی محسوب می‌شود. از این نظر اگر سرکوب مالی از طریق آزادسازی کاهش یابد، سیستم مالی می‌تواند نقش واقعی خود را از نظر تأمین نیازهای بخش تولیدی ایفا کند. کمیاب بودن پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری محدود، رشد ناکافی سرمایه‌گذاری و بهره‌وری پایین آن، کاهش واسطه‌گری مالی در بازارهای رسمی، رشد قابل توجه بازارهای مالی غیررسمی و اخذ مالیات تورمی توسط دولت از طریق انتشار پول مهم‌ترین ویژگی‌های سیستم مالی سرکوب کننده محسوب می‌شود. منفی بودن میزان پرداخت واقعی به سپرده‌گذاران و پس‌اندازها و نوسان‌های شدید آن، نسبت پایین پس‌انداز به درآمد ملی، ضعف در سیستم تخصیص منابع مالی نیز از مهم‌ترین نقاط ضعف این سیستم مالی به حساب می‌آید. توفیق در انجام اصلاحات مالی در گرو افزایش مکانیکی در میزان نرخ بهره کنترل شده نیست، بلکه مستلزم اقدام‌های دیگری برای اصلاح بخش مالی و رابطه دولت با اقتصاد می‌باشد. سیاست مکانیکی بالا بردن و بالا نگه داشتن نرخ بهره بدون رعایت توالی مراحل متعدد، مورد ایراد جدی واقع شده و به وضوح تأیید شده است که بدون انجام اصلاحات همسو در بخش واقعی اقتصاد، بالا بودن نرخ بهره ارزش اقتصادی ناچیزی دارد و نمی‌تواند نظام سیاست‌گذاری را به اهداف خود برساند. سیاست بالا نگه داشتن نرخ بهره که از نیمه اول دهه ۱۹۷۰ و در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی در برخی از کشورهای در حال توسعه به مرحله اجرا درآمد، موجب بی‌ثباتی مالی و بحران اقتصادی در بسیاری از آنها شد.

حالت خاصی که در نظام بانکی کشور ما ملاحظه می‌شود فاصله نامعقول بین سود دریافتی از تسهیلات بانکی و سود پرداختی به سپرده‌گذاران

می‌باشد.^۱ تفاوت بین میزان سود دریافتی به سپرده‌های بانکی هر چقدر بیشتر باشد، سهم بانک‌ها از سود به‌دست آمده به بهای پرداخت سود کم‌تر به سپرده‌گذاران، بالاتر خواهد بود و در نتیجه انگیزه بانک‌ها برای کاهش هزینه‌های عملیاتی و تخصیص بهینه منابع بانکی کاهش می‌یابد.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل بالا بودن Spread بانکی بالا بودن انتظارات بانک از سهم سود اکتسابی است که بر سپرده‌گذاران یا دریافت‌کنندگان تسهیلات اثر منفی می‌گذارد. لذا با توجه به مطالب گفته شده و نظر به بالا بودن Spread واقعی بانک (تقریباً ۱۱/۴ درصد برای سال ۱۳۷۹ و ۱۰ درصد برای سال ۱۳۸۲)^۲ به منظور مرتفع شدن بخشی از دلایلی که منجر به افزایش Spread بانکی می‌شود و همچنین به منظور کنترل نسبی تورم و کاهش هزینه‌های تولید، پیشنهاد می‌شود میانگین وزنی نرخ‌های سود تسهیلات حداقل بین ۲/۵ الی ۴/۵ درصد با اولویت بخش‌های تولیدی کاهش پیدا کند.

مبانی علمی و نظری طرح

الف) نرخ بهره در ایران و جهان

نرخ سود سپرده‌ها و نرخ تسهیلات بانکی از جمله مسائل مورد بحث در اقتصاد کشورهای جهان و از جمله اقتصاد کنونی کشور ایران است. برخی معتقدند که با کاهش واقعی نرخ بهره می‌توان فضای کار و اشتغال را ایجاد کرد و برخی دیگر به همسان کردن نرخ بهره بانکی و نرخ بهره در بازار معتقدند و لذا با کاهش آن مخالف هستند.

براساس نظرات اقتصادی وقتی تورم در اقتصاد رو به افزایش می‌گذارد،

۱. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی و گزارش‌های سالانه بانک‌ها از سودهای اعطایی به سپرده‌ها، سال‌های مختلف.

۲. موحد نژاد، علی، دلایل کاهش سود بانکی، مجله اقتصادی شماره ۴ - صص ۱ تا ۴.

قاعدتاً نرخ بهره هم باید بالا رود. یعنی اگر نرخ تسهیلات و بهره بالا نرود خود وام دهنده چه بانک باشد یا افراد خصوصی که به عنوان عرضه کننده منابع به سیستم بانکی هستند در اثر نرخ تورم بالا و اعطای وام متضرر می شوند. اما نکته اساسی اینجاست که در ایران سیاست های ارشادی نرخ بهره معمولاً توسط دولت به بانک مرکزی دیکته می شود یا این که شورای پول و اعتبار و در رأس آن بانک مرکزی با تعیین اولویت ها سیاست های ارشادی را دنبال می کند. در صورتی که براساس قواعد بازار نرخ بهره نباید توسط بانک مرکزی و شورای اقتصاد و به صورت برونزا تعیین شود بلکه نرخ بهره با توجه به عرضه و تقاضای منابع مالی در بازار تعیین می شود. اعمال سیاست های دستوری بر روی نرخ بهره موجب به وجود آمدن دوگانگی در نرخ بهره شده است به طوری که نرخ های بهره در داخل نظام بانکی به طور متوسط ۱۸ درصد است در حالی که در خارج از نظام بانکی بالای ۳۵ درصد است و حتی تا ۵۰ درصد نیز مشاهده شده است^۱ که در این بین تسهیلات گیرندگان از نظام بانکی صاحب امتیاز و رانتهایی شده اند که آن ها را از فعالیت های اقتصادی و تولیدی بی نیاز ساخته است. زیرا به عنوان مثال وامی که با پنج یا شش درصد اعطا می شود و در خارج از نظام بانکی با نرخ حداقل ۲۰ درصد تقاضا دارد، در همان لحظه تحویل وام ۱۵ درصد سود خود را برده است و این نوع سیستم نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.

ب) ملاحظات تحلیلی سیاست های پولی در ایران

۱. غنی نژاد، موسی؛ نرخ بهره در ایران و جهان: سود سپرده ها و تسهیلات بانکی، نشریه خراسان،

تیرماه ۱۳۸۰، ص ۲.

۲. نشریه خراسان، سود سپرده ها و تسهیلات بانکی در کشورهای پیشرفته، تیرماه ۱۳۸۰، صص ۱ تا ۲.

با توجه به این که دوگانگی بخش پولی در اقتصاد ایران همچنان روزبه‌روز حائز اهمیت بیش‌تری می‌شود، فعالیت نهادهای مستقر در بخش غیررسمی پولی نیز هم‌چنان رو به افزایش است. این معادلات بخش پولی را در ارتباط با بخش حقیقی قرار می‌دهند. از طرفی با درج نرخ بهره تسهیلات و نرخ بهره بازار غیرمتمشکل در معادلات تقاضای سرمایه‌گذاری، اتصال بخش‌های رسمی و حقیقی با بخش پول تقویت می‌گردد.

یکی از عوامل مهم در اثرگذاری سیاست‌های پولی بر متغیر واقعی اقتصاد از دیدگاه کینزین‌ها، پایین بودن میل نهایی به پس‌انداز است که موجب بزرگ‌تر شدن ضریب فزاینده تقاضای کل شده و در افزایش آن نقش مهمی ایفا می‌کند. در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، میل نهایی به پس‌انداز، در حد پایینی قرار دارد^۱ و در نظر اول چنین استنباط می‌شود که ضریب فزاینده بالا بوده و بنابراین شوک ناشی از افزایش تقاضا تولید را تحت تأثیر قرار داده و سبب افزایش آن می‌گردد. اما به دلیل تنگناهای ساختاری و ریسک سرمایه‌گذاری که در ایران وجود دارد، نه تنها سیاست پولی انبساطی تأثیری بر تولید نداشته، بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در جامعه منجر می‌شود. از سوی دیگر کینزین‌ها معتقدند که با افزایش حجم پول، به علت افزایش تقاضا برای اوراق قرضه یا خزانه، قیمت آن‌ها افزایش یافته و هم‌چنین نرخ بهره نیز کاهش می‌یابد. از آنجایی که ایشان سرمایه‌گذاری را نسبت نرخ بهره حساس در نظر می‌گیرند. کاهش نرخ بهره منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شده و تقاضای کل را تغییر خواهد داد. در این راستا، برآورد حساسیت بهره‌ای سرمایه‌گذاری، ممکن است برای کشورهای توسعه یافته با اهمیت باشد ولی در ایران به علت بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری و نیز فقدان یک تصویر

۱. بیدآبادی، بیژن، اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر اقتصاد ایران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، پاییز ۱۳۸۳ صفحات مختلف.

روشن از جریان منابع به بازار مالی و تأثیر آن بر نرخ بهره بانکی، شدت اثر این نرخ بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه، تقاضای کل خیلی قابل توجه نمی‌باشد.^۱ از این رو هنگامی که نرخ ریسک بالاست، تغییر در بهره بانکی تأثیر کم‌تری در هزینه کل هر واحد سرمایه‌گذاری و در نتیجه حجم سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

از طرفی دیگر نرخ بهره در ایران به دلیل این‌که توسط مقامات پولی و بدون ارتباط با عرضه و تقاضای پول مشخص می‌شود کاربرد وسیعی در مکانیسم‌های اثرگذاری پولی به معنای شاخصی از ارزش دارایی‌های قابل تبدیل به پول را ندارد.

با توجه به موارد یاد شده و با عنایت به این که مکانیسم اثرگذاری در نظر کینزین‌ها عمدتاً از راه کاهش نرخ بهره و کاهش هزینه سرمایه‌گذاری بر متغیرهای واقعی اقتصاد اثر می‌گذارد، به نظر می‌رسد که با وجود تنگناهای اقتصادی و نیز بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، افزایش حجم پول از طریق تغییر در سرمایه‌گذاری و افزایش تقاضای کل نمی‌تواند تولید را افزایش دهد. به عبارت دیگر در خصوص استفاده از سیاست افزایش حجم نقدینگی به‌منظور اثرگذاری بر متغیرهای واقعی در کشور ما تردید وجود دارد.

از سوی دیگر، دارایی‌های مالی در ایران که می‌تواند جانشین پول شوند، در مقایسه با آنچه که پولیون مطرح می‌کنند، متفاوت است. با ملحوظ داشتن این که هنوز بازارهای مالی در ایران جایگاه ویژه خود را نیافته، ترکیب دارایی‌ها متفاوت از کشورهای پیشرفته است. ترکیب دارایی‌های افراد در ایران بیش‌تر شامل: زمین، ساختمان، فرش، اتومبیل، ارزهای خارجی، سکه و طلا بوده است و اخیراً خرید سهام و اوراق مشارکت از بازار بورس سهام و اوراق بهادار نیز به این ترکیب اضافه شده است. با افزایش حجم پول و با توجه به

۱. بیدآبادی، بیژن؛ همان منبع، ص ۳.

این که انتظارات تورمی مردم در حد بالایی قرار دارد، غالباً افراد سعی می کنند ارقام فوق را جانشین پول کنند. طبیعتاً، با افزایش تقاضای کالاهای یاد شده، قیمت آن ها افزایش می یابد و موجب این انتظار می شود که همراه با تغییرات قیمت، با فرض سودآوری تولیدکننده آن کالاها - حجم سرمایه گذاری و نیز میزان تورم تولید آن ها افزایش یابد. اما افزایش تقاضای کل به دلایل مختلف از جمله وجود تنگناهای اقتصادی، بالا بودن ریسک و نااطمینانی سرمایه گذاری در ایران، محدودیت های قانونی و دشواری های ساختاری در اقتصاد، نرخ گذاری دولتی بر روی برخی از کالاها و ... بر متغیرهای واقعی، تأثیر چندانی ندارد.

با توجه به موارد گفته شده، ملاحظه می شود که: اولاً ترکیب دارایی ها در اقتصاد ایران متفاوت از کشورهای پیشرفته است و ثانیاً در اقتصاد کشور ما، به دلیل ضعف بازارهای مالی، صاحبان سرمایه سعی می کنند پس از افزایش حجم پول در جامعه، دارایی های واقعی (مانند اتومبیل، خانه و...) خود را جانشین پول کنند و این امر موجب افزایش تقاضا می گردد و علت این افزایش تقاضا، افزایش سرمایه گذاری نبوده، بلکه تنها انتظارات تورمی و بازده مناسب نگه داری این گونه ثروتهاست که صاحبان سرمایه را تشویق به خرید آن کرده است.

با عنایت به موارد بالا، به نظر می رسد، اعمال سیاست های پولی از طریق افزایش حجم پول نمی تواند تأثیر مثبتی بر متغیرهای واقعی اقتصاد، از جمله تولید داشته باشد. در ایران به جای تأثیر مثبت افزایش حجم پول در حجم سرمایه گذاری و نیز در ادامه آن، افزایش تولید، به علل فوق الذکر، تنها افزایش تورم به وقوع خواهد پیوست. اضافه بر آن شاید بتوان این نظر پولیون را نیز که سیاست مالی تأثیری بر درآمد و بنابراین اشتغال ندارد با شرایط کنونی

اقتصاد ایران سازگار دانست.^۱ لازم به ذکر است که شباهت شرایط اشتغال کامل به الگوی پولیون و تنگناهای ساختاری در اقتصاد ایران برای این است که امکان بسط تولید از راه اعمال سیاست‌های مالی در ایران وجود ندارد. اصولاً محیط اقتصادی که در آن سیاست‌های پولی و مالی اجرا می‌شود، در کشورهای توسعه یافته، متفاوت از کشورهای در حال توسعه است. در کشورهای توسعه یافته، حداکثر استفاده از منابع صورت می‌گیرد و تنها وظیفه سیاست‌های پولی و مالی، کاهش نوسانات کوتاه مدت در میزان تولید است. اما در کشورهای در حال توسعه، علی‌رغم رفع بحران ناشی از ادوار تجاری در کوتاه مدت، مقامات پولی و مالی با مسأله اساسی رشد و توسعه بلندمدت اقتصاد نیز مواجهند. مشهود است در اقتصاد ایران که به علت محدودیت منابع مالی دولت، سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی مربوط شده و عملاً استقلال سیاست پولی را نیز تضعیف کرده است، سیاست مالی نیز از عملکرد مناسبی برخوردار نیست.

از آنجایی که مقامات پولی در ایران براساس قوانین مربوط به نظام پولی و بانکی قادر به کنترل نرخ اسمی بهره بانکی هستند، اعمال سیاست‌های پولی از راه کنترل نرخ بهره (به شرط آن که از نفوذ پول به بازار غیرمتشکل پولی و کسب رانت جلوگیری شود) تنها راه مداخله در بخش واقعی اقتصاد از طریق اعمال سیاست‌های پولی است. گرچه در ایران نیز اگر ریسک سرمایه‌گذاری کنترل نشود ممکن است کنترل نرخ بهره بانکی تأثیر و کارایی لازم خود را نداشته باشد.

ضمناً باید توجه داشت که روش کنترل حجم اعتبارات، با توجه به وجود

۱. پولیون بر این باورند که با کوچک و جایگزین شدن بخش خصوصی به دلیل افزایش هزینه‌های دولت (Crowding out effect) سیاست مالی تأثیر چندانی بر بخش واقعی از جمله اشتغال و درآمد نخواهد داشت.

بازار غیررسمی اعتبارات در ایران (صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی مختلف، اعتبارات اعطایی افراد و مؤسسات غیررسمی و...) که سهمی در تخصیص اعتبارات دارند و نیز تخصیص نامناسب اعتبارات در شرایط کنترل آن، موجب شده که روش مناسبی برای اعمال سیاست‌های پولی، تلقی نشود.

مطالب یاد شده در بالا را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. وجود انتظارات تورمی بالا در اقتصاد ایران، اثرگذاری سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه بر تولید را دچار مشکل ساخته است.

۲. به دلیل فقدان بازار مالی پیشرفته در ایران، آرایش دارایی‌های مالی در ایران متفاوت از کشورهای پیشرفته بوده و بیش‌تر، کالاهای با دوام، زمین و طلا به عنوان جانشین پول در نظر گرفته می‌شوند. در شرایط کنونی اقتصاد ایران نقش سهام در ترکیب دارایی‌ها اندک است و بازار سهام، از وسعت کافی برخوردار نیست.

۳. به دلیل وجود تنگناهای عرضه در ایران، افزایش قیمت کالاهای فوق‌الذکر، افزایش محسوس تولید را به دنبال نداشته و بیش‌تر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دامن می‌زند.

۴. کنترل حجم پول از راه کنترل اعتبارات کارایی لازم را نداشته و وابستگی سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی سبب مداخله بخش مالی در میزان حجم نقدینگی از طریق افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی گردیده است.

۵. با توجه به توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ بهره اسمی بانکی تنها راه قابل قبول برای تحریک بخش واقعی اقتصاد، کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی است.

ج) رکن اصلی کاهش قیمت تمام شده کالا و خدمات

وقتی صحبت از تولید ملی می‌کنیم مجموعه فعالیت‌های تولیدی و خدماتی نهایی کشور را مطرح می‌کنیم لذا چنانچه واقعیت‌های حاکم بر فعالیت اقتصادی تک تک واحدها را بررسی کنیم آنچه که بر این واحدها حاکم است در مجموع به کل اقتصاد کشور حاکم خواهد بود.

وضعیت اقتصادی هر واحد تولیدی چه کالا و چه خدمات، نتیجه ارقام تشکیل دهنده ستون ارقام بدهکار (دارایی‌های واحد) و ستون ارقام بستانکار (بدهی به منابع بانکی، غیربانکی و سرمایه و حقوق صاحبان سهام) در ترازنامه از یک طرف و انعکاس هزینه‌های مالی تجهیز سرمایه جهت تأمین منابع مالی لازم برای به‌دست آوردن دارایی‌های واحد در محاسبات قیمت تمام شده و حساب سود و زیان هر واحد تولیدی است. به بیان ساده هر مقدار هزینه تجهیز منابع مالی و سود مورد انتظار از سرمایه‌گذاری کمتر شود به همان نسبت قیمت تمام شده کالا کاهش خواهد یافت. برای بررسی این مطلب حساب ترازنامه و سود و زیان شرکت‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به نوع فعالیت، نرخ ارز تأمین ماشین‌آلات وارداتی و عمر مفید دارایی‌های سرمایه‌ای و مدت زمان برگشت سرمایه برای شرکت‌هایی که با نظام یارانه‌ای تأمین ارز کرده‌اند، بین ۱-۳ سال و در واحدهای جدید چنانچه سرمایه‌گذاری با ارز هر دلار حدود ۸۰۰۰ ریال محاسبه شود این مدت به ۳-۴ سال بالغ خواهد شد. لذا مدت متوسط ۲ سال فروش برابر ارزش دارایی‌هایی که زمان متوسط مناسبی است، برای انجام محاسبات مورد استفاده قرار می‌گیرد و از ترکیب روابط بین ارقام بدهکار و بستانکار ترازنامه و تأثیر آن‌ها بر روی قیمت فروش (قیمت تمام شده + سود) رابطه ذیل به‌دست می‌آید:^۱

$$\text{تسهیلات دریافتی از منابع بانکی} + \text{ارزش دارایی‌های}$$

۱. گزارشات اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، بهمن ۱۳۸۳، صص ۱۳-۱۹.

$$\text{تسهیلات دریافتی از منابع غیربانکی} = \text{جاری و ثابت} = ۲ \times \text{مبلغ فروش سالیانه} \\ + \text{سرمایه و حقوق صاحبان سهام}$$

یعنی هر افزایش یا کاهش در هزینه تأمین تسهیلات و سرمایه با ضربی بیش از خود روی قیمت فروش کالا اثر خواهد گذاشت^۱. یا به عبارت دیگر هزینه مالی انجام شده جهت تجهیز منابع مالی و خرید دارایی‌های واحد، در جریان عملیات تولید باعث افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه قیمت تمام شده کالا می‌گردد. با توجه به مراتب فوق نرخ سود تسهیلات کشور ایران با نرخ سود تسهیلات در کشورهای رقیب مقایسه شده و اثر آن بر روی قیمت تمام شده کالا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در ایران حداقل نرخ سود و کارمزد تسهیلات بانکی ۱۹ درصد (در صورت تأخیر پرداخت به ۲۴ درصد افزایش می‌یابد) و نرخ تسهیلات منابع غیربانکی که به صورت سایه و متأثر از نرخ تسهیلات بانکی عمل می‌نماید حدود ۳۰-۶۰ درصد می‌باشد و در شرایطی که بانک‌ها برای سپرده‌های پنج‌ساله به طور علی‌الحساب ۱۷ درصد سود پرداخت می‌نمایند. چنانچه یک سرمایه‌گذار صرف‌نظر از جنبه‌های انسانی و ملی بلکه بر مبنای محاسبات اقتصادی سرمایه‌گذاری نماید، حداقل می‌باید سودی معادل سود سپرده بانکی را برای سرمایه‌گذاری خود محاسبه نماید و چنانچه متوسط زمان سرمایه‌گذاری تا بهره‌وری و گذشت از نقطه سر به سر و رسیدن به سوددهی را سه سال فرض کنیم با توجه به محاسبات متداول در بازار باید واحد اقتصادی با افزودن سود ۱۷ درصد حداقل تصور سودی معادل ۶۰ درصد^۲

۱ همان منبع. ص ۱۳.

۲. با نرخ ۱۷ درصد برای سال سوم و با استفاده از رابطه $In = I_t(1+r)^t$ محاسبه شده است.

سرمایه اولیه در پایان سال سوم داشته باشد تا به این سرمایه‌گذاری رغبت نشان دهد؛ در حالی که سود سپرده بانکی از مالیات معاف بوده، ریسکی ندارد و مشکلات مختلف کار و کارگری و بیمه و برخورد با قوانین مختلف را نیز شامل نمی‌گردد.

پس چنان‌چه، حداقل ۱۹ درصد سود برای منابع بانکی، غیربانکی و سرمایه‌گذاری احتساب کنیم، رقمی خیلی پایین‌تر از رقم واقعی و حاکم بر سرمایه‌گذاری در ایران جهت ارزیابی هزینه فرصت سرمایه‌گذاری را مورد استفاده قرار داده‌ایم و عدد واقعی به مراتب بیش‌تر از ۱۹ درصد می‌باشد.

اگر اختلاف نرخ تأمین تسهیلات مورد نیاز سرمایه‌گذاری در ایران با کشورهای رقیب را حداقل ۱۰ درصد در نظر بگیریم شرایط رقابت اقتضا می‌کند معادل این ۱۰ درصد، نرخ سود تسهیلات در کشور ما کاهش یابد تا بتوانیم در شرایط برابر با رقیبان قرار بگیریم.

با توجه به مراتب فوق ملاحظه می‌شود چنان‌چه تصمیم عاجلی برای کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی ایران با کشورهای رقیب اتخاذ نشود همچنان موجبات کاهش یا عدم فروش کالاهای داخلی و در نتیجه گسترش رکود و بیکاری و به طبع آن وابستگی بیش‌تر به درآمد نفت پایدار باقی می‌ماند. در شرایط کنونی می‌توان مشاهده کرد که هم به دلیل اجبار و هم برای استفاده از مزایای ورود به سیستم تجارت جهانی، دولت در تدارک پیوستن به WTO می‌باشد. در صورت تحقق این هدف بازار کشور به روی تولیدات کشورهای دیگر باز شده و ترمزهای تعرفه‌ای یا حمایتی از میان برداشته خواهند شد. در چنین شرایطی اگر همچنان هزینه سرمایه‌گذاری در کشور ما با توجه به مطالب عنوان شده به مقدار قابل توجهی بیش‌تر از کشورهای رقیب باشد به طور مسلم واحدهای تولیدی (صنعتی، معدنی و کشاورزی) به توقف و تعطیلی کشیده شده و سرمایه‌گذاری جدید نیز انجام

نخواهد شد، مگر سرمایه‌گذاری که منابع تأمین سرمایه آن خارجی و با نرخ سود بین‌المللی باشد که زمینه چنین عملی به دلیل مشکلات قانون کار و سرمایه‌گذاری خارجی و ... تاکنون چندان فراهم نشده و درصد چنین سرمایه‌گذاری نسبت به کل سرمایه‌گذاری در ایران رقم ناچیزی می‌باشد. بهتر است قبل از آن که مسأله و مشکل فوق بوجود بیاید، با رفع مشکل از طریق کاهش نرخ سود تسهیلات، خود را به‌گونه‌ای آماده پذیرش شرایط سیستم جهانی کنیم که از مشکل اقتصادی فوق‌الذکر اجتناب شود.

مروری بر مطالعات صورت گرفته در خصوص طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی

یکی از مطالعاتی که درخصوص ارزیابی آثار کاهش نرخ بهره بر سایر متغیرهای اقتصادی در اقتصاد ایران توسط بیژن بیدآبادی صورت گرفته است. در این مطالعه با استفاده از الگوی اقتصادسنجی کلان ایران، الگوی جامعی برای نرخ سود تسهیلات بانکی طراحی شده و در سناریوهای مختلفی کاهش نرخ بهره را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با استفاده از شبیه‌سازی الگو آثار کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بر اقتصاد ایران به تصویر کشیده شده است.^۱

در این تحقیق برای بررسی آثار کاهش سود تسهیلات از پنج سناریو به شرح ذیل استفاده شده است:

سناریو ۱- نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان ۱ درصد برای ۴ سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۲- نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان ۲ درصد برای ۴ سال آخر

۱. بیدآبادی، بیژن، همان منبع، ص ۹.

نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۳- نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان ۳ درصد برای ۴ سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۴- نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان ۴ درصد برای ۴ سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۵- نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان ۱ درصد سالانه برای ۴ سال آخر نمونه کاهش داده شود.

به عبارت دیگر نرخ بهره مزبور را در سال اول ۱ درصد، در سال دوم ۲ درصد، در سال سوم ۳ درصد و در سال چهارم ۴ درصد کاهش دهیم.

این سناریو به این دلیل طرح شده که اجازه تعدیلات لازم به اقتصاد برای تطبیق خود با سیاست کاهش نرخ بهره داده شود.

براساس بخشی از نتایج به دست آمده از این تحقیق موارد ذیل را می‌توان عنوان کرد:

۱. اجرای این سیاست اثر مثبتی بر رشد اقتصادی از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی بر جای می‌گذارد. یکی از مسیرهای افزایش تولید ناخالص داخلی بر اثر کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد است که در مطالعه انجام گرفته، این کاهش اثر مثبت و قابل ملاحظه‌ای را بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد نشان می‌دهد.

۲. از سوی دیگر با توجه به مطالعه یاد شده با توجه به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی رفاه جامعه از طریق افزوده شدن مصرف بخش خصوصی در اقتصاد افزایش می‌یابد.

۳. کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی در مطالعه صورت گرفته موجب افزایش سطح اشتغال شده است.

مطالعه دیگری نیز در ارتباط با محاسبه میزان تفاوت سود بانکی Spread

در ایران، توسط قاسم صمیمی‌فر و یحیی ابطحی صورت گرفته است که در آن با استفاده از دو روش قبل از عملکرد و روش مبتنی بر عملکرد به محاسبه Spread بانکی پرداخته شده است. Spread بانکی در روش قبل از عملکرد ۱۰/۰۲ و در روش مبتنی بر عملکرد ۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۱ برآورد شده است^۱ و پیشنهاد می‌شود که این تفاوت نرخ‌ها از طریق تعدیل نرخ سود تسهیلات کاهش یابد.

در پژوهش دیگری که در همین راستا و درخصوص نحوه عملکرد سیستم بازیابی منابع مالی بانک‌ها از محل تسهیلات اعطایی به روش مشابه تنزیل مجدد، توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز صورت گرفته است عنوان شده است که بانک‌های ایران با مقررات فعلی (عدم استفاده از سیستم مشابه تنزیل مجدد) حداکثر ۱۵۰ درصد منابع مالی جذب شده (سپرده‌ها) را تسهیلات اعطا می‌کنند لذا حتی در شرایط حداکثر چنان‌چه ۴ درصد کارمزد برای عملیات خود در قالب سود تسهیلات منظور کنند، حداکثر سود آن‌ها از محل جذب هر ۱۰۰ واحد سپرده معادل $(4 \times 1/5 = 6)$ درصد در سال خواهد بود. اگر بخواهیم هزینه تأمین منابع مالی برای اعطای تسهیلات (نرخ سود سپرده) و میزان درصد سود بانک‌ها از محل تسهیلات اعطا شده برای ۱۰۰ واحد سپرده (نرخ سود تسهیلات اعطایی) را محاسبه کنیم به شرح جدول ذیل خواهد بود:^۲

۱. صمیمی‌فر، قاسم و ابطحی، یحیی، محاسبه تفاوت سود بانکی در ایران، مجله بررسی‌های اقتصادی، بهار ۱۳۸۳، صص ۲۱-۲۳.

۲. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، گزارشات اقتصادی (۱)، بهمن ۱۳۸۲، صص ۲۴-۲۵.

جدول محاسبه نرخ سود تسهیلات اعطایی برای ۱۰۰ واحد سپرده

نرخ سالانه سود پرداختی به سرمایه‌گذار	٪۱۸	٪۱۸	٪۱۸	٪۱۸	٪۱۸
نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های جذب شده	۱	۲	۳	۴	۵
هزینه تأمین مالی برای اعطای تسهیلات	٪۱۸	٪۹	٪۶	٪۴/۵	٪۳/۶
میزان کارمزد بانک‌ها نسبت به سود تسهیلات اعطایی برای ۱۰۰ واحد سپرده	٪۴	٪۴	٪۴	٪۴	٪۴
میزان درصد سود بانک‌ها از محل تسهیلات اعطا شده برای ۱۰۰ واحد سپرده	٪۴	٪۸	٪۱۲	٪۱۶	٪۲۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بانک‌ها در بهترین شرایط مطلوب فعلی از هر ۱۰۰ واحد سپرده جذب شده حداکثر ۶ واحد کارمزد سالانه دریافت می‌نمایند در حالی که با استفاده از سیستم مشابه تنزیل مجدد رقم سود آن‌ها تا ۲۰ واحد قابل افزایش است لذا با عنایت به نتایج به دست آمده پیشنهاد شده است که سیستم مشابه تنزیل مجدد در راستای افزایش سوددهی سیستم بانکی همراه با کاهش نرخ سود تسهیلات در بانکداری ایران به کار گرفته شود.

انتخاب استراتژی

اگر به طور متوسط نرخ سود تسهیلات بانکی را حدود ۱۵ درصد در ایران در نظر بگیریم با توجه به این‌که این نرخ حدود ۳ تا ۵ درصد در اکثر کشورهای رقیب تجاری کشور ما می‌باشد؛ ملاحظه می‌شود که حدود ۵۰۰ درصد اضافه نرخ سود یا بهره، که نتیجه‌اش حدود ۴۰۰ درصد هزینه اضافی تأمین مالی برای فعالیت‌های تولیدی (به تبع هزینه‌های بالاتر) بر تولیدکنندگان کشور

تحمیل می‌شود.^۱ البته قابل توجه است که از آنجایی که هر فعالیت تولیدی نتیجه تلفیق عوامل کلی شش گانه ذیل می‌باشد، ۴۰۰ درصد هزینه تأمین مالی اضافه به دلیل اثر افزایشی آن فقط به هزینه مالی ختم نشده و در سایر عوامل هزینه‌های ذکر شده نیز اثر افزایشی دارد:

۱. هزینه مالی،

۲. هزینه‌های حقوق و دستمزد و اضافات آن‌ها،

۳. هزینه‌های تأمین مواد اولیه،

۴. هزینه‌های تأمین انرژی (در کشور ما مصداق ندارد زیرا توسط دولت کنترل می‌شود)،

۵. هزینه‌های استهلاک،

۶. هزینه‌های عمومی.

با عنایت به این مسأله که دولت خود بزرگ‌ترین خریدار کالا و خدمات در کشور می‌باشد، اثر منفی افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات بیش از همه متوجه دولت محترم و بودجه سالانه کشور می‌باشد. با تقلیل قیمت تمام شده کالاها و خدمات در نتیجه کاهش هزینه تأمین مالی صرف‌نظر از کاهش تورم، هزینه‌های جاری و عمرانی دولت کاهش یافته و از طرف دیگر به دلیل اقتصادی شدن قیمت تمام شده تولیدات داخلی و در نتیجه رقابت قیمتی با کالاهای وارداتی در داخل کشور توان رقابتی در بازارهای برون مرزی افزایش می‌یابد. این رویدادهای اقتصادی مثبت باعث می‌شوند اولاً درآمد دولت از محل گسترش فعالیت‌های اقتصادی به دلیل وصول مالیات، عوارض و ... افزایش یافته و ثانیاً به دلیل جذب بیکاران به میزان قابل توجهی از هزینه وجوه پرداختی به ایشان توسط دولت مانند هزینه بیمه بیکاری و وام اشتغال کاسته

۱. گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز. ص. ۱.

می‌شود.

با توجه به مراتب فوق کاهش نرخ سود تسهیلات از اهرم‌های اساسی برای موفقیت دولت محترم بوده و در یکی دو سال اولیه این اقدام با کاهش تورم، فرصتی برای دولت فراهم خواهد شد تا با کوچک کردن بدنه دولت و تطبیق پرداخت‌ها با درآمدها و در نتیجه تعادل عرضه کل با تقاضای کل، در مهار تورم جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای موفق باشد.

تردیدی نیست که نرخ بالای سود تسهیلات باعث دامن زدن به تورم در سنوات گذشته شده است. اما در مقابل ادعا می‌شود که عامل اصلی تورم کشور رشد بی‌رویه نقدینگی بوده است. ولی در بررسی آمار پایان سال ۱۳۸۲ ملاحظه شده است که جمع سپرده بخش خصوص نزد سیستم بانکی حدود ۴۸۷۸۶۳ میلیارد ریال و بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی ۴۵۴۷۹۹ میلیارد ریال ثبت شده است. اگرچه به ظاهر سهم تسهیلات در بخش‌های مختلف هر ساله افزایش نشان می‌دهد ولی این افزایش به مراتب کم‌تر از افزایش سپرده‌های مردم در بانک‌ها بوده است.^۱ از آن‌جا که رشد درآمد، تولید و اشتغال نیازمند افزایش نقدینگی در بخش تولید می‌باشد، سیاست اخیرالذکر نرخ بالای سود بانکی از تأمین نقدینگی کافی برای بخش تولیدکننده واقعی کشور، جلوگیری کرده است. در شرایط کنونی اقتصاد کشور به‌خاطر کمبود نقدینگی تا حد نایل شدن کشور به حداکثر ظرفیت تولیدی، قیمت تمام شده محصولات تولید شده بالا بوده و تولیدکنندگان در رقابت با کالاهای وارداتی در داخل کشور یا در مرحله صادرات با رقبا در کشورهای ثالث با مشکل روبه‌رو بوده‌اند.

بدهی دولت به سیستم بانکی در سنوات ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۲ از ۱۲۲۷۸۵

۱. همان منبع، ص. ۵.

میلیارد ریال به ۲۱۸۰۴۰ میلیارد ریال افزایش یافته است که انتشار اوراق قرضه و مشارکت و ... را نیز باید بر این ارقام اضافه نمود. با کاهش سود تسهیلات می‌توان ضمن کاهش هزینه‌های دولت، موجبات کاهش قیمت تمام شده کالا و خدمات را از طریق افزایش تولید فراهم نمود که به تبع آن درآمد دولت حاصل از مالیات و عوارض و ... بیش‌تر می‌شود.

با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب و همکاری بانک‌ها از طریق افزایش میزان تسهیلات و تزریق آن در بخش تولید، عرضه کل بیش‌تر از تزریق قدرت خرید ناشی از رشد تسهیلات خواهد بود. اعمال این سیاست علاوه بر آن‌که تورم‌زا نخواهد بود باعث کاهش تورم به دلیل افزایش عرضه کل نسبت به تقاضای کل خواهد شد. این سیاست قبل از انقلاب نیز در اکثر بانک‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، و علی‌رغم وجود محدودیت در عملیات بانکی مربوط به تنزیل اوراق تجاری ناشی از فروش کالا، محدودیتی برای خرید مواد اولیه وجود نداشته است. این خط‌مشی صرف‌نظر از کاهش قیمت مواد اولیه برای کارخانجات و در نتیجه کاهش قیمت‌ها، خود اهرمی برای فروش ارز حاصل از صادرات نفت و تبدیل به ریال کردن آن جهت پرداخت هزینه‌های ریالی دولت بدون اثر تورمی بوده است.

موضع کارشناسی نسبت به انتقاد مخالفان کاهش نرخ سود بانکی

الف) به نظر بعضی از منتقدان کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، به تبع این اقدام نرخ سود سپرده‌ها نیز باید کاهش یابد و این عامل ممکن است موجب فرار سپرده از بانک و کاهش حجم آن شود!؟

قابل ذکر است که در عرف بین‌الملل بانک‌ها معمولاً بیش‌تر از سپرده جذب شده (سپرده مدت‌دار) توان پولسازی دارند لذا می‌توانند حتی بدون کاهش سود سپرده‌ها، نرخ سود تسهیلات را کاهش دهند که این هنر و مکانیسم

مرتبط با آن دلیل واقعی بانکداری در جهان بوده است.

در ضمن براساس نظریات مختلف درخصوص تقاضای پول، تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول بیش‌تر تابعی از درآمد است تا نرخ سود (بهره). لذا می‌توان عنوان کرد که کاهش نرخ سود، اصولاً باید تقاضای سفته‌بازی را بیش از تقاضای معاملاتی و احتیاطی متأثر سازد که با فرض کم بودن حساسیت سرمایه‌گذاری بخش عمومی نسبت به نرخ سود بانکی و مرتبط بودن حجم پس‌انداز ملی به درآمد کل کشور می‌توان نتایج ذیل را خلاصه کرد:

۱. چون پس‌انداز ملی نسبت به کاهش نرخ سود (بهره) واکنش چندانی نشان نمی‌دهد، مردم اگر هم در بانک‌ها سپرده‌گذاری نکنند پول را پیش خود نگه نخواهند داشت. آن‌ها یا خود مستقیماً سرمایه‌گذاری می‌کنند یا ممکن است در بازار بورس، بازار کالا و خدمات فعال شده یا پول خود را صرف خرید اوراق مشارکت نمایند. تمامی موارد مذکور موجب افزایش تقاضای کل، افزایش درآمد، افزایش رفاه و در نتیجه افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم خواهند شد. در این صورت دولت می‌تواند با اعمال سیاست تثبیت قیمت‌ها (مورد خاص ایران تثبیت قیمت حامل‌های انرژی) اقتصاد را در مسیر رشد و توسعه روزافزون هدایت کند.

۲. هدف از کاهش نرخ سود، در مرحله اول به هیچ وجه کاهش میزان سود سپرده‌ها نیست، بلکه توصیه به کاهش Spread بانکی از طریق کاهش نرخ سود تسهیلات است. اما حتی چنان‌چه تصمیم به کاهش میزان سود سپرده گرفته شود، هیچ دلیلی وجود ندارد که میزان سپرده‌گذاری مردمی کاهش یابد؛ چرا که عوامل دیگری غیر از سود سپرده در تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران نقش دارند. در حال حاضر براساس آمار مندرج در نشریات بانک مرکزی سپرده بانکی (با احتساب سپرده‌های دیداری) حدود ۹۰ درصد نقدینگی را تشکیل می‌دهند. در این شرایط تغییر میزان سود نمی‌تواند موجب افزایش «سهم

اسکناس و مسکوک در نقدینگی» و عامل کاهش «سهم سپرده دیداری و غیردیداری در نقدینگی» شود.

در نهایت کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی ممکن است موجب تغییر ترکیب سپرده‌ها با حفظ مجموع آن شود. رفتارهای سپرده‌گذاران در کنار نرخ سود سپرده تابعی از ریسک پایین، معافیت مالیاتی، امنیت سرمایه‌گذاری، دریافت سود تضمین شده به صورت ماهانه و انگیزه پرهیز از رباخواری و ... است. حال اگر فرض خروج سپرده‌ها هم مطرح باشد بانک مرکزی می‌تواند نرخ ذخیره قانونی را برای مقابله با چنین شرایطی کاهش دهد.

ب) درخصوص اظهارات برخی از منتقدان و در رأس آن‌ها بانک مرکزی، درخصوص اثر سیاست منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بر تشدید رانت و اختلال در تخصیص منابع موارد ذیل قابل بیان می‌باشد:

۱. حتی در حال حاضر نیز تخصیص تسهیلات بهینه و کارا نیست و در موارد بسیاری در مسیرهایی غیر از اهداف موردنظر استفاده شده است. وجود رانت یک واقعیت تلخ در صحنه اقتصادی است که منحصر به استفاده از تسهیلات بانکی نیست، بلکه سایر بخش‌ها را نیز دربر گرفته است. در اصل برای حذف یا کاهش رانت باید علت‌های واقعی آن را جستجو کرد. دلایل وجود رانت استفاده از تسهیلات در شبکه بانکی ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱-۱. مشکل اساسی نظام بانکی این است که در کنار بازار پول و اعتبارات رسمی بازار غیررسمی پول در کشور که در گذشته نیز وجود داشته، تقویت شده است و نرخ سود (بهره) در آن بسیار بالاتر از میزانی است که بانک به سپرده‌گذاران خود پرداخت کرده یا در مقابل اعطای تسهیلات از آن‌ها دریافت می‌کنند.

وجود این نوع بازارهای پولی دارای دو نرخ متفاوت برای استقراض پول

زمینه‌ای را برای کسب رانت از این طریق فراهم کرده است که افراد و مؤسسات بتوانند با استفاده از رانت یا رشوه (آنچنان که در گزارش بانک جهانی نیز بیان شده است) پول را با نرخ بهره کمتر (حدود ۱۰ درصد) از بانک‌های دولتی وام گرفته و در بازار غیررسمی با نرخ بهره بالاتر (بین ۲۰ تا ۳۶ درصد) وام دهند. به وجود آمدن این وضعیت باعث شده است که تقاضای کاذبی برای دریافت وام از سیستم بانکی رسمی به وجود آید (در اصل مقدار قابل توجهی از وام‌های بانکی به دست عوامل تولیدی نمی‌رسد بلکه در دست واسطه‌گران رانت‌خوار و سودجو قرار دارد) و به همین دلیل نظام بانکی برای اعطای وام شرایط سخت‌گیرانه‌ای را اعمال می‌کند. در نتیجه ضمن فراوانی نقدینگی در بازار غیررسمی کسب نقدینگی از بازار رسمی با محدودیت‌های فراوانی رو به رو شده و در ساختار نقدینگی نوعی دوگانگی و بن‌بست پدید آمده است که مجلس هفتم درصدد است با ارائه طرح‌های قانونی مناسب با این معضل نیز برخورد کند. در ضمن قرائن نشان می‌دهد که با کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی در بازار رسمی، نرخ سود موردنظر در بازار غیررسمی نیز به تدریج کاهش یابد.

۱-۲. بازوهای نظارتی در داخل شبکه بانکی ضعیف است به عبارتی اصلاً وجود ندارد. بدیهی است با تخصصی کردن فعالیت شعب در اعطای تسهیلات و همچنین تقویت بانک‌های خصوصی و استفاده کردن از نهادهای نظارتی غیردولتی، می‌توان موضوع مهم «نظارت» را بیش از پیش مورد تأکید قرار داد. لذا وجود رانت، رشوه‌خواری و اختلاس و ... به خاطر ضعف سیستم نظارتی است که با عنایت به نکات فوق‌الذکر برطرف خواهد شد.

ج) منتقدان و بالاکس بانک مرکزی، تصویب طرح «منطقی کردن نرخ سود تسهیلات» توسط مجلس را نوعی دخالت در قوانین و مقررات پولی ذکر کرده و اعتقاد دارند از این طریق استقلال بانک مرکزی مورد تهدید قرار می‌گیرد.

در جواب باید عنوان کرد که سیاست دستوری بالا بردن و بالا نگه داشتن نرخ سود (بهره) توسط شورای پول و اعتبار و در رأس آن بانک مرکزی، بدون رعایت توالی آزاد سازی مالی مورد ایراد جدی واقع شده و به وضوح تأیید شده است که بدون انجام اصلاحات همسو در بخش مالی و بخش واقعی اقتصاد، بالا بردن نرخ سود (بهره) اثر منفی بر اقتصاد دارد و نمی تواند سیاستگذار را به اهداف خود برساند. چرا که علل اصلی کمیاب بودن پس اندازها قدرت ناکافی مردم برای تشکیل پس انداز در نتیجه پایین بودن درآمد، سرمایه گذاری محدود و بهره وری پایین آن، رشد قابل توجه بازارهای مالی غیررسمی و اخذ مالیات تورمی توسط دولت از طریق انتشار پول می باشد، و این عوامل از مهم ترین ویژگی های سیستم مالی سرکوب کننده و از مهم ترین نقاط ضعف سیستم مالی کشور ما به حساب می آید. نقاط ضعف یاد شده در اثر همین سیاست دستوری شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی بوده است که با بالا بردن و سعی در بالا نگه داشتن نرخ سود (بهره) تسهیلات بانکی، بخش واقعی و مولد اقتصاد نظیر کشاورزی، صنعت و معدن و ... را در معرض نابودی قرار داده است. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات بانکی به صورت دستوری بالا رفته و می رود، بهترین راه مقابله با این وضعیت نیز کاهش دستوری آن در راستای حمایت از بخش واقعی و مولد اقتصاد می باشد.

(د) بعضی از منتقدان از راه برهان خلف وارد شده اند و می پرسند اگر نرخ

سود تسهیلات بالاست، پس چرا وام های بانکی این قدر مشتری دارد؟!

۱. باید اذعان کرد که براساس دلایل عنوان شده در ردیف (۱-۱) بند «ب»، اولاً بسیاری از تقاضاها برای این تسهیلات از نوع تقاضای کاذب است، و ثانیاً باید توجه شود که نوعی بحران اقتصادی به تولیدکنندگان واقعی تحمیل شده است. آن ها برای فرار از دست طلبکاران و احاله گرفتاری خود به چند ماه بعد تن به هرگونه استقراض یا بهره ای می دهند. آیا منتقدان محترم هرگز فکر

کرده‌اند که چه بر سر تولید و اقتصاد کشور آمده است که چنین گروه بزرگی حاضر به وام گرفتن با این نرخ‌ها و شرایط شده‌اند؟ آیا زندان‌ها با همین تعداد انبوه که قدرت پرداخت نداشته‌اند، پر نشده است؟ منطقی کردن نرخ سود تسهیلات با توجه به شرایط بخش واقعی اقتصاد و بر مبنای قانون بانکداری اسلامی بدون ربا نه تنها اشکالی ندارد بلکه تا حد قابل توجهی از گرفتاری‌های موجود تولیدکنندگان نیز خواهد کاست.

۲. یکی دیگر از دلایل افزایش تقاضای وام، نرخ رشد جمعیت از طبقه نوجوانی به جوانی و جوانی به میان‌سالی بوده است و بدین جهت می‌توان ادعا کرد که در افزایش تقاضا برای تسهیلات بانکی رشد جمعیت جوان و بیکاری آن‌ها و به‌خصوص بیکاری اقشار تحصیل کرده نیز مؤثر بوده است.

هـ) بانک مرکزی در بیانیه‌ای که صادر کرده است حفظ رابطه ذیل، بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات را الزامی دانسته است:

هزینه‌های عملیاتی بانک - نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات = نرخ سود سپرده‌های بانکی.

حال اگر رابطه ارائه شده توسط بانک مرکزی را به صورت زیر بازسازی کنیم:

هزینه‌های عملیاتی بانک + نرخ سود سپرده‌های بانکی = نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات

با استناد به رابطه بالا حتی اگر نظر بانک مرکزی در خصوص نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات، مورد قبول واقع شود باز با استناد به مطالعاتی که درخصوص بهره‌وری و کارایی بانک‌ها صورت گرفته که با هزینه‌های عملیاتی بانک‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد، می‌توان نشان داد که به علت وجود ضعف‌های ذیل بهره‌وری بانکی طی سال‌های مختلف پایین بوده و موجب افزایش هزینه‌های عملیاتی بانکی به تبع آن افزایش هزینه‌های بانک‌ها و نرخ

سود مورد انتظار بانکها از تسهیلات شده است:^۱

۱. از دلایل بالا بودن Spread بانکی می‌توان به سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی (قانونی و دیداری)، اعمال محدودیت‌ها و سقف‌های اعتباری، تسهیلات تکلیفی و اعتبارات بخش دولتی و وجود هزینه‌های عملیاتی غیرضروری اشاره کرد. به عنوان مثال طبق برآوردهای بانک مرکزی در حدود ۲ درصد از Spread بانکی مربوط به سپرده‌های قانونی است که با کاهش نرخ مؤثر این سپرده‌ها از ۲۱ به ۱۶ درصد، انتظار می‌رود این Spread تا حدود ۱/۵ درصد کاهش یابد، که این تغییر می‌تواند در کاهش نرخ سود تسهیلات مؤثر باشد. همچنین سقف اعتبارات تکلیفی بسیار بالا یکی دیگر از دلایل افزایش Spread بانکی است که باید از طرف دولت کنترل شده و کاهش داده شود.

۲. دلیل دیگر بالا بودن Spread بانکی بالا بودن انتظار بانکها برای پوشش هزینه‌های ناکارایی خود از سود اکتسابی است که این عامل بر سپرده‌گذاران یا دریافت‌کنندگان تسهیلات اثر منفی می‌گذارد. به عبارتی بانکها هزینه ناکارآمدی خود را از سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات اخذ می‌نمایند.^۲

۳. یکی از مسائل بسیار مهمی که بهره‌وری بانکها را کاهش داده و موجب افزایش هزینه‌های عملیاتی آنها می‌شود، نظام بوروکراتیک و غیرمنعطف سیستم بانکی و کاغذبازی‌های غیرضروری است که در راستای اعطای تسهیلات یا افتتاح حساب برای سپرده‌گذاران و دریافت و پرداخت پول و... می‌باشد. در حالی که در کشورهای پیشرفته در این خصوص اکثر کارهای ذکر شده به واسطه کارت‌های اعتباری و بانکداری الکترونیک صورت می‌گیرد و هزینه عملیاتی چنین کارهایی بسیار پایین می‌باشد.

۱. موحّد نژاد، علی، دلایل کاهش میزان سود بانکی، مجله اقتصادی، شماره چهارم و پنجم، صص ۱-۱۰.

۲. بانکها در معرض داوری، مجله بانک و اقتصاد شماره ۳۳، صص ۱-۴.

۴. عدم وجود رقابت به معنای واقعی در بازار پولی، به طوری که اگر یک بانک خارجی با سرمایه مشترک ایران و یک کشور دیگر تأسیس شود، تمامی بانکهای دولتی را به علت پایین بودن بهره‌وری آنها از میدان خارج خواهد ساخت. چرا که بانکهای ایرانی در شرایط کنونی از رانت قدرت انحصاری استفاده می‌کنند و به همین علت انگیزه کافی برای بهبود کیفیت خدمات خود ندارند. (و) در عبارتی دیگر، بانک مرکزی برآورد نرخ Spread بانکی در شرایط کنونی که توسط ارائه کنندگان طرح در مجلس شورای اسلامی انجام شده است را دچار اشکال دانسته و آن را غیرمنطقی خوانده است.

در پاسخ باید عنوان کرد که نرخ که ارائه دهندگان طرح در خصوص Spread بانکی اعلام کرده‌اند (حدود ۱۰ درصد) برگرفته از تحقیقات کارشناسی و پژوهش‌های مختلف و به شرح ذیل می‌باشد:

۱. در مقاله‌ای که توسط علی موحدنژاد^۱ درخصوص «دلایل کاهش میزان سود بانکی در ایران» ارائه شده است با استناد به این موضوع که نرخ Spread بانکی در ایران ۱۱/۴ درصد برای سال ۱۳۷۹ بوده است، به منظور مرتفع شدن بخشی از دلایلی که منجر به افزایش Spread بانکی می‌شود، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی به اندازه ۲ تا ۳ درصد با اولویت بخشی‌های تولیدی پیشنهاد شده است.

۲. در مطالعه علمی دیگری که توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز صورت گرفته است،^۲ با استناد به اخذ جریمه دیرکرد نرخ سود ۱۸ درصد برای تسهیلات اعطایی، در عمل ۲۴ درصد برآورد شده است و از این طریق نرخ Spread بانکی را نیز ۱۰ درصد اعلام کرده است.

۱. همان منبع، ص ۴.

۲. همان منبع، ص ۳.

۳. در مطالعه اخیری هم که توسط قاسم صمیمی‌فر و یحیی ابطحی درخصوص محاسبه میزان تفاوت سود بانکی در ایران صورت گرفته است.^۱ با استفاده از روش مبتنی بر قبل از عملکرد میزان Spread بانکی ۱۰/۰۲ محاسبه شده است.

با عنایت به موارد بالا نظریه بانک محترم مرکزی درخصوص کم بودن Spread بانکی، غیرمنطقی به نظر می‌رسد و این تفاوت فاحش باید به صورت منطقی کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که ذکر شد ملاحظه می‌شود که کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی از طریق کم کردن Spread بانکی و بدون کاستن از سود سپرده‌های بانکی امری کاملاً عملی و قابل اجرای می‌باشد و نتایج مثبت زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱. تشویق سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و تقویت بازار بورس اوراق بهادار،
۲. آزاد شدن بیش‌تر منابع مالی تکلیفی دولتی جهت استفاده در طرح‌های عمرانی زیرساختی برای فراهم شدن زمینه برای سودآوری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،
۳. کم شدن فاصله نرخ سود بانکی کشور با کشورهای رقیب در امر صادرات غیرنفتی و تقویت صادرکنندگان داخلی،
۴. پایین آمدن هزینه تولید و به تبع آن قیمت تمام شده کالاها و خدمات

۱. صمیمی‌فر، قاسم و ابطحی یحیی، محاسبه میزان تفاوت سود بانکی در ایران، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۵، فروردین ۸۳، ص ۲۱.

داخلی و تقویت قدرت خرید مصرف‌کنندگان و هزینه‌های جاری دولتی،
۵. اجبار نظام بانکی به افزایش کارایی و استفاده گسترده‌تر از شیوه‌های
نوین بانکداری الکترونیکی و در نتیجه جذب سپرده‌های بیش‌تر توسط نظام
بانکی و تضعیف بازار غیرمتمثل پولی در کشور.

پیشنهادهای

با وجودی که انتظار نمی‌رود با کاهش سود تسهیلات بانکی به میزان موردنظر
طرح ارائه شده توسط مجلس شورای اسلامی مشکل عمده‌ای برای نظام بانکی
کشور ایجاد شود، اما در صورت وقوع چنین حالتی از طریق اقدامات زیر
می‌توان این مشکلات را برطرف نمود.

۱. کاهش نرخ سپرده قانونی بانک‌ها از طرف بانک مرکزی،
۲. صرفه‌جویی بانک‌ها در جهت کاهش هزینه‌های غیرضروری مانند
احداث و خرید ساختمان‌های متعدد و گران‌قیمت.
۳. متوقف کردن پرداخت‌های داوطلبانه بانک‌ها به سپرده‌گذاران بیش‌تر از
نرخ‌هایی که در قراردادهای مربوطه توافق شده است.
۴. متوقف کردن قرعه‌کشی برای حساب‌های قرض‌الحسنه و اعطای جوایز
گران‌قیمت که چهره بسیار نامطلوبی در حال حاضر به نظام بانکی کشور داده است.
۵. افزایش سود سپرده‌های قانونی بانک‌ها از طریق بانک مرکزی.

پیوست

جدول ۱. مقایسه حجم سپرده‌های مدت‌دار و نقدینگی طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۴
(میلیارد ریال)

سال	سپرده	رشد سپرده‌ها	حجم نقدینگی	رشد نقدینگی
۱۳۶۴	۲۹۰۴/۷	۲۷/۸	۹۰۰۲/۱	۱۳
۱۳۶۵	۳۷۱۲/۷	۲۲/۵	۱۰۷۲۲/۶	۱۹/۱۲
۱۳۶۶	۴۵۴۷/۲	۴۰/۶	۱۲۶۶۸/۲	۱۸/۱
۱۳۶۷	۶۳۹۳/۴	۲۵/۲	۱۵۶۸۷/۶	۲۳/۸
۱۳۶۸	۸۰۰۶/۸	۲۱/۱	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵
۱۳۶۹	۹۶۹۴/۷	۲۱/۱	۲۲۹۶۹/۵	۲۲/۵
۱۳۷۰	۱۱۷۳۹/۶	۲۴/۸	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶
۱۳۷۱	۱۴۶۴۶/۷	۳۰/۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۳
۱۳۷۲	۱۹۰۵۲/۷	۱۸/۲	۴۸۱۳۵	۳۴/۲
۱۳۷۳	۲۲۵۱۶/۹	۲۶/۲	۶۱۸۴۳/۹	۲۸/۵
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۲۶/۱	۸۵۰۷۲/۲	۳۷/۵
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۳۱/۴	۱۱۶۵۵۲/۶	۳۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۳۲/۵	۱۳۴۲۸۶/۳	۱۵/۲
۱۳۷۷	۶۲۴۲۸/۸	۲۷/۴	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۹/۴
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲	۲۹/۹	۱۹۲۶۸۹/۲	۲۰/۱
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۳۰	۲۴۹۱۱۰/۷	۲۹/۳
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۳۶/۵	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۸/۸
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۱/۸	۴۱۷۵۲۴	۳۰/۱
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۳۵/۴	۵۲۶۵۹۶	۲۶/۱

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نماگرها.

جدول ۲. مقایسه میزان سود واقعی با میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار

طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۴

سال	میزان سود مؤثر	میزان تورم	میزان سود واقعی	میزان رشد سپرده‌های مدت‌دار
۱۳۶۴	۶/۰۴	۷/۶	-۱/۵۶	—
۱۳۶۵	۶/۸۲	۲۳/۱	-۱۶/۲۸	۲۷/۸
۱۳۶۶	۶/۸	۲۴/۲	-۱۷/۴	۲۲/۵
۱۳۶۷	۶/۸۳	۲۵/۱	-۱۸/۲۷	۴۰/۶
۱۳۶۸	۶/۸۵	۱۶/۶	-۹/۷۵	۲۵/۲
۱۳۶۹	۷/۹	۸/۶	-۰/۷	۲۱/۱
۱۳۷۰	۸/۸۱	۲۰/۷	-۱۱/۸۹	۲۱/۱
۱۳۷۱	۱۰/۲۵	۲۴/۴	-۱۴/۱۵	۲۴/۸
۱۳۷۲	۱۱/۰۶	۲۲/۸	-۱۱/۷۴	۳۰/۱
۱۳۷۳	۱۱/۳	۳۵/۲	-۲۳/۹	۱۸/۲
۱۳۷۴	۱۲/۵	۴۹/۴	-۳۶/۹	۲۶/۲
۱۳۷۵	۱۲/۴	۲۳/۲	-۱۰/۸	۲۶/۱
۱۳۷۶	۱۲/۶	۱۷/۳	-۴/۷	۳۱/۴
۱۳۷۷	۱۲/۷	۱۸/۱	-۵/۴	۳۲/۵
۱۳۷۸	۱۲/۸۵	۲۰/۱	-۷/۲۵	۲۷/۴
۱۳۷۹	۱۲/۹۶	۱۲/۶	+۰/۳۶	۲۹/۹
۱۳۸۰	۱۱/۹	۱۱/۴	+۰/۵	۳۶/۵
۱۳۸۱	۱۱/۹	۱۵/۸	-۳/۹	۳۱/۸
۱۳۸۲	۱۱/۸	۱۵/۶	-۳/۸	۳۵/۴

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی.

جدول ۳. متوسط میزان سود مؤثر و مقایسه آن با میزان تورم

طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۰

عنوان	۱۳۶۰-۱۳۶۹	۱۳۷۰-۱۳۸۲
متوسط سود مؤثر	۷/۱	۱۱/۷۷
متوسط میزان تورم	۱۸/۰۱	۲۲/۰۵
متوسط سود مؤثر واقعی	-۱۰/۹۱	-۱۰/۲۸

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

جدول ۴: محاسبه میزان وزنی سود با احتساب سیر دههای مدتدار (سناریوی اول)

شرح	۱۳۹۳			۱۳۹۴			۱۳۹۵			۱۳۹۶		
	میزان	سهم میزان سود	میزان سود سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود سهم*	میزان	سهم میزان سود	میزان سود سهم*
سیر دههای کوتاه مدت	۵۳۷/۱۲۰۸۴۳	۸	۴/۲۹۶	۱۵۰۳۲/۳	۵۲/۹	۸	۵۲/۱۱۹۰۵/۱	۸	۴/۲۸۸	۵۱/۶۲۲۸۹/۷	۸	۴/۱۷۸
سیر دههای یکساله	۱۳۷۱	۶/۵	۱۱/۵	۲۰۰۷/۵	۷	۱۴	۷۸۷۳/۱	۸	۱/۱۲	۲۵۰۴	۷/۴	۱۴
سیر دههای دو ساله	۶۸۸/۶	۳/۱	۱۲/۵	۹۲۶/۸	۲۳	۱۵	۱۰۰۷/۸	۷/۸	۰/۴۲	۱۱۷۶/۶	۲/۵	۱۵
سیر دههای سه ساله	۵۲۱/۶	۲/۳	۱۴/۵	۶۱۵/۶	۲۲	۱۶	۶۹۱/۸	۱/۹	۰/۳۰۴	۸۶۲/۹	۱/۸	۱۶
سیر دههای پنجساله	۷۷۵/۴	۳۴/۴	۱۶	۹۸۳/۶	۳۶/۶	۸/۵	۱۲۲۴۳/۳	۳۴/۳	۱۸/۵	۳۶۷/۱۳۷۰/۶	۱۸/۵	۶/۷۸
جمع کل	۲۲۵۱/۶۹	۱۰۰	—	۲۸۴۱/۹	۱۰۰	—	۳۵۸۴/۱	۱۰۰	—	۴۹۱۰۳/۸	۱۰۰	—

ادامه جدول ۴

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹**			
	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود/سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود/سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود/سهم*
سپرددهای کوتاه مدت	۳۲۰۴۶	۵۱/۳۳	۸	۴/۱	۲۹۵۶۴	۴۹/۷	۸	۳/۸۸	۵۰۴۳۲/۸	۴۸/۸	۸	۲/۹
سپرددهای یکساله	۴۴۰۲/۱	۷/۰۵	۱۴	۰/۹۹	۵۹۶۵	۷/۵	۱۴	۱/۰۵	۷۹۵۲/۲	۷/۶۹	۱۴	۱/۰۸
سپرددهای دو ساله	۱۸۶۵	۲/۹۹	۱۵	۰/۴۵	۱۲۸۲	۱/۶	۱۵	۰/۳۴	۱۵۰۱/۷	۱/۴۵	۱۵	۰/۲۲
سپرددهای سه ساله	۱۰۲۱	۱/۶۴	۱۶	۰/۲۶	۱۲۱۰	۱/۵۲	۱۶	۰/۲۴	۱۵۲۳	۱/۳۷	۱۶	۰/۲۲
سپرددهای پنجساله	۲۳۰۹۴	۳۶/۹۹	۱۸/۵	۶/۸۴	۲۱۵۱۱	۳۹/۶	۱۸/۵	۷/۳۳	۴۱۸۵۲/۹	۴۰/۵	۱۸/۵	۷/۵
جمع کل	۶۲۳۲۹/۱	۱۰۰	—	۱۲/۶۴	۷۹۵۳۲	۱۰۰	—	۱۲/۸۴	۱۰۳۳۶۳/۶	۱۰۰	—	۱۲/۹۴

انامه جدول ۳

شرح	۱۳۸۰						۱۳۸۱						۱۳۸۲					
	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود**سهم	میزان سود**سهم	میزان سود**سهم	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود**سهم	میزان سود**سهم	میزان	سهم	میزان سود***	میزان سود**سهم	میزان سود**سهم	میزان سود***	میزان سود**سهم
سپرده‌های کوتاه‌مدت	۶۶۹۸۳	۲۷/۳	۷	۲/۳۱	۲/۳۱	۲/۳۱	۸۸۴۵۲/۶	۲۷/۶	۷	۲/۳۳	۲/۳۳	۱۱۹۸۰۰۹	۲۷/۶	۷	۲/۳۳	۲/۳۳	۱۱۹۸۰۰۹	۲۷/۶
سپرده‌های یکساله	۹۸۱۲/۶	۶/۵	۱۳	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۸۵	۱۱۲۷۲/۶	۶/۲	۱۳	۰/۸۱	۰/۸۱	۱۲۶۷۰/۶	۵/۸	۱۳	۰/۸۵	۰/۸۵	۱۲۶۷۰/۶	۵/۸
سپرده‌های دو ساله	۲۷۲۹/۴	۲/۶	۱۵	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۳۹	۵۸۸۶/۳	۲/۲	۱۵	۰/۲۸	۰/۲۸	۱۴۴۱۵/۸	۵/۷	۱۵	۰/۸۶	۰/۸۶	۱۴۴۱۵/۸	۵/۷
سپرده‌های سه ساله	۲۶۴۵	۲/۲	۱۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۴۲۵۸/۷	۲/۳	۱۵	۰/۳۵	۰/۳۵	۶۵۰۰/۵	۲/۶	۱۵	۰/۳۹	۰/۳۹	۶۵۰۰/۵	۲/۶
سپرده‌های پنج‌ساله	۵۸۵۵/۱	۴۱/۴	۱۷	۷/۰۴	۷/۰۴	۷/۰۴	۷۵۱۲۷/۸	۴۰/۸	۱۷	۶/۹۴	۶/۹۴	۹۴۲۷۷/۳	۳۸/۳	۱۷	۶/۵۱	۶/۵۱	۹۴۲۷۷/۳	۳۸/۳
جمع کل	۱۴۰۷۳۷/۱	۱۰۰	—	۱۱/۹۲	۱۱/۹۲	۱۱/۹۲	۱۸۵۴۰۰	۱۰۰	—	۱۱/۹۱	۱۱/۹۱	۲۴۹۶۲۲/۲	۱۰۰	—	۱۱/۸۴	۱۱/۸۴	۲۴۹۶۲۲/۲	۱۰۰

ملاحظه: گزارش اقتصادی و برنامه بانک مرکزی، گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

* این ستون در واقع متوسط وزنی نرخ‌های سود را به دست می‌دهد.

* * در سال ۱۳۷۹ تقریباً به ایجاد سپرده‌های مدت‌دار چهار ساله، مبلغ ۹۱ میلیارد ریال از سپرده‌های مدت‌دار مربوط به این سپرده‌ها است که تقریباً به سهم تأخیر آن در کل سپرده‌های مدت‌دار، در محاسبه سود موزن سال ۱۳۷۹ لحاظ نشده است.

* * میانگین حداقل و حداکثر نرخ برای سپرده‌های بیش از یکسال منظور شده است.

جدول ۵. محاسبه میزان وزنی سود یا احتساب سپرده‌های مدت‌دار و دیداری (سنتاریوی دوم)

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

شرح	۱۳۷۳			۱۳۷۴			۱۳۷۵			۱۳۷۶		
	میزان	سهم	میزان آن سود	میزان	سهم	میزان آن سود	میزان	سهم	میزان آن سود	میزان	سهم	میزان آن سود
سپرده‌های دیداری	۱۱۷۳۶/۳	۴۹	۰	۲۹۴/۳	۵۱/۶۳	۰	۳۳۰۵۵/۸	۵۳	۰	۳۳۷۹۲۳/۵	۵۰	۰
سپرده‌های کوتاه‌مدت	۱۲۰۸۴/۳	۳۷/۳	۸	۲۳۰۶۵۰۲۳/۳	۲۵/۶۱	۸	۱۹۰۵۱/۱	۲۳	۹/۲	۲۵۵۲۳۸۹/۷	۸	۲/۰۴
سپرده‌های یک‌ساله	۱۳۷۱	۲/۳	۱۱/۵	۲۰۰۷/۵	۲/۳	۱۴	۲۸۲/۱	۳/۶	۱۴	۲۷/۷	۱۴	۰/۵۱۸
سپرده‌های دو ساله	۶۸۸/۶	۱/۵	۱۳/۵	۹۳۶/۸	۱/۶	۱۵	۱۰۰۷/۸	۱/۳۸	۱۵	۱۱۳۲/۵	۱۵	۰/۱۸۳
سپرده‌های سه ساله	۵۲۱/۶	۱/۲	۱۴/۵	۶۱۵/۶	۱/۰۴	۱۶	۶۷۱/۸	۰/۸۵	۱۶	۸۶۶/۹	۱۶	۰/۱۴۵
سپرده‌های پنج‌ساله	۷۷۵۱/۴	۱۷/۵	۱۶	۹۸۳/۶	۱۶/۷	۱۸/۵	۲۲۳۲/۳	۱۵/۵	۱۸/۵	۱۸۲۱۷۳۲۷/۵	۱۸/۵	۲/۳۶۷
جمع کل	۳۳۳۸/۱	۱۰۰	—	۵۸۷۱/۱	۱۰۰	—	۲/۱	—	—	۵/۶۲۲	—	۶/۲۵۳

ادامه جدول ۵

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹			
	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود × سهم*
سپرده‌های دیناری	۵۶۰۱۱/۳	۳۷/۳	۰	۰	۶۳۶۳۱/۷	۳۳/۸	۰	۰	۸۹۳۶۲/۲	۳۶/۴	۰	۰
سپرده‌های کرتاهمدت	۳۲۰۴۶	۲۷/۱	۸	۲/۱۱۷	۳۹۵۶۴	۲۷/۴	۸	۲/۲	۵۰۴۴۲/۸	۲۶/۲	۸	۲/۱
سپرده‌های یکساله	۴۴۰۲/۱	۲/۷	۱۴	۰/۵۲	۵۹۶۵	۴/۱	۱۴	۰/۵۷	۷۹۵۲/۳	۴/۱	۱۴	۰/۵۷
سپرده‌های دو ساله	۷۸۵۵	۱/۵۷	۱۵	۰/۲۳	۱۲۸۲	۰/۹	۱۵	۰/۱۴	۱۵۰۱/۷	۰/۸	۱۵	۰/۱۲
سپرده‌های سه ساله	۱۰۲۱	۰/۸۶	۱۶	۰/۱۴	۱۲۱۰	۰/۸۴	۱۶	۰/۱۳	۱۵۳۳	۰/۸	۱۶	۰/۱۲
سپرده‌های پنج ساله	۲۳۰۹۴	۱۹/۵	۱۸/۵	۲/۶	۳۱۵۱۱	۲۱/۹	۱۸/۵	۴/۰۵	۴۱۸۵۲/۹	۲۱/۷	۱۸/۵	۴/۰۱
جمع کل	۱۱۸۴۳۰/۴	۱۰۰	—	۶/۶۷	۱۳۴۱۶۳/۷	۱۰۰	—	۷/۰۹	۱۹۲۵۳۴/۸	۱۰۰	—	۶/۹۳

ادامه جدول ۵

شرح	۱۳۸۰				۱۳۸۱				۱۳۸۲			
	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود ^۱ سهم	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود ^۱ سهم	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود ^۱ سهم
سپردهای دیداری	۱۱۳۷۶۸	۳۳/۷	۰	۰	۱۳۷۸۷۲/۶	۳۳/۳	۰	۰	۱۷۸۶۳۲/۳	۴۱/۷	۰	۰
سپردهای کوتاه مدت	۶۶۹۸۳	۲۶/۳	۷	۱/۸۳	۸۸۳۵۲/۶	۲۶/۶	۷	۱/۸۶	۱۱۹۸۰۹	۲۸	۷	۱/۹۶
سپردهای یکساله	۹۸۱۴/۶	۲/۹	۱۳	۰/۵۱	۱۱۳۲۲/۶	۲/۳	۱۳	۰/۳۴	۱۳۶۷۰/۶	۲/۳	۱۳	۰/۳۴
سپردهای دو ساله	۲۲۲۹/۴	۱/۱	۱۵	۰/۱۷	۵۸۸۶/۳	۱/۸	۱۵	۰/۲۷	۱۳۴۱۵/۸	۲/۳	۱۵	۰/۵۱
سپردهای سه ساله	۲۶۴۵	۱	۱۵	۰/۱۵	۴۲۵۸/۷	۱/۳	۱۵	۰/۲	۶۵۰۰/۵	۱/۵	۱۵	۰/۲۳
سپردهای پنجساله	۵۸۵۵/۱	۲۳	۱۷	۲/۹۱	۷۵۱۲۷/۸	۲۲/۵	۱۷	۲/۸۳	۹۳۲۷۷/۳	۲۲	۱۷	۲/۷
جمع کل	۲۵۳۵۰۵/۱	۱۰۰	—	۶/۵۷	۳۳۳۰۷۲/۶	۱۰۰	—	۶/۵۹	۳۲۸۲۲۷/۵	۱۰۰	—	۶/۸۸

ساخته گزارش اقتصادی و ترانزنامه بانک مرکزی، گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

* این ستون در واقع متوسط وزنی نرخهای سپرده را به دست می دهد.

* از سال ۱۳۷۹ نظر به ایجاد سپرده های مدت دار چهار ساله و نظر به سهم ناچیز آن در کل سپرده های مدت دار، در محاسبه سود موزون از سال ۱۳۷۹ به بعد لحاظ نشده است.

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

جدول ۶ محاسبه میزان (نرخ) وزنی سود با احتساب سپرده‌های مدت‌دار، دیداری و متفرقه (بسیار بزرگ سود)

شرح	۱۳۷۳			۱۳۷۴			۱۳۷۵			۱۳۷۶		
	میزان *	سهم	میزان سود	میزان سود	سهم	میزان سود	میزان سود	سهم	میزان سود	میزان سود	سهم	میزان سود
سپرده‌های دیداری	۶۹	۶۱۳۱/۲	۰	۳۲/۳۳-۲۹۴/۳	۰	۳۲/۳۳-۵۵/۸	۳۲/۳۳-۵۵/۸	۰	۳۲/۳۸	۲۹۹۲۳/۵	۰	۳۲/۳۸
سپرده‌های متفرقه	۵۳۰۰/۵	۳۲/۷۷	۰	۱۵/۹۱۱۰-۷۱/۸	۰	۱۸/۹۱۱۸۳۹۴/۵	۱۸/۹۱۱۸۳۹۴/۵	۰	۱۳/۷۸	۱۵۱۸۵/۶	۰	۱۳/۷۸
سپرده‌های کوتاه مدت	۱۰۰/۸۱۲۰۰۸۴/۴	۱۰/۸۱	۸	۳۱/۵۱۵۰-۳۲/۳	۸	۱۹/۵۸۱۹-۵۱/۸	۱۹/۵۸۱۹-۵۱/۸	۸	۳۲/۰۴	۲۳۲۸۸/۷	۸	۳۲/۰۴
سپرده‌های یکساله	۱۳۷۱	۲۲/۳۴	۱۶/۵	۲۰۰۰۷/۵	۲/۸۸	۲۸۷۲/۱	۲/۹۵	۱۴	۲۵۳۶/۲	۲۵۳۶/۲	۱۴	۲۵۳۶/۲
سپرده‌های دوساله	۶۸۸/۶	۲۹/۶	۱۳/۵	۹۳۶/۸	۱/۳۴	۱۰۰۷/۸	۱/۰۴	۱۵	۱۶۹۲/۵	۱۶۹۲/۵	۱۵	۱۶۹۲/۵
سپرده‌های سه‌ساله	۵۲۱/۶	۱/۲۹	۱۴/۵	۴۱۵/۶	۰/۸۸	۶۷۱/۸	۰/۶۹	۱۶	۸۶۶/۹	۸۶۶/۹	۱۶	۸۶۶/۹
سپرده‌های پنج‌ساله	۷۷۵۱/۴	۱/۰۵	۱۶	۹۸۳۲/۶	۱۳/۱	۱۲/۵۸۱۲۳۴۳/۳	۱۲/۵۸۱۲۳۴۳/۳	۸/۵	۱۵/۶۵	۱۷۳۲۷/۵	۸/۵	۱۵/۶۵
جمع کل	۱۵/۶۱۳۹۶۳۸/۶	۱۰۰	۵/۱۳	۹۸۷۸۷/۸	۱۰۰	۹۸۷۸۷/۳	۹۸۷۸۷/۳	—	۱۰۰	۱۱۰۲۱۲/۹	—	۱۰۰

ادامه جدول ۶

شرح	۱۳۷۷				۱۳۷۸				۱۳۷۹ ^{***}			
	میزان*	سهم	میزان سود	میزان سود و سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود و سهم*	میزان	سهم	میزان سود	میزان سود و سهم*
سپرده‌های دیناری	۵۶۰۱۱/۳	۳۳/۳۵	۰	۰	۶۳۶۳۱/۷	۴۱/۸۹	۰	۰	۸۹۳۶۲/۳	۴۴/۲۳	۰	۰
سپرده‌های مترقیه	۱۰۷۶۸	۸/۲۳	۰	۰	۱۰۱۱۰/۲	۶/۵۵	۰	۰	۹۳۱۲/۲	۴/۶	۰	۰
سپرده‌های کوتاه مدت	۳۲۰۲۶	۲۳/۸	۸	۱/۹۸	۳۹۵۶۴	۲۵/۶۵	۸	۲/۰۵	۵۰۳۳۲/۸	۲۴/۹۹	۸	۱/۹۹
سپرده‌های یکساله	۴۳۰۳/۱	۲/۴۱	۱۳	۰/۴۸	۵۹۶۵	۲/۸۷	۱۳	۰/۵۳	۷۹۵۷/۲	۳/۹۴	۱۳	۰/۵۵
سپرده‌های دو ساله	۱۸۶۵	۱/۳۴	۱۵	۰/۳۲	۱۲۸۲	۰/۸۳	۱۵	۰/۱۲	۱۵۰۱/۷	۰/۷۴	۱۵	۰/۱۱
سپرده‌های سه ساله	۱۰۲۱	۰/۷۹	۱۶	۰/۱۳	۱۲۱۰	۰/۷۸	۱۶	۰/۱۲	۱۵۲۳	۰/۷۵	۱۶	۰/۱۲
سپرده‌های پنج ساله	۲۳۰۹۴	۱۷/۸۷	۱۸/۵	۲/۳۱	۳۱۵۱۱	۲۰/۳۳	۱۸/۵	۲/۷۸	۴۱۸۵۲/۹	۲۰/۷۳	۱۸/۵	۳/۸۴
جمع کل	۱۲۹۲۰۸/۳	۱۰۰	—	۶/۱۲	۱۵۳۲۷۳/۹	۱۰۰	—	۶/۶۱	۲۰۱۸۴۷	۱۰۰	—	۶/۶۱

ادامه جدول ۴

شرح	۱۳۸۰			۱۳۸۱			۱۳۸۲		
	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود	نرخ سود × سهم	میزان	سهم	نرخ سود	نرخ سود × سهم
سپردهای دیداری	۱۱۳۷۶/۸	۴۳/۳	۰	۰	۱۳۷۸۷۲/۶	۱۷۸۶۲۲/۳	۴۰/۶	۰	۰
سپردهای منقرقه	۷۰۸۶/۶	۲/۷	۰	۰	۱۰۹۰۰/۹	۱۱۷۸۵/۴	۲/۷	۰	۰
سپردهای کوتاه مدت	۶۶۹۸۲	۲۵/۶	۷	۷	۸۸۴۵۲/۶	۱/۸	۲۷/۲	۷	۱۹۸۰۰۹
سپردهای یکساله	۹۸۱۲/۶	۲/۸	۱۳	۱۳	۱۱۲۷۲/۶	۰/۴۴	۳/۳	۱۳	۱۳۶۷۰/۶
سپردهای دوساله	۲۷۳۹/۴	۱	۱۵	۱۵	۵۸۸۶/۳	۰/۲۶	۳/۳	۱۵	۱۳۴۱۵/۸
سپردهای سه ساله	۲۶۴۵	۱	۱۵	۱۵	۴۲۵۸/۷	۰/۱۸	۱/۵	۱۵	۶۵۰۰/۵
سپردهای پنجساله	۵۸۵۵/۱	۳۲/۴	۱۷	۱۷	۷۵۱۲۷/۸	۲/۷۱	۲۱/۴	۱۷	۹۴۲۷۷/۳
جمع کل	۲۶۱۵۹/۷	۱۰۰	—	—	۳۳۳۹۷۳/۵	۶/۳۸	۱۰۰	—	۴۳۰۰۹۲/۹

منابع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، گزارش تحولات پولی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی.

فاین: ستون در واقع متوسط وزنی میزان سود را به دست می دهد.

• در ۱۳۷۹ نظر به اینکه سپرده های مدت دار چهار ساله مبلغ ۹۱ میلیارد ریال از سپرده های مدت دار مربوط به این سپرده های مدت دار، در محاسبه سود موزون سال ۱۳۷۹ لحاظ نشده است.

جدول ۷. تغییرات مانده تسهیلات اعطایی در بخش‌های مختلف در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۳-۱۳۷۲ و محاسبه میزان (نرخ) وزنی سود (ارقام به میلیارد ریال و درصد)

شرح	۱۳۷۳				۱۳۷۲				۱۳۷۵			
	میزان تغییر در مانده*	سهام	میزان سود**	نرخ سود***	میزان تغییر در مانده*	سهام	میزان سود**	نرخ سود***	میزان تغییر در مانده*	سهام	میزان سود**	نرخ سود***
کتاب‌داری	۹۶۸/۷	۱۷	۱۴	۲/۳۸	۱۶۶۷/۹	۲۱	۱۴/۵	۲/۴۵	۲۳۵۵/۶	۱۹/۹	۱۴/۵	۲/۸۸
مسکن و مساهقان	۱۸۳۵۷/۳۴	۳۷/۴	۱۵	۴/۸۵	۱۶۶۸/۲	۲۰/۵	۱۵/۵	۲/۱۸	۲۵۲۹/۶	۲۰/۵	۱۵/۵	۳/۱۷۷
صنعت و معدن	۱۹۰۲/۲	۳۳/۴	۱۷	۵/۶۸	۲۸۰۲/۷	۳۵/۳	۱۸	۶/۳۵	۴۹۹۷/۵۸	۳۰/۵	۱۸	۷/۲۹
بازرگانی و خدمات	۹۷۹/۵۷	۱۷/۳	۲۱	۲/۶۱۲	۱۰۴۸/۴	۱۲/۲	۲۳/۵	۲/۱	۲۳۵۶/۸۸	۱۹/۱	۲۳/۵	۴/۳۸۸
جمع کل	۵۶۹۵/۲	۱۰۰	—	۱۶/۵۳	۷۹۲۷/۵	۱۰۰	—	۱۵/۶۷	۱۲۳۹/۷	۱۰۰	—	۱۷/۸۳۵

ادامه جدول ۷

شرح	۱۳۹۶				۱۳۹۷				۱۳۹۸			
	میزان تغییر در مانده	سهم	نرخ سود	نرخ سود «سهم»*	میزان تغییر در مانده*	سهم	نرخ سود**	نرخ سود «سهم»***	میزان تغییر در مانده	سهم	نرخ سود	نرخ سود «سهم»*
کشاورزی	۲۵۲۲/۱	۲۷/۴	۱۴/۵	۲/۹۷	۴۹۴۰/۲	۲۶	۱۴/۵	۲/۷۷	۷۹۴۱/۹	۲۵	۱۴/۵	۲/۶۲
مسکن و مساهتمان	۳۳۵/۴	۳۶/۱	۱۵/۵	۵/۶	۶۴۶۰/۴	۳۴	۱۵/۵	۵/۲۷	۹۲۱۲/۶	۲۹	۱۵/۵	۲/۲۹
صنعت و معین	۱۴۲۷/۹	۱۵/۵	۱۸	۲/۸	۲۶۸۶/۲	۱۹/۴	۱۸/۵	۲/۵۹	۱۰۶۴۲/۲	۳۳/۵	۱۸	۶/۰۳
بازرگانی و خدمات	۱۹۳۴/۵	۲۱	۲۳/۵	۴/۹۴	۳۹۱۴/۲	۲۰/۶	۲۳/۵	۴/۷۲	۳۹۷۰/۹۴	۱۲/۵	۲۲/۵	۲/۸۳
جمع کل	۹۲۱۲/۱	۱۰۰	—	۱۷/۳	۱۹۰۰۱/۱	۱۰۰	—	۱۷/۲۵	۳۱۷۶۷/۷	۱۰۰	—	۱۷/۰۷

ادامه جدول ۷

شرح	۱۳۸۹			۱۳۸۰			۱۳۸۱			۱۳۸۲		
	میزان تغییر در مانده	سهم	نرخ سود	نرخ سود ^{**} سهم	سهم	نرخ سود	نرخ سود ^{**} سهم	سهم	نرخ سود ^{**} سهم	سهم	نرخ سود ^{**} سهم	نرخ سود ^x سهم
کشاورزی	۵۰۵۰/۳	۲۰/۲	۱۵	۲/۰۳	۱۸/۷	۱۸/۷	۱۳/۵	۲/۹۴	۱۷	۱۳/۵	۲/۳	۲/۳
مسکن و ساختمان	۷۴۰۰/۶	۲۹/۶	۱۵/۵	۴/۵۹	۲۶/۳	۲۶/۳	۲۹/۲	۱۳/۵	۲۰/۷	۲۶/۸	۱۵	۲/۱۱
صنعت و معدن	۶۵۵۰/۵	۲۶/۲	۱۸	۴/۷۲	۳۹/۱	۳۹/۱	۲۸	۱۶	۲۶/۸	۱۶	۵/۸۹	۵/۸۹
بازرگانی و خدمات	۶۰۰۰/۵	۲۴	۲۳/۵	۵/۴۴	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۱	۲۲	۲۵/۵	۲۱	۵/۳۶	۵/۳۶
جمع کل	۲۵۰۰۰۲	۱۰۰	—	۱۷/۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵/۶۷	۱۵/۶۷	۱۰۰	—	۱۶/۶۶

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی.

* بدون سود در آمد سال های آتی و تنها جهت اطلاعات تکمیلی طی سال های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ آمده است.

** نرخ سود به صورت میانگین حداقل و حداکثر میزان سود مورد انتظار بخش ها محاسبه شده است.

*** این ستون در واقع میانگین وزنی میزان سود تسهیلات را به دست می دهد.

جدول ۸. مقایسه میزان (نرخ) سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی در سناریوهای مختلف

شرح	میانگین وزنی میزان (نرخ)های سود سپرده‌ها			سپرده‌های مدت‌دار	سپرده‌های مدت‌دار و جاری	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار و متفرقه
	میانگین وزنی نرخ‌های سود تسهیلات	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار	با احتساب سپرده‌های مدت‌دار و جاری				
III Spread بانکی با احتساب سپرده‌های مدت‌دار جاری و متفرقه	۱۱/۴	۵/۲	۱۶/۵	۵/۱	۵/۷	۱۱/۳	۱۲۷۳
	۱۰/۶	۲/۲	۱۵/۷	۵/۱	۶/۱	۱۲/۵	۱۲۷۴
	۱۲/۲	۵/۴	۱۷/۸	۴/۶	۵/۶	۱۲/۴	۱۲۷۵
	۱۱/۹	۴/۸	۱۷/۳	۵/۴	۶/۳۰	۱۲/۶	۱۲۷۶
	۱۱/۴	۴/۸	۱۷/۴	۶	۶/۷	۱۲/۶	۱۲۷۷
	۱۰/۵	۴/۳	۱۷/۱	۶/۶	۷/۱	۱۲/۸	۱۲۷۸
	۱۱/۴	۵/۱	۱۸	۶/۶	۶/۹	۱۲/۹	۱۲۷۹
	۱۰/۷	۵/۲	۱۷/۱	۶/۴	۶/۶	۱۱/۹	۱۲۸۰
	۹/۳	۲/۸	۱۵/۷	۶/۴	۶/۶	۱۱/۹	۱۲۸۱
	۱۰	۴/۹	۱۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۹	۱۱/۸

مأخذ: نتائج محاسبات جداول

(ارقام به درصد)

جدول ۹. نرخ‌های سود بانکی و تورم در برخی کشورهای طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۹

کشور	۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲			۲۰۰۳		
	تسهیلات	سوددها	تورم	سوددها	سوددها	تورم	سوددها	تسهیلات	سوددها	سوددها	تورم	سوددها	تسهیلات	سوددها	تورم
آمریکا	۸	۵/۳۴	۷/۲	۷/۰۳	۹/۲	۶/۵	۶/۴	۳/۱	۷	۳/۷	۱/۸	۰/۹	۴/۷	۱/۳	۱/۳
انگلیس	۵/۳	—	۱/۶	—	۶	—	۷/۹	—	۵/۱	—	۱/۸	—	۳/۷	—	۲/۹
فرانسه	۶/۴	۲/۷	۰/۵	۲/۲	۶/۷	۲/۶	۱/۷	۰/۹	۷	۳	۱/۷	۱/۳	۶/۶	۱/۷	۲/۱
کره	۹/۴	۷/۹	۰/۸	۷/۱	۸/۵	۷/۹	۲/۳	۵/۶	۷/۷	۵/۸	۴/۰	۱/۸	۶/۸	۲/۱	۲/۳
چین	۵/۹	۲/۲	۰/۴	۲/۷	۵/۹	۲/۳	۰/۳	۲	۵/۹	۲/۳	۰/۵	۱/۸	۵/۳	۲	—
اندونزی	۲۷/۷	۲۵/۷	۲۰/۳	۵/۴	۸/۵	۱۲/۵	۴/۵	۸	۸/۶	۱۵/۵	۱۲/۰	۲/۵	۱۶/۹	۱۰/۶	۵/۹
مالزی	۸/۶	۴/۱	۲/۳	۷/۴	۷/۷	۲/۴	۲/۱	۰/۳	۷/۱	۲/۴	۲/۳	۰/۵	۶/۳	۲/۱	۵/۷
مکزیک	۲۵/۹	۹/۶	۱۶/۶	۰/۱۰	۸/۲	۶/۳	۹/۵	۲/۲	۱۲/۸	۲/۷	۲/۳	۰/۶	۶/۸	۲/۱	۴/۶
ونزوئلا	۳۷/۱	۲۱/۳	۲۲/۶	۰/۳	۲۵/۲	۱۶/۳	۱۶/۲	۰/۱	۲۲/۵	۱۵/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۲/۴	۱۷/۲	۲۱/۲
ترکیه	—	۷۸/۴	۲۴/۹	۱۳/۵	—	۲۷/۲	۵۴/۹	۰/۷	—	۲۷/۷	۵۴/۴	۲۰/۳	—	۳۷/۷	۷۶/۹
آرژانتین	۱۱/۰	۸/۱	۰/۳	۹/۳	۱۱/۱	۸/۳	۰/۹	۹/۲	۲۷/۷	۱۶/۲	۰/۱	۱۶/۲	۱۶/۲	۱۰/۲	۱۲/۴
برزیل	۸۰/۳	۲۶	۴/۹	۲۷/۱	۵۶/۸	۱۷/۲	۷/۱	۰/۱	۵/۶	۱۶/۹	۱۶/۹	۱۶/۹	۶/۷	۲۲	۱۲/۸
سنگاپور	۵/۸	۱۷/۶	۰/۰	۱/۷	۵/۸	۱/۷	۱/۴	۰/۳	۵/۷	۵/۷	۱/۵	۰/۵	۵/۳	۰/۵	۰/۵
شیلی	۱۶/۸	۸/۶	۲/۳۴	۵/۲۶	۱۴/۹	۹/۲	۳/۸	۵/۴	۱۱/۹	۶/۲	۲/۶	۱/۳	۶/۲	۲/۷	۲/۹
میانمار	۱۶/۸	۱۱/۰	۱۸/۴	۰/۴	۱۵/۳	۹/۸	۰/۱	۹/۷	۱۵/۰	۹/۵	۲/۱	۰/۱۶	۱۵/۰	۹/۵	—
تایلند	۲۱/۹	۷/۸	۷/۹	۰/۱	۲۱/۶	۷/۳	۵/۹	۵/۱	۲۰/۳	۴/۸	۵/۱	۰/۳	۱۴/۵	۲/۱	۴/۵
بحرین	۱۱/۹	۴/۸	۰/۴	۶/۲	۱۱/۷	۵/۸	۰/۷	۶/۵	۱۰/۸	۲/۷	۰/۲	۰/۱	—	—	—

منبع: International Financial statistics

جدول ۱۰. نرخ‌های Spread بانکی در ایران و برخی از کشورهای جهان
 طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۲ (ارقام به درصد)

کشور	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
امریکا	۲/۶۶	۲/۷	۳/۳	۲/۹۷	۲/۹
فرانسه	۳/۷	۴/۱	۴	۳/۶	۳/۹
کره	۱/۵	۰/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۹
چین	۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۳	۳/۳
اندونزی	۲/۰	۶	۳/۱	۳/۵	۶/۳
مالزی	۴/۵	۴/۳	۳/۷	۳/۳	۳/۲
مکزیک	۱۶/۳	۱۱/۹	۹/۲	۶/۵	۳/۸
ونزوئلا	۱۰/۸	۸/۹	۷	۷/۶	۷/۹
آرژانتین	۲/۹	۲/۸	۱۱/۵	۱۲/۴	۹
برزیل	۵۴/۴	۳۹/۶	۳۹/۷	۴۳/۵	۴۵/۱
سنگاپور	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۵	۴/۸
شیلی	۴	۵/۷	۵/۷	۴	۳/۵
میانمار	۵/۱	۵/۵	۵/۵	۵/۵	۵/۵
تانزانیا	۱۴/۱	۱۴/۲	۱۵/۵	۱۳/۱	۱۱/۴
بحرین	۷/۱	۵/۹	۸/۱	۷/۲	—

مأخذ: International Financial statistics.

جدول ۱۱. نرخ‌های سود تسهیلات بانکی طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۸۳ (درصد در سال)

سال	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی، خدمات و متفرقه	صادرات
۱۳۵۲	۵-۱۱	۸-۱۱	۸-۱۱	۱۳	۱۳
۱۳۵۳-۱۱/۱	۵-۱۱	۸-۱۱	۸-۱۱	۱۳	۹
۱۳۵۴-۵/۲۵	۵-۱۱	۸-۱۱	۸-۱۱	۱۳	۹
۱۳۵۵-۲/۱۹	۵-۱۱	۹-۱۱	۹-۱۱	۱۳	۹
۱۳۵۶-۳/۲۵	۵-۱۲	۹-۱۲	۹-۱۲	۱۴	۹
۱۳۵۷	۵-۱۲	۹-۱۲	۹-۱۲	۱۴	۹
۱۳۵۸	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۵۹	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۰	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۱	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۲	۴-۸	۶-۱۰	۴-۸	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۳	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۴	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۵	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۶	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۷	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۸	۴-۸	۶-۱۰	۸-۱۲	۸-۱۲	۸-۱۲
۱۳۶۹	۶-۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۴	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹
۱۳۷۰	۶-۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۶ ^(۱)	حداقل ۱۸	حداقل ۱۸

سال	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی، خدمات و متفرقه	صادرات
۱۳۷۱	۹	۱۳	^(۱) ۱۲-۱۶	حداقل ۱۸	حداقل ۱۸
۱۳۷۲	۱۲-۱۶	۱۶-۱۸	^(۱) ۱۲-۱۶	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۳	۱۲-۱۶	۱۶-۱۸	^(۲) ۱۵	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۴	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	^(۳) ۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۵	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۶	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۷	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۸	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۹	۱۳-۱۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۸۰	۱۴-۱۵	۱۶-۱۸	۱۵-۱۶	(حداقل) ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۳-۱۴	۱۵-۱۷	۱۴-۱۵	(حداقل) ۲۲	۱۷
۱۳۸۲	۱۳/۵	۱۶	۱۵	(حداقل) ۲۱	^(۵) ۱۵
۱۳۸۳	۱۳/۵	۱۵	^(۴) ۱۵	(حداقل) ۲۱	۱۴

۱. براساس متراژ واحد مسکونی.

۲. از بهمن ماه ۱۳۷۲.

۳. از سال ۱۳۷۴ نرخ پایین مربوط به رعایت الگو و نرخ بالا مربوط به عدم رعایت الگوی مسکن است.

۴. نرخ سود تسهیلات مسکن بدون سپرده‌گذاری معادل ۱۸ درصد است.

۵. نرخ سود بخش صادرات تا مهر ماه سال ۱۳۸۲ معادل ۱۶ درصد و سپس به ۱۵ درصد تقلیل یافت.

جدول ۱۲. نرخ‌های سود سپرده‌های بانکی طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۸۳

(درصد در سال)

سال	تورم	سپرده‌های مدت‌دار (سرمایه‌گذاری)			
		پنج‌ساله	چهارساله	سه‌ساله	دو ساله
۱۳۵۲					یکساله و بیشتر ۸ ۹
۱۳۵۳					یکساله و بیشتر ۸ ۹
۱۳۵۴					یکساله و بیشتر ۸ ۹
۱۳۵۵					یکساله و بیشتر ۸ ۹
۱۳۵۶					یکساله و بیشتر ۹ ۱۰
۱۳۵۷	۹/۹۴				یکساله و بیشتر ۹ ۱۰
۱۳۵۸	۱۱/۳				یکساله و بیشتر ۷ ۸/۵
۱۳۵۹	۲۳/۶				یکساله و بیشتر ۷ ۸/۵
۱۳۶۰	۲۳				یکساله و بیشتر ۷ ۸/۵
۱۳۶۱	۱۹/۱				یکساله و بیشتر ۷ ۸/۵
۱۳۶۲	۱۴/۸				یکساله و بیشتر ۷ ۸/۵
۱۳۶۳	۱۰/۴				یکساله و بیشتر ۷/۲ ۹
۱۳۶۴	۶/۸				یکساله و بیشتر ۶ ۸
۱۳۶۵	۲۳/۸				یکساله و بیشتر ۶ ۸/۵
۱۳۶۶	۲۷/۷				یکساله و بیشتر ۶ ۸/۵
۱۳۶۷	۲۸/۹				یکساله و بیشتر ۶ ۸/۵

سال	تورم	سپرده‌های مدت‌دار (سرمایه‌گذاری)			
		پنج‌ساله	چهارساله	سه‌ساله	دو ساله
۱۳۶۸	۱۷/۴				۶ ۸/۵ یکساله و بیشتر
۱۳۶۹	۸/۹۸	۱۳		۱۱	۹ ۶/۵
۱۳۷۰	۲۰/۷	۱۴		۱۱/۵	۱۰/۵ ۹ ۶/۵
۱۳۷۱	۲۴/۴	۱۵		۱۳	۱۱/۵ ۱۰ ۷/۵
۱۳۷۲	۲۲/۹	۱۶		۱۴/۵	۱۲/۵ ۸ ۱۱/۵
۱۳۷۳	۲۵/۲	۱۶		۱۴/۵	۱۲/۵ ۸ ۱۱/۵
۱۳۷۴	۴۹/۴	۱۸/۵		۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۷۵	۲۳/۲	۱۸/۵		۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۷۶	۱۷/۳	۱۸/۵		۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۷۷	۲۰	۱۸/۵		۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۷۸	۲۰/۱	۱۸/۵		۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۷۹	۱۲/۶	۱۸/۵	۱۷	۱۶	۱۵ ۱۴ ۸
۱۳۸۰	۱۱/۴	۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷ ۱۳ ۷
۱۳۸۱	۱۵/۸	۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷ ۱۳ ۷
۱۳۸۲	۱۵/۶	۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷ ۱۳ ۷
۱۳۸۳		۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷ ۱۳ ۷

مصاحبه با دکتر داوود دانش جعفری*

• آقای دکتر، اصولاً انگیزه نمایندگان مجلس از طراحی و تقدیم طرح منطقی کردن نرخ سود بانکی چه بود؟

در کشور ما به دلیل بالا بودن نرخ سود بانکی، تولید کالاها و خدمات گران‌تر از کشورهای رقیب‌مان تمام می‌شود به همین دلیل افراد به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و تولیدی، به بخش‌های دیگر مانند خرید اوراق مشارکت روی می‌آورند تا از شرایط خاص آن مانند معافیت از مالیات و امنیت بالا و تضمین شده توسط دولت، بهره‌مند شوند.

در حال حاضر با توجه به هزینه‌هایی مانند مالیات، تأمین اجتماعی، عوارض تجمیع شده، نرخ سود بانکی، عدم امنیت و ... تولیدکننده ایرانی باید حداقل سودی در حد ۴۰ درصد داشته باشد تا پس از کسر مالیات بتواند هزینه‌های خود را پوشش دهد و ۱۷ درصد نیز سود ببرد.

در حال حاضر با توجه به نرخ بسیار بالای سود بانکی، فعالیت‌های مولد

* رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

اقتصادی مقرون به صرفه نیست و خیلی مشکل می‌توان واحد تولیدی‌ای را پیدا کرد که ۴۰ درصد سوددهی داشته باشد. به همین دلیل هم هست که در زمینه تولید و اشتغال در ایران با مشکل جدی مواجه هستیم. همه این دلایل باعث شد که نمایندگان مجلس طرح منطقی کردن نرخ سود بانکی را طراحی و تقدیم کنند.

● اختلاف نظر مجلس و بانک مرکزی درباره نرخ سود بانکی دقیقاً چیست؟

من تصور می‌کنم مدیران محترم بانک مرکزی هم با نمایندگان مجلس درباره ضرورت کاهش هزینه‌های تولید هم عقیده هستند. فقط اختلاف‌نظر در نحوه کاهش نرخ سود تسهیلات است. بانک مرکزی معتقد است راهکار کاهش هزینه تولید، پایین آوردن نرخ سود بانکی نیست. مسئولین بانک مرکزی معتقدند نرخ سود بانکی باید کمتر از نرخ تورم باشد و اگر بخواهیم نرخ سود بانکی را کاهش دهیم، اول باید نرخ تورم را پایین بیاوریم. اما چه کسی مسئول پایین آوردن نرخ تورم است؟ تجربه سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که اگر بانک مرکزی از استقلال لازم برخوردار باشد، در مهار تورم موفق‌تر عمل خواهد کرد. استقلال بانک مرکزی خصوصاً در مواردی که دولت برای تأمین هزینه‌های خود اقدام به اعمال سیاست خاصی کرده و از آن طریق منجر به افزایش نقدینگی می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگر بانک مرکزی استقلال کافی نداشته باشد، در مهار نقدینگی و کاهش نرخ تورم هم موفقیتی نخواهد داشت. در واقع سؤال ما از مسئولین بانک مرکزی این است که در حالی که با استقلال بانک مرکزی فاصله زیادی داریم، چه کسی تضمین می‌دهد نرخ تورم کاهش پیدا کند. اگر هیأت وزیران مصوبه‌ای داشته باشد که منجر به افزایش نقدینگی شود، بانک مرکزی چطور می‌تواند جلوی رشد نقدینگی و تورم را بگیرد؟ اگر نمایندگان مجلس خود

مصوبه‌ای به دولت ابلاغ کردند که رشد نقدینگی و تورم را به دنبال داشت، بانک مرکزی چه اختیاری برای مهار نقدینگی و تورم دارد؟ مشکل ما این است که بانک مرکزی می‌خواهد کاهش نرخ سود بانکی را به مهار نقدینگی و تورم موکول کند و برای مهار نقدینگی و تورم هم اختیار و برنامه ضمانت شده‌ای ندارد.

● در این شرایط آیا طرح مجلس می‌تواند بن‌بست موجود را بشکند؟

برای تدوین این طرح بررسی‌های کارشناسی انجام شده نشان می‌دهد که با کاهش حق‌الوکاله‌های بانک در مرحله اول تا حدود زیادی می‌توانیم نرخ سود تسهیلات پرداختی به تولیدکنندگان را کاهش دهیم. برای طراحی این طرح جلسات زیادی با مسئولان بانک‌ها داشتیم. ارائه‌دهندگان طرح معتقدند که در حال حاضر حق‌الوکاله بانک حدود ده درصد است اما مسئولان بانک مرکزی این رقم را قبول ندارند؛ اما مشاهدات و ارقام رسمی به وضوح می‌گویند که حق‌الوکاله واقعی بانک‌ها بین ۷/۵ تا ۱۰ درصد است. حتی اگر حق‌الوکاله بانک‌ها را همین ۷/۵ درصد هم در نظر بگیریم، باید دید استانداردها در این باره چه می‌گویند. آیا این میزان هم عادی است یا خود هزینه‌های تولید را به شکلی غیرمنطقی و بیش‌تر از رقبای جهانی ما افزایش می‌دهد؟

در رویه‌های بانکی، قیمت تمام شده منابع پول با توجه به نوع سپرده‌ها (قرض‌الحسنه‌ها، حساب جاری و غیره ...) متفاوت است. در سال‌های اخیر تسهیلات بانکی با نرخ‌های متفاوتی پرداخت شده، لذا می‌توان متوسط وزنی نرخ تسهیلات را به منظور کاهش هزینه تولید و هزینه تجهیز منابع تغییر داد. به هر حال باید سعی کنیم با کار کارشناسی دیدگاه‌ها را در جهت استدلال منطقی‌تر و قوی‌تر نزدیک کنیم.

• شروط لازم برای توفیق کامل اجرای طرح را چه می‌دانید؟

شرط لازم در این راه، کاهش نرخ تورم و افزایش کارایی بانک‌ها است. برای قدم برداشتن در جهت کاهش هزینه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی، حق‌الوکاله بانک‌ها باید کاهش پیدا کند.

از جمله سیاست‌هایی که باید اتخاذ شود، کاهش نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی است. از این طریق می‌توان هزینه تجهیز پول در کشور را کاهش داد. راهکارهای ترکیبی مانند کاهش نرخ ذخیره قانونی و کاهش حق‌الوکاله هم باید مورد توجه قرار گیرد.

به هرحال نمایندگان مجلس با در نظر گرفتن جمیع جهات و نظرات و دیدگاه‌های مختلف در این باره به نحوی تصمیم خواهند گرفت که تولید ملی و سرمایه‌گذاری اشتغالزا در کشور تقویت شود.

مصاحبه با دکتر غلامرضا مصباحی مقدم*

• انگیزه نمایندگان مجلس برای طراحی و تقدیم طرح منطقی کردن نرخ

سود بانکی چه بود؟

نرخ سود تسهیلات بانکی در کشور نسبت به سایر کشورهای جهان بالاست. بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی در کشور باعث شده تا هزینه تولید در کشور ما افزایش یابد به همین دلیل یکی از موانع عمده تولید را باید بالا بودن نرخ سود بانکی دانست.

از سوی دیگر باید توجه کرد که نرخ سود بانکی خود یکی از عوامل مهم و مؤثر در تورم است. این مشکل (بالا بودن نرخ سود بانکی) باعث خواهد شد تا هزینه تولید افزایش پیدا کرده و در نتیجه بر تورم موجود افزوده گردد.

همه این مسائل باعث شده تا تولیدات ایران توان رقابت در عرصه بین‌المللی را نداشته باشند. به همین دلیل نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند با طراحی و تصویب این طرح، از مشکلات تولیدکنندگان کم کرده و به خواست

* نماینده و عضو ناظر مجلس شورای اسلامی در شورای پول و اعتبار

منطقی آن‌ها پاسخ مثبت دهند.

● برای تحقق این هدف نمایندگان چه گام‌هایی لازم است؟

باتوجه به آنچه پیش‌بینی شده، در مرحله اول سهم حق‌الوکاله بانک‌ها طی ۱۸ ماه ۴/۵ درصد کاهش می‌یابد. تحلیل مجلس این است که هم‌اکنون سهم حق‌الوکاله بانک‌ها از تسهیلات اعطایی به حدود ده درصد می‌رسد لذا اگر این سهم ۴/۵ درصد کاهش پیدا کند، بانک‌ها ناچار خواهند شد در روش‌های غیربهرینه و هزینه‌های زاید خود تجدیدنظر کنند. در مرحله دوم پس از کاهش نرخ حق‌الوکاله و کاهش نرخ تورم، زمینه برای کاهش سود بانکی مهیا می‌شود. در مجموع باید گفت طبق پیش‌بینی‌ها مقرر شده طی ۳۶ ماه ۸/۵ درصد از نرخ سود تسهیلات بانکی کاسته شود.

● شرط لازم برای تحقق مصوبه مجلس چیست؟

مهم‌ترین شرط تحقق این طرح، انضباط مالی دولت و پیشگیری از رشد غیرمنطقی نقدینگی و مهار تورم است می‌باشد. مجلس شورای اسلامی با مصوبات و موضع‌گیری‌های خود در ماه‌های اخیر نشان داد که برای تحقق این هدف کاملاً آماده کمک به دولت است. شرط دیگر اجرای کامل این طرح، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های نظام بانکی است. امیدوارم مسئولان بانک‌ها با گام برداشتن در این جهت، به اجرایی شدن کامل این طرح کمک کنند.

● نظرتان درباره انتقادهای مخالفان این طرح چیست؟

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفین طرح، این بود که قوه مقننه نباید در سیاستگذاری پولی - بانکی کشور دخالت کند. بلکه این کار وظیفه دولت و شورای پول و اعتبار است. نمایندگان مجلس با وجود درخواست‌های مکرر

تشکل‌های تولیدی کشور درباره کاهش دادن نرخ سود بانکی و با توجه به این‌که این مسأله به تولید و اشتغال کشور صدمه قابل توجهی زده است، در ابتدا منتظر ماندند تا شورای پول و اعتبار اقدام کند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد به همین دلیل خود رأساً وارد عمل شدند، از سوی دیگر به لحاظ قانونی هم دخالت و قانونگذاری مجلس در این باره نه تنها هیچ منع قانونی ندارد، بلکه خود شورای پول و اعتبار هم، اعتبار قانونی خود را از مجلس گرفته است. استدلال دیگر مخالفین طرح این بود که اگر نرخ سود تسهیلات بانکی کاهش پیدا کند، دیگر انگیزه‌ای برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها وجود نخواهد داشت اما در پاسخ این عده هم باید یادآوری کرد که تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد سپرده‌گذاران به نرخ سود سپرده‌ها چندان حساس نیستند. طی ۲۰ سال گذشته که نرخ سود سپرده‌ها در اغلب سال‌ها کم‌تر از نرخ تورم بوده، نه تنها از حجم سپرده‌ها کم نشده، بلکه بین ۳۰ تا ۳۵ درصد هم افزایش یافته است. برخی نیز تصمیم نمایندگان مبتنی بر کاهش نرخ سود بانکی را نوعی بی‌عدالتی می‌دانستند و معتقد بودند به سپرده‌گذاران اجحاف می‌شود. دلیل آن‌ها هم این بود که کاهش ارزش پول سپرده‌گذاران با نرخ‌های جدید جبران نمی‌شود. در جواب این عده باید گفت چرا هم‌اکنون که نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت کم‌تر از ۷ درصد است، هیچ کس سخنی از اجحاف به سپرده‌گذاران نمی‌گوید. این در حالی است که بیش از ۴۷ درصد کل سپرده‌های بانکی را سپرده‌های کوتاه‌مدت تشکیل می‌دهد.

در مجموع امید می‌رود با این طرح ابتدا کارمزد بانک‌ها کاهش پیدا کند و با مهار نقدینگی و تورم، سرمایه‌گذاری تولیدی در ایران، مقرون به صرفه شده و اقتصادی‌ترین فعالیت برای صاحبان وجوه نقد شود.

صفحه سفید

مصاحبه با دکتر احمد توکلی*

• آقای دکتر، اصولاً هدف مجلس از طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی چه بود؟

در نگاه محدود به طرح، می‌توان انگیزه نمایندگان و طراحان را در مقدمه طرح تقدیمی مشاهده کرد. شواهد متعدد نشان می‌دهد که در نرخ‌های سود بانکی موجود، سرمایه‌گذاری در صنایعی که در بازار رقابتی محصول خود را عرضه می‌کنند، مقرون به صرفه نیست چرا که این‌گونه کسب و کارها که اغلب صنایع کوچک و متوسط مانند صنایع کفش، پوشاک، صنایع غذایی، چینی، سرامیک و ... را در برمی‌گیرند نرخ بازدهی نهایی سرمایه کمتر از نرخ موجود سود تسهیلات بانکی است.

از زاویه کلان هم نمایندگان مجلس، ایده کلی خود برای اقتصاد ایران را اقتصادی کردن تولید و سرمایه‌گذاری در ایران نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی و اداره کشور از محل مالیات از سود تولید اعلام کرده‌اند در واقع از

* نماینده منتخب مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نگاه من این طرح را باید جزئی از یک «بسته سیاستی» دید. مجموعه‌ای از اقدامات برای مقرون به صرف کردن تولید در ایران که با طرح مهار تورم و تثبیت قیمت کالاها و خدمات شرکت‌های انحصارگر دولتی شروع شد، با تلاش برای محدود کردن و منضبط کردن هزینه‌ای دولتی در جریان تصویب بودجه سال ۱۳۸۴ ادامه یافت و در آینده با ارائه طرح‌های موسوم به رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری ادامه خواهد یافت.

• با وجود نرخ‌های بسیار بالای بهره در بازار غیرمتشکل پولی، آیا کاهش نرخ‌های نسبتاً پایین سود تسهیلات بانکی، رانت موجود در دسترسی به این تسهیلات را عمیق‌تر و گسترده‌تر نخواهد کرد؟

بدیهی است که کاهش از نرخ سود تسهیلات بانکی، تعداد موجود متقاضیان برای تسهیلات را بیش‌تر خواهد کرد و به رانت موجود برای دریافت تسهیلات خواهد افزود. اما باید ببینیم با کاهش از نرخ سود تسهیلات چه چیزی به دست می‌آوریم و چه چیزی از دست می‌دهیم. با این طرح سرمایه‌گذاری در بسیاری از صنایع کوچک و متوسط که در هر کشوری بار اصلی اشتغال را به دوش می‌کشند، توجیه‌پذیر و اقتصادی می‌شود. علاوه بر این با کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، عده‌ای از متقاضیان وجوه از بازارهای غیرمتشکل پولی به امید دستیابی به این مبالغ مالی نسبتاً ارزان در صف دریافت تسهیلات بانکی قرار می‌گیرند و در نتیجه تقاضای وجوه در آن بازار کاهش یافته و نرخ بهره در بازار غیررسمی و غیرمتشکل پول نیز کاهش می‌یابد.

البته باید پذیرفت که کاهش نرخ سود تسهیلات در این شرایط رانت موجود را بیش‌تر می‌کند. اما این دلیل موجهی برای مخالفت با این طرح نیست چرا که اولاً اکنون هم این رانت و مفاسد ناشی از آن وجود دارد ثانیاً راه‌حل این مشکل، حذف فساد در سیستم بانکی است. دادن امتیاز و حتی رانت به

تولید الزاماً بد نیست. توزیع بد و ناسالم و فسادانگیز امتیاز بد است. دادن امتیاز به تولیدکنندگان کوچک و متوسط در همه دنیا مرسوم است. در امریکا سازمان بنگاه‌های کوچک امریکا مشهور به SBA از سال ۱۹۵۳ تأسیس شده و تاکنون به بیش از ۲۰ میلیون بنگاه اقتصادی کمک مستقیم یا غیرمستقیم ارائه داده است. در پرتفوی کنونی اعطای وام SBA، ۲۱۹ هزار درخواست وام به ارزش ۴۵ میلیارد دلار وجود دارد.

بنابراین، امکان ایجاد فساد در حین پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به هیچ وجه دلیل موجهی برای کاهش ندادن نرخ سود بانکی نیست. مهم این است که بتوانیم الگویی طراحی کنیم که این تسهیلات ارزان و امتیازگونه با کم‌ترین فساد ممکن به دست بهترین تولیدکننده‌ها و موجه‌ترین طرح‌های سرمایه‌گذاری برسد.

روشن است که در حال حاضر در نظام بانکی ما فرایند پذیرش تقاضای تسهیلات و بررسی و پاسخگویی به آن‌ها بسیار غیرشفاف و سلیقه‌ای است چه بسا یک طرح توجیهی که به دو شعبه یک بانک ارائه شود، دو پاسخ متضاد دریافت کند. البته چنان‌که گفته شد، هدف کاهش هزینه‌های تولید است و این خود یک امتیاز یا رانت برای تولید است ولی راه رسیدن این امتیاز به بهترین تولیدکننده و طرح تولیدی واجد شرایط این است که سازوکار دریافت، بررسی و پاسخگویی و پرداخت تسهیلات بانکی کاملاً شفاف و نظام‌مند شود. به طوری که هر کس یک طرح سرمایه‌گذاری قابل قبول با معیارهای نظام بانکی در دست داشته باشد، قبل از مراجعه به هر شعبه بانک، بداند که پاسخ بانک چه خواهد بود و چه زمانی تسهیلات را دریافت خواهد کرد. در این صورت اعتبارات بانکی به موجه‌ترین طرح‌ها پرداخت می‌شود نه کسانی که زودتر در صف دریافت تسهیلات ایستاده‌اند یا می‌توانند رابطه ناسالمی با مسئولان بانک برقرار کنند.

ما در مرکز پژوهش‌ها به دنبال طراحی این الگو هستیم البته روشن است که مسئولان نظام بانکی باید به دنبال چنین راهکارهایی باشند ولی وقتی سال‌هاست ناکارآمدی و فساد موجود در نظام پرداخت تسهیلات تحمل می‌شود و دولتمردان نسبت به اختلال شدیدی که این مسأله در پرداخت تسهیلات و سرمایه‌گذاری در کشور ایجاد کرده با بی‌تفاوتی برخورد می‌کنند، ما در مجلس وظیفه خود می‌دانیم که این بار مانده بر روی زمین را برداریم. بدیهی است که اگر شرایط تولیدکنندگان کوچک و متوسط ما اضطراری نبود، منطقاً باید اول سازوکار پرداخت تسهیلات را اصلاح می‌کردیم و بعد طرح منطقی کردن نرخ سود بانکی را ارائه می‌دادیم، اما متأسفانه شرایط تولیدکنندگان ما واقعاً بحرانی است و تعداد قابل ملاحظه‌ای از صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) کشور در معرض خطر ورشکستگی هستند.

• قبول دارید که نقطه ضعف این طرح، بی‌توجهی به نرخ بهره در بازار

غیررسمی و غیرمتشکل پولی است؟

شاید این طور باشد ولی کاستن از بازار غیررسمی پول هم راه حل دارد. در ماه‌های اخیر و به ویژه پس از ارائه این طرح مجلس، نرخ بهره در بازار غیررسمی و سیاه پول از ۳۶ تا ۷۰ درصد نرخ اعلام شده است؟ چرا این بازار نرخ بهره مشخص ندارد و نرخ در آن به این حد بالاست؟ به نظر من فقدان امنیت و قانونمندی این بازار عامل گرانی بسیار شدید نرخ پول در آن است.

در واقع اگر همه عرضه‌کنندگان وجوه نقد و کل پس‌اندازهای مردمی از یکسو و همه تقاضاکنندگان وجوه و همه متقاضیان دریافت تسهیلات، برابر همدیگر قرار بگیرند و متقاضیان و عرضه‌کنندگان وجوه تحت حمایت کامل و مؤثر نهادهای بیمه‌گر همدیگر را ملاقات کنند و با استفاده از انواع عقود شرعی

با همه انواع قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و... منعقد کنند، آیا باز هم نرخ سود بهره در این بازار فرضی و یا بازار غیررسمی موازی آن به این شدت بالا خواهد بود؟ من فکر می‌کنم ما باید به دنبال تشکیل چنین بازار سرمایه‌ای برویم. بازاری شفاف، قانونمند و با حداکثر کارآمد ممکن که نظام دریافت پس‌اندازها و پرداخت تسهیلات بانک‌ها جزئی از آن باشند و نهادهای بیمه‌گر هم در آن فعالانه حاضر باشند و خدمت ارائه کنند.

• برای این که چنین طرح‌هایی اجرا شود ضمانت اجرایی خاصی وجود دارد؟ همین الان هم بانک‌ها برخی از مصوبات دولت را که به زیان‌شان باشد اجرا نمی‌کنند و مثلاً برخلاف دستور شورای پول و اعتبار، درصد بیش‌تری از تسهیلات را به بخش خدمات می‌دهند و درصد کم‌تری را به بخش کشاورزی و صنعت؟

یادتان باشد که ما با ارائه این طرح نمی‌خواهیم همه مشکلات اقتصاد کشور را حل کنیم، بلکه این طرح یک گام از گام‌های روشن مجلس برای اقتصادی کردن تولید و سرمایه‌گذاری در ایران است. این که نظام بانکی مصوبات شورای پول و اعتبار را اجرا نمی‌کند، مسأله دیگری است و به اقتدار و اراده دولت و دو عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار بستگی دارد. در مجلس هفتم اعضای ناظر در این شورا از قوی‌ترین نمایندگان هستند و مطمئن هستم به شکلی اصولی و مؤثر این‌گونه بی‌توجهی‌های بانک‌ها به مصالح اقتصاد کشور را کاهش خواهند داد و قطعاً اجازه نخواهند داد اجرای این طرح در صورت تصویب نهایی، بدون عذر موجه به تأخیر افتد. اما این که بانک‌ها سهم بیش‌تر تسهیلات را به فعالیت‌های خدماتی می‌دهند تا تولیدی، به بیماری مزمن و ساختاری اقتصاد ایران برمی‌گردد که در آن تولید کالا، سودآورترین فعالیت

اقتصادی نیست. برای این که رشد اقتصادی ما پایدار و عمیق و بی تأثیر از حقیقت جهانی نفت شود، برای این که برای همه جوانان ما شغل کافی وجود داشته باشد، برای این که روند فرار مغزها و سرمایه ها معکوس شود و برای این که شکل تورم به شکل اساسی حل شود، چاره ای نداریم جز این که تولید را در این کشور مقرون به صرفه ترین و اقتصادی ترین گزینه ممکن برای صاحبان سرمایه نقدی و کارآفرینان کنیم.

بدیهی است بخش خدماتی متناسب و سودآور نیز مکمل کار تولید خواهد بود. داروی بیماری مزمن و ساختاری اقتصاد ایران، رفع موانع تولید و سرمایه گذاری است. به ویژه سرمایه گذاری بخش خصوصی و در صنایع کوچک و متوسط رشد اقتصادی که ریشه در سرمایه گذاری دولت در حوزه های نفتی، معادن، سدها و مجتمع های فولاد باشد، خوب است، ولی کافی نیست. هر وقت قیمت تمام شده کفش و پوشاک و چینی آلات و این قبیل محصولات ایرانی در کیفیت های برابر ارزان تر از محصولات رقیب خارجی باشد، در آن صورت می توانیم به رشد اقتصادی مان افتخار و اعتماد کنیم. برای رسیدن به این شرایط هم باید نرخ سود تسهیلات بانکی را پایین بیاوریم نمی توانیم از تولیدکننده ایرانی بخواهیم که با همکار چینی و کره ای اش رقابت کند در حالی که آن ها با نرخ ۴ درصد تسهیلات می گیرند ولی تولیدکننده ما با نرخ ۱۸ درصد. تازه اگر هزینه های جانبی دریافت تسهیلات را در نظر بگیریم می بینیم که قیمت تمام شده تسهیلات دریافتی برای تولیدکنندگان ایرانی از ۲۰ درصد هم فراتر است.

● واکنش و مخالفت مقامات ارشد بانکی کشور به این طرح کلی دور از انتظار بود. به نظر شما چرا مسئولان بانک مرکزی و برخی از بانکها با طرح منطقی کردن سود بانکی با آن شدت که در اواخر دی‌ماه و اوایل بهمن‌ماه دیدیم مخالفت کردند؟

من هم با دیدن این نوع مخالفت شدید متعجب و متأسف شدم، چرا که مسئولان محترم بانک مرکزی، خود به ضرورت کاهش نرخ سود بانکی لفظاً و کتباً اعتراف کرده بودند. ما قبل از طراحی این طرح از آن‌ها دعوت کردیم. نتیجه مطالعه پژوهشکده تحقیقات پولی و بانکی هم که در آن چند مدل اقتصاد کلان ایران شبیه‌سازی شده به ضرورت کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی تصریح و تأکید کرده است. اصولاً کاهش نرخ سود بانکی جز اهداف برنامه چهارم توسعه است!

به همین دلیل بعد از ارائه طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی آن مخالفت شدید مسئولان بانکی و ایجاد ائتلاف آن‌ها علیه این طرح را دیدم، واقعاً متأسف شدم آن روزها ما تصمیم گرفتیم به آن طور واکنش‌های شدید و احساساتی توجهی نکنیم (به‌ویژه که بازار بورس سهام هم در وضع بدی بود) و پاسخ نقدهای خیرخواهانه و ارائه استدلال‌های طرح را بعد از آرام شدن فضا و فروکش کردن آن جو احساسی و غیرعقلایی موکول کنیم. البته دیدید که آن جو تند علیه طرح مجلس خیلی زود هم فروکش کرد.

من فکر می‌کنم البته مخالفت برخی مدیران یا اقتصاددانان طرفدار دولت با این طرح را باید در رواج نگاه جزیره‌ای در اداره کشور جستجو کرد. مدیران بانکها می‌خواهند سود بالایی ببرند شعبه‌های لوکس‌تری بسازند، دفتر مرکزی‌شان در برج بلندتری مستقر شود. بعضی از این خواسته‌ها می‌تواند موجه باشد ولی نه در شرایطی که تولیدکنندگان صنایع کوچک و متوسط ما در اثر فشار هزینه‌ها در معرض ورشکستگی هستند و حتی برخی از آن‌ها به

دلیل ناتوانی در پرداخت، اصل و فرع جریمه‌های دیرکرد تسهیلات بانکی خود به زندان افتاده‌اند.

متأسفانه در طول سال‌های گذشته یک نوع بی‌تفاوتی نسبت به افزایش هزینه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی ایجاد شده است به طوری که وقتی به شرکت‌های انحصارگر دولتی یا بانک‌های دولتی می‌گوییم از هزینه‌های زایدتان بکاهید و بهره‌وری‌تان را بالا ببرید، به شدت اعتراض می‌کنند گویی این درخواست معقول، دینی و قانونی مصوب در برنامه‌های سوم و چهارم، درخواست غیرمعقولی است!

بالاخره شروع اصلاحات واقعی در اقتصاد ایران با محدود کردن هزینه‌های زاید بخش عمومی همراه خواهد بود و بالاخره شرکت‌ها و بانک‌های دولتی باید روزی بپذیرند که نمی‌توانند برای همیشه هزینه‌های خود را مستمراً افزایش دهند و ناکارامدی و بهره‌وری نازل خود را به دوش مصرف‌کنندگان کالاهای انحصاری خود یا تسهیلات گیرندگان منتقل کنند و در واقع هزینه‌های فزاینده و زاید خود را از جیب مردم و تولیدکنندگان بردارند. به نظر من اگر به درستی و جهت راهی که می‌رویم اطمینان داشته باشیم و انتقادهای سازنده و دلسوزانه را هم در اصلاح حرکت‌مان تأثیر بدهیم، نباید از جوسازی‌ها و شانتاژها کوچک‌ترین ترس و تردیدی به خود راه بدهیم، جوسازی و هوچی‌گری در برابر استدلال برای مدت زیادی نمی‌تواند دوام بیاورد.

بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره طرح‌های اقتصادی مجلس*

ملت شریف و بزرگوار ایران

اکنون که نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی با طراحی و تصویب چند قانون مهم در حوزه اقتصاد، رویکرد جدیدی برای سیاستگذاری اقتصادی کشور ارائه کرده‌اند، برخود لازم دانستیم در طلیعه بیست و هفتمین سالگرد انقلاب اسلامی و عدالت‌خواهانه‌مان، نکاتی را برای استحضار شما تقدیم کنیم:

۱. تماس دائمی و نزدیک نمایندگان مجلس هفتم با اقشار و طبقات گوناگون مردم در شهرها و روستاهای اقصی نقاط کشور، هر روز به ما یادآوری می‌کند که مهار تورم و بهبود وضع معیشت و اشتغال عمومی، همچنان اولین و اصلی‌ترین خواسته ملت از مسئولان کشور است.

* این بیانیه با امضای ۲۱۶ نفر از نمایندگان در تاریخ چهارشنبه ۱۳۸۳/۱۲/۵ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شد.

از سوی دیگر، دریافت هزاران پیام، نامه و گزارش درباره بیکاری، کاستی‌ها و موانع متعدد و طاقت‌فرسای موجود بر سر راه تولید و کسب و کار شرافتمندانه در کشور، ما را مصمم‌تر کرد با آسیب‌شناسی مبانی و سازوکارهای حاکم بر اقتصاد ایران، مجموعه‌ای منسجم از راهکارهای علمی و حقوقی را برای تغییر و اصلاح سیاست‌ها و رویکردهای اشتباه، طراحی و تقدیم کنیم که برخی از آن‌ها تاکنون مطرح یا تصویب شده و تعداد دیگر هم ان شاء الله... به تدریج ارائه خواهد شد.

۲. محوری‌ترین هدفی که تصمیم‌های اقتصادی مجلس هفتم تعقیب می‌کند، ایجاد شرایط و محیطی است که در آن تولیدکنندگان کشور به جای گرفتاری در دیوانسالاری پیچیده و بعضاً فاسد موجود و نگرانی دائمی از افزایش قیمت مواد اولیه، صرفاً به کار و ابتکار بیشتر، به کارگیری فناوری‌های بهتر، ایجاد شغل بیشتر، تولید کالاهای مرغوب‌تر، گشودن بازارهای جدید و خدمت بهتر و بیشتر به مشتریان بیاورند. در این شرایط است که جوانان خلاق و تحصیلکرده ما فرصت می‌یابند توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را در عرصه اقتصاد ملی و جهانی نشان دهند.

به عبارت دیگر، ما در مجلس هفتم تصمیم داریم با گشودن گره‌ها و قید و بندهای زاید از دست و پای تولیدکنندگان ایرانی، به سمت وضعیتی برویم که در آن سرمایه‌گذاری تولیدی از هر فعالیت درآمدزای دیگری در ایران، پرمفعت‌تر و اقتصادی‌تر باشد و نیازهای کشور در عمومی، دفاعی و اجتماعی از محل مالیات از سود تولید تأمین شود.

تلاش برای منطقی شدن نرخ سود تسهیلات بانکی که خواست همیشگی و صحیح تولیدکنندگان کشور بوده است، تلاش برای کاهش هزینه‌های تولید با تعیین سقف قیمت برای برخی کالاها و خدماتی که به شیوه انحصاری و در فضای عدم کارایی معمول در بنگاه‌های دولتی تولید می‌شوند و نیز تشویق و

اجبار دستگاه‌های دولتی برای صرفه‌جویی در هزینه‌های غیرضروری و منضبط کردن واقعی بودجه دولتی گام‌های نخست و البته جدی برای رسیدن به هدف و شرایط آرمانی ذکر شده است.

۳. ماده (۳) از قانون برنامه چهارم توسعه که از تصویب مجلس دوره ششم گذشته بود، دولت را مکلف می‌کرد قیمت بنزین، گازوییل و نفت کوره را تا نزدیک به ۴ برابر قیمت فعلی (هر لیتر بنزین حدود ۳۰۰ تومان) افزایش دهد. بررسی‌های علمی کارشناسان داخلی و خارجی، عواقب این تصمیم خطرناک را تحمیل تورمی فاجعه‌بار و ایجاد هرج و مرج و نوسانی با ابعاد غیرقابل پیش‌بینی به اقتصاد ملی نشان می‌داد. نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی با احساس خطر از عواقب اجرای این ماده قانونی، آن را از اساس تغییر دادند.

البته ما نیز وضع فعلی مصرف سوخت و به ویژه بنزین را ناعادلانه و غیرقابل قبول می‌دانیم اما شواهد و تجربیات ۱۵ سال اخیر نشان داده است که افزایش قیمت سوخت، علاوه بر پیامدهای ناگواری که دارد، هرگز نتوانسته از رشد مصرف آن به طور قابل توجهی بکاهد. بنابراین در اصلاح ماده (۳) برنامه چهارم توسعه، از دولت خواستیم به جای افزایش قیمت سوخت، با طراحی و اجرای «سیاست‌های غیرقیمتی» از مصرف بی‌رویه و مسرفانه سوخت جلوگیری کنند.

۴. ما ضمن قدردانی صمیمانه از همه تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی که از بدو پیروزی انقلاب تا امروز برای ایجاد زیر ساخت‌های تولید و سرمایه‌گذاری در کشور شده است، تأکید می‌کنیم که طرح‌ها و تصمیمات اقتصادی مجلس هفتم را بی‌نیاز از نقد و اصلاح نمی‌دانیم، اما نقدی مفید و مؤثر خواهد بود که از روی خیرخواهی و مساعدت بیان شود نه از سر تهمت پراکنی و با انگیزه جوسازی.

استمرار تهمت و جوسازی به ویژه از طرف کسانی که ادعای علمی بودن سخن خود را دارند، هر ناظر بی‌طرفی را درباره انگیزه این مدعیان، به تأمل وامی‌دارد. به ویژه آن‌که به یاد بیاورد اتهام‌ها و غوغاسالاری از طرف کسانی صورت می‌گیرد که طی ۱۵ سال گذشته عقاید و نظرات خود را در اقتصاد ایران به آزمایش گذاشته‌اند و اوضاع فعلی اقتصاد ایران، نتیجه اجرای نظرات ایشان است.

۵. برخی از مدعیان، نمایندگان مردم را متهم می‌کنند که با انگیزه‌های سیاسی طرح‌های اقتصادی اخیر را طراحی و تصویب کرده‌اند. به این دسته از مدعیان یادآوری می‌کنیم که مهار تورم و تثبیت قیمت‌ها، کاستن از نرخ سود تسهیلات بانکی و رفع سایر موانع تولید و سرمایه‌گذاری، خواسته‌ای ملی و از نظر ما کاملاً منطقی و به حق است. نمایندگان ملت نمی‌توانستند برای پرهیز از متهم شدن به سیاسی کاری، در برابر تصمیم اشتباه و فاجعه‌بار چند برابر کردن قیمت بنزین، سکوت کنند.

برخی سیاستمداران، طرح‌های اقتصادی مجلس را «دستوری» می‌نامند و نمایندگان مجلس را متهم می‌کنند که می‌خواهند نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم را با «دستور» کاهش دهند. البته این سیاستمداران خود به خوبی اطلاع دارند که نرخ سود بانکی و بسیاری از خدمات و تولیدات بنگاه‌های دولتی که در شرایط انحصاری تولید می‌شوند، هر سال با «دستور» بانک مرکزی و دولت و مجلس افزایش می‌یافته است اما کاری که نمایندگان مجلس هفتم کرده‌اند این بوده است که از تداوم صدور این دستورهای اشتباه جلوگیری کرده‌اند. جا دارد سوال شود اگر اقدامات دستوری در اقتصاد کشور این اندازه مزوم است چرا در سال‌های گذشته که با دستور دولت قیمت کالاها گران‌تر می‌شده و بار زندگی بر دوش مردم سنگین‌تر می‌گردید دستوری بودن عیب نبوده، ولی امسال که با تصمیم مجلس جلوی گرانی دستوری گرفته شده

تا کمکی به مردم شود، ناگهان این شیوه غیرعملی و تبلیغاتی و سیاسی تلقی شده است.

در واقع نمایندگان ملت با دو طرح اخیر، از طرف ملت نجیب و بزرگوارا ایران از دولتمردان خواسته‌اند تا از سال آینده به جای افزایش قیمت برخی کالاها و خدمات دولتی، کسر بودجه دولت را با کاهش هزینه‌های غیرضروری جبران کنند. هزینه‌هایی مانند احداث بناهای لوکس، تغییر دکوراسیون‌ها، سفرهای غیرضروری به خارج، مراسم و همایش‌های کم حاصل و تشریفاتی، پاداش‌های بی‌حساب و بی‌ارتباط با زحمت و خدمات مدیران و

۶. درباره نرخ سود تسهیلات نیز در گام اول خواسته ما از مسئولان نظام بانکی این است که اختلاف سود تسهیلات و سپرده‌ها را کاهش دهند تا تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران با شرایط سهل‌تری از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها استفاده کنند.

منصفانه نیست از تولیدکنندگان ایرانی که سودهای ۱۵ تا ۲۵ درصدی برای تسهیلات دریافتی خود می‌پردازند بخواهیم با رقبای خارجی خود که با سودهای یک رقمی وام می‌گیرند، رقابت کنند. ما معتقدیم تولیدکنندگان ایرانی اگر در شرایط منطقی و منصفانه‌ای با رقبای جهانی خود قرار بگیرند، از میدان رقابت سربلند بیرون خواهند آمد و بدین ترتیب اشتغال نیز تضمینی پیدا می‌کند.

۷. ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی از شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران و نیز بیمه مرکزی ایران که با اعلام افزایش ندادن نرخ خدمات خود در سال ۱۳۸۴، داوطلبانه «طرح تثبیت قیمت‌ها و مهار تورم» را به حوزه مسئولیت خود تسری داده‌اند، سپاسگزاریم و از همه تشکل‌های تولیدی و خدماتی به ویژه اصحاب حمل و نقل عمومی و تاکسیرانی‌های سراسر کشور دعوت می‌کنیم با پیوستن به این حرکت ملی، همه تمهیدات لازم را برای

پیشگیری از افزایش نرخ کالاها و خدمات در نوروز ۱۳۸۴ و ماه‌های بعدی به کار گیرند تا اولین گام برای مهار تورم مزمن اقتصاد ایران، با توفیق بیش‌تری همراه شود.

۸. روشن است که غلبه بر مشکل تورم و بیکاری و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری در کشور، یک شبه حاصل نمی‌شود، دستیابی به این آرمان بزرگ، پیمودن راهی سخت و طولانی را می‌طلبد، اما اگر هدف و جهت را درست انتخاب کرده باشیم، نتیجه شیرین و گوارا خواهد بود. حرکت به سمت این هدف آرمانی، به همراهی همه جانبه دولتمردان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، در یک کلام، به یک اراده ملی نیاز دارد. از همین رو ما نمایندگان ملت از مدیران شریف و متعهد دولتی می‌خواهیم برای صرفه‌جویی بیش‌تر در هزینه‌های غیرضروری و کارایی بالاتر در خدمت‌رسانی همه همت خود را به کار گیرند. از مدیران و تولیدکنندگان بخش خصوصی می‌خواهیم با پشتکار و امید بیش‌تر، راه‌های جدیدتر افزایش کارایی و بهره‌وری را ابداع کنند و به کار گیرند و از همه کارشناسان و اهل نظر و تجربه دعوت می‌کنیم خیرخواهانه اشکالات کارمان را به ما نشان دهند و دست یاری نمایندگان این ملت نجیب و صبور را که برای خدمتگزاری به مردم به سوی آنان دراز شده بفشارند.

به: نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

موضوع: نرخ سودهای بانکی

خانه صنعت و معدن تقدیر و تشکر خود را از رادمردانی که یکی از دردهای اقتصادی مردم را احساس کرده و برای مقابله با آن راهگشایی کرده‌اند، اعلام می‌نماید و از مرکز پژوهش‌ها و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و همه بزرگوارانی که در این راستا به کمک فعالان اقتصادی برخاسته‌اند قدردانی نموده، امید است با تصویب نهایی طرح کاهش نرخ سودهای بانکی، اقتصاد و صنعت کشور رونق و جان دوباره بگیرد. صنعتگران ایران، اندیشه والای شما را می‌ستایند.

شورای مرکزی خانه‌های صنعت و معدن کشور

۱۳۸۳/۱۰/۲۶